

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

قرآن و تعلیمات دینی (۳)

کپی و رنگ

این کتاب دارای نوار آموزشی قرائت آیات دروس است. دانش آموزان عزیز می توانند با همکاری دبیر محترم نسبت به تهیه آن از طریق نمایندگی انتشارات مدرسه در شهرستان خود، اقدام کنند.

سال سوم دبیرستان

۱۳۹۵

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

نام کتاب: قرآن و تعلیمات دینی (۳) دین و زندگی سال سوم دبیرستان - ۲۵۱

شورای برنامه‌ریزی و تألیف: محمد مهدی اعتصامی، حجة الاسلام حمید پارسانیا، حجة الاسلام سیدصادق پیشنمازی،

عباس جوارشکیان، فضل الله خالقیان، سیدمحمد دلبری، حجة الاسلام محمد ابراهیم سلطانی،

حجة الاسلام حسین سوزنجی، حجة الاسلام علی شیروانی، سید حمیدطالب‌زاده، سید محسن میرباقری

و مسعود وکیل

مؤلف: محمد مهدی اعتصامی

ویرایش: واحد ویرایش دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۳۵۹

وب‌سایت: www.chap.sch.ir

مدیر امور فنی و چاپ: لیدا نیک‌کروش

طراح گرافیک و طراح جلد: امیر نساچی

صفحه‌آرا: شهرزاد قنبری

حروفچین: فاطمه باقری‌مهر

مصحح: حسین چراغی، علی نجمی

امور آماده‌سازی خبر: سپیده ملک‌ایزدی

امور فنی رایانه‌ای: حمید ثابت کلاچاهی، مریم دهقان‌زاده

ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران - تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (دارو بخش)

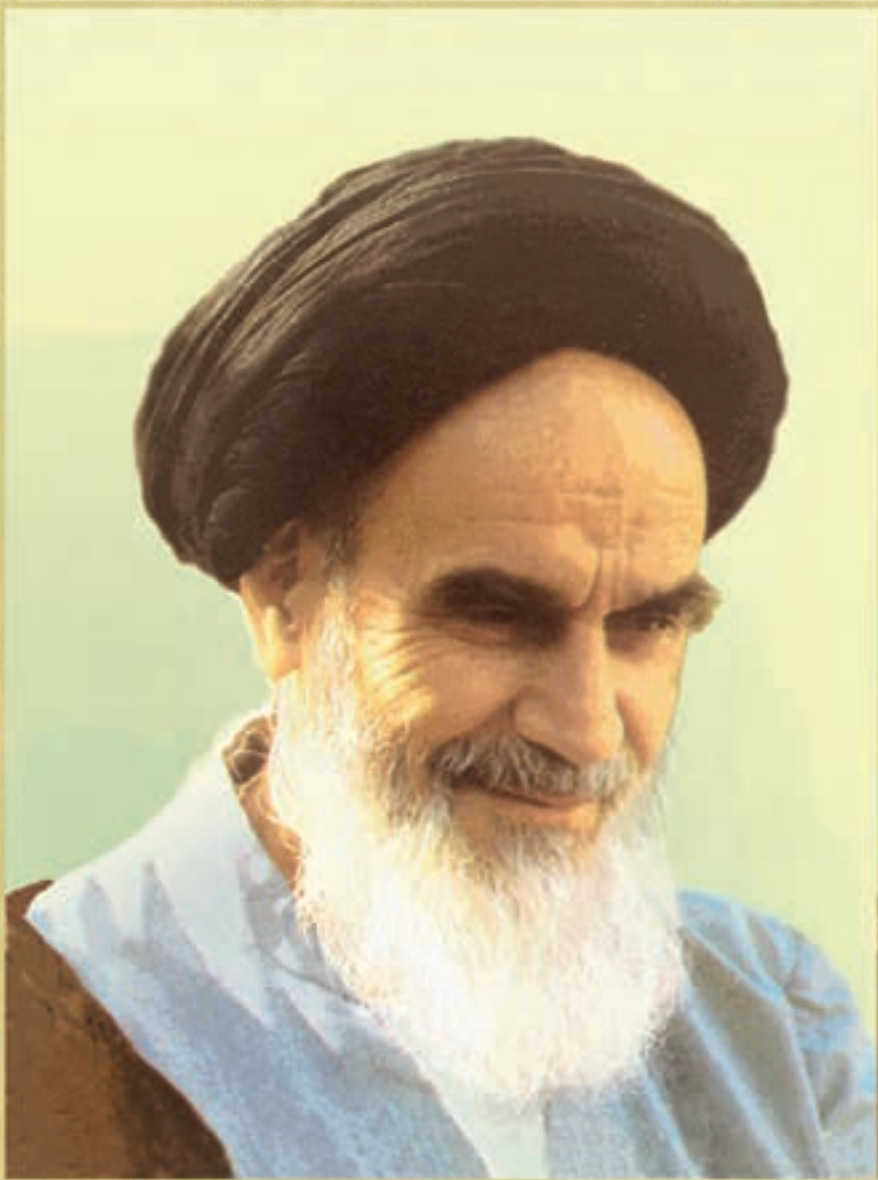
تلفن: ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹-۳۷۵۱۵

چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ دوازدهم ۱۳۹۵

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۷-۱۳۷۱-۵-۹۶۴ ISBN 964-05-1371-7



زندگی در دنیای امروز، زندگی در مدرسه اراده است و سعادت و شقاوت هر انسانی به اراده همان انسان رقم می خورد. اگر بخواهید عزیز و سربلند باشید، باید از سرمایه های عمر و استعداد های جوانی استفاده کنید و با اراده و عزم راسخ به طرف علم و عمل و کسب دانش حرکت نمایید.

(صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۵)

فهرست

مقدمه

مجاهد اول

۵	اندیشه و قلب
۸	درس اول : هدایت الهی
۲۰	درس دوم : هدایت مستمر
۳۶	درس سوم : معجزه‌ای از نوع کتاب
۴۸	درس چهارم : گستره رسالت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
۵۸	درس پنجم : تداوم رسالت
۷۴	درس ششم : جایگاه امامت
۸۴	درس هفتم : وضع فرهنگی و سیاسی عصر ائمه <small>علیهم السلام</small>
۹۴	درس هشتم : احیای ارزش‌های راستین
۱۰۸	درس نهم : خورشید پنهان
۱۱۶	درس دهم : در انتظار طلوع
۱۳۲	درس یازدهم : مرجعیت و ولایت فقیه
۱۴۲	درس دوازدهم : ویژگی‌های حکومت اسلامی

مجاهد دوم

۱۵۵	پایداری در عزم
۱۵۸	درس سیزدهم : عزت نفس

مجاهد سوم

۱۷۱	در مسیر
۱۷۴	درس چهاردهم : زمینه‌های پیوند
۱۸۸	درس پانزدهم : پیوند مقدّس
۲۰۰	درس شانزدهم : کانون مهر
۲۱۵	کتاب‌نامه

دانش آموز گرامی

سلام بر شما

کتاب دین و زندگی (۳) در ادامه کتاب‌های سال اول و دوم در اختیار شماست. در این کتاب نیز قدم‌های دیگری برای برنامه‌ریزی زندگی براساس دین برداشته می‌شود و راه‌های دیگری برای رسیدن به موفقیت‌های بالاتر پیشنهاد می‌گردد. این کتاب نیز به گونه‌ای نوشته شده است که در یادگیری آن، حضور فعال و پویا داشته باشید؛ توان فکری خود را به کار گیرید، احساس خویش را بیان کنید، خلاقیت‌های ادبی و هنری خود را نشان دهید و بالاخره، مطابق موقعیت و سلیقه خویش، برنامه‌ریزی کنید.

اکنون، بار دیگر نکاتی را که در سال گذشته توضیح داده‌ایم، یادآوری می‌کنیم:

۱- قسمت‌هایی از کتاب با مشارکت شما تکمیل می‌شود؛ این قسمت‌ها عبارت‌اند از:
- معنا کردن برخی از عبارات و آیات شریفه قرآن کریم؛ با این کار، احساس خواهید کرد که با اندکی تلاش می‌توان معنای آیات را فهمید و در آن‌ها تفکر و تدبیر کرد.

- در برخی از درس‌ها، عنوان‌های فرعی داخل درس را شما انتخاب می‌کنید.

- نتایج موردنظر در برخی درس‌ها، با فعالیت فردی یا گروهی شما در کلاس به دست می‌آید.

- بخش «اندیشه و تحقیق» در پایان هر درس با تفکر، تحقیق و مطالعه شما به انجام خواهد رسید.

۲- در پایان بیش‌تر درس‌ها، با عنوان «پیشنهاد»، فعالیت‌های تحقیقی، ادبی و هنری خواسته شده که با وجود اهمیت بسیاری که دارند، انجام دادن آن‌ها داوطلبانه است. با این حال، هر دانش‌آموزی که تعدادی از این پیشنهادها را انجام دهد، حداکثر تا دو نمره به نمره مستمر وی، هم در نوبت اول و هم در نوبت دوم، افزوده خواهد شد.

۳- خدای جمیل، خالق زیبایی‌ها؛ دین، سازنده انسان‌های زیبا؛ و هنر، وسیله بیان زیبایی‌هاست. کتابی که می‌خواهد شما نوجوانان عزیز را با زندگی دینی آشنا کند، نمی‌تواند «عاری از هنر» باشد. از این رو کوشش ما بر آن بوده است که با الهام از قرآن کریم، محتوای علمی کتاب را همراه با طراحی‌های ادبی و هنری عرضه کنیم. امیدواریم در آینده، این کتاب با پیشنهادهای شما زیباتر شود.

۴- آموزش این کتاب در فضایی فعال، پویا و بانشاط نیازمند حرمت نهادن به کلاس و صمیمیت متقابل شما و دبیر گرامی است؛ بنابراین:

- برنامه دبیر را برای هدایت کلاس کاملاً اجرا کنید.

- به اظهار نظرهای دوستان خود - در هر صورت - احترام بگذارید.

- نظرات دوستان خود را با تجزیه و تحلیل دقیق، ارزیابی کنید.

– بیش از اندازه تحت تأثیر چند نفری از دانش‌آموزان که احتمالاً بیش‌تر نظر می‌دهند، قرار نگیرید. شما هم با وارد شدن در گفت‌وگوها نشان دهید که در فکر کردن توانایی.

۵ – سعی کنید در زمان بخش نوار آیات درس، هر عبارت را با دقت گوش کنید سپس همراه با نوار به‌طور دسته‌جمعی بخوانید. این فعالیت بر توانایی شما در قرائت صحیح و زیبای قرآن می‌افزاید.

۶ – برای تقویت توانایی شما در قرائت قرآن کریم، دبیر محترم می‌تواند بخشی از قرآن را برای تمرین قرائت انتخاب کند. در این صورت، ارزش‌یابی مستمر و پایانی قرائت، علاوه بر آیات کتاب، از این بخش نیز به‌عمل خواهد آمد.

۷ – این درس عرصه حضور احساسات درونی و خلاقیت‌های فکری شماست؛ زیرا شما هستید که شهادت اندیشیدن و ابتکار دارید. ما نیز این نعمت الهی را ارج می‌نهیم و معتقدیم که میزان موفقیت شما در این درس، به میزان تفکر، اندیشه، ذوق و ابتکار شما بستگی دارد. این کتاب نیز اگر فرصتی برای اندیشیدن فراهم کند، موفق خواهد بود. در واقع، ما هرگز نخواستیم درس‌ها به‌گونه‌ای باشند که مطالب کتاب را با چند بار خواندن و حفظ کردن به خاطر بسپارید تا در امتحان موفق شوید. پس شما هم به امتحانی ارزش دهید که امکان فهمیدن، فکر کردن، تحقیق و اظهار نظر را برایتان فراهم می‌سازد. با توجه به آنچه گفته شد، ارزش‌یابی این درس در دو بخش انجام می‌گیرد:

بخش اول: ارزش‌یابی مستمر؛ شامل:

- ۱ – قرائت صحیح آیات شریفه؛ ۴ نمره
 - ۲ – توانایی معنا کردن عبارات و آیات قرآنی که در کتاب ترجمه نشده است؛ ۳ نمره
 - ۳ – انجام دادن فعالیت‌های داخل درس و پرسش از متن؛ ۵ نمره
 - ۴ – مشارکت در گفت‌وگوها و کار گروهی؛ ۳ نمره
 - ۵ – پاسخ به سؤال‌های بخش اندیشه و تحقیق؛ ۳ نمره
 - ۶ – داشتن دفتر کار خوب و منظم؛ ۲ نمره
- توجه: انجام پیشنهادها، نگارش مقالات تحقیقی و ارائه ابتکارهای علمی، ادبی و هنری تا دو نمره به معدل نمره مستمر اضافه می‌کند.

بخش دوم: ارزش‌یابی پایانی

این ارزش‌یابی در پایان نیم‌سال اول در دو بخش انجام می‌گیرد: ۱ – قرائت آیات ۲ – آزمون کتبی؛ و نیم سال دوم فقط دارای آزمون کتبی است. در آزمون کتبی باید سؤال‌هایی طرح شود که بیش‌تر نیازمند تفکر و تجزیه و تحلیل اند و قدرت تعقل و استنباط شما را ارزیابی می‌کنند؛ بنابراین شایسته است کتاب را به نحوی مطالعه کنید که پاسخ‌گوی این‌گونه سؤال‌ها باشید.

۷- سخن آخر این که شما در این کتاب قدم‌های دیگری را در مسیر زندگی برمی‌دارید. اگر این کتاب را روزنه‌ای به روشنایی حقیقت یافتید، آن را نگه دارید تا در آینده، در کنار کتاب‌های سال‌های قبل و بعد، مجموعه‌ای از شیوه زندگی اسلامی را در اختیار داشته باشید. خصوصاً که در بخش‌هایی از کتاب، ردّیابی از فکر بدیع خودتان به جا مانده است. باشد که فردا نسبت به کار امروز خود، احساس سربلندی کنید.

توجه: چند نکته مهم درباره ارزش‌یابی

۱- آنچه با عنوان «برای مطالعه»، «پیشنهاد»، «گام» و «یادآوری» آمده و در پاورقی ذکر شده است، برای توسعه اطلاعات دانش‌آموزان می‌باشد. دبیر محترم می‌تواند در توضیح درس از آن‌ها استفاده کند و نمره تشویقی برای آن‌ها در نظر بگیرد. اما در ارزش‌یابی مستمر و پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها نباید از این قسمت‌ها سؤال طرح شود.

۲- آیات و عبارات قرآنی که در کتاب ترجمه نشده است، در کلاس توسط دانش‌آموزان ترجمه و به طور جمعی زیر نظر دبیر محترم تصحیح می‌شود. دانش‌آموزان تنها ملزم به معنای این بخش از عبارات قرآنی هستند. از این رو معنا کردن آیاتی که ترجمه آن‌ها در کتاب آمده است، نباید در ارزش‌یابی مستمر و پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها مورد سؤال قرار گیرد. هم‌چنین نباید از معنی کلمه یا لغت سؤال شود. لغاتی که در پایان آیات برخی درس‌ها آمده، فقط برای کمک به دانش‌آموزان است تا عبارت‌های قرآنی را معنا کنند و خودشان نباید به شکل انفرادی مورد سؤال قرار گیرند.

۳- آن دسته از فعالیت‌های داخل درس که با علامت (🌞) مشخص شده‌اند، فقط برای ارزش‌یابی مستمر است و در امتحان پایانی یا آزمون ورودی دانشگاه‌ها نباید از آن‌ها سؤال طرح شود.

۴- فقط حفظ کردن آیات و روایاتی که با علامت (🌸) مشخص شده برای آزمون پایانی و آزمون ورودی دانشگاه‌ها ضروری است و می‌توان عین آن آیات و روایات را از دانش‌آموزان پرسید. در سایر موارد، حفظ کردن عین آیات و روایات ضروری نیست، بلکه برداشت و استنباط از آن‌ها اهمیت دارد. برای مثال، نباید در امتحان پایانی از دانش‌آموزان بخواهیم که آیه یا حدیثی درباره کرامت نفس بنویسند. بلکه باید آن آیه یا حدیث مطرح شود و دانش‌آموزان پیام‌ها و نکاتی را که می‌توان از آن به دست آورد، بنویسند. هم‌چنین در امتحان پایانی و آزمون ورودی دانشگاه‌ها نباید سؤال شود که فلان حدیث از کدام معصوم علیه السلام است.

۵- در برخی از فعالیت‌های داخل درس یا در اندیشه و تحقیق، از دانش‌آموزان خواسته شده که به آیاتی از قرآن مراجعه کنند و با تفکر در آن به سؤالی که پیرامون موضوع درس است، پاسخ دهند. از آن‌جا که حفظ کردن شماره و معنای این قبیل آیات جزء آموزش نیست، هنگام طرح سؤال از آن‌ها، باید ترجمه این گونه آیات در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد تا بتوانند با تفکر در معنای آیه پاسخگوی سؤال باشند.

۶- از آن‌جا که متن عربی احادیث (به استثنای احادیث علامت‌دار) جزء یادگیری دانش‌آموزان نیست، نمی‌توان متن عربی را در سؤال آورد و از دانش‌آموزان خواست که با توجه به آن به سؤال‌ها پاسخ دهند.

خداوند یار و نگهدار تان باد



مرحلهٔ اوّل

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ
وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ

ای مؤمنان، دعوت خدا و پیامبر را اجابت
کنید؛ آن گاه که شما را به چیزی فرا می خواند
که زندگی و حیاتتان می بخشد.

انفال ۲۴

اندیشه و قلب



در سال اول، در مرحله اندیشه و قلب با «هدف زندگی» آشنا شدیم و دانستیم که مقصود و محبوب زندگی ما «خداست». او سرچشمه همه خوبی‌ها و زیبایی‌های پایدار و پایان‌ناپذیر است و حرکت به سوی این خوبی‌ها و زیبایی‌ها به معنی نزدیکی به اوست. در حقیقت، راه رسیدن به خدا راه رسیدن به همه کمال‌ها و زیبایی‌هاست.

در همین سال آموختیم که چگونه ایمان خود را به خدا، تقویت کنیم تا این اعتقاد در رفتار و عمل ما جلوه‌گر شود.

در سال دوم، آینده جهان و انسان را بررسی کردیم و دیدیم که جهان رو به تکامل دارد

و به سوی خداوند سیر می‌کند. موجودات جهان، همان‌گونه که از خداوندند، به سوی او نیز باز می‌گردند. در میان مخلوقات پیرامون ما، بازگشت انسان، یک بازگشت ویژه است. معاد انسان بر مبنای عمل اختیاری او، و به تعبیر دقیق‌تر عین عمل اوست. بنابراین باید برای انجام بهترین عمل به درستی برنامه‌ریزی کند.

در بخش «اندیشه و قلب» این کتاب با شیوه‌های هدایتی خداوند بیش‌تر آشنا می‌شویم تا با بهره‌مندی بهتر از هدایت‌های خداوند، برای بهترین زندگی در دنیا و خوشبختی جاودان در آخرت بهتر برنامه‌ریزی کنیم.

درس ۱

هدایت الهی

انسان همچون سایر موجودات زنده، یک دسته نیازهای طبیعی و غریزی دارد؛ مانند نیاز به آب، هوا، غذا و پوشاک. خداوند پاسخ به این نیازها را در جهان خلقت آماده کرده و راه آگاهی از آنها را به انسان داده است. در وقت نیاز به آب و غذا احساس تشنگی و گرسنگی می‌کند و سراغ آب و غذا را می‌گیرد. هنگام احساس سرما و گرما، از مصالح موجود در طبیعت بهره می‌برد و برای خود لباس و پوشاک تهیه می‌کند.

آیا نیازهای انسان منحصر در همین نیازهای طبیعی و غریزی است؟

یا نیازهای برتری دارد که او را از سایر موجودات ممتاز می‌کند؟

آن نیازها کدامند و راه پاسخ‌گویی به آنها چگونه است؟



آیات زیر را به دقت و زیبا بخوانید.

..... إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ
 صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ
 غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ
 وَلَا الضَّالِّينَ

حمد، ۶ و ۷

..... قَالَ رَبُّنَا الَّذِي
 أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ
 ثُمَّ هَدَى

طه، ۵۰

..... سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى
 الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى
 وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى

اعلی، ۱ تا ۳

رسولانی (را فرستاده)	رُسُلًا
بشارت و انذار دهند	مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ
تا برای مردم نباشد	لِيَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ

در مقابل خداوند، بهانه و دستاویزی

بعد از آمدن پیامبران

.....

عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ

بَعْدَ الرُّسُلِ

وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

نساء، ۱۶۵

همانا ما این کتاب را بر تو نازل کردیم

برای مردم، به حق

پس هر که هدایت یافت

به سود خود اوست

و هر که گمراه شد

تنها به زیان خود گمراه می‌شود

و تو وکیل و مدافع آنها نیستی

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ

لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ

فَمَنْ اهْتَدَىٰ

فَلِنَفْسِهِ

وَمَنْ ضَلَّ

فَأِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا

وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ

زُمر، ۴۱

.....

.....

.....

.....

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ

الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا

وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ

لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

اعراف، ۴۳



به کمک توضیحات زیر، ترجمه آیات را کامل کنید.

سَبَّحَ : منزه بدار، تسبیح کن	أَعْطَى : بخشید، عطا کرد
قَدَّرَ : اندازه گیری کرد	سَوَّى : آراست، منظم و مرتب کرد
هَدَانَا : هدای+نا : هدایت کرد ما را	إِهْتَدَى : هدایت شد
	مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ : هرگز هدایت نمی شدیم

پیام آیات (۱)

سوره / آیه	با تفکر در آیات ابتدای درس جملات زیر را تکمیل کنید.
.....	۱- خواست هر انسان خردمند از خداوند این است که
.....	۲- اگر کسی چنین خواستی نداشته باشد، نتیجه اش
.....	۳- اکنون که خداوند انسان ها را هدایت کرده، اگر کسی بر عهده خودش است.
.....	۴- اکنون که خداوند پیامبران را فرستاده و انسان ها را هدایت کرده، کسی نمی تواند.....
	•

سؤال : اکنون که پیام آیات به دست آمد و روشن شد که هر انسان با فکر و اندیشه ای برای رسیدن به هدف زندگی خواهان و طالب راهنمایی خداوند است، جای طرح این سؤال هست که چرا انسان خودش نمی تواند برنامه کاملی برای هدف زندگی تنظیم کند و به هدایت الهی نیازمند می باشد؟ برای رسیدن به پاسخ، متن زیر را مطالعه می کنیم :

نیازهای برتر

انسان، اندکی که از سطح زندگی روزمره و نیازهای طبیعی فراتر رود و در افق بالاتری بیندیشد، خود را با نیازهایی مهم تر روبرو می بیند. این نیازها به تدریج به دل مشغولی، دغدغه و حتی درد متعالی

تبدیل می‌گردند که قرار و آرام را از او می‌گیرد تا پاسخ آن‌ها را نیابد، آرام نمی‌گیرد. این دغدغه و درد، نشانه بیداری و هوشیاری و ورود به وادی انسانیت است.

هرکه او بیدارتر، پرودتر، هرکه او هشیارتر، رخ زردتر

این نیازها عبارتند از:

۱- **درک هدف زندگی:** انسان می‌خواهد بداند «برای چه زندگی می‌کند» و کدام هدف است که به زندگی‌اش معنایی متعالی می‌دهد. او می‌داند که اگر این هدف حقیقی را به دست نیاورد یا در شناخت آن دچار خطا شود، عمر خود را از دست داده، درحالی که سعادت و خوشبختی را هم به دست نیاورده است. راستی، هدف برتر زندگی کدام است؟

۲- **درک آینده خویش:** انسان با کمک عقل خود می‌تواند به درک این حقیقت برسد که بنا بر حکمت و عدل خداوند، مرگ نابودکننده او و پایان همیشگی زندگی‌اش نیست و آینده‌ای روشن در جهانی دیگر در انتظار اوست، اما نمی‌داند که نحوه زندگی او پس از مرگ چگونه است؟

زاد و توشه سفر به آنجا چیست؟ و خوشبختی وی در آن سرا در گرو انجام چه کارهایی است؟

۳- **کشف راه درست زندگی:** راه زندگی یا «چگونه زیستن» که ارتباط دقیقی با دو نیاز قبلی دارد، دغدغه اصلی انسان‌های فکور و خردمند بوده است؛ به خصوص که انسان فقط یک بار به دنیا می‌آید و یک بار آن را تجربه می‌کند. انسان می‌داند که اگر راه درست زندگی را انتخاب نکند، به آن هدف برتری که خداوند در خلقت او قرار داده، نخواهد رسید و نه تنها در آخرت دچار خسران خواهد شد، بلکه نخواهد توانست زندگی فردی خود در دنیا را نیز به خوبی تنظیم نماید و یک جامعه عادلانه به وجود آورد. اما راه درست زندگی کدام است؟ چگونه می‌توان آن را به دست آورد؟



برای این که پاسخ به این نیازها، پاسخی راهگشا و اطمینان‌بخش باشد، باید:

الف - همه‌جانبه باشد؛ به طوری که به نیازهای مختلف انسان پاسخ دهد. زیرا ابعاد جسمی و روحی، فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی انسان پیوند و ارتباط کامل و تنگاتنگی با هم دارند و

۱- مثنوی معنوی، دفتر اول:

حسرت‌و زاری که در بیماری است	وقت بیماری همه بیداری است
پس بدان این اصل را ای اصل جو	هرکه را درد است، او بُرده ست بو
هر که او بیدارتر، پرودتر	هر که او هشیارتر، رخ زردتر

نمی‌توان برای هر بُعدی برنامه‌ریزی جداگانه‌ای کرد.

ب - پاسخ‌ها باید کاملاً درست و قابل اعتماد باشند؛ زیرا هر پاسخ احتمالی و مشکوک نیازمند تجربه و آزمون است تا کارایی آن مشخص شود. درحالی که عمر محدود آدمی برای چنین تجربه‌ای کافی نیست، به‌خصوص که راه‌های پیشنهادی هم بسیار زیاد و گوناگون است. کسی می‌تواند انسان را در جهت پاسخ‌گویی درست به این نیازها رهنمون شود که آگاهی کاملی از خلقت انسان، هدف از خلقت، جایگاه او در نظام هستی، ابعاد دقیق و ظریف روحی و جسمی و نیز فردی و اجتماعی او و چگونگی زندگی در جهان آخرت و ارتباط آخرت با دنیا داشته باشد.



با توجه به توضیحات، بررسی کنید که آیا دستگاه تفکر انسان به تنهایی می‌تواند به نیازهای بنیادین پاسخ کامل و جامع دهد؟

.....

.....



سوره / آیه	با تفکر در آیات ابتدای درس، پیام‌های زیر را تکمیل کنید.
.....	۱- خداوند تمام مخلوقات را هدایت می‌کند که آن را..... می‌گویند.
.....	۲- خداوند هر دسته از مخلوقات را متناسب با ویژگی‌ها و خصوصیاتشان..... که آن را..... می‌گویند.

اکنون به تبیین پیام‌های فوق می‌پردازیم.

هدایت عمومی

خدای جهان، آفریدگاری حکیم است؛ یعنی هر موجودی را برای هدفی معین خلق می‌کند و

برای رسیدن به آن هدف هدایت می‌فرماید. آفرینش بی‌هدف، نشانهٔ نقص و ضعف و ناآگاهی است و این ویژگی‌ها نمی‌تواند در خداوند باشد. پس، هدایت یک اصل عام و همگانی در نظام خلقت است.

خلقت ← هدایت ← هدف

هدایت ویژهٔ انسان

ویژگی‌ها و ارزش‌هایی که خداوند در وجود انسان قرار داده است، سبب تمایز بنیادین او از سایر موجودات می‌شود. این ویژگی‌ها متناسب با هدف خلقت انسان، یعنی تقرّب به خداوند که تقرّب به همهٔ خوبی‌ها و زیبایی‌هاست، می‌باشد.

یکی از این ویژگی‌ها، توانایی تفکر و تعقل و ویژگی دیگر قدرت اختیار و انتخاب است. اگر می‌گوییم حرکت انسان اختیاری است، بدان معناست که می‌تواند هدف درست را تشخیص دهد، آن را برگزیند و به سویش حرکت کند.

برای تشخیص هدف و راه رسیدن به آن، خداوند دو چراغ به وی داده است: عقل در درون وجود او و فرستادگان الهی در بیرون. انسان به کمک عقل خود بسیاری از مجهولات و مسائل را درمی‌یابد و پاسخ می‌دهد. مثلاً می‌داند که جهان مبدأ و آفریدگاری دارد و آینده‌ای روشن در انتظار اوست. همچنین انسان به کمک عقل خود متوجه می‌شود که نمی‌تواند پاسخ برخی از مسائل بنیادین را به‌طور درست و کامل بدهد و برای این‌گونه مسائل نیازمند هدایت الهی است. از این رو خداوند پیامبرانی را می‌فرستد تا پاسخ این‌گونه مسائل را به انسان‌ها برساند و هدایتشان کند. بدین ترتیب، اگر انسان عاقلانه بیندیشد، راه دستیابی به همهٔ نیازها برای وی مشخص شده و دلیلی برای توجیه ناکامی‌ها ندارد.

امام کاظم علیه السلام به شاگرد برجستهٔ خود، هشام بن حکم، فرمود:

ای هشام، خداوند رسولانش را به سوی بندگان فرستاد، جز برای آن که این بندگان در پیام الهی تعقل کنند. کسانی این پیام را بهتر می‌پذیرند که از معرفت برتری برخوردار باشند و آنان که در تعقل و تفکر برترند، نسبت به فرمان‌های الهی داناترند و آن کس که عقلش کامل‌تر است، رتبه‌اش در دنیا و آخرت بالاتر است.

ای هشام، خداوند دو حجّت^۱ بر مردم دارد: حجّت آشکار و حجّت نهنان. حجّت آشکار، رسولان و انبیا و ائمه‌اند و حجّت نهنان، همان عقل انسان‌هاست.^۲

۱- حجّت، آن دلیلی است که برای قانع کردن یا محکوم کردن دیگری به‌کار می‌رود. خداوند با این دو حجّت در مقابل گناهکاران و

گمراهان که می‌خواهند بگویند راهی برای تشخیص حق نداشتیم، استدلال می‌کند و آنان در مقابل داوری الهی پاسخگو خواهند داشت.

۲- اصول کافی، چاپ اسلامی، ج ۱، ص ۱۹.

بنابراین، عقل وسیله فهم پیام الهی است و هرکس با تفکر و تعقل خود در پیام الهی بیندیشد، درخواهد یافت که :

۱- هدف و مقصد زندگی انسان چیست و با کدام هدف، زندگی وی معنای حقیقی خود را خواهد یافت.

۲- آینده انسان چیست و چگونه رقم می خورد.

۳- راه درست زندگی چیست و چگونه به سعادت خواهد رسید.

بررسی

● برای رسیدن به یک زندگی هدفمند، شاد، رضایت بخش و خوش فرجام، آسان ترین، مستقیم ترین و مطمئن ترین راه، چه راهی است؟
چه عواملی سبب می شود که برخی انسان ها قدم در کوره راه های نامطمئن و بدفرجام گذارند؟

.....
.....

برای مطالعه

شاید این سؤال به ذهن ما بیاید که : انسان امروز چه قدر به دین و پیام آسمانی نیازمند است؟ به عبارت دیگر : آیا آن نیازهایی که انسان های گذشته را به سوی خدا و دین الهی می کشاند، همچنان وجود دارد؟

با نگاهی به سرنوشت انسان معاصر و شرایط کنونی او، درمی یابیم که نه تنها آن نیازهای بنیادین قوی تر و جدی تر از گذشته پابرجاست، بلکه انسان امروز به شدت سرگردان است و اگر به خدا و پیام الهی روی نیاورد، سرگردانیش شدیدتر و خطرناک تر خواهد شد.

در قرن‌های هفدهم، هجدهم و نوزدهم که علم در غرب پیشرفت کرد و به سرعت توسعه یافت، چنین تصور می‌شد که می‌توان با کمک علوم تجربی به نیازهای بنیادین پاسخ گفت و دغدغه‌های جدی آدمیان را به آرامش درونی و آسایش در زندگی تبدیل کرد. اما هر قدر که علم به پیش رفت و ابزارهای کارآمد و مؤثری را در اختیار انسان قرار داد، برنگرانی‌های وی افزوده شد؛ به گونه‌ای که در اواخر قرن بیستم، انسان احساس کرد که سؤال‌های بنیادینش همچنان بی‌پاسخ مانده است. انسان امروز می‌بیند که آرامش درونی‌اش کاهش یافته، هدف متعالی زندگی وی گم شده، ظلم و بی‌عدالتی گسترش یافته، دانش و تکنولوژی در خدمت اهداف ضدانسانی صاحبان زر و زور قرار گرفته، تروریسم به صورت فردی و دولتی آن، جان انسان‌های مظلوم و بی‌دفاع را به راحتی می‌گیرد، جهان به دو قطب محروم (با جمعیتی بسیار زیاد) و ثروتمند (با جمعیتی اندک) تقسیم شده است، سلاح‌های مخرب با قدرت تخریبی فوق‌العاده در انبارها انباشته شده، انواع مواد مخدر در شکل‌ها و اقسام مختلف در دسترس افراد قرار گرفته، فسادهای گوناگون اخلاقی رواج یافته و قاچاق کودکان و فروش آنان در بازارهای مخفی جهانی برای استفاده‌های مختلف (از جمله، فروش اعضا) رونق پیدا کرده و استفاده‌ی آزاری از ظاهر زن برای فروش بیش‌تر کالاهای تجاری و ثروت‌اندوزی ثروتمندان، کرامت و منزلت انسانی زنان را تنزل داده است.

اگر از ظاهر زندگی‌ترین شده‌ی انسان امروز عبور کنیم و به واقعیت درونی آن برسیم، رنج بزرگ او را مشاهده می‌کنیم. انسان آخر قرن بیستم و ابتدای قرن بیست‌ویکم میلادی، برخلاف انسان قرن هفدهم و هجدهم، دریافته است که علم با همه‌ی فایده‌ها و خوبی‌هایش، به تنهایی نمی‌تواند او را از بحران‌های بزرگ رهایی بخشد و به نیازهای اساسی‌اش پاسخی مناسب دهد. همین امر، انسان را برانگیخته است که بار دیگر آهسته آهسته به خدا و دین روی آورد و رهایی از سرگردانی را در بازگشت به دین، معنویت و پیام‌های الهی جست‌وجو کند. در نتیجه انسان امروز بیش از گذشته به پیام الهی احساس نیاز می‌کند.

در این میان، مسئولیتی سنگین برعهده‌ی ماست که از این موقعیت بهره‌بریم و مردم دنیا را به بهترین دین خدا، معنویت و برنامه‌ی زندگی‌رهایی‌بخش آن دعوت کنیم. برای این کار باید ابتدا آگاهی عمیق و درستی از دین خود به دست آوریم و در پایبندی به آن بکوشیم و سپس، با زیباترین روش‌ها به تبلیغ دین پردازیم. خوب است بدانیم که هم‌اکنون ترجمه‌ی قرآن کریم به زبان انگلیسی از پرطرفدارترین کتاب‌هاست و شمار کسانی که در اروپا به دین اسلام درمی‌آیند، بیش از گروندگان به‌سایر ادیان است.



- ۱- آیا می‌توان پاسخ به نیازهای برتر را به احساسات شخصی و سلیقه فردی واگذار کرد و گفت که می‌خواهم بدون بررسی و تحقیق کافی به این نیازها پاسخ دهم؟ چرا؟
- ۲- آیا انسان می‌تواند پاسخ دادن به این نیازها را نادیده بگیرد و براساس ضرب‌المثل «هرچه پیش آید خوش آید» رفتار کند؟ چرا؟
- ۳- آیات ۴۲ و ۴۳ سوره یونس را مطالعه کنید و پیام اصلی آن‌ها را که مربوط به رابطه حجت ظاهر و حجت باطن است، توضیح دهید.
- ۴- هر کدام از آیات ۹ اسراء و ۹۷ نحل پاسخ کدام یک از نیازهای انسان را دربر دارد و چه مطالبی را مطرح می‌کند؟ آن را در جدولی مانند جدول زیر توضیح دهید.

آیه	نیاز	پاسخ

گام اول

تلاش برای بهره‌مندی از هدایت خداوند

اکنون که خداوند، آن مهربان‌ترین مهربانان، با فرستادن رسولانش
ما را به سوی پاسخ‌های درست هدایت کرده، می‌کوشیم با قدرت عقل
و فکر خویش، از راه‌های خداوند که در قرآن کریم و کلام پیشوایان دین آمده است،
بهره‌بریم و زندگی خود را بر اساس مطمئن‌ترین پاسخ‌ها بنا کنیم.
خدایا! تو خود هدایت‌گر ما باش.



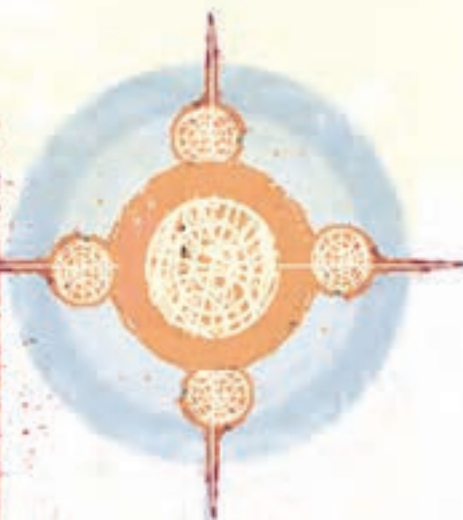
درس ۲

هدایت مستمر

گفتیم که خداوند، متناسب با دو ویژگی «تعقل» و «اختیار» در انسان‌ها، آن‌ها را با فرستادن دین راهنمایی و هدایت کرده است و پیامبران الهی مسئولیت ابلاغ و رساندن آن را به مردم برعهده داشتند. از میان تعداد فراوان پیامبران، ما اکنون با برخی از آن‌ها که نامشان در قرآن کریم یا احادیث و برخی کتب تاریخی آمده است آشنا هستیم.

در این درس می‌خواهیم به این مسئله بپردازیم که:

آیا خداوند یک دین برای مردم فرستاده و پیامبران، راهنمایان مردم به یک دین بوده‌اند یا این که پیامبران مردم را به ادیان مختلف دعوت کرده‌اند؟



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

برای شما از دین تشریح کرد	شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ
آنچه را که به نوح سفارش کرده	مَا وَصَّىٰ بِهِ نوحًا
و نیز آنچه را که به تو وحی کردیم	وَالَّذِي اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ
و آنچه سفارش کردیم به ابراهیم	وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ اِبْرَاهِيمَ
و موسی و عیسی	وَمُوسَىٰ وَاٰءِيسَىٰ
که دین را بپا دارید	اَنْ اَقِيْمُوا الدِّينَ
و در آن متفرق نشوید	وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ
بر مشرکین سخت است،	كَبْرًا عَلٰى الْمُشْرِكِيْنَ
آنچه که آنان را بدان دعوت می‌کنی.	مَا تَدْعُوهُمْ اِلَيْهِ
خدا هر که را بخواهد برای خود برمی‌گزیند.	اَللّٰهُ يَجْتَبِيْ اِلَيْهِ مَنْ يَّشَاءُ
و به سوی خود هدایت می‌کند	وَيَهْدِيْ اِلَيْهِ
کسی را که اهل بازگشت باشد.	مَنْ يُّنِيبُ

شوری، ۱۳

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا اَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا

قُلْ بَلْ مِلَّةَ اِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا

وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ

قولوا ءامتنا بالله

و ما أنزل إلینا

و ما أنزل الی ابراهیم و اسماعیل

و اسحاق و یعقوب و الاسباط

و ما اوتی موسی و عیسی

و ما اوتی النبیین من ربهم

لا نفرق بین احد منهم

و نحن له مسلمون

بقره، ۱۳۵ و ۱۳۶

ان الدین عند الله الاسلام

و ما اختلف الذين اوتوا الكتاب

الا من بعد ما جاءهم العلم

بغیا بینهم

و من يكفر بآيات الله

فان الله سريع الحساب

أل عمران، ۱۹

هیچ رسولی را نفرستادیم

جز به زبان قومش

تا برای آنان به روشنی بیان کند...

و ما أرسلنا من رسول

الا بلسان قومہ

لیبین لهم...

ابراهیم، ۴

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ
 مِنْ رِجَالِكُمْ
 وَلَكِنَّ رَسُولَ اللَّهِ
 وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ
 وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

محمد ﷺ پدر هیچ یک
 از مردان شما نیست
 اما او فرستاده خدا
 و پایان پیامبران است.
 و خدا به هر چیزی داناست

احزاب، ۴۰

اللَّهُ أَعْلَمُ
 حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَاتِهِ

خدا داناتر است
 که رسالت خود را بر عهده چه کسی بگذارد

انعام، ۱۲۴



به کمک توضیحات زیر، ترجمه آیات را کامل کنید.

کونوا : باشید
 ما او تیی : آنچه داده شده به
 ما اختلف : اختلاف نکردند
 حنیف : حق گرا
 لائفرق : فرق نمی گذاریم
 بغیا : از روی ستم و تجاوز

۱- خاتم، در لغت، به معنای مُهر است که بزرگان در پایان نامه خود می‌زدند و نامه را پایان می‌دادند. رسول خدا ﷺ نیز که تمام کننده و پایان پیامبران است، خاتم النبیین نامیده شده است.



سوره / آیه	پیام‌های زیر را به کمک آیات ابتدای درس کامل کنید.
.....	۱- خداوند یک دین برای پیامبران تشریح کرده و از آنان خواسته..... و.....
.....	۲- کسانی که از مردم می‌خواهند پیرو ادیان دیگری مانند یهودیت یا مسیحیت شوند، راه نادرستی را می‌پیمایند. همه باید به..... دعوت کنند.
.....	۳- هدایت شده واقعی کسی است که به همه پیامبران..... و میان آنان تفرقه نیندازد.
.....	۴- هر پیامبری دین الهی را متناسب با..... برای قوم و دوره خود تبلیغ می‌کند تا.....
.....	۵- اسلام (تسلیم خدا بودن) نام تنها دین الهی است. و کسانی سبب تفرقه در دین شدند که به حقیقت آگاه بودند اما.....
.....	۶- حضرت محمد <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> و پس از ایشان.....
.....	۷- خداوند، مسئولیت پیامبری را بر عهده کسانی قرار می‌دهد که می‌داند.....

اکنون که با نظر قرآن کریم درباره دین واحد آشنا شدیم، می‌خواهیم دلیل این نظر را بررسی کنیم تا بدانیم که :

- ۱- چرا خداوند برای انسان‌ها یک دین قرار داده است؟
- ۲- چرا برای تبلیغ این دین، پیامبران متعدد فرستاده است؟
- ۳- اگر خداوند یک دین برای انسان‌ها فرستاده، چرا اکنون ادیان الهی مختلفی در جهان وجود دارد؟
- ۴- چرا پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیامبری ظهور نمی‌کند و ایشان خاتم پیامبران است؟
- ۵- چرا باید پیامبران ویژگی‌های خاصی داشته باشند؟ این ویژگی‌ها کدامند؟

الف - فطرت مشترک و دین واحد

فطرت از کلمه فطر به معنای خلق و ابداع است. فطرت به معنای نوع خاص آفرینش است. پس وقتی از فطرت انسان سخن می‌گوییم، منظور آفرینش خاص انسان و ویژگی‌هایی است که در

اصل آفرینش وی وجود دارد. از هنگام آفرینش انسان تا کنون، اقوام و ملت‌های گوناگونی روی کره زمین آمده و زندگی کرده‌اند. این انسان‌ها با این که در برخی خصوصیات، مانند نژاد، زبان و آداب و رسوم با یک‌دیگر تفاوت دارند، اما در ویژگی‌های فطری مشترکند و به همین جهت همه نام مشترک انسان گرفته‌اند.

همه انسان‌ها از استعداد تفکر و تعقل و قدرت اختیار برخوردارند.

آنان فضیلت‌های اخلاقی مانند عدل، حق و خیرخواهی را دوست دارند و از رذائل اخلاقی

مانند ظلم، حسد و دروغ بیزارند.

آنان به دنبال زیبایی‌ها، خوبی‌ها و کمالات نامحدودند و به حد معینی قانع نمی‌شوند.

آنان از فنا و نابودی گریزان و در جستجوی حیات جاودانه‌اند.

آنان زندگی در جامعه عادلانه را دوست دارند و از ظلم و ستم گریزانند.

و بالاخره، همه به دنبال راهی هستند که آنان را به سعادت حقیقی برساند.

به سبب همین ویژگی‌های فطری مشترک، خداوند یک برنامه کلی به انسان‌ها عنایت کرده تا آنان

را به هدف مشترکی که در خلقتشان قرار داده است، برساند. این برنامه اسلام نام دارد که به معنای تسلیم

بودن در برابر خداست.

محورهای اصلی این برنامه عبارت‌اند از :

۱- ایمان به خدای یگانه و دوری از شرک و بت‌پرستی.

۲- ایمان به معاد و سرای آخرت و پاداش و جزای عادلانه انسان‌ها در آن سرا.

۳- اعتقاد به عادلانه بودن نظام هستی.

۴- ایمان به فرستادگان الهی و راهنمایان دین.

۵- عبادت و بندگی خداوند با انجام فرایضی چون نماز، روزه، دعا و مناجات.

۶- کسب مکارم اخلاقی مانند تقوا، عفاف، صداقت و کرامت نفس.

۷- دوری از رذائل و زشتی‌های اخلاقی مانند ظلم، نفاق، دروغ و ریا.

۸- برپایی نظام اجتماعی براساس عدل.

هیچ پیامبری نیامده است مگر این که مردم را به این محورها فراخوانده است. به همین جهت است

که می‌گوییم محتوای اصلی دعوت پیامبران یکسان بوده است و همه آن‌ها آورنده یک دین بوده‌اند.

آری، تعالیم پیامبران در برخی از احکام فرعی تفاوت داشته است، همانند چگونگی انجام نماز

و روزه، پرداخت زکات، احکام خانواده و جامعه. اما این تفاوت‌ها سبب نمی‌شد که اصل دین و راه

آنان مختلف شود و هر کدام دین خاصی بیاورند، چون همه آن‌ها در آن محورهای اصلی و نیز در اصل بسیاری از احکام، مانند نماز، روزه، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر مشترک بودند.

ب — علل آمدن پیامبران متعدّد

حال می‌پرسیم: با این که خداوند یک برنامه را برای زندگی انسان‌ها برگزیده، چرا برای ابلاغ آن، پیامبران متعددی را فرستاده است؟

ارسال این پیامبران بنا به مجموعه علل زیر بوده است:

۱- لزوم استمرار در دعوت و ترویج پیوسته آن: لازمه استقرار و ماندگاری یک پیام، تبلیغ دائمی و مستمر آن است. پیامبران الهی با ایمان راسخ و مجاهدتی بی‌مانند، در طول زمان‌های مختلف قدم در راه تبلیغ دین الهی می‌گذاشتند و سختی‌ها و ناملایمات را تحمل می‌کردند تا خداپرستی، عدالت‌طلبی و کرامت‌های اخلاقی میان انسان‌ها بماند و گسترش یابد و شرک، ستمگری و رذائل اخلاقی از بین برود. این تداوم سبب شد که تعالیم الهی در میان مردم بماند، جزء آداب و فرهنگ آنان شود و کسانی نتوانند به سادگی آن را از میان جامعه بشری بیرون کنند.

۲- رشد تدریجی سطح فکر جوامع و اقوام: علت دیگر آمدن پیامبران متعدد، رشد تدریجی فکر و اندیشه و امور مربوط به آن مانند دانش و فرهنگ می‌باشد.

از همین رو لازم بود تا در هر عصر و دوره‌ای پیامبران جدیدی مبعوث شوند تا همان اصول ثابت دین الهی را درخور فهم و اندیشه انسان‌های دوران خود بیان کنند و متناسب با درک آنان سخن گویند تا آنان پیام الهی را در حد فهم خود درک کنند و به آن ایمان آورند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

ما انبیاء مأمور شده‌ایم

که با مردم به اندازه

فهم و درکشان سخن بگوییم.

نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ

أْمَرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ

عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ

۳- از بین رفتن یا تحریف تعلیمات پیامبر پیشین: به علت ابتدایی بودن سطح فرهنگ و زندگی اجتماعی و عدم توسعه کتابت، تعلیمات انبیاء به تدریج فراموش می‌گردید یا به گونه‌ای عوض

می‌شد که دیگر به اصل آن شباهتی نداشت، براین اساس، پیامبران بعدی می‌آمدند و تعلیمات اصیل و تحریف نشده را بار دیگر به انسان‌ها ابلاغ می‌کردند.

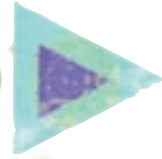
سؤال : علت وجود ادیان مختلف در جهان چیست؟

پاسخ : تفکر در آیات قرآن کریم و مطالعه تاریخ انبیاء الهی نشان می‌دهد که هر پیامبر جدیدی که از طرف خداوند مبعوث شده است، پیامبران گذشته را تصدیق کرده و خود را ادامه‌دهنده راه آنان معرفی نموده است و از پیروان آنان دعوت کرده که به امر خداوند به او ایمان آورند و او را یاری دهند. هیچ پیامبری نیامده که پیامبر قبلی را انکار کند و بگوید که ای مردم، دین آن پیامبر درست نبوده، پس به من ایمان آورید. همچنین این‌گونه نبوده که مثلاً حضرت عیسی علیه السلام قیام کند و بگوید «ای مردم، حضرت موسی علیه السلام قبل از من به پیامبری مبعوث شد و یک دین از جانب خدا آورد. اکنون من دین دیگری آورده‌ام، هر کدام را که می‌خواهید بپذیرید.» بلکه او آمد و فرمود من ادامه‌دهنده راه ابراهیم علیه السلام، موسی علیه السلام و همه پیامبران گذشته هستم و از شما که پیروان موسی علیه السلام هستید، می‌خواهم که اکنون، در ادامه آن‌ها دعوت مرا بپذیرید و از من پیروی نمایید. اگر مردم آن زمان دعوت حق حضرت عیسی علیه السلام را قبول می‌کردند، چند دینی پدید نمی‌آمد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز در هنگام ظهور، خود را ادامه‌دهنده راه همه انبیاء و تمام‌کننده کار آنان معرفی کرد و از یهودیان و مسیحیان خواست که به ایشان ایمان آورند. اما این بار هم، با وجود آن که آمدن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در تورات و انجیل وعده داده شده بود، برخی از بزرگان مسیحی و یهودی پیامبری ایشان را انکار کردند و به مبارزه برخاستند. اگر این دسته از بزرگان یهودی و مسیحی، در آن روز، پیامبری رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را می‌پذیرفتند، این اختلاف هم به وجود نمی‌آمد.

قرآن کریم منشأ اصلی اختلاف و چند دینی را آن دسته از رهبران دینی معرفی می‌کند که به خاطر حفظ مقام و موقعیت و منافع خود در برابر دعوت پیامبر جدید ایستادند و پیامبری او را انکار کردند و سبب اختلاف و چند دسته شدن پیروان پیامبران شدند.





۱- خوب است بدانیم که حضرت عیسیٰ علیه السلام در مسیر دعوت خود با دو گروه مخالف روبه‌رو شد. گروه اول برخی از بزرگان دین یهود بودند که حضرت عیسیٰ علیه السلام را پیامبر نمی‌دانستند و با سرسختی با ایشان مبارزه می‌کردند. گروه دوم حاکمان بت‌پرست روم شرقی بودند که بر سرزمین فلسطین حکومت می‌کردند و مانند حاکمان بیش‌تر سرزمین‌های اروپایی، در آن زمان، به دین الهی اعتقادی نداشتند. کار حضرت عیسیٰ علیه السلام در مبارزه با این دو گروه به جایی رسید که سربازان حاکم برای دست‌گیری و به شهادت رساندن وی، تعقیبش کردند و ایشان ناچار شد از شهری به شهری و از روستایی به روستایی برود. تا این‌که به همراه تعدادی از یارانش در باغی مخفی شد. در این‌جا بود که یکی از همراهانش به نام «یهودای اسخریوطی» به طمع جایزه حاکمان، مخفی‌گاه حضرت عیسیٰ علیه السلام را به آنان خبر داد و سربازان حاکم بت‌پرست به همراه برخی از بزرگان یهود، شبانه به آن مخفی‌گاه یورش بردند. در این هنگام، خداوند حضرت عیسیٰ علیه السلام را با قدرت لایزال خود به آسمان‌ها برد. سربازان که از این عروج خبر نداشتند و اگر کسی هم به آن‌ها خبر می‌داد، نمی‌توانستند آن را باور کنند، همان یهودای خبرچین را که چهره‌ای شبیه حضرت عیسیٰ علیه السلام داشت و شباهت او به آن حضرت در آن شب بیش‌تر شده بود، به جای حضرت عیسیٰ علیه السلام دستگیر کردند و به صلیب کشیدند. یهودیان و بت‌پرستان و حتی عده‌ای از یاران حضرت عیسیٰ علیه السلام گمان می‌کردند که آن حضرت به شهادت رسیده است. البته برخی از یاران بسیار نزدیک ایشان، مانند «برنابا» از عروج وی آگاه بودند. قرآن کریم این اشتباه را یادآوری می‌کند و ما را از کشته نشدن حضرت عیسیٰ علیه السلام آگاه می‌سازد و می‌فرماید:

وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ این سخن آنان (بود) که ما کشتیم مسیح

عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ عیسی بن مریم رسول خدا را؛

وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ حال آن‌که نه او را کشتند و نه به صلیب کشیدند

وَلَكِنَّ شُبُهَةَ لَهُمْ بلکه آنان به اشتباه افتادند.

وَإِنَّ الَّذِينَ اِخْتَلَفُوا فِيهِ و کسانی که در مورد او اختلاف کردند،

لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ
 مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ
 إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ
 وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا
 بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ
 وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

در این باره، هر آینه در شک اند
 و نسبت به او علمی ندارند،
 جز پیروی از ظن و گمان.
 و یقیناً او را نکشته اند.
 بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد
 و خداوند عزیز و حکیم است.

نساء، ۱۵۷ و ۱۵۸

۲- برخی فکر می کنند پیامبران مانند فرושندگان کالا هستند که هر کدام برای خود مغازه ای باز کرده و کالای خود را تبلیغ می کنند و مردم باید بین آن کالاها یکی را انتخاب نمایند. اما همان طور که دیدیم، پیامبران مردم را به سوی خدا دعوت می کردند، نه به سمت خود و یک راه و یک سخن داشته اند و همه یکدیگر را تأیید کرده اند و اگر کسی به آخرین پیام آور الهی ایمان آورد، به همه پیامبران گذشته هم ایمان آورده و هیچ پیامبری را انکار نکرده و راهرو همه پیامبران بوده است. مهم این است که انسان در تشخیص آخرین پیامبر دچار خطا نشود.

نام احمد نام جمله انبیاست چون که صد آمد، نودهم پیش ماست^۱

ج- ویژگی های پیامبران

۱- وحی: کلمه وحی در قرآن کریم برای موارد مختلف به کار رفته و اختصاص به پیامبران ندارد. اما عالی ترین درجه آن که مخصوص پیامبران است، به معنای القای معانی و معارف به قلب پیامبر از سوی خداوند و سخن گفتن خداوند و جبرئیل با اوست. از طریق وحی برنامه هدایت الهی به پیامبران داده می شد و آنان این برنامه را به مردم ابلاغ می کردند.

۲- اعجاز: پیامبران از جانب خداوند، کارهای خارق العاده ای انجام می دهند که هیچ کس نمی تواند مانند آن را انجام دهد.^۲ تا مردم دریابند که آنان با خداوند ارتباط دارند و از طرف او مأمور به پیامبری شده اند.

۱- مثنوی مولوی، دفتر اول

۲- فرق معجزه با کارهای خارق العاده مرتاضان و ساحران و تردستان هم همین است که کارهای آنان با تعلیم و تمرین قابل یادگیری است، اما کار پیامبران به گونه ای است که هیچ گاه مغلوب کار دیگری واقع نمی شود و هیچ کس نمی تواند مثل آن انجام دهد.

قرآن کریم این آثار خارق العاده را «آیت» یعنی نشانه و علامت نبوت می خواند و دانشمندان اسلامی آن را معجزه می نامند. زیرا عجز و ناتوانی سایر افراد را در انجام این امور آشکار می سازد.

۳- عصمت: پیامبر زمانی می تواند مسئولیت خود را به درستی انجام دهد که تحت تأثیر هواهای نفسانی قرار نگیرد و مرتکب گناه و خطا نگردد. مردم نیز زمانی گفته ها و هدایت های وی را می پذیرند که مطمئن باشند هیچ گاه مرتکب گناه و اشتباه نمی شود. اگر آنان احتمال دهند که پیامبرشان گناه می کند و دچار خطا می شود، به او اعتماد نمی کنند و از وی پیروی نخواهند کرد. بنابراین، پیامبران نه تنها باید در اجرای مأموریت خود از گناه و اشتباه مصون باشند بلکه این عصمت باید در مجموعه رفتارهای آنان متجلی شود. بالاتر از همه، ضرورت عصمت در حوزه مسئولیت های مربوط به رسالت است. زیرا:

اگر پیامبری در دریافت و ابلاغ وحی معصوم نباشد، دین الهی به درستی به مردم نمی رسد و امکان هدایت از مردم سلب می شود.

اگر پیامبری در مقام تعلیم و تبیین دین معصوم نباشد، امکان انحراف در تعالیم الهی پیدا می شود و اعتماد مردم به دین از دست می رود.

اگر پیامبری در هنگام اجرای فرمان های الهی معصوم نباشد، امکان دارد کارهایی مخالف دستورات الهی انجام دهد و مردم نیز از او سرمشق بگیرند و به گمراهی و انحراف مبتلا شوند. حال، باید ببینیم که مصونیت از گناه در پیامبران به چه صورت است؛ آیا یک مانع بیرونی پیامبران را از ارتکاب گناه و خطا باز می دارد یا خود به اختیار به سمت گناه نمی روند؟

در پاسخ می گوئیم: پیامبران، با وجود مقام و منزلتی که دارند، انسان اند و کارهای خود را با اختیار انجام می دهند و چنان مرتبه ای از ایمان و تقوا را دارند که هیچ گاه به سوی گناه نمی روند. همچنین از چنان بینش عمیقی برخوردارند که گرفتار خطا و اشتباه نمی شوند.

پروسی

🌟 اگر پیامبران عصمت نمی داشتند، در مسیر هدایت چه خطرهایی سایر انسان ها

را تهدید می کرد؟

.....

.....

د - آخرین پیام آور الهی

قرآن کریم، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را آخرین فرستاده الهی معرفی کرده و فرموده که ایشان «خاتم النبیین» است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز در اجتماعات مختلف مسلمانان این موضوع را یادآوری می کرد تا پس از ایشان، کسی ادعای پیامبری نکند.

بنابراین، نبوت پیامبر گرامی اسلام پایان می پذیرد و پس از ایشان کتاب جدیدی از طرف خداوند نازل نمی شود. زیرا عواملی که سبب تجدید نبوت ها و آمدن کتاب های آسمانی جدید بود، از بین رفت و عواملی که انسان ها را بی نیاز از کتاب جدید می نمود، پدید آمد. این عوامل عبارتند از:

۱- آمادگی جامعه بشری برای دریافت برنامه کامل زندگی: گفتیم که یکی از عوامل بعثت پیامبر جدید، پایین بودن سطح درک انسان ها و عدم توانایی آنان در گرفتن برنامه کامل زندگی بود. در عصر نزول قرآن رشد عقلی بشریت به میزانی رسیده بود که بتواند کامل ترین برنامه را دریافت کند و به کمک این برنامه، پاسخ نیازهای فردی و اجتماعی خود را به دست آورد. در واقع، انسان ها وارد دوره بلوغ فکری شده بودند. خداوند کتابی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل کرد که نیازهای هدایتی بشر را در طول زمان ها پاسخ گوید و مؤمنان با تفکر در این کتاب بتوانند در هر دوره ای به دروازه های جدیدی از معرفت دست یابند.

۲- حفظ قرآن کریم از تحریف: در پرتو عنایت الهی و با اهتمامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جمع آوری و حفظ قرآن داشت و با تلاش و کوشش مسلمانان در دوره های مختلف، این کتاب دچار تحریف نشد و هیچ کلمه ای بر آن افزوده یا از آن کم نگردید. به همین جهت این کتاب نیازی به «تکمیل» و «تصحیح» ندارد و جاودانه باقی خواهد ماند.

۳- وجود امام معصوم پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: تعیین امام معصوم علیه السلام از طرف خداوند سبب آن شد که نقش ها و مسئولیت های پیامبر، به جز دریافت وحی، ادامه یابد و جامعه از این جهت کمبودی نداشته باشد.

۴- پیش بینی راه های پاسخ گویی به نیازهای زمانه: مجموعه معارف و احکام موجود در قرآن، سیره و سنت پیشوایان دین، به گونه ای از جانب خداوند طراحی شده که با مراجعه به آن ها می توان پاسخ به سؤال ها و نیازهای جوامع را در همه دوره ها به دست آورد؛ به شرط آن که از روش علمی و درست تحقیق که به وسیله عالمان و متخصصان دین تدوین شده است، استفاده گردد و با دانش لازم و بصیرت کافی عمل شود. اکنون به برخی از ویژگی های دین اسلام که سبب انطباق آن با نیازهای متغیر زمان می شود، می پردازیم:

اول- توجه به نیازهای متغیر، در عین توجه به نیازهای ثابت: انسان در زندگی فردی

و اجتماعی خود دو دسته نیاز دارد: نیاز ثابت مانند نیاز به امنیت، عدالت، شغل، معاشرت و دادوستد با دیگران، ازدواج و تشکیل خانواده، تعلیم و تربیت و حکومت. این نیازها در همه زمان‌ها برای بشر وجود دارند و از بین نمی‌روند. دین اسلام برای هر کدام از این‌ها قوانین ثابت و مشخصی دارد که پاسخ‌گوی این نیازهاست.

دسته دیگر، نیازهای متغیر هستند که در داخل همین نیازهای ثابت پیدا می‌شوند. یعنی انسان‌ها با گذشت زمان برای پاسخگویی به نیازهای ثابت خود، از روش‌ها و شیوه‌های مختلف و متغیری استفاده می‌کنند. مثلاً نیاز به دادوستد یک نیاز ثابت است. اما شیوه و چگونگی دادوستد بر حسب زمان قابل تغییر است. دادوستد امروز که از طریق اسکناس و بانک و نظایر آن صورت می‌گیرد با دادوستد دیروز تفاوت‌های زیادی پیدا کرده است. نیاز به امنیت هم یک نیاز ثابت است؛ اما چگونگی تأمین امنیت و ابزارها و اسلحه‌هایی که به این منظور به کار گرفته می‌شود در مقایسه با دوره‌های گذشته بسیار متفاوت شده است. معارف اسلام به گونه‌ای است که متخصصان دین می‌توانند از درون آن با توجه به نیازهای جدید به وجود آمده در جامعه، قوانین مورد نیاز جامعه درباره بانکداری، اسکناس، خرید و استفاده از سلاح‌های جدید را استخراج کنند و در اختیار مردم قرار دهند.^۱

دوم — وجود قوانین تنظیم کننده: در اسلام دسته‌ای از قواعد و قوانین وجود دارد که به مقررات اسلامی خاصیت انطباق و تحرک داده است. این قواعد بر همه احکام و مقررات اسلامی تسلط دارند و مانند بازرسان عالی احکام و مقررات را تحت نظر قرار می‌دهند و کنترل می‌کنند. به‌طور مثال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ فِی الْإِسْلَامِ»^۲ — اسلام با ضرر دیدن و ضرر رساندن مخالف است». این سخن به صورت یک قاعده درآمده و بسیاری از مقررات اسلامی را کنترل می‌کند. مثلاً روزه ماه رمضان بر هر مکلفی واجب است. اما اگر این روزه برای شخصی ضرر داشته باشد، بر او حرام می‌گردد. همچنین، استفاده از امکانات خصوصی مانعی ندارد؛ اما اگر سبب اذیت دیگران شود، حرام است.

۱- امروزه فقیهان و متخصصان دین درباره بسیاری از مسائل و نیازهای جدید که در گذشته مطرح نبوده است درحال تحقیق هستند تا حکم دین را بیان کنند، اموری از قبیل: استفاده از ماهواره و اینترنت، مسائل جدید پزشکی (مانند پیوند اعضا، مرگ مغزی و شبیه‌سازی)، مسافرت در فضا، نظام‌های جدید کشورداری، قوانین تجارت جهانی، رابطه سیاسی با ملت‌ها و کشورها، رابطه با سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی و فرهنگی. نتیجه این تحقیقات سبب شده که جمهوری اسلامی ایران بتواند قوانین خود را منطبق بر تعالیم اسلام تنظیم کند و جامعه را در چارچوب آن اداره نماید.

۲- من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۳، ص ۱۰۳



قاعده دیگری که در قرآن کریم آمده، این است که فرموده «ما جعلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» - خداوند برای شما در دین تنگی، و اضطراب قرار نداده است» براساس این قاعده، اگر مسلمانی با جامعه اسلامی در اجرای یک قانون دچار اضطراب شود، می تواند با نظر فقیه و متخصص دین آن را به شکلی انجام دهد که از اضطراب بیرون آید.

سوم - اختیارات حاکم و نظام اسلامی: یکی دیگر از راههایی که اسلام برای پاسخ گویی به نیازهای جدید پیش بینی کرده، اختیارات حکومت اسلامی است. تحولات و مسائل اجتماعی گاهی شرایط خاصی را در جامعه اسلامی پدید می آورد که نیازمند قوانین و مقررات ویژه آن شرایط است. به طور مثال صنعت بیمه و بانکداری از نیازهای زندگی امروزه است که حاکم اسلامی در چارچوب قوانین اسلام آنها را به اجرا درمی آورد.

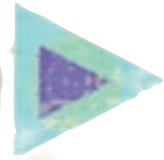


یکی خط است ز اول تا به آخر
بر او خلق جهان کشته مسافر
در این ره انبیا چون ساربان اند
دلیل و رهنمای کاروان اند
وز ایشان سید ما کشته سالار
بم او اول بم او آخر در این کار
بر او ختم آمده پایان این راه
در او نازل شده «أدعوا إلى الله»
شده او پیش و دل با جمله در پی
گرفته دست جان با دامن وی

۱- حج، ۷۸.

۲- یوسف، ۱۰۸.

۳- دیوان گلشن راز، شیخ محمود شبستری



سؤال اول : با آمدن پیامبر جدید، آیا نپذیرفتن او و باقی بودن بر شریعت پیامبر قبل، نزد خدا قبول است؟

برای رسیدن به پاسخ درست، لازم است به نکات زیر توجه کنیم.

۱- از طرف خداوند فقط یک دین و یک راه برای هدایت و خوش بختی آدم‌ها آمده است که از آن به‌عنوان «صراط مستقیم» یا «اسلام» یاد می‌شود. هر یک از پیامبران، این راه واحد را در حد فهم مردم زمان خود به مردم معرفی کرده است. آمدن هر پیامبر، نشانه آن است که بخشی از تعلیمات پیامبر پیش از او، اکنون برای مردم مناسب نیست و نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای آن‌ها باشد.

۲- هر پیامبری که می‌آید، به پیامبر بعدی بشارت می‌داد و بر پیروی از او تأکید می‌کرد. بنابراین، وجود دو یا چند دین در یک زمان، نشانه آن است که پیروان پیامبران گذشته و به‌خصوص بزرگان دین آن‌ها به پیامبران بعد ایمان نیاورده‌اند و این خود یک گمراهی بزرگ و سرپیچی از فرمان خدا و پیامبران گذشته است.

۳- ما در زمانی به‌سر می‌بریم که جز قرآن کریم، هیچ کتاب آسمانی دیگری وجود ندارد که از تحریف مصون مانده باشد و ما مطمئن باشیم که تعلیمات آن، همان تعلیماتی است که خداوند فرستاده است. پس این کتاب‌ها نمی‌توانند به نیاز ما که دست‌یابی به راهنمایی خداوند است، پاسخ دهند.

۴- بر مبنای آنچه بیان شد، وجود چند دین الهی معنا ندارد. زیرا این خود سبب سرگردانی مردم می‌شود که میان آن ادیان کدام را انتخاب کنند، درحالی که دین برای رهایی مردم از ضلالت و سرگردانی آمده است. به همین جهت، قرآن کریم به روشنی می‌فرماید :

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا

و هر کس دینی غیر از اسلام برگزیند،

فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ

از او پذیرفته نیست

وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ

و او در آخرت از زیان‌کاران است.

آل عمران، ۸۵

سؤال دوم : کتاب‌های آسمانی دیگر چه سرنوشتی پیدا کردند؟

برای این که با سرنوشت دیگر کتاب‌های آسمانی آشنا شویم، وضعیت نزدیک‌ترین آن‌ها به قرآن کریم

– یعنی انجیل – را که بر حضرت عیسی علیه السلام نازل شده است، بررسی می‌کنیم. کتاب انجیلی که اکنون در دست مسیحیان است، خود از چهار انجیل به نام‌های انجیل متی، انجیل مرقس، انجیل لوقا و انجیل یوحنا تشکیل شده است. این انجیل‌ها به نام نویسندگانشان که از یاران و پیروان حضرت عیسی علیه السلام بوده‌اند، مشهورند. مورخان نوشته‌اند که پس از عروج حضرت عیسی علیه السلام به ملکوت، هیچ اثری از کتاب انجیل در میان مردم نبود. پس از گذشت مدتی، هر یک از یاران حضرت عیسی علیه السلام یا شاگردان ایشان، برداشت‌ها، خاطرات و الهامات خود را نوشتند و نام انجیل بر آن نهادند؛ به گونه‌ای که ده‌ها انجیل تألیف شد. سال‌ها در میان مردم انجیل‌های مختلفی وجود داشت تا این که حدود دو قرن بعد، شورای مرکزی مسیحیان چهار انجیل ذکر شده را – علی‌رغم اختلاف – انجیل راستین و انجیل‌های دیگر را انجیل‌های مجعول و دروغین نامید. درحالی که انجیل حضرت عیسی علیه السلام بیش از یکی نبود!



- ۱- آیات ۱۲۷ تا ۱۳۷ سوره بقره را مطالعه کنید و نکاتی را که نشان‌دهنده یکی بودن دین خداست، استخراج کنید.
- ۲- آیه ۶ سوره حمد و ۱۰۱ سوره آل عمران را با هم مقایسه کنید و برداشت خود را از این مقایسه توضیح دهید.

۱- به مقدمه مفصل آقای جمشید غلامی نهاد بر کتاب «انجیل برنابا» (نشر نیایش : ۱۳۷۹) مراجعه کنید.

معجزه‌ای از نوع کتاب

تاره‌ای بدخشید و ماه مجلس شد دل رسیده‌ی ما را انیس و مونس شد
نگار من که به کتب زفت و خط نوشت به نمره ساله آموز صد مدرس شد
حافظ

قرآن کریم، آخرین کتاب الهی است که بر خاتم پیامبران نازل شده است.
قرآن کریم این ویژگی را دارد که:

- دلیل و سند جاودانه نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.

در این درس می‌خواهیم این ویژگی را بررسی کنیم تا بدانیم:

اولاً، چگونه قرآن کریم دلیل حقانیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و معجزه ایشان

به‌شمار می‌آید؟

ثانیاً، آیا میان نوع معجزه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (یعنی کتاب) و خاتمیت ایشان رابطه‌ای

هست؟



آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

وَأَنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ

مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا

فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ

وَأَدْعُوا شُهَدَاءَكُمْ

مِنْ دُونِ اللَّهِ

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا

وَلَنْ تَفْعَلُوا

فَأْتِقُوا النَّارَ الَّتِي

وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ

أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

بقره، ۲۳ و ۲۴

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ

وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ

لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا

نساء، ۸۲

وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَبِأَيْدِيكُمْ لَا تَلْفُتُونَ
 وَلَا تَلْفُتُونَ بِأَيْدِيكُمْ وَلَا تَلْفُتُونَ بِأَيْدِيكُمْ وَلَا تَلْفُتُونَ
 إِذَا لَا تَلْفُتُونَ بِأَيْدِيكُمْ وَلَا تَلْفُتُونَ بِأَيْدِيكُمْ وَلَا تَلْفُتُونَ

عنکبوت ، ۴۸



به کمک توضیحات زیر، ترجمه را تکمیل کنید.

فَأْتُوا بِ: پس بیاورید وَادْعُوا: و فراخوانید وَقُود: هیزم، سوخت
 الْحِجَارَةَ: سنگ‌ها أُعِدَّتْ: آماده شده است لَوَجَدُوا: همانا که می یافتند



سوره/ آیه	با تفکر در آیات ابتدای درس، پاسخ سؤال‌های زیر را به دست آورید.
.....	۱- کسی که می‌پندارد قرآن کریم از جانب خدا نیست، برای اثبات ادعای خود چه باید بکند؟
.....	۲- اگر کسی بدون دلیل منکر الهی بودن قرآن باشد، چه سرنوشتی در انتظار اوست؟
.....	۳- یکی از دلایل الهی بودن قرآن چیست؟
.....	۴- در چه صورتی جای آن بود که کج اندیشان درباره الهی بودن قرآن دچار شک شوند؟

سند و دلیل نبوت

هر یک از پیامبران الهی معجزه‌ای داشتند که بدان وسیله پیامبر بودن خود را ثابت می‌کردند. از معجزه‌های حضرت موسی علیه السلام، یکی تبدیل شدن عصایش به ماری بزرگ بود و دیگری نوری بود که هنگام بیرون آمدن دست او از گریبان، همه‌جا را روشن می‌کرد. از معجزه‌های حضرت عیسی علیه السلام شفا دادن بیماران لاعلاج و زنده کردن مردگان بود. معجزه‌ها به اذن خدا انجام می‌شد و فقط برای اثبات نبوت پیامبران به کار می‌رفت. برخی از پیامبران گذشته کتاب آسمانی داشتند اما به عنوان معجزه مطرح نکردند.



آیا می‌دانید معجزه‌های حضرت موسی و حضرت عیسی چه تناسبی با زمان آنان داشت؟

.....

.....

.....

.....

معجزه اصلی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قرآن کریم است و همان‌طور که در آیات ابتدای درس خواندیم، از مخالفان می‌خواهد اگر در الهی بودن این کتاب شک دارند، یک سوره مانند آن بیاورند. این دعوت به مبارزه را «تَحَدّی» می‌گویند. از آن روز که قرآن کریم دعوت به مبارزه را اعلام کرده است بیش از چهارده قرن می‌گذرد. مخالفان سرسخت اسلام در این باره تلاش فراوان کرده‌اند اما نتوانسته‌اند سوره‌ای، حتی به اندازه سوره «کوثر» بیاورند که دانشمندان و متخصصان، برابری آن را با سوره‌ای از قرآن بپذیرند؛ درحالی که آسان‌ترین راه برای غیرالهی نشان دادن اسلام و قرآن کریم، آوردن سوره‌ای مشابه یکی از سوره‌های این کتاب الهی است.

ختم نبوت و معجزه جاویدان

جای این سؤال است که چرا خداوند یک کتاب را معجزه پیامبر اکرم قرار داده است؟

در پاسخ به این سؤال می‌گوییم :

از آن‌جا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آخرین پیامبر و تعلیمات ایشان برای همهٔ زمان‌های بعد از اوست، سند نبوت و حقانیت او نیز به‌گونه‌ای است که در همهٔ زمان‌ها حضور دارد و هم‌اکنون نیز مخالفان را به آوردن سوره‌های مانند سوره‌های خود دعوت می‌کند. اگر معجزه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از نوع کتاب و علم و فرهنگ نبود، نمی‌توانست شهادی حاضر و دائمی بر نبوت ایشان باشد. شگفتی این اعجاز در آن است که هر قدر زمان می‌گذرد و انسان به قله‌های بلندتری در علم و معرفت دست می‌یابد، نه‌تنها از ارزش آن کاسته نمی‌شود بلکه درخشندگی اش آشکارتر می‌گردد و ابعاد جدیدی از معارف آن کشف می‌شود.

جنبه‌های اعجاز قرآن کریم

هر کتابی از دو جنبه قابل بررسی است : یکی لفظی و دیگری محتوایی. در پیام آیات ابتدای درس دیدیم که تحدی قرآن کریم منحصر به یکی از این دو جنبه نیست و از مخالفان خواسته شده که برای اثبات ادعای خود سوره‌ای بیاورند که چه از نظر لفظی و چه از نظر محتوایی شبیه قرآن باشد. اکنون هر یک از این دو جنبه را بررسی می‌کنیم :

۱- اعجاز لفظی : هر کس که اندکی با زبان عربی آشنا باشد، پس از انس با قرآن، درمی‌یابد که این کلام با سایر کلام‌ها کاملاً متفاوت است. فصاحت و بلاغت قرآن کریم، از آغاز نزول مورد توجه همگان و حتی مخالفان قرار گرفت. زیبایی‌های لفظی، ساختار موزون کلمه‌ها و جمله‌ها، رسایی در معنا با وجود ایجاز و اختصار و بسیاری دیگر از ویژگی‌های هنرمندانه ادبی قرآن کریم، بی‌مانند است. همین زیبایی و شیرینی بیان، موزون بودن کلمه‌ها و رسایی تعبیرات، در طول تاریخ سبب نفوذ خارق‌العادهٔ این کتاب آسمانی در افکار و نفوس شده است. در اوایل بعثت، سران مکه افرادی را مأمور کرده بودند که نگذارند مردم به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بروند و آیات قرآن را بشنوند؛ زیرا می‌دانستند که این آیات، شنونده را تحت تأثیر قرار می‌دهد.





نمونه‌ای از اعجاز لفظی قرآن کریم :

ولید بن مغیره از بزرگان مکه بود و به حسن تدبیر شهرت داشت. روزی به تقاضای جمعی از مشرکان نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد تا از نزدیک وضع او را بررسی و آیات قرآن را ارزیابی کند. پیغمبر صلی الله علیه و آله قسمتی از سوره «سجده» را تلاوت می‌کرد. این آیات چنان تأثیر و هیجانی در ولید ایجاد کرد که بی‌اختیار از جا حرکت نمود، نزد مشرکان بازگشت و گفت :

سوگند می‌خورم که از محمد سخنی شنیدم که نه به گفتار انسان‌ها شباهت دارد و نه به گفتار پریان؛ گفتار او شیرینی و زیبایی مخصوصی دارد، و بر هر گفتاری پیروز خواهد شد.

زمزمه در میان قریش افتاد که ولید به گفتار پیامبر علاقه‌مند شده است. ابو جهل گفت من چاره کار را می‌دانم. درحالی که خود را غمگین نشان می‌داد، به منزل ولید آمد. ولید پرسید : «چرا غمگینی؟» ابو جهل گفت : «چرا غمگین نباشم؟ قریش بر تو با این سن و شخصیت، عیب می‌گیرند و می‌گویند که جذب محمد شده‌ای».

ولید برخاست و با ابو جهل به مجلس قریش درآمد. رو به سوی جمعیت کرد و گفت : «آیا تصور می‌کنید محمد دیوانه است؟» حضار گفتند : نه. گفت : «تصور می‌کنید او دروغ‌گوست؟» حضار گفتند : نه. سپس بزرگان قریش گفتند : پس چه چیزی باید به او نسبت دهیم تا مردم گرد او جمع نشوند؟ ولید با شیطنتی خاص گفت : «ساحر؛ آری او ساحر است.»^۱

برخی از سران مکه که خود، مردم را از شنیدن قرآن منع می‌کردند، شب‌ها پشت خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌آمدند و به تلاوت آیات گوش می‌دادند. مدتی گذشت؛ یکی از آنان گفت این درست نیست که دیگران را از شنیدن قرآن منع کنیم، اما خود به قرآن گوش دهیم. آنان تصمیم گرفتند از شب بعد پشت خانه پیامبر صلی الله علیه و آله جمع نشوند. در اواخر شب بعد، یکی از آنان از شوق شنیدن قرآن و لذت بردن از زیبایی آن، آن قدر برانگیخته شد که نتوانست جلوی خود را بگیرد و دور از چشم دوستان خود به سوی خانه پیامبر صلی الله علیه و آله حرکت کرد. وقتی پشت خانه آن حضرت رسید، دید که دوستان دیگر او نیز آمده‌اند و مشغول شنیدن صدای رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند و تلاوت قرآن را می‌شنوند.^۲

۱- قرآن و آخرین پیامبر، آیت‌الله مکارم شیرازی، ص ۷۸

۲- سیره ابن‌هشام، ج ۱، ص ۳۲۷

۲- اعجاز محتوایی: محتوای این کتاب شریف ویژگی‌هایی دارد که نشان می‌دهد از قلم هیچ دانشمندی تراوش نکرده است، چه رسد به شخصی که قبل از آن چیزی نوشته و آموزشی ندیده است. اساساً قرآن کریم در چنان اوجی از معنا قرار دارد که اگر همه انسان‌ها یک‌دیگر را کمک کنند، نمی‌توانند حتی سوره‌ای مانند آن را بیاورند. حال ببینیم این ویژگی‌ها کدام‌اند.

الف) انسجام درونی، در عین نزول تدریجی: می‌دانیم که آثار و نوشته‌های اولیه دانشمندان و متفکران با آثار دوران پختگی و کمالشان متفاوت است. از این رو دانشمندان معمولاً در نوشته‌های گذشته خود تجدید نظر می‌کنند و اگر بتوانند، کتاب‌های گذشته خود را اصلاح می‌نمایند.

با این‌که بیش از شش هزار آیه قرآن کریم در طول ۲۳ سال نازل شده و درباره موضوعات متنوعی مانند توحید، معاد، انسان، نظام خلقت، سرگذشت پیامبران، نظام اجتماعی، اخلاق و احکام سخن گفته است، با وجود این، نه تنها میان آیات آن تعارض و ناسازگاری نیست، بلکه آیاتش دقیق‌تر از اعضای یک بدن با یکدیگر هماهنگ‌اند.



به فعالیت «پیام آیات» نگاه کنید و ببینید این ویژگی با کدام یک از پیام‌های

پیام شماره

استخراج شده مطابقت دارد.

ب) تأثیر ناپذیری از عقاید دوران جاهلیت: در هر دوره‌ای از زمان، مجموعه‌ای از افکار، عقاید، آداب و رسوم که از آن به فرهنگ تعبیر می‌شود، مردم را کم و بیش تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرهنگ مردم حجاز آمیزه‌ای از عقاید نادرست و آداب و رسوم خرافی و شرک آلود بود. آنان حتی آداب توحیدی باقی مانده از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام را با شرک آمیخته و کعبه را مرکز بت‌های کوچک و بزرگ کرده بودند. با وجود این، قرآن کریم نه تنها از این فرهنگ تأثیر نپذیرفت بلکه به شدت با آداب جاهلی و رسوم خرافی آن مبارزه کرد و به اصلاح جامعه پرداخت و از موضوع‌هایی چون عدالت خواهی، علم دوستی، معنویت و حقوق برابر انسان‌ها که آرمان‌های مقدس بشریت به شمار می‌روند سخن گفت.

ج) جامعیت و همه جانبه بودن: قرآن کریم با وجود این که حدود پانزده قرن پیش و در جامعه‌ای به دور از فرهنگ و دانش نازل شده در مورد همه مسائل مهم و حیاتی که انسان در هدایت بدان نیاز

دارد، سخن گفته و چیزی را فروگذار نکرده است. این کتاب فقط از امور معنوی یا آخرت و رابطه انسان با خدا سخن نمی‌گوید، بلکه از زندگی مادی و دنیوی انسان، مسئولیت‌های اجتماعی و رابطه وی با انسان‌های دیگر سخن می‌گوید و برنامه‌ای جامع و همه‌جانبه را در اختیارش قرار می‌دهد.

د) تازگی و شادابی دائمی: معمولاً افکار و اندیشه‌ها به تدریج کهنه می‌شوند و با پیشرفت فرهنگ و دانش بشری همه یا قسمتی از آن‌ها جای خود را به اندیشه‌های جدید می‌دهند. اما می‌بینیم که قرآن کریم نه تنها با پیشرفت زمانه کهنه نمی‌شود، بلکه افق‌های جدیدی از حکمت، علم و معرفت را به روی جویندگان می‌گشاید. این کتاب، کتاب دیروز، امروز و فردای انسان‌هاست. هر چه زمان بگذرد و انسان‌ها به درجات عالی‌تری از فرهنگ و دانش برسند، درخشندگی و شادابی قرآن بیش‌تر نمایان خواهد شد.

ه) ذکر نکات علمی بی‌سابقه: در جامعه‌ای که علم و دانش جایگاهی نداشت و خبری از رشته‌هایی مانند فیزیک، زیست‌شناسی، گیاه‌شناسی و ستاره‌شناسی نبود، قرآن کریم اشاره به برخی نکات علمی می‌کند که در تمام دنیای آن روز بی‌سابقه بود و بعدها توسط دانشمندان کشف گردید.^۱ به دو نمونه از این نکات علمی توجه کنید:

۱- مردم از وجود زوجیت در انسان‌ها و حیوان‌ها مطلع بودند. اما بعدها دانشمندان دانستند که نوعی از زوجیت در گیاهان هم هست. در بسیاری از آن‌ها نر و ماده بر یک پایه قرار دارند و در برخی دیگر درخت نر از درخت ماده جداست.

امروزه روشن شده که گونه‌هایی از زوجیت در سایر موجودات هم وجود دارد، مانند بار مثبت و منفی الکترون و پروتون و بارهای مغناطیسی متضاد. قرآن کریم از این زوجیت‌ها خبر داده است. مثلاً می‌فرماید که ما زمین را گستراندیم و کوه‌های بلند و استوار را بنا نهادیم و از هر گیاهی به صورت زوج در آن رویاندیم.^۲ آن‌گاه دامنه زوجیت را توسعه می‌دهد و به همه اشیاء می‌رساند و می‌فرماید از هر چیز دو گونه آفریدیم.^۳

۲- تا قبل از قرن هجدهم دانشمندان فکر می‌کردند که ستارگان به سقف آسمان‌ها، چسبیده‌اند و به همین علت نمی‌افتند. اما قرآن کریم از وجود جاذبه میان ستارگان، به طوری که همه مردم بفهمند خبر داد و آن را عامل درهم نرفتن ستارگان در یکدیگر معرفی کرد و فرمود: «خداوند، آسمان‌ها را با ستون‌هایی که برای شما دیدنی نیستند، برپا داشته است.»^۴

۱- البته، قرآن کتاب هدایت است، نه کتابی درباره علوم. به همین جهت اگر گاهی به یک نکته علمی می‌پردازد، برای نشان دادن عظمت خلقت و واداشتن انسان‌ها به تفکر در جهان است. از همین روست که این نکات علمی را به صورت کوتاه و در حد اشاره مطرح می‌کند.

۲- رعد، ۴

۳- ذاریات، ۴۹

۴- ق، ۷

امی بودن پیامبر ﷺ و معجزه بودن قرآن

از موضوعات شگفت‌انگیز و زیبا عرضه قرآن کریم توسط پیامبری امی و درس نخوانده بود. مورخان نوشته‌اند که تا قبل از ظهور اسلام، آموختن علم در میان مردم حجاز مرسوم نبود و جایی برای درس خواندن وجود نداشت. رسول خدا ﷺ نیز که قبل از تولد، پدر و پس از مدتی مادر خود را از دست داده بود، مطابق رسم زمانه نزد کسی درس نخواند و خواندن و نوشتن نیاموخت. در عین حال، از همان ابتدای بعثت، آیاتی را بر مردم خواند که برترین معارف را در زمینه خداپرستی، معاد، انسان‌شناسی، اخلاق و سایر جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی دربرداشت و بزرگ‌ترین دانشمندان را به تکاپو واداشت و فیلسوفان، عارفان و ادیبان را خاضع کرد.



به فعالیت «پیام آیات» نگاه کنید و ببینید این ویژگی با کدام یک از پیام‌های

پیام شماره

استخراج شده مطابقت دارد.

برای مطالعه

الف) نمونه‌هایی از اعجاز محتوایی قرآن :

۱- شاید نتوان کتابی را در جهان یافت که در آن به اندازه قرآن کریم بر تعقل، تفکر و علم دوستی تأکید شده باشد. در این کتاب، بیش از ۷۷۰ بار از علم، ۲۸۰ بار از تذکر و ذکر، ۱۸۵ بار از گوش‌دادن و توجه کردن، ۴۹ بار از عقل، ۱۹ بار از ژرف‌اندیشی و تفقه، ۱۸ بار از فکر کردن، ۸ بار از تدبیر کردن، ۸ بار از برهان، ۱۳۲ بار از تبیین و دلیل، ۱۱۴ بار از حکمت و مشتقات آن‌ها و نیز ده‌ها کلمه دیگر مانند قلم و کتاب که به تفکر و علم مربوط می‌شوند، نام برده شده است. همچنین آیات متعددی در نكوهش جهل، غفلت و تعقل نکردن وجود دارد.

۲- در نظام اجتماعی و سیاسی آن عصر از جمله در نظام اجتماعی روم و ایران، مردم به طبقات

عالی و پست تقسیم می‌شدند. کسانی که جزء طبقه پست بودند، حقوق اجتماعی کمتری داشتند. قرآن کریم با این موضوع به شدت مبارزه کرد و فرمود:

«ای مردم، ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را شاخه شاخه و قبیله قبیله کردیم تا یک‌دیگر را

باز شناسید. همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست. البته خدا دانا و آگاه است.»^۱

۳- در جامعه آن روز عربستان و حتی دیگر نقاط جهان، کرامت زنان نادیده گرفته می‌شد. در آن

جامعه، زن ارزشی شبیه اموال داشت. خانواده‌ای که فرزند دختر به دنیا می‌آورد، احساس شرم می‌کرد^۲ و

کار به جایی می‌رسید که گاهی پدر نوزاد دختر را زنده به گور می‌کرد. در چنین فضایی، قرآن کریم با بیان

کرامت زن و تساوی وی با مرد در انسانیت اعلام کرد: هر کس، از مرد و زن، عمل صالح انجام دهد و

اهل ایمان باشد، خداوند به او حیات پاک و پاکیزه می‌بخشد^۳ و عمل هیچ مرد و زنی را ضایع نمی‌کند.^۴

همچنین به کسانی که دختران را زنده به گور می‌کردند، بیم آتش جهنم داد و فرمود در روز قیامت درباره

این دختران سؤال می‌شود که به چه علتی زنده به گور شدند.^۵

علاوه بر این، قرآن کریم برای زنان حقوق خانوادگی و اجتماعی قائل شد، در مالکیت به او

استقلال بخشید و بهره کارش را از آن خودش دانست؛ هزینه خانواده را از دوش او برداشت و بردوش

مرد قرار داد و به خصوص بر کرامت، عزت و عفافش تأکید کرد تا در جامعه مورد سوء استفاده مرد

قرار نگیرد.

ب) نظر برخی از دانشمندان درباره قرآن کریم:

دانشمندان و متفکران امروز جهان، حتی کسانی که مسلمان نیستند، در برابر عظمت و بزرگی آن

احساس خضوع می‌کنند و از این کتاب به بزرگی یاد می‌نمایند که این نشان حضور زنده و شاداب قرآن

در دنیای امروز است. به نمونه‌ای از اظهار نظرهای دانشمندان معاصر در این باره توجه کنید^۶:

Albert Einstein

۱- آلبرت اینشتین (متفکر و فیزیکدان بزرگ)

قرآن، کتاب جبر یا هندسه یا حساب نیست بلکه مجموعه‌ای از قوانین است که بشر را به راه

۱- حجرات، ۱۳

۲- نحل، ۵۸

۳- نحل، ۹۷

۴- آل عمران، ۱۹۵

۵- تکویر، ۹

۶- برگرفته از کتاب «قرآن از دیدگاه ۱۱۴ دانشمند جهان»، از محمد مهدی علیقلی و تلخیص کاظم تقی‌زاده

راست، راهی که بزرگ‌ترین فلاسفه از تعریف آن عاجزند، هدایت می‌کند.

H. Corbin

۲- پرفسور هانری کربن (فیلسوف معاصر فرانسوی)

اگر اندیشهٔ محمد ﷺ خرافی بود و اگر وحی او وحی الهی نبود، هرگز جرأت نمی‌کرد بشر را به علم دعوت کند. هیچ یک از افراد بشر و هیچ شیوهٔ تفکری به اندازهٔ محمد ﷺ و قرآن، انسان را به دانش دعوت نکرده‌اند؛ تا آن‌جا که در قرآن، نهصدوپنجاه بار از علم، فکر و عقل سخن به میان آمده است.

D. Goustawe Lebon

۳- دکتر گوستاو لوبون (مورخ بزرگ فرانسوی)

قرآن که کتاب آسمانی مسلمین است، به تعلیم و دستورات مذهبی منحصر نمی‌شود بلکه مشتمل است بر دستورات سیاسی و اجتماعی، خیرات، نیکی، مهمان‌نوازی، اعتدال در خواهش‌های نفسانی، وفای به عهد، اکرام به والدین، کمک کردن به بیوه و یتیم و سرپرستی آن‌ها، نیکی کردن در مقابل بدی که در موارد متعددی بر آن تأکید شده، و در آن تمام این صفات و خصلت‌های پسندیده تعلیم داده شده است. تعلیمات اخلاقی قرآن به مراتب بالاتر از تعلیمات انجیل است.

Lion Tolstue

۴- لئون تولستوی (فیلسوف و نویسندهٔ شهیر روسی)

هر کس بخواهد سادگی و بی‌پیرایه بودن اسلام را دریابد، باید قرآن مجید را مطالعه کند؛ در آن‌جا قوانین و تعلیماتی بر مبنای حقایق روشن و آشکار صادر و احکام آسان و ساده برای عموم بیان شده است.





- ۱- اگر اعجاز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به زمان خودش اختصاص داشت، چه مشکلی پیش می‌آمد؟
- ۲- چرا خداوند در آیه ۸۲ سوره نساء می‌فرماید «اگر قرآن از غیر خدا بود، اختلاف و ناسازگاری بسیاری در آن مشاهده می‌شد»؟
- ۳- با بررسی اولین آیات نازل شده بر پیامبر اکرم (۵ آیه اول سوره علق)، توضیح دهید که چگونه این آیات نشان‌دهنده تأثیرناپذیری قرآن از فرهنگ و عقاید دوران جاهلیت است.



- ۱- کدام پیام قرآن توجه شما را به خود جلب کرده و بر شما تأثیر عمیقی داشته است؟ آن را در قالب یک مقاله یا هر طرح زیبایی دیگر در کلاس گزارش کنید.
- ۲- درباره معجزات پیامبران دیگر تحقیق کنید و توضیح دهید که آن‌ها چگونه با این معجزات حقانیت رسالت خود را ثابت می‌کرده‌اند.
- ۳- اگر دوست دارید کتاب خدا دائماً با شما سخن بگوید و شما هم مرتب خود را با راهنمایی‌های قرآن ارزیابی کنید، دفترچه‌ای تهیه نمایید و هر وقت قرآن می‌خوانید، هر نکته‌ای را که به نظر تان جالب آمد و هر دستورالعمل کاربردی را که یافتید، در آن دفترچه یادداشت نمایید. این دفترچه و دفترچه‌های بعدی، در آینده مجموعه‌ای بسیار غنی از آیات برای استفاده در زندگی روزانه در اختیار شما می‌گذارد. بدین ترتیب درهای تدبیر در قرآن به روی شما گشوده می‌شود و از قرآن خواندن خود بهره و لذت بیشتری می‌برید.

صَلَّى
عَلَيْهِ
وَالْحَمْدُ

گستره رسالت پیامبر

رسول خدا ﷺ، به عنوان آخرین پیام‌رسان الهی، به مدت بیست و سه سال مردم را به دین اسلام فراخواند و برای رستگاری آنان و نجاتشان از گمراهی تلاش و مجاهده کرد و با استقامت و صبری بی‌مانند، وظیفه سنگین رسالت را به پایان رساند. در این درس، می‌خواهیم به این سؤال بپردازیم که قلمرو رسالت پیامبر اکرم ﷺ تا کجاست؟ و ایشان مسئول چه کارهایی است؟

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

..... لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
..... إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ
..... يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ
..... وَيُزَكِّيهِمْ
..... وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
..... وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ
..... لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

آل عمران، ۱۶۴

..... قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ
..... فَإِنْ تَوَلَّوْا
..... فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ

آل عمران، ۳۲

..... اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا
..... يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ
..... وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ
..... يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ
..... أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ

هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

بقره، ۲۵۷

...وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ
و خداوند هرگز برای کافران
عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا
به زیان مؤمنان راهی قرار نداده است.

نساء، ۱۴۱

الْمَ تَرَى الَّذِينَ
آیا ننگریستی به کسانی که
يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا
گمان و ادعا می کنند ایمان آورده اند
بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ
به آنچه بر تو نازل شده
وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ
و به آنچه پیش از تو نازل شده
يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ
می خواهند داوری نزد طاغوت برند
وَقَدْ أَمَرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ
درحالی که باید به او کافر شوند؟
وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ
و شیطان می خواهد که گمراهشان کند
ضَلَالًا بَعِيدًا
گمراهی سخت.

نساء، ۶۰

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ
.....
وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ
.....
لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ
.....

حدید، ۲۵



به کمک توضیحات زیر، ترجمه آیات را کامل کنید.

مَنْ: منت گذاشت تَوَلَّوْا: روی برمی گردانند



سوره/ آیه	با تفکر در آیات ابتدای درس، جمله‌های زیر را تکمیل کنید.
.....	۱- یکی از وظایف پیامبر اکرم (ص) است.
.....	۲- وظیفه دیگر ایشان تزکیه و می باشد.
.....	۳- هر انسانی وظیفه دارد از و اطاعت کند.
.....	۴- آن کس می تواند از تاریکی به نور درآید که
.....	۵- اگر کسی ولایت و سرپرستی خداوند را نپذیرد و به ولایت درآید، نتیجه اش خواهد بود.
.....	۶- مسلمانان نباید
.....	۷- مسلمانان نباید برای داوری
.....	۸- مسلمانان وظیفه دارند جامعه‌ای براساس بنا کنند.

قلمرو رسالت

تعلیمات قرآن کریم و روش زندگی رسول خدا ﷺ بیانگر آن است که برنامه هدایت الهی و رسالت ایشان شامل سه قلمرو می‌شود.

پیام شماره

۱- دریافت و ابلاغ وحی

رسول خدا ﷺ آیات قرآن کریم را به‌طور کامل از فرشته وحی دریافت می‌کرد و بدون کم و

کاست به مردم می‌رساند. برای حفظ پیام الهی و امکان دسترسی مردم به آن، عده‌ای از یاران آن حضرت آیات قرآن را می‌نوشتند. عده زیادی هم بودند که آیات و سوره‌ها را در سینه خود حفظ می‌کردند. نویسندگان قرآن را «کاتبان وحی» و حفظ‌کنندگان آیات را «حافظان وحی» می‌نامیدند. اولین و برترین کاتب و حافظ قرآن، حضرت علی رضی الله عنه بود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این مسئولیت را به‌طور کامل به انجام رساند و قرآن کریم را مرتب و تنظیم کرد و در اختیار آیندگان قرار داد. اکنون که قرن‌ها از زمان نزول قرآن می‌گذرد، این کتاب آسمانی به همان صورتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آیات و سوره‌های آن را تنظیم کرده بود، در میان مردم وجود دارد و مشتاقان هدایت به آسانی می‌توانند از آن بهره ببرند و راه رستگاری را در کلام خداوند بیابند.

۲- تعلیم و تبیین تعالیم وحی (مرجعیت دینی) پیام شماره

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فقط رساننده وحی نبود بلکه وظیفه تعلیم و تبیین قرآن کریم را نیز برعهده داشت تا مردم بتوانند به معارف بلند این کتاب آسمانی دست یابند و جزئیات احکام و قوانین را بفهمند و شیوه عمل کردن به آن را بیاموزند. از این رو، گفتار و رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اولین و معتبرترین مرجع علمی برای فهم عمیق آیات الهی است و مسلمانان با مراجعه به آن، به معنای واقعی بسیاری از معارف این کتاب بی‌می‌برند و شیوه انجام دستورات قرآن را می‌آموزند. ما هم اکنون، نماز، روزه، حج و بسیاری دیگر از وظایف خود را که کلیات آن‌ها در قرآن کریم آمده، مطابق گفتار و رفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم انجام می‌دهیم. به‌راستی که ایشان اولین و بزرگ‌ترین معلم قرآن بوده است.

۳- اجرای قوانین الهی از طریق ولایت بر جامعه (ولایت ظاهری)

دیگر قلمرو رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ولایت بر جامعه است. ولایت به معنی سرپرستی و رهبری می‌باشد. ایشان، به محض این که مردم مدینه اسلام را پذیرفتند به مدینه هجرت کرد و به کمک مردم آن شهر (یعنی انصار) و مهاجرانی که از مکه آمده بودند، حکومتی را که بر مبنای قوانین اسلام اداره می‌شد، پی‌ریزی نمود. ایشان مسجد مدینه را که در همان روزهای اول ورود به شهر ساخته شد، محل حکومت و رهبری خود قرار داد و به تدریج و با توسعه کشور اسلامی، احکام خداوند را در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، قضایی، نظامی و فرهنگی، با کمک مردم به اجرا درآورد و به گسترش عدالت پرداخت. روایات متعددی از معصومین علیهم السلام نقل شده است که اسلام را بر «پنج پایه» استوار دانسته و از میان آن‌ها «ولایت» را مهم‌ترین پایه شمرده‌اند. از جمله آن‌ها این حدیث از امام باقر رضی الله عنه است:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ
عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ
وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ
وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ
كَمَا نُوَدَى بِالْوَلَايَةِ

اسلام بر پنج پایه استوار است
بر نماز و زکات
و روزه و حج و ولایت
و به چیز دیگری دعوت نشده،
آن طور که به ولایت دعوت شده است.^۱

این حدیث از اهمیت بسیار بالای ولایت حکایت می‌کند. زیرا وقتی ولایت و حکومت اسلامی برقرار شود، فرصت برای اجرای تمام احکام دین از جمله نماز، زکات، روزه و حج فراهم می‌شود و مردم اعمال خود را در سایه ولایت الهی انجام می‌دهند.

سؤال: چرا جامعه اسلامی نیازمند ولایت و حکومت است و رهبری اسلامی جزء احکام بسیار مهم شمرده شده است؟

در پاسخ به این سؤال، دلایل زیر را ذکر می‌کنیم:

الف) جامعیت دین اسلام: اسلام یک دین کامل و دربردارنده هدایت انسان در همه ابعاد فردی و اجتماعی آن است. از آن جایی که حیات فردی و اجتماعی انسان امری به هم پیوسته و کاملاً مرتبط با یکدیگر است، برنامه هدایت وی نیز باید جامع و دربرگیرنده هر دو جنبه حیات انسان باشد و همه بخش‌های زندگی وی را پوشش دهد. مهم‌ترین بخش زندگی اجتماعی، حکومت و اداره جامعه و تنظیم روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. چگونه ممکن است یک دین کامل، از این بخش زندگی که بر همه بخش‌ها تأثیر جدی می‌گذارد، غافل بماند و مردم را به یک نظام حکومتی درست راهنمایی نکند؟

ب) ضرورت اجرای احکام اسلامی: یکی از اهداف ارسال پیامبران آن بود که مردم، جامعه‌ای بر پایه عدل بنا کنند و روابط مردمی و زندگی اجتماعی خود را بر اساس قوانین عادلانه بنا نهند. این هدف بزرگ بدون وجود یک نظام حکومتی سالم میسر نیست. آیا می‌شود که خداوند هدفی را برای ارسال پیامبر خود تعیین کند ولی ابزار و شیوه رسیدن به آن را نادیده بگیرد؟ همچنین قرآن کریم برای

۱- بحار الانوار، ج ۶۸، باب ۲۷، روایت ۱

رسیدن به جامعه عادلانه احکامی مانند خمس، زکات، حفظ استقلال جامعه و نفی سلطه بیگانگان، امر به معروف، نهی از منکر، مبارزه با ظلم و جهاد دارد. روشن است که اجرای این قوانین بدون تشکیل حکومت اسلامی امکان پذیر نیست.

ج) پذیرش ولایت الهی و نپذیرفتن حاکمیت طاغوت: ولی و سرپرست حقیقی انسانها خداست و به همین جهت، فرمانبرداری و اطاعت از دستوره‌های او و کسانی که خودش معین کرده، ضروری و واجب است. اجرای هر قانون و پیروی از هر کس هنگامی صحیح است که به گونه‌ای به قانون الهی و فرمان او باز گردد.

کسانی که به مردم فرمان می‌دهند و قانون‌گذاری می‌کنند، در حالی که خداوند آن‌ها را تعیین نکرده و فرمان و قانونشان نشأت گرفته از قرآن، یعنی برخاسته از فرمان الهی نیست، «طاغوت» نامیده می‌شوند. مراجعه به «طاغوت» و انجام دستوره‌های وی بر مسلمانان حرام است.

پیام شماره

د) حفظ استقلال جامعه اسلامی در برابر کفار: قرآن کریم از مسلمانان می‌خواهد که سلطه بیگانگان را نپذیرند و زیر بار آن‌ها نروند؛ این حکم قرآنی را «قاعده نفی سبیل» می‌گویند. مستکبران و ستمگران جهان همواره در پی آنند که بر جوامع دیگر مسلط شوند و از منابع مادی آنان بهره ببرند. تشکیل حکومت اسلامی، با آن رهبری که خداوند معین فرموده، هم مانع سلطه بیگانگان می‌شود و هم می‌تواند روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را با سایر کشورها به گونه‌ای تنظیم کند که جامعه اسلامی استقلال خود را در جهات مختلف حفظ نماید و بیگانگان راهی برای تسلط بر مسلمانان نیابند.

پیام شماره



امام خمینی «رحمة الله علیه» رهبر کبیر انقلاب اسلامی، بزرگ‌ترین شخصیت عصر حاضر است که به تبیین ضرورت حکومت اسلامی پرداخته و با بیان روشنگرانه خود، توجه مردم را بدان جلب کرده است. در سخنانی که از ایشان نقل می‌شود، ببینید و ببینید که با کدامیک از بندهای «الف» تا «د» ارتباط دارد.

ارتباط	سخنان امام خمینی «ره»
	به این دلیل که هر نظام سیاسی غیراسلامی، نظامی شرک آمیز است، چون حاکمش «طاغوت» است، ما موظفیم آثار شرک را از جامعه مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و از بین ببریم. ^۱
	مذهب اسلام هم‌زمان با این که به انسان می‌گوید که خدا را عبادت کن و چگونه عبادت کن، به او می‌گوید چگونه زندگی کن و روابط خود را با سایر انسان‌ها چگونه باید تنظیم کنی و حتی جامعه اسلامی با سایر جوامع چگونه روابطی باید برقرار نماید. هیچ حرکتی و عملی از فرد و جامعه نیست، مگر این که مذهب اسلام برای آن حکمی مقرر داشته است. ^۲
	مجموعه قانون برای اصلاح جامعه کافی نیست. برای این که قانون مایه اصلاح بشر شود، به قوه اجراییه و مجری احتیاج دارد. به همین جهت، خداوند متعال در کنار فرستادن یک مجموعه قانون — یعنی احکام شرع — یک حکومت و دستگاه اجرا و اداره مستقر کرده است. رسول اکرم <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> در رأس تشکیلات اجرایی و اداری جامعه مسلمانان قرار داشت. ^۳
	با دقت در ماهیت و کیفیت احکام شرع درمی‌یابیم که اجرای آن‌ها و عمل به آن‌ها مستلزم تشکیل حکومت است و بدون تأسیس یک دستگاه عظیم و به‌ناور اجرا و اداره نمی‌توان به وظیفه اجرای احکام الهی عمل کرد. ^۴

ولایت معنوی، برترین مقام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

همان‌طور که دیدیم، رسول خدا از طرف خداوند دارای ولایت ظاهری است و سرپرستی و رهبری جامعه را برعهده دارد و با اجرای قوانین الهی جامعه اسلامی را اداره و رهبری می‌کند.

اما آن حضرت ولایت معنوی را که همان سرپرستی و رهبری معنوی انسان‌هاست و مرتبه‌ای برتر و بالاتر از ولایت ظاهری است نیز داراست. این ولایت چیست و چگونه انجام می‌پذیرد؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با انجام وظایف عبودیت و بندگی و در مسیر قرب الهی به مرتبه‌ای از کمال نائل شد که می‌توانست عالم غیب و ماورای طبیعت را مشاهده کند و واسطه فیض خالق به مخلوق شود و به اذن الهی در عالم طبیعت تصرف نماید. به طور مثال، به اذن الهی قادر بود بیمار را شفا بخشد، خطری را از کسی دفع نماید و سایر حاجات مردم را در صورتی که صلاح آن‌ها در آن باشد، برآورده سازد.

۲- صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۶۷ و ۱۶۸

۱- ولایت فقیه، امام خمینی، ص ۴۰

۴- ولایت فقیه، ص ۲۶ تا ۳۴

۳- ولایت فقیه، امام خمینی، ص ۱۸

نمونه دیگر ولایت معنوی، هدایت بندگان خداست، نه از طریق آموزش معمولی و عمومی، بلکه از طریق امداد غیبی و الهامات روحی و معنوی و تصرف در قلوب و مانند آن. میزان بهره‌مندی انسان‌ها از این هدایت معنوی به درجه ایمان و عمل آنان بستگی دارد. هر قدر درجه ایمان و عمل انسان‌ها بالاتر باشد، استعداد و لیاقت دریافت هدایت‌های معنوی را بیشتر کسب می‌کنند و درمی‌یابند که خداوند چه نقش عظیمی برعهده رسول خدا ﷺ برای هدایت انسان‌ها گذاشته است. نمونه‌ای کامل از این نوع هدایت را می‌توانیم در رفتار رسول خدا ﷺ با حضرت علی المرتضیٰ بینیم. آن حضرت که از همان دوران کودکی تحت تربیت رسول خدا ﷺ قرار گرفت، با استعداد بی‌نظیر خود مراتب کمال را در ایمان و عمل به سرعت می‌پیمود. به همین جهت، علاوه بر تربیت از روش‌های معمولی، از هدایت‌های معنوی رسول خدا ﷺ نیز بهره می‌برد. ایشان می‌فرماید: «روزی رسول خدا ﷺ هزار باب از علم به رویم گشود که از هر کدام، هزار باب دیگر گشوده می‌شد.»^۱

روشن است که آموزش این علوم از طریق آموختن معمولی نبود، بلکه به صورت الهام بر روح جان حضرت علی المرتضیٰ بوده است.



۱- این توانایی اختصاص به پیامبر اکرم ﷺ ندارد، گرچه درجه کامل آن مخصوص ایشان است. قرآن کریم این توانایی را برای برخی دیگر از پیامبران و اولیای الهی ذکر می‌کند. حضرت یوسف المرتضیٰ تأویل خواب‌های پیچیده را به همان صورت که قرار بود اتفاق بیفتد بیان می‌کرد. حضرت سلیمان المرتضیٰ با پرندگان سخن می‌گفت و زبان حیوانات را می‌دانست. مشاور آن حضرت که نامش را آصف بن برخیا گفته‌اند، تخت پادشاه سبا را در یک چشم به هم‌زدن از سرزمین قوم سبا به دربار سلیمان المرتضیٰ آورد.

۲- نمونه دیگر، بهره‌مندی اویس قرنی از این هدایت است. وی، جوانی از اهل یمن بود که بدون دیدن رسول خدا ﷺ به ایشان ایمان آورد و با اینکه هیچ‌گاه موفق به دیدن رسول خدا نشد، به درجات بالایی از ایمان و عمل رسید. یک بار هم برای دیدار، به مدینه آمد، رسول خدا در مدینه نبود

۱- بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۷۰، باب اول

و ناچار شد به سرعت به شهر خود بازگردد. زیرا مادر پیر و سالخورده‌ای داشت و مادرش از او قول گرفته بود که بیش از چند ساعتی در مدینه نماند و زود برگردد. عشق و ارادت او بس به رسول خدا بسیار قوی بود. رسول خدا نیز به ایشان محبت داشت و گاه می‌فرمود رایحهٔ بهشت را از یمن استشمام می‌کنم. او بس از همان دور توسط رسول خدا تربیت شد و به درجات بالایی از کمال رسید. پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خدمت امام علی رضی الله عنه رسید و از یاران با اخلاص ایشان شد و بالاخره در جنگ صفین به شهادت رسید.

این هدایت معنوی شکل‌ها و صورت‌های مختلف دارد و بالیاقت و استعداد افراد متناسب است. بسیار پیش آمده که عالمان پاک سرشتی با همهٔ تلاشی که کرده‌اند، در حل یک مسئلهٔ علمی بازمانده‌اند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به صورت الهام در خواب یا در بیداری، پاسخ صحیح را به آن‌ها داده است. بسیاری از ابعاد ولایت معنوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و سایر پیشوایان بزرگوار در زیارت جامعه ذکر شده که می‌توان به آن مراجعه کرد.



- ۱- آیهٔ ۱۵ سورهٔ شوری را مطالعه کنید و ببینید که این آیه بر کدام‌یک از قلمروهای رسالت پیامبر دلالت دارد.
- ۲- نمونه‌هایی از احکام اجتماعی اسلام را که اجرای آن‌ها نیازمند تشکیل حکومت است، بیان کنید.
- ۳- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان مرجع دینی مسلمانان، چه کارهایی را انجام می‌داد؟



- ۱- اگر بخواهید یکی از ویژگی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را انتخاب کنید و ایشان را از آن زاویه توصیف کنید، کدام را انتخاب می‌کنید؟ با انتخاب و توصیف خود، توانایی‌تان را تجربه کنید.
- ۲- اگر شعر، قطعهٔ ادبی، حدیث یا داستان کوتاه زیبایی دربارهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سراغ دارید، آن را بنویسید و در کلاس بخوانید.

تداوم رسالت

چون قرآن کریم، آخرین کتاب آسمانی و رسول خدا ﷺ خاتم پیامبران است، می توان پرسید:

طرح و برنامه خداوند برای جامعه اسلامی، پس از رحلت رسول خدا (ص) چیست؟

این جامعه در چه مسیری و چگونه باید حرکت کند؟

رهبری این نظام در طول تاریخ آینده برعهده چه کسانی باید قرار بگیرد؟





آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

يا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا

أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ

وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ

فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ

فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ

إِن كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

پس اگر در چیزی ستیزه و نزاع کردید
آن را به خدا و پیامبر باز گردانید
این، بهتر است
و سرانجامش نیکوتر است.

ذَلِكَ خَيْرٌ

وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

نساء، ۵۹

﴿ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ

وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ

وَهُمْ رَاكِعُونَ

مائدة، ۵۵

..... يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ
 بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ
 وَإِنَّ لَمْ تَفْعَلْ
 فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ
 وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ
 إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

مائده، ۶۷

همانا خدا اراده کرده که دور گرداند
 از شما اهل بیت پلیدی و ناپاکی را
 و شما را کاملاً پاک و طاهر قرار دهد

﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ
 عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ
 وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴾

احزاب، ۳۳



به کمک توضیحات زیر، ترجمه آیات را تکمیل کنید.

وَلِيٍّ : سرپرست	أُولَى الْأَمْرِ : صاحبان امر
لَمْ تَفْعَلْ : انجام ندهی	بَلِّغْ : برسان
يَعْصِمُكَ : تو را نگه می دارد	مَا بَلَّغْتَ : نرسانده ای

۱- مقصود از پلیدی و ناپاکی، هرگونه گناه و آلودگی اخلاقی است.

برای رسیدن به پاسخ سؤالی که در ابتدای درس طرح شد، قبل از هر چیز لازم است مشخص شود که در میان قلمروهای سه‌گانه رسالت پیامبر، کدام یک با رحلت ایشان پایان می‌پذیرد و کدام یک باید ادامه یابد.

بنابر آنچه در درس چهارم آمد، قلمرو اول رسالت – یعنی دریافت و ابلاغ وحی – با وجود قرآن و حفظ آن در میان مسلمانان پایان می‌پذیرد و آن بخش از رسالت پیامبر که مربوط به نبوت می‌باشد، با رحلت ایشان تمام می‌شود و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «خاتم النبیین» است.

اما دو قلمرو دیگر به همان دلایلی که در زمان حیات ایشان ضروری بود، پس از ایشان نیز ضروری است و ادامه می‌یابد. زیرا با گذشت زمان و گسترش سرزمین اسلامی، ظهور فرقه‌ها و اندیشه‌های مختلف، پیدایش مسائل و مشکلات پیچیده اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، نیاز به امام و رهبری که جامعه اسلامی را به سوی رستگاری و عدالت هدایت کند، همچنان وجود دارد.

یعنی همان‌طور که در زمان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «تعلیم و تبیین تعالیم دین»، «ولایت و سرپرستی جامعه» ضروری بود و ایشان این مسئولیت‌ها را از جانب خداوند انجام می‌داد، ضروری است که پس از ایشان، کسانی به عنوان «امام» از جانب خداوند این مسئولیت‌ها را به انجام رسانند و راه پیامبر را ادامه دهند. همچنین لازم است انسان‌هایی که قلب و جان خود را لایق پذیرش هدایت معنوی کرده‌اند، از این هدایت نیز برخوردار شوند.



با توجه به توضیحات قبل، در این حدیث بیندیشید و ببینید چرا پیامبر فرموده

است:

هر کس بمیرد

﴿مَنْ مَاتَ﴾

و امام زمان خود را نشناخته باشد

وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ

به مرگ جاهلی مرده است.^۱

مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً

۱- الغدير، علامه امینی، ج ۱ ص ۳۵۹، به نقل از بزرگان اهل سنت مانند تفتازانی در کتاب شرح مقاصد، ج ۲، ص ۲۷۵

تعیین امام

اکنون که نیاز به امام پس از رسول خدا ﷺ روشن شده این سؤال پیش می‌آید که چه کسی امام را معین و معرفی می‌کند و چگونه می‌توان او را شناخت.

از آن‌جا که امام همهٔ مسئولیت‌های پیامبر اکرم ﷺ جز دریافت و ابلاغ وحی را دارد، باید صفات و ویژگی‌های خاصی داشته باشد تا مردم در درستی راهنمایی‌ها و فرمان‌های وی به یقین و اطمینان برسند. از جملهٔ این ویژگی‌ها «عصمت» است. تشخیص عصمت برای انسان‌ها ممکن نیست؛ بنابراین، همان‌طور که پیامبر از طرف خدا معین می‌شود، تنها کسی که می‌تواند فرد شایستهٔ مقام امامت را معرفی کند، خداست.

با تدبر در آیات و روایات مطمئن و مسلم نقل شده از پیامبر و مطالعهٔ تاریخ اسلام در می‌یابیم که خداوند، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) را به جانشینی رسول خدا ﷺ و امامت بعد از ایشان منصوب فرموده است.

در این‌جا به تدبر در برخی از این آیات و روایات مربوط به امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌پردازیم.

روش تدبری ما در این درس، کمک گرفتن از روایات و وقایع تاریخی در تبیین آیات است.

۱- معرفی امام در مراسم دعوت خویشان: حدود سه سال از بعثت گذشته بود که این فرمان از جانب خداوند برای پیامبر آمد: «خویشان نزدیک خود را انداز کن.»^۱ برای انجام این دستور، رسول خدا ﷺ چهل نفر از بزرگان بنی‌هاشم را دعوت کرد و دربارهٔ اسلام با آنان سخن گفت و در پایان به آنان فرمود:

کدام‌یک از شما مرا در این راه کمک می‌دهد تا برادر من، وصی من و خلیفهٔ من در میان شما باشد؟

همهٔ مهمانان سکوت کردند. در میان سکوت آنان که به پیروزی و گسترش دین پیامبر امید داشتند، علی بن ابی طالب (علیه السلام) که در آن زمان نوجوانی بیش نبود، برخاست و گفت:

«من یار و یاور تو خواهم بود، ای رسول خدا!»

درخواست پیامبر ﷺ سه بار مطرح شد و هر بار همه سکوت کردند و تنها علی (علیه السلام) قاطعانه

اعلام آمادگی و وفاداری کرد. پس از آن، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دست ایشان را در دست گرفت، بیعت ایشان را پذیرفت و به مهمانان فرمود:

«همانا این، برادر من، وصی من و جانشین من در میان شما خواهد بود.»^(۱)



چرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در شرایطی که حتی خویشانش نیز دعوت او را نپذیرفته بودند، جانشین خود را معین کرد؟ انجام دادن این کار در ابتدای دعوتش به چه معناست؟

۲- نزول آیه ولایت: در یکی از روزها، نزدیک ظهر، فرشته وحی آمد و از جانب خداوند آیه‌ای آورد که در آن ویژگی‌های ولّی و سرپرست مسلمانان مشخص شده بود. در این آیه، ابتدا خداوند و سپس پیامبر و پس از ایشان کسی به عنوان ولّی معرفی شده بود که به خدا ایمان دارد، نماز را برپا می‌دارد و در حال رکوع صدقه می‌دهد.

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دریافت که چنین واقعه‌ای رخ داده است و کسی در رکوع صدقه داده و خداوند قصد معرفی او را دارد، با شتاب و در حالی که آیه را می‌خواند و مردم را از آن آگاه می‌کرد، به مسجد آمد و پرسید:

آیا کسی در حال رکوع صدقه داده است؟

فقیری که انگشتی در دست داشت، به حضرت علی رضی الله عنه که در حال نماز بود، اشاره کرد و گفت:

آری، این مرد در حال رکوع، انگشتی خود را به من بخشید.

صدای تکبیر یاران بلند شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ستایش و سپاس خداوند را به جا آورد. نزول این آیه در هنگام انجام واقعه‌ای که مردم ناظر آن بودند و اعلام این حقیقت از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که مصداق آیه امام علی رضی الله عنه است، برای آن بود که مردم به چشم خود ببینند و از زبان پیامبر

۱- تاریخ طبری، ج ۲ ص ۶۲ و ۶۳ و کنزالعمال، ج ۶، ص ۳۹۷ و تاریخ پیامبر اسلام از دکتر محمد آینی؛ برای مطالعه کامل داستان، به کتاب سلام بر خورشید از سیدعلی اکبر حسینی، ج ۱، ص ۱۷۱ مراجعه کنید.

بشنوند و امکان کنمان و مخفی کردن آن از بین برود^۱.
سوره ، آیه

۳- نزول آیه تطهیر : اُمّ سلمه، همسر رسول خدا ﷺ، می گوید : روزی ایشان در خانه استراحت می کرد که دختر بزرگوارش فاطمه زهرا علیها السلام وارد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله ایشان را به کنار خود دعوت کرد. حضرت فاطمه علیها السلام نزد پیامبر رفت و در کنار ایشان نشست. پس از وی به ترتیب، حضرت علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام آمدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را نیز در کنار خود جای داد. آن گاه برای آنان دعا کرد و فرمود :

«خداایا! اینان اهل بیت من اند؛ آنان را از هر پلیدی و ناپاکی حفظ کن!»

در همین زمان فرشته وحی آمد و آیه تطهیر را قرائت کرد.
سوره ، آیه



این آیه در بردارنده پیام های مهمی است. درباره آن بیندیشید و آن پیامها را استخراج کنید.

۱- این آیه، عصمت حضرت علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم السلام را اعلام می کند. زیرا

۲- اهل بیت به این معنای خاص که از هر پلیدی دور باشند، فقط

۳- چون اهل بیت معصوم هستند، سخن و عمل آنان

ام سلمه می گوید : «من هم پیش رفتم که در کنار آنها قرار بگیرم تا از این افتخار بزرگ سهمی داشته و جزء اهل بیت باشم اما رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

«ای ام سلمه، نه، تو همسر من هستی و عاقبت نیکویی داری اما اینان اهل بیت من اند.»

برای این که مردم از این موضوع مطلع شوند، پیامبر مدت ها هر روز صبح، هنگام رفتن به مسجد

۱- ۶۶ نفر از مفسران، مورخان و بزرگان اهل سنت، از جمله طبری، رازی، ثعلبی، قشیری، خوارزمی، ابن حجر و ابن کثیر این آیه را درباره حضرت علی علیه السلام دانسته اند. برای کسب اطلاعات بیشتر، به کتاب الغدير از علامه امینی، ج ۲، ص ۱۵۶ مراجعه کنید.

از درخانه فاطمه عليها السلام می گذشت و اهل خانه را «اهل بیت» صدا می زد و آیه تطهیر را می خواند.^۱



نشانه های دیگری وجود دارد که نشان می دهد کلمه «اهل بیت» در این آیه به طور خاص به کار رفته است^۲ و سایر وابستگان، از جمله همسران پیامبر را شامل نمی شود :

۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فقط این چهار نفر را کنار خود پذیرفت و در هنگام دعا فرمود «اینان از اهل بیت من اند». بلکه فرمود «اینان اهل بیت من اند».

۲- نقل کننده داستان، اسلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را از آمدن در کنار خود منع کرد تا نشان دهد که «اهل بیت معصوم» فقط همین افرادند.

۳- این آیه پاکی و عصمت کامل را بیان می کند. هیچ یک از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ادعای عصمت نکرده اند و خود را از گناه مبرا ندانسته اند.

۴- در تاریخ ذکر نشده است که همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، چه در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و چه پس از رحلت ایشان، آیه تطهیر را در مورد خود به کار ببرند و از این آیه برای اثبات بی گناهی خود استفاده کنند.

۵- آیات دیگری در قرآن هست که سرپچی و نافرمانی برخی همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را یادآوری و آنان را به خاطر نافرمانی توبیخ می کند. (از جمله آیات ۱ تا ۵ سوره مبارکه تحریم)

از آن جا که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از میان اهل بیت فقط امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم السلام حضور داشتند، در این داستان تنها نام این چهار بزرگوار ذکر شده است. در سخنان

۱- کتاب های بزرگ همه مسلمانان، مانند صحیح مسلم، سنن ترمذی، صحیح بخاری، مسند احمد بن حنبل، سنن بیهقی، الدر المنثور سیوطی و أشد الغابه ابن اثیر، آیه تطهیر را در حق همین پنج تن نقل کرده اند (غایه المرام، ص ۲۸۱).

۲- در قرآن کریم هم کلمه «اهل» برای اعضای خاصی از خانواده به کار رفته است. آن گاه که عذاب الهی بر قوم نوح علیهم السلام نازل شد و آب همه جا را گرفت، فرزند نوح علیهم السلام نیز که از کافران بود، در حال غرق شدن، در آب دست و پا می زد. حضرت نوح علیهم السلام که او را در میان آب دید، رویه خدا کرد و گفت: خدایا، این از اهل و خانواده من است. اما با این که او فرزند نوح بود، خداوند فرمود: او از اهل تو نیست. یعنی، او لیاقت ندارد جزء خانواده تو باشد؛ زیرا اهلیت، ویژگی های خاصی را می طلبد که در پسر حضرت نوح علیهم السلام نبود. در این حدیث نیز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با این عمل خود نشان داد که فقط این چهار نفر اعضای معصوم خانواده اند.

دیگر پیامبر ﷺ، امامان بعدی هم جزء اهل بیت شمرده شده‌اند.

۶- ممکن است کسی بپرسد: چرا رسول خدا همسران متعدد داشته است؟

رسول خدا ﷺ در سن ۲۵ سالگی با حضرت خدیجه ازدواج کرد. قبل از آن نیز در زمانی که دوران جوانی را می‌گذراند، به پاکدامنی و عفاف مشهور بود. توجه به خداوند، پرورش روح خود و نجات مردم چنان ایشان را مشغول کرده بود که توجهی به ازدواج نداشت؛ تا این که بیک حضرت خدیجه آمد و علاقه‌مندی وی را به اطلاع رسول خدا ﷺ رساند. حضرت خدیجه ۳۵ سال داشت و ۱۰ سال از رسول خدا بزرگ‌تر بود. اما چون پیامبر اکرم از شخصیت اصیل، عفاف و پاکی وی خبر داشت، به خواستگاری خدیجه رفت. این درحالی بود که زیبایی ظاهری، اخلاق نیکو و اصالت خانوادگی رسول خدا به‌گونه‌ای بود که دختران بزرگان شهر خواهان ازدواج با او بودند.

رسول خدا در تمام دوران زندگی با حضرت خدیجه، یعنی تا سن ۵۰ سالگی همسر دیگری انتخاب نکرد و تمام دوران جوانی، میان‌سالی و تا آستانه‌ی پیری را فقط با وی گذراند. آن هم در جامعه‌ای که ازدواج‌های متعدد منعی نداشت. این رفتار، گویای آن است که هوس‌رانی در وجود پیامبر ما راه نداشت و اگر پس از آن با همسران دیگری ازدواج کرد، عموماً به خاطر مصلحت خاصی مانند حمایت از آن زن، جلوگیری از خون‌ریزی و قتل، جلب‌نظر خانواده‌ها و قبایل به اسلام و با رضایت کامل خود آن‌ها بوده است. (برای کسب اطلاع بیش‌تر رجوع کنید به کتاب بررسی‌های اسلامی، از علامه طباطبایی، ج ۱، ص ۳۱، چاپ بوستان کتاب قم).

۴- حدیث جابر: وقتی آیه ۵۹ سوره نساء که در ابتدای درس آمده، نازل شد، جابر بن عبدالله

انصاری به پیامبر گفت: «یا رسول الله، ما خدا و رسول او را شناخته‌ایم. لازم است «اولوا الامر» را هم بشناسیم.»

رسول خدا ﷺ فرمود:

«ای جابر، آنان جانشینان من و امامان بعد از من‌اند. نخستین آنان علی بن ابی‌طالب است و

سپس به ترتیب: حسن بن علی، حسین بن علی، علی بن الحسین، محمد بن علی - که در تورات به «باقر» معروف است - و تو در هنگام پیری او را خواهی دید و هروقت او را دیدی، سلام مرا به او برسان. پس از محمد بن علی نیز به ترتیب، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن

محمد، حسن بن علی و پس از ایشان فرزندش می باشد که هم نام و هم کنیه من است.^۱ اوست که از نظر مردم پنهان می شود و غیبت او طولانی می گردد تا آن جا که فقط افرادی که ایمان راسخ دارند، بر عقیده به او باقی می مانند.^۲»

ارتباط میان آیه و حدیث

با تفکر در آیه ۵۹ سوره نساء و حدیث جابر، پیام های زیر را تکمیل کنید.

۱- مسلمانان باید در برنامه های زندگی خود از، و اطاعت کنند.

۲- از آنجا که این سه اطاعات در کنار هم قرار گرفته اند، سرپیچی از هر مورد است.

۳- از آنجا که مصداق در آیه مشخص نشده، برای آگاهی مردم و اشتباه نکردن آن ها لازم است که رسول خدا

۴- بنا بر سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم کسانی که مصداق هستند، عبارتند از:

.....
.....
.....

۵- حدیث ثقلین: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به طور مکرر، از جمله در روزهای آخر عمر خود، می فرمود:

﴿إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ﴾ من در میان شما دو چیز گران بها می گذارم:

کتاب الله و عترتی اهل بیتی کتاب خدا و عترتم اهل بیتم را.

ما إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا تا وقتی که به این دو تمسک جوید

۱- کنیه پیامبر (ابوالقاسم) است.

۲- کفایة الاثر، چاپ قدیم، ص ۸ و ینابیع المودة، ص ۴۹۴ و اثبات الهداة، ج ۳، ص ۱۲۳.

لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا
وَأِنَّهُمْ لَنْ يَفْتَرِقَا
حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْصَ

هرگز گمراه نمی شوید
و این دو هیچ‌گاه از هم جدا نمی شوند
تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند^۱.

استخراج پیام



با تفکر در این حدیث، چه پیام‌هایی را می‌توان استخراج کرد؟

- ۱- همان طور که قرآن و پیامبر لازم و ملزوم یکدیگرند و از هم جدا نمی‌شوند، قرآن و اهل بیت نیز همواره با هم‌اند.
- ۲- همان طور که قرآن همیشگی است، وجود معصوم نیز در کنار آن همیشگی می‌باشد.

۳- در صورتی مسلمانان گمراه نمی‌شوند که

۴- نمی‌توان برای هدایت

۶- حدیث منزلت: وقتی خداوند حضرت موسی عليه السلام را مأمور مبارزه با فرعون کرد، آن حضرت از خداوند خواست که برادرش هارون را مشاور، پشتیبان و شریک در امر هدایت مردم قرار دهد. خداوند نیز درخواست حضرت موسی عليه السلام را پذیرفت^۲.
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بارها به حضرت علی عليه السلام فرمود:

أَنْتَ مِنِّي
بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى
إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي

تو برای من
به منزله هارون برای موسی هستی؛
جز این که بعد از من پیامبری نیست^۳.

۱- این حدیث متواتر است و آن قدر از اهل سنت و شیعه نقل شده است که جای تردید ندارد. برای کسب اطلاعات بیشتر به امام‌شناسی علامه حسینی تهرانی، ج ۱۳ مراجعه کنید.

۲- طه، ۲۹ تا ۳۵

۳- علامه حسینی تهرانی (ره) در جلد دهم امام‌شناسی می‌گوید که این حدیث مورد اتفاق علمای اسلام از اهل سنت و شیعه است. همچنین: بنایع المودة، باب ۶، ص ۵۰.

۷- حدیث غدیر: پیامبر گرامی اسلام در سال دهم هجرت عازم مکه شد تا فریضه حج را به جا آورد. این حج که در آخرین سال زندگی ایشان برگزار شد، به «حَجَّةُ الْبَلَاغِ» و «حَجَّةُ الْوَدَاعِ» مشهور است. در این مراسم حج، حدود ۱۲۰ هزار نفر شرکت کرده بودند تا روش انجام دادن اعمال حج را از ایشان فراگیرند و اعمال را همراه ایشان به جا آورند. پس از برگزاری حج و در مسیر بازگشت به مدینه در روز هجدهم ماه ذیحجه، در محلی به نام غدیر خم آیه ۲۶۷ سوره مائده که در ابتدای درس آمده، نازل شد.



در این آیه، تدبیر کنید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱- خداوند چه فرمانی به پیامبر می‌دهد؟

.....

۲- اهمیت این فرمان چقدر است؟

.....

۳- چرا خداوند به پیامبر اکرم وعده می‌دهد که او را حفظ خواهد کرد؟

.....

بعد از نزول این آیه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور داد همه توقف کنند تا بازماندگان برسند و آنان که پیش رفته‌اند، برگردند. ظهر شده بود؛ ابتدا نماز را به جا آوردند و سپس، پیامبر در یک سخنرانی مهم و مفصل با مردم سخن گفت و آنان را برای دریافت آن پیام بزرگ آماده کرد. در این جا از مردم پرسید:

ای مردم

چه کسی به مؤمنان

از خودشان سزاوارتر است؟^۳

أَيُّهَا النَّاسُ

مَنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ

مِنْ أَنْفُسِهِمْ

۱- الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۲، ص ۳۰۳

والغدیر، ج ۱، ص ۳۱

۲- غدیر به معنای پرکه آب، و حُم نام محل تلاقی راه‌های مدینه، عراق، شام و مصر بود و کاروانیان در آن جا به هم می‌رسیدند یا از

هم جدا می‌شدند.

۳- یعنی، چه کسی بر آن‌ها ولایت و سرپرستی دارد و باید به فرمان‌هایش عمل کنند؟

گفتند : خدا و پیامبرش بر ما ولایت و سرپرستی دارند.

سپس، فرمود :

هر کس که من ولی و سرپرست اویم،
علی نیز ولی و سرپرست اوست.

﴿مَنْ كُنْتُ مَوْلَاَهُ
فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاَهُ﴾

و این جمله را سه بار تکرار کرد.

در پایان سخنرانی نیز از حاضران خواست که مطالب گفته شده را به غایبان برسانند. پس از آن، مردم برای عرض تبریک و شادباش به سوی امام آمدند و با وی بیعت کردند. سخنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این واقعه از جهت سلسله روایان حدیث چنان محکم است که شاید کمتر حدیثی مانند آن وجود داشته باشد. صدو ده نفر از اصحاب پیامبر که در غدیر حاضر بوده اند، آنرا بی هیچ واسطه‌ای از پیامبر نقل کرده اند. دانشمندان و تاریخ‌نویسان و مفسرانی از اهل سنت نیز این واقعه را با مدارک زیاد در کتاب‌های خود آورده اند که نام سیصد و پنجاه نفر آن‌ها در کتاب «الغدیر»^۱ آمده است. اگرچه بعد از رحلت پیامبر، زمامداری مسلمین به امام علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نرسید و واقعه عظیم غدیر نادیده گرفته شد اما چگونگی برگزاری این مراسم و سخنان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روشنگر بسیاری از اتفاقات پس از ایشان است.

نتیجه‌گیری :

با بررسی این آیات و احادیثی که گفته شد، روشن می‌شود که :

الف) پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حضرت علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ و یازده فرزند ایشان را به جانشینی خود معرفی کرده است و آنان عهده‌دار مسئولیت امامت اند.

ب) لازمه این مرتبه از جانشینی، علم و معرفت کامل و عصمت از گناه و اشتباه است؛ همان‌گونه که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این دو ویژگی را دارا بود.

ج) تعیین جانشین رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با هدایت و راهنمایی خداوند بوده و خداوند، ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را به این مقام برگزیده است.

د) حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ جزء اهل بیت است و اگرچه عهده‌دار امامت نبوده، اما دارای علم و عصمت کامل است و پیروی از کلام و رفتار وی بر همه مسلمانان واجب و سرچشمه هدایت و رستگاری است.

۱- الغدیر نام مجموعه گرانمایی در اثبات واقعه غدیر است که یکی از دانشمندان عالی‌قدر شیعه در عصر حاضر - علامه امینی -

آن را در یازده جلد به زبان عربی نوشته است و خلاصه آن به فارسی در یک جلد ترجمه شده است.

گام دوم

.....

یادغیر، تجدید بیعت با قهرمان عدالت، ایثار، حقیقت پرستی، ایمان، شکیبایی، تقوا، خردمندی، مهرورزی، جهاد و عبادت است. یادغیر مکرار پیمان با اولین امام و ابراز عشق، خضوع و سرسپردگی به اوست.

برنامه:

هر ساله در این روز، پیمان وفاداری را با مولای خود تجدید می‌کنیم و برای برگزاری یک جشن بزرگ، دست به دست هم می‌دهیم. هر یک مسئولیتی را می‌پذیریم: در مدرسه، در محله، در مسجد محل و در خانه. زیباترین و با معناترین جشن بر یاد منظر زیبای و کمال.

خدایا! ما را موقد بدان تا در این روز، با همه‌ی خوبان و خوبی‌ها پیمان اخوت و برادری ببندیم و خود را از بدی‌ها پاک سازیم.



- دربارهٔ واقعهٔ بزرگ غدیر بیندیشید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید :
- الف) چرا مراسم غدیر هم‌زمان با بزرگ‌ترین اجتماع مسلمانان برگزار شد؟
- ب) چرا خداوند انجام ندادن این مأموریت را مساوی با عدم انجام رسالت اعلام کرد؟
- ج) تبریک و تهنیت مردم به حضرت علی علیه السلام پس از پایان مراسم نشانهٔ چیست؟
- د) چرا کلمهٔ «مولی» در حدیث غدیر به معنای سرپرست است، نه دوست؟



- ۱- مراسم غدیر را در شعر یا نثری شیوا به تصویر بکشید یا آن را در قالب طرحی زیبا نقاشی کنید.
- ۲- داستان عشیرهٔ اقرین یا واقعهٔ غدیر یا حدیث کساء را به صورت داستان‌گویی و براساس کتاب «سلام بر خورشید»، در قالب نمایش اجرا کنید.





جایگاه امامت

در درس قبل دانستیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امیرمؤمنان را از جانب خداوند به جانشینی خود منصوب کرد و از مسلمانان خواست که پس از خود از ایشان پیروی کنند.

در این درس می خواهیم جایگاه امامت ایشان را بهتر بشناسیم و بدانیم که آن حضرت چه موقعیتی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشتند؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ هَمَانًا إِبْرَاهِيمَ از پیروان او (نوح) است.

صافات، ۸۳

..... وَ دَخَلَ الْمَدِينَةَ

..... عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا

..... فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ

..... هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ

..... وَ هَذَا مِنْ عَدُوِّهِ ...

فَصَّص، ۱۵

..... إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا

..... وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

..... أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ

بَيْنَهُ، ۷

ترجمه

به کمک توضیحات زیر، ترجمه را تکمیل کنید.

فَوَجَدَ : پس یافت، پس دید يَقْتَتِلَانِ : با یکدیگر بیکار می کنند

شِيعَتِهِ : پیروان او، طرفداران او خَيْرُ الْبَرِيَّةِ : بهترین مخلوقات

سوره/ آیه	پیام آیات
.....	۱- کلمه شیعه در قرآن کریم به کار رفته و به معنای پیرو است.
.....	۲- حضرت ابراهیم (ع) ، شیعه حضرت نوح (ع) است، یعنی پیرو او می باشد.
.....	۳- در قرآن کریم، پیروان حضرت موسی نیز «شیعه» او نامیده شده اند.

معنای شیعه

«شیعه» در لغت به معنای پیرو، یار و طرفدار است. در قرآن کریم نیز به همین معنا به کار رفته و حضرت ابراهیم علیه السلام شیعه و پیرو حضرت نوح علیه السلام معرفی شده است؛ با این که قرآن کریم آن بزرگوار را «مُسْلِم» نیز نامیده است^۱.

دستور به پیروی از امیرالمؤمنین علیه السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که با ایمان و استقامت بی مانند خود دعوت مردم به اسلام را پیش می برد و به پیروزی حق بر باطل یقین داشت، از همان ابتدای رسالت، به فرمان الهی، تلاش می کرد تا در موقعیت های مختلف، حضرت علی علیه السلام را که در ایمان و عمل بی نظیر و معصوم از گناه بود، به مردم معرفی کند و ادامه راه را برای پس از خود مشخص سازد و مانع سرگردانی مردم شود. و از آنجا که حضرت علی علیه السلام توسط پیامبر، با حقیقت اسلام به طور کامل آشنا شده بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به مردم تأکید می کرد که پیروی از امام علی علیه السلام و عمل به دستورات او مانع گمراهی و سرگردانی می شود و نجات جامعه بشری را به دنبال دارد. برای مثال، جابر بن عبدالله انصاری، از یاران خوب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می گوید: «در کنار خانه خدا و در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودیم که حضرت علی علیه السلام وارد شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: **برادرم به سویتان آمد.** سپس، رو به سمت کعبه کرد و با دست به آن زد و فرمود: **سوگند به خدایی که جانم در دست قدرت اوست، این مرد و کسانی که از او پیروی کنند، رستگارند و در روز قیامت، اهل نجات اند.**

۱- ماکان ابراهیم یهودیاً و لا نصرانیاً و لکن کان حنیفاً مسلماً (آل عمران، ۶۷)

سپس، فرمود: این مرد اولین ایمان آورنده به خدا، وفادارترین شما در پیمان با خدا، راسخ‌ترین شما در انجام فرمان خدا، صادق‌ترین شما در داوری بین مردم، بهترین شما در رعایت مساوات بین آن‌ها و ارجمندترین شما نزد خداست.

در همین هنگام آیه زیر بر پیامبر خدا نازل شد:

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
أُولَٰئِكَ هُم خَيْرُ الْبَرِيَّةِ
آنان که ایمان آوردند
و کارهای شایسته انجام دادند،
اینان بهترین مخلوقات اند.^۱

در حقیقت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی زمان خود، فعالیت‌های خودسرانه برای به دست گرفتن زمامداری و قدرت را پیش‌بینی می‌کرد. به همین علت، تمام تلاش خود را به کار می‌برد تا شخصیت ممتاز حضرت علی رضی الله عنه را به مردم بشناساند، تعصبات جاهلی و قبیله‌ای را از افکار آنان بزاید و کسانی را که برای رسیدن به قدرت می‌خواهند از این اعتبارات استفاده کنند، به انزوا کشاند.

لازم است بدانیم که در آن زمان در میان قبایل، بزرگی و شرافت تنها مخصوص بزرگان و رؤسا بود و فضایی چون علم، عدالت خواهی، جوان‌مردی، صداقت، پاکی و کرامت نفس وقتی ارزش داشت که رئیس قوم یا فرزندان و بستگان وی دارای آن صفات باشند. رسول خدا صلی الله علیه و آله با این افکار جاهلی به شدت مبارزه می‌کرد و سعی در شکستن ابهت این گونه اعتبارهای توخالی داشت اما تحولات فرهنگی امری تدریجی است و تغییر فرهنگ جاهلی به فرهنگ و ارزش‌های اسلامی ناگهانی صورت نمی‌گیرد و برنامه‌ای مستمر و مداوم نیاز دارد. به همین جهت بود که بسیاری از افراد، میان فرمان پیامبر و فرمان بزرگان قوم تفاوت چندانی قائل نبودند و گاه در لحظات حساس و سرنوشت‌ساز، به جای فرمان الهی، به سوی فرمان بزرگان قوم متمایل می‌شدند. قرآن کریم در آیات متعدد ضمن اشاره به این میل جاهلی، به مردم در خصوص آن هشدار می‌دهد؛ از جمله در آیه ۵۰ سوره مائده می‌فرماید:

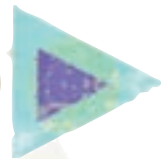
آیا به دنبال حکم جاهلیت هستند؟ و چه کسی بهتر از خدا حکم می‌کند برای مردمی که یقین

دارند؟

از این رو رسول خدا ﷺ در هر فرصتی، فضایل متعالی و جایگاه حضرت علی عَلِيٌّ و اهل بیت را برای مردمی که قرن‌ها با نظام قبیله‌ای خو گرفته بودند و ثروت زیاد و نظایر آن را نشانه شرافت می‌دانستند بیان می‌کرد تا دل‌های آنان را برای پذیرفتن امامت و رهبری کسانی آماده کند که میان عرب و غیرعرب تفاوتی قائل نمی‌شدند و مردم را به تعقل، عدالت و بندگی خداوند فرا می‌خواندند و در زندگی دنیایی مانند معمولی‌ترین افراد زندگی می‌کردند. از جمله فرموده‌اند^۱:

- ۱- عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ
علی با قرآن است و قرآن با علی است.
- ۲- عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ
علی با حق است و حق با علی است.
- ۳- أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ
من و علی، پدران این امتیم.

برای مطالعه



علاوه بر سخنان پیشین، پیامبر اکرم ﷺ فرموده است:

- ۱- حَقُّ عَلِيٍّ عَلِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةِ
کَحَقِّ الْوَالِدِ عَلِيٍّ وَوَلَدِهِ
حق علی بر این امت
مانند حق پدر بر فرزندش است.
- ۲- النَّظَرُ إِلَيَّ وَجْهَ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ
نگاه کردن به روی علی عبادت است.
- ۳- إِنَّ وَصِيَّيَ وَوَارِثِي
وَمُنْجِرُ وَعْدِي
وصی من و وارث من
و وفاکننده به وعده‌های من،
علی بن ابی طالب است.^۲

۱ و ۲- مجموعه این احادیث از امام‌شناسی علامه حسینی تهرانی، ج ۷، ص ۱۵ به بعد نقل شده و در آن کتاب، منابع شیعه و اهل سنت این احادیث ذکر شده است.

حضرت علی تربیت یافته پیامبر گرامی

حضرت علی رضی الله عنه کودکی بیش نبود که به خانه پیامبر آمد، از همان زمان، تربیت وی در دامان پیامبر آغاز گردید و درهای دانش الهی به رویش گشوده شد. ایشان در این باره می فرماید: «خداوند بزرگ‌ترین فرشته خود را همراه رسول خدا قرار داد. آن فرشته، شب و روز راه کسب مکارم و زیبایی‌های اخلاق را به ایشان نشان می داد و من، در نهایت عشق و شیفتگی از آن حضرت تبعیت می کردم و ایشان را همراهی می نمودم.»^۱

این تربیت بدان جهت بود که حضرت علی رضی الله عنه پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله راه آن حضرت را ادامه دهد و با تکیه بر دانش الهی خود، مردم را در زمینه احکام و معارف دینی هدایت کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در هر فرصتی که پیش می آمد، این مقام علمی را به اطلاع مردم می رساند. در این جا به یک مورد از سخنان آن حضرت اشاره می کنیم:

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ من شهر علم هستم
وَعَلِيٌّ بِأَبِهَا و علی در آن است.
فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ هر کس می خواهد به این علم برسد
فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا باید از در آن وارد شود.^۲

مطابق با این حدیث، نکات زیر به دست می آید:

اولاً حضرت علی رضی الله عنه پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه داناتر است؛
ثانیاً حضرت علی رضی الله عنه در علم خود معصوم است؛ وگرنه رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی فرمود که همه باید به ایشان مراجعه کنند.

ثالثاً بر مردم واجب است که از دانش حضرت علی رضی الله عنه بهره ببرند و مطابق نظر ایشان عمل کنند؛ زیرا ایشان راه رسیدن به علم پیامبر است و بهره‌مندی از علم پیامبر هم بر همه واجب است. به همین جهت روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی رضی الله عنه فرمود: «ای علی، من شهر حکمتم و تو در آن شهر هستی. هیچ‌گاه نمی‌توان وارد شهری شد، مگر از در آن. دروغ می‌گوید کسی که می‌پندارد مرا دوست دارد، درحالی‌که دشمنی و کینه تو در دل اوست؛ زیرا تو از من هستی و من از تو... کسی

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲

۲- شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۸۱ و امام شناسی، علامه حسینی تهرانی، ج ۱۱، ص ۶۱.

به فلاح می‌رسد که پیرو تو باشد و به هلاکت می‌رسد کسی که از تو دوری‌گزیند. مَثَل تو و امامان از فرزندان تو، مَثَل کشتی نوح است؛ هرکس بر آن سوار شود نجات یابد و هرکس سرپیچی کند، هلاک شود. مَثَل شما مَثَل ستارگان آسمان است که چون ستاره‌ای غایب شود، ستاره‌ای دیگر طلوع می‌کند تا روز قیامت.»^۱

مقام و منزلت حضرت علی علیه السلام نزد خدا و تمجیدهای فراوان رسول اکرم صلی الله علیه و آله از ایشان، بدون سبب و یا به خاطر خویشاوندی با پیامبر نیست، بلکه به خاطر «ایمان» بی نظیر و «عمل» بی مانند ایشان است. صداقت، ایثار، جهاد، یک‌رنگی، وفا، عبادت، علم و سایر کرامت‌های اخلاقی ایشان را به چنین مقامی رسانده است.

یکی از ویژگی‌های ممتاز امیرمؤمنان عدالت‌خواهی و دفاع از مظلومان بود. آن حضرت «عدالت اجتماعی» را رسالت پیامبران می‌شمرد و در دفاع از عدالت از پیشتانان بود.

مردمی که با نظام جاهلانه و ظالمانه قبل از اسلام خو گرفته بودند و فقط در دوره کوتاه ده ساله رهبری رسول خدا در مدینه نسیم عدالت را حس کرده بودند، پس از رسول خدا به تدریج در جاده انحراف قدم گذاشتند به گونه‌ای که وقتی امیرمؤمنان به حکومت رسید، بازگشت به عدالت و مساوات را سرلوحه کار خود قرار داد. به همین جهت مظلومان و ستمدیدگان، در نقاط مختلف جهان اسلام شیفته ایشان شدند و به رهبری وی دل بستند. اما با شهادت امیرالمؤمنین و روی کار آمدن بنی امیه و بنی عباس امید مظلومان به یأس گرایید.^۲ البته امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و سایر امامان بزرگوار پرچم مبارزه با ظلم را برافراشته نگه داشتند و تا امام یازدهم، هر کدام پس از دیگری در این راه به شهادت رسیدند. این بزرگواران، همواره از «عدل» به عنوان یک اصل اساسی اسلام یاد می‌کردند و بی‌توجهی به آن را، بی‌توجهی به یک اصل اسلام می‌شمردند. به همین جهت نام شیعیان و پیروان امیرمؤمنان با عدالت اسلامی همراه شد.

۱- غایة المرام، ج ۲، ص ۵۲۲ به نقل از شیخ صدوق با سند متصل از سعید بن جبیر از ابن عباس.

۲- جرح جرداق، نویسنده برجسته مسیحی کشور لبنان کتابی تحت عنوان «امام علی صدای عدالت انسانی» می‌گوید: امام علی

فدای عدالت خود شد.



کتاب نهج البلاغه ، مجموعه ای از سخنرانی ها، نامه ها و سخنان کوتاه امیرمؤمنان است که توسط سید رضی یکی از دانشمندان قرن چهارم هجری گردآوری شده است. به این کتاب مراجعه کنید و نامه آن حضرت به مالک اشتر را که به عهدنامه مالک اشتر مشهور است، مطالعه نمایید و در میان توصیه هایی که به عدالت دارد، یک توصیه را یادداشت کنید.

.....

.....

.....

تشیع و وحدت مسلمانان

شناخت جایگاه شیعه در تاریخ اسلام و تبیین علمی و تاریخی حقانیت آن، نباید ما را از مسأله ای مهم و حیاتی، یعنی حفظ وحدت مسلمانان و تلاش برای سربلندی، عزت، استقلال و حفظ منافع آنان غافل کند. باورهای مشترک فراوان، مانند اعتقاد به خدا، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، قرآن و قیامت، زمینه ساز وحدت بین ما مسلمانان است. به همین دلیل، حفظ و تقویت وحدت شیعه و سنی و مبارزه با عوامل و برنامه های تفرقه انگیز یکی از اصول راهبردی انقلاب اسلامی است که هوشیاری و بیداری همگان را می طلبد.

امام خمینی (ره)، معمار کبیر انقلاب اسلامی که همواره و در هر فرصت مسلمانان را به اتحاد و همبستگی دعوت می کرد، در یکی از پیام های خود به مسلمانان چنین پیام می دهد :

«ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید، به پاخیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام مجتمع شوید و دست خیانت ابرقدرت ها را از ممالک خود و خزائن سرشار آن کوتاه کنید و مجد اسلام را اعاده کنید و دست از اختلافات و هواهای نفسانی بردارید که شما دارای همه چیز هستید. بر فرهنگ اسلام تکیه کنید و با غرب و غرب زدگی مبارزه نمایید و روی پای خودتان بایستید.»^(۱)

۱- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۸۳.

برای حفظ همبستگی و وحدت میان مسلمانان، باید به نکات زیر توجه کنیم :

۱- مستکبران جهانی که با اصل اسلام و پیام قرآن کریم دشمنی دارند و به صورت‌های مختلف به پیامبر بزرگوار ما و کتاب آسمانی ما اهانت می‌کنند، درصدد نابودی اسلام و ضعیف نگه‌داشتن همه مسلمانان هستند. راهی که برای این هدف خود انتخاب کرده‌اند، تفرقه و جنگ میان مسلمانان است. ما باید با هوشیاری خود در این دام نیفتیم.

۲- از اهانت و توهین به مقدسات سایر مسلمانان خودداری کنیم. آنان که می‌خواهند مسلمانان را با هم دشمن کنند، با استفاده از همین توهین‌ها، بذر دشمنی میان مسلمانان را می‌کارند و در موقع مناسب، درو می‌کنند و به هدف خود می‌رسند.

۳- خود را از سایر مسلمانان دور ندانیم و برای پیروزی، عزت و سربلندی مسلمانان، در تمام نقاط جهان تلاش کنیم و تا آنجا که می‌توانیم برای آبادانی و پیشرفت جهان اسلام همکاری کنیم و به این سخن پیامبر گرامی توجه کامل داشته باشیم که فرمود :

کسی که صبح خود را آغاز کند و در اندیشه رسیدگی به سایر مسلمانان نباشد، مسلمان نیست.^۱

۴- از مظلومان مسلمان در تمام نقاط جهان، با روش‌های درست دفاع کنیم و برای رهایی آنان از ظلم بکوشیم. زیرا رسول خدا ﷺ در این باره هم فرمود :

هر کس فریاد دادخواهی مظلومی را که از مسلمانان یاری می‌طلبد، بشنود، اما به یاری آن مظلوم برنخیزد، مسلمان نیست.^۲

۵- اعتقادات خود را با دانش و استدلال، اعتلا و ارتقا ببخشیم تا بتوانیم با دیگر مسلمانان براساس معرفت و استدلال سخن بگوییم و اعتقادات خود را به نحو صحیح بیان کنیم. دفاع منطقی از اعتقادات نه تنها سبب تفرقه و جدایی نمی‌شود، بلکه دل‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌کند. بنابراین لازم است برنامه‌ای برای شناخت بیشتر معارف اهل بیت علیهم‌السلام تنظیم کنیم و شرکت در سخنرانی‌های علمی و مطالعه کتاب‌های مناسب را در برنامه خود قرار دهیم.

۶- به عنوان یک پیرو امیرالمؤمنین، به گونه‌ای زندگی کنیم که سبب بدبینی دیگران به تشیع نشویم. رسول خدا و اهل بیت ایشان را اسوه قرار دهیم و در انجام تکالیف خود، مانند برپاداشتن

۱- من اصبح ولم یهتّم بامور المسلمین فلیس بمسلم (کافی، ج ۲، ص ۱۶۳)

۲- من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم (کافی، ج ۲، ص ۱۶۴)

نماز، رعایت حجاب و عفاف، رعایت حقوق دیگران، ادب معاشرت با مردم، پیروی از قوانین اجتماعی، همبستگی با مسلمانان کوشا باشیم و بدانیم که پیرو رسول خدا ﷺ و اهل بیت گرامی ایشان بودن، تنها به اسم نیست، بلکه اسم باید با عمل همراه باشد تا پیرو حقیقی پدید آید. شیعه با عمل سبب علاقه مندی مردم جهان به پیامبر اکرم و اهل بیت ایشان (صلوات الله علیهم) می شود و شیعه بدون عمل دوری مردم به آن بزرگواران را در پی دارد، و این خود گناه بزرگی محسوب می گردد. از این رو امام صادق علیه السلام می فرماید:

كونوا لنا زیناً زینت خاندان ما باشید
وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شیناً و مایه زشتی و عیب ما نباشید^۱



- ۱- کدام یک از ویژگی های امیرالمؤمنین در دوره کوتاه خلافت سبب علاقه بیشتر مسلمانان به آن حضرت شد؟ نمونه ای برای آن ذکر کنید.
- ۲- چرا رسول خدا ﷺ به صورت های گوناگون فضائل حضرت علی علیه السلام را برای مردم بیان می کرد؟
- ۳- مقصود از این سخن پیامبر که «علی با حق است و حق با علی است» چه می باشد؟
- ۴- چه رابطه ای میان این سخن پیامبر که «علی با قرآن و قرآن با علی است» و حدیث ثقلین وجود دارد؟

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۸

درس ۷

وضع فرهنگی و سیاسی عصر ائمه (علیهم السلام)

دیدیم که مقام امامت رسول خدا ﷺ، پس از ایشان ادامه می‌یابد و براساس تدبیر حکیمانه خداوند، قرآن کریم و اهل بیت پیامبر اسلام، به‌عنوان دو میراث گرانبها تا آخر الزمان راهنمای ما انسان‌ها به سوی رستگاری و فلاح خواهند بود.

اکنون می‌خواهیم نحوه برخورد جامعه اسلامی با این دو میراث‌گران قدر رسول خدا ﷺ را بررسی کنیم.

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

..... أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ

..... فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ

..... عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

..... وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ

..... لِلَّذِينَ اتَّقَوْا

..... أَفَلَا تَعْقِلُونَ

یوسف، ۱۰۹

و مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ

و محمد نیست، مگر رسولی که پیش از او رسولان دیگری بودند.

أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ

پس اگر او بمیرد یا کشته شود،

أَنْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ

آیا شما به (دین) گذشتگان خود بر خواهید گشت؟

وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ

و هر کس به عقب باز گردد،

فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا

به خدا هیچ گزند و زیبایی نرساند

..... وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ

آل عمران، ۱۴۴



به کمک توضیحات زیر، آیات را ترجمه کنید.

أَفَلَمْ يَسِيرُوا : پس آیا نگشته‌اند؟ فَيَنْظُرُوا : تا بنگرند



سوره/آیه	با اندیشه در آیات، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.
.....	۱- قرآن کریم چه درخواستی درباره گذشته‌گان دارد؟
یوسف/۱۰۹	۲- نتیجه عمل به این درخواست، تشخیص چه چیزی است؟
.....	۳- از نظر قرآن کریم زندگی کدام دسته از انسان‌ها مورد قبول است؟
.....	۴- قرآن کریم مسلمانان زمان پیامبر (ص) را از چه چیزی بیم می‌دهد؟
.....	۵- از نظر قرآن کریم، سپاسگزاران واقعی نعمت رسالت چه کسانی هستند؟
یوسف/۱۰۹	۶- بیان تاریخ گذشته‌گان، از جمله تاریخ اسلام برای چه کسانی عبرت‌آموز است؟

هشدار قرآن کریم به مسلمانان عصر پیامبر ﷺ نیازمند دقت و توجه فراوان است. این هشدار گویای آن است که خطر انحراف از مسیر الهی و دور شدن از جامعه توحیدی، حتی برای جامعه‌ای که به دست پیامبر هم بنا شده، وجود دارد.

امیر مؤمنان علی رضی الله عنه که از ابتدای بعثت پیامبر اکرم، همراه ایشان بود و از تعلیمات آن بزرگوار به خوبی برخوردار شده بود، وقتی نحوه عمل مسلمانان، پس از رحلت پیامبر را مشاهده کرد، با روشن بینی و درک عمیقی که از نتیجه رفتارها و وقایع داشت، در زمان‌های مختلف سمت و سوی حوادث آینده و سرنوشت جامعه اسلامی را پیش‌بینی می‌کرد و در سخنرانی‌های متعدد مسلمانان را نسبت به عاقبت رفتارشان بیم می‌داد.^۱
آن حضرت در یکی از سخنرانی‌ها فرمود:

«به زودی پس از من زمانی فرا خواهد رسید که در آن زمان چیزی پوشیده‌تر از حق و آشکارتر از باطل و رایج‌تر از دروغ بر خدا و پیامبرش نباشد. نزد مردم آن زمان، کلاهی کم به‌تر از قرآن نیست، وقتی که بخواهد به درستی خوانده شود. و کلاهی رایج‌تر و فراوان‌تر از آن نیست، آن‌گاه که بخواهند به صورت وارونه و به نفع دنیا طلبان معنایش کنند. در آن ایام، در شهرها، چیزی ناشناخته‌تر از معروف و خیر و شناخته شده‌تر از منکر و گناه نیست.

آن مردم در اختلاف با یکدیگر و پراکندگی متحدند و از اتحاد و یگانگی رویگردانند. گویا آنان خود را راهنمای قرآن می‌دانند، نه قرآن را راهنمای خود، از قرآن در میان آنان جز نامی باقی نمانده و جز خط و نوشته‌اش چیزی از آن نمی‌دانند...»^۲

ایشان در سخنرانی دیگری از حاکم شدن بنی‌امیه خبر می‌دهد و آن را نتیجه سستی مسلمانان در دفاع از حق می‌داند و درباره رفتار بنی‌امیه می‌فرماید:

«به‌خدا سوگند بنی‌امیه تا آن‌جا در ستمگری و تجاوز پیش می‌روند که هر حلالی را حرام نمایند و هر پیمانی را که بسته‌اند، بشکنند. هیچ کلبه گلی و خیمه فقیرانه‌ای نیست، مگر آن که ظلمشان را ببینند و فشارشان را تحمل کنند. رفتار بنی‌امیه چنان بد است که اهالی همین خانه را هم متفرق سازد. کار به آن‌جا خواهد رسید که هم گروهی که دینشان را می‌خواهند بر دینشان بگریند و هم گروهی که دنیای خود را می‌خواهند بر نابسامانی دنیای خود گریانند. وضع به گونه‌ای شود که هرکس بخواهد دادخواهی کند و از کسی یاری بطلبد باید نزد همان ظالمان برود و از همان‌ها کمک بخواهد...»^۳


۱- برخی از این سخنرانی‌ها در کتاب «نهج البلاغه» آمده است، از جمله در خطبه‌های ۹۸، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۸ و ۱۶۶.

۲- نهج البلاغه، قسمتی از خطبه ۱۴۷

۳- نهج البلاغه، قسمتی از خطبه ۹۸

۴- حفظ کردن عین سخنان امیرالمؤمنین ضروری نیست. فقط می‌توان سؤالاتی مشابه با فعالیت تطبیق از این سخنان طراحی کرد.



 این سخنان گویای آن است که بیشتر مسلمانان به هشدار قرآن کریم عمل نکردند و سپاسگزار واقعی نعمت رسالت نشدند و در نتیجه حاکمان ستمگر بر آنان چیره گردیدند. با تأمل در سخنان امیرالمؤمنین پنج مورد از نشانه‌های بازگشت مسلمانان به دوره جاهلیت را بیان کنید.

- ۱-
- ۲-
- ۳-
- ۴-
- ۵-

پس از رحلت رسول خدا ﷺ در سال یازدهم هجری، حوادثی رخ داد که رهبری امت را از مسیری که پیامبر اسلام ﷺ برنامه‌ریزی کرده و بدان فرمان داده بود، خارج کرد و در نتیجه، نظام حکومت اسلامی که بر مبنای «امامت» طراحی شده بود، تحقق نیافت. دستاورد این پیشامد آن بود که امامان معصوم با وجود حضور در جامعه، فاقد قدرت و امکانات لازم برای اجرای همه جانبه مسئولیت‌های خود شوند. پس از گذشت ۲۵ سال از رحلت پیامبر، فقط در یک دوره کوتاه چهار سال و نه ماهه، اداره حکومت به حضرت علی رضی الله عنه رسید و ایشان در همین دوره کوتاه، عالی‌ترین نمونه انسانی حکومت را به همه نسل‌ها در سراسر تاریخ عرضه کرد. در نتیجه خروج جریان رهبری از مسیر امامت، پس از مدت کوتاهی، جانشینی رسول خدا ﷺ به دست کسانی افتاد که با نفرت و کینه با آن حضرت مبارزه کرده بودند و فقط هنگامی حاضر به اسلام آوردن شدند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شهر آنان، مکه، را تصرف کرد، و آنان راهی جز تسلیم و اطاعت نداشتند. ابوسفیان که رهبری مشرکان را برعهده داشت، حدود دو سال قبل از رحلت پیامبر به ناچار تسلیم شد و به ظاهر، اعلام مسلمانی کرد. معاویه، پسر او در سال چهارم هجری به نام جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله، حکومت مسلمانان را به دست گرفت و خلافت رسول خدا صلی الله علیه و آله را به سلطنت تبدیل کرد. او، یزید را جانشین خود قرار داد. شخصی که از هیچ کار زشت و ناپسندی ابایی

نداشت. زنان زیبا را حتی اگر در عقد دیگران بودند، مجبور به طلاق می‌کرد و به کاخ می‌آورد. احکام خداوند، مانند نماز را به بازی و مسخره می‌گرفت. آشکارا شراب می‌خورد. سگ‌بازی و میمون‌بازی کار روزانه او بود. با همان سگ و میمون وارد مجالس می‌شد و آن‌ها را کنار دست خود می‌نشاند. چنین شخصی نوه گرامی پیامبر، امام حسین و یارانش را با چنان وضع هولناکی به شهادت رساند و خانواده ایشان را به عنوان اسیر، در شهرها می‌گرداند. جانشینان وی تا سال ۱۳۲ هجری قمری بر مردم حکمرانی کردند.

روشن است که وقتی سرسخت‌ترین دشمنان رسول خدا ﷺ، به نام جانشینی ایشان حکمرانی بر مسلمانان را به چنگ آوردند، با خانواده پیامبر ﷺ و تعالیم آن بزرگوار و معارف حقیقی قرآن کریم چگونه رفتار می‌کنند.

پس از سقوط بنی‌امیه، در زمانی که امام صادق علیه السلام رهبری شیعیان را برعهده داشت، حکومت مسلمانان به دست بنی‌عباس افتاد. آنان با این که خود را عموزادگان ائمه اطهار علیهم السلام می‌دانستند و به نام اهل بیت، قدرت را از بنی‌امیه گرفته بودند، روش سلطنتی بنی‌امیه را ادامه دادند و در ظلم و ستم به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله از چیزی فروگذار نکردند؛ به گونه‌ای که اگر تحول معنوی و فرهنگی ایجاد شده در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و دو میراث‌گران قدر آن حضرت - قرآن کریم و ائمه اطهار علیهم السلام - نبود، جز نامی از اسلام باقی نمی‌ماند. اکنون به بررسی مسائل و مشکلات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این دوره می‌پردازیم، تا به مجاهدت‌های امامان بزرگوار بیشتری بپردازیم.^۱

۱- ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

پس از رحلت رسول خدا ﷺ، نوشتن احادیث آن حضرت ممنوع شد. به همین جهت، کسانی که به احادیث علاقه‌مند بودند، فقط می‌توانستند آن‌ها را به حافظه بسپارند و از این طریق به دیگران منتقل کنند. نگهداری حدیث به این شیوه، چند اشکال اساسی داشت؛ از جمله این که:

الف) احتمال خطا در نقل احادیث افزایش می‌یافت و امکان کم و زیاد شدن عبارتها یا فراموش شدن اصل حدیث فراهم می‌شد.

ب) شرایط مناسب برای جاعلان حدیث فراهم می‌آمد که براساس اغراض شخصی به جعل یا تحریف حدیث بپردازند یا به نفع حاکمان ستمگر از نقل برخی احادیث خودداری کنند.

۱- برای توضیح بیشتر به کتاب‌های فروغ ابدیت و فروغ امامت از آیت الله جعفر سبحانی مراجعه کنید.

ج) نوشته نشدن حدیث سبب می‌شد که مدرک و منبعی که از طریق آن بتوان احادیث درست را از نادرست تشخیص داد، در دست نباشد.

د) مهم‌تر از همه این که مردم و محققان از یک منبع مهم هدایت بی‌بهره می‌ماندند و به ناچار، سلیقه شخصی را در احکام دینی دخالت می‌دادند.

تذکر: البته این وضع برای پیروان ائمه پیش نیامد زیرا احادیث پیامبر نزد ایشان حفظ شده بود. شیعیان این احادیث را از طریق این بزرگواران که خود انسان‌هایی معصوم و به دور از خطا بودند و سخنانشان مانند سخنان رسول خدا ﷺ معتبر و موثق بود، به دست می‌آوردند.

۲- تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث

برخی از عالمان وابسته به قدرت و گروهی از علمای اهل کتاب (یهودی و مسیحی) مانند کعب الاحبار که ظاهراً مسلمان شده بودند، از موقعیت و شرایط برکناری امام معصوم استفاده کردند و به تفسیر و تعلیم آیات قرآن و معارف اسلامی، مطابق با افکار خود و موافق با منافع قدرتمندان پرداختند. برخی از آنها در مساجد می‌نشستند و داستان‌های خرافی درباره پیامبران برای مردم نقل می‌کردند. این مطالب به افکار کسانی که از ائمه اطهار عليهم السلام پیروی نمی‌کردند، جهت می‌داد و در کتاب‌های تاریخی و تفسیری آنان راه می‌یافت و سبب گمراهی بسیاری از مسلمانان می‌شد.

حاکمان بنی امیه و بنی عباس اغلب به اندیشه‌هایی میدان می‌دادند که به قدرت آنان کمک می‌کرد و مردم را مطیع آنان می‌گرداند. برخی از دنیا دوستان برای نزدیکی به این حاکمان، احادیثی از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جعل می‌کردند و از حاکمان جایزه می‌گرفتند.



نمونه‌ای از احادیث مجعول

کعب الاحبار از علمای یهودی تازه مسلمان بود که در زمان خلیفه سوم به مقام قضاوت رسید. او پس از آن به دربار معاویه و امویان راه یافت و توجیه‌گر کارهای آنان شد. حکام اموی که سرگرم جمع‌آوری ثروت و ساختن کاخ‌های باشکوه بودند، وقتی با اعتراض مردم روبه‌رو می‌شدند، به کعب الاحبار روی

می‌آوردند. روزی یکی از همین حاکمان که گنجینه‌های بزرگ طلا فراهم کرده بود، از او پرسید: «اگر کسی زکات واجب طلا و نقره خود را داده باشد، آیا واجب است کار دیگری هم انجام دهد؟» وی گفت: «حتی اگر تک‌تک لقمه‌هایش هم از طلا و نقره باشد، هیچ‌چیز دیگری بر او واجب نیست.» ابوذر، صحابی بزرگ پیامبر ﷺ که در آن مجلس حاضر بود و می‌دید که چگونه فردی بیگانه با ارزش‌های اسلام، به نام اسلام از ثروت‌اندوزان دفاع می‌کند، از شدت خشم و بدون ترس از حاکم، عصای خود را بر سر او زد و فریاد برآورد:

«ای کافر! تو را با احکام مسلمانان چه کار؟ آیا سخن خداوند راست‌تر از سخن تو نیست که می‌فرماید: آنان که زر و سیم می‌اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به عذابی دردناک بشارتشان ده!»^۲

۳- ظهور شخصیت‌ها و الگوهای غیر قابل اعتماد

عموم مردم در افکار و اعتقادات و رفتار و عمل، دنباله‌رو شخصیت‌های برجسته جامعه خود هستند و آن‌ها را اسوه قرار می‌دهند. اگر این الگوها صاحب کمالات و ارزش‌های الهی باشند، مردم نیز به نسبت همت و استعداد خود از این کمالات و ارزش‌ها بهره‌مند می‌شوند و اگر آن‌ها به سوی زشتی‌ها و بدی‌ها بروند، بیشتر مردم نیز از آن‌ها دنباله‌روی خواهند کرد.

در آن زمان که رسول خدا ﷺ اسوه مردم بود و مسلمانان تلاش می‌کردند رفتار ایشان را سرمشق قرار دهند، انسان‌هایی آزاده، شجاع، باایمان و عدالت‌طلب چون امام علی علیه السلام، مقداد، عمار، ابوذر و سلمان تربیت شدند، که یاد آنان یادآور فضائل و کرامت‌های انسانی است.

اما هرچه که جامعه از زمان پیامبر ﷺ فاصله می‌گرفت، حاکمان وقت تلاش می‌کردند که شخصیت‌های اصیل اسلامی، به خصوص اهل بیت پیامبر علیهم السلام، به انزوا کشیده شوند و افرادی که در اندیشه و عمل و اخلاق از معیارهای اسلامی به دورند، در جامعه جایگاهی برجسته پیدا کنند و الگوی مردم شوند. این‌گونه شخصیت‌ها در دستگاه حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس صاحب موقعیت بودند و به شهرت رسیدند.

۱- توبه ۳۴

۲- مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج ۷، ص ۲۶.

۴- تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت قیصری و کسرای

پیامبر خدا ﷺ حکومتش را بر پایه برابری و مساوات بنا کرد و اعلام کرد همه انسان‌ها از یک مرد و زن آفریده شده‌اند و ملاک کرامت و گرامی بودن، تقواست.^۱

پس از گذشت مدتی از رحلت رسول خدا ﷺ جاهلیت در لباسی جدید وارد زندگی اجتماعی مسلمانان شد. شخصیت‌های باتقوا، جهادگر و مورد احترام و اعتماد پیامبر ﷺ منزوی شدند و طالبان قدرت و ثروت، قرب و منزلت یافتند. آن دسته از افراد که در زمان رسول خدا ﷺ در جبهه دشمنان اسلام بودند، پس از مدتی با تزویر و نیرنگ خود را در جبهه دوستان قرار دادند و به تدریج، شیوه حکومتی قیصران روم و کسراهای ایران را در پیش گرفتند. آنان کاخ‌های بزرگ و مجلل ساختند، خزائن خود را از جواهرات گران‌قیمت انباشته کردند، اکثر املاک و زمین‌های کشاورزی در کشور پهناور اسلامی را به مالکیت خود درآوردند و به عیش و نوش و عشرت پرداختند.



به نمونه‌ای از این انحراف و بازگشت به جاهلیت توجه کنید.

معاویه که در زمان خلیفه دوم حاکم شام شده بود، از همان ابتدا می‌کوشید مانند قیصرهای روم زندگی کند، اموال بیت‌المال را اموال خود می‌دانست و به هر کس که می‌خواست می‌بخشید. اولین حاکم مسلمانان بود که کاخ ساخت. معماران رومی و ایرانی را برای ساختن این کاخ به کار گرفت و آن را با سنگ مرمر سبز بنا کرد. به همین جهت، این کاخ به کاخ سبز مشهور شد.

در آن روزها که کاخ ساخته می‌شد، ابوذر، یار صمیمی پیامبر ﷺ که دوره تبعید خود را در شام می‌گذراند، به کنار کاخ می‌آمد و فریاد می‌زد: «ای معاویه! اگر این کاخ را از ثروت خود می‌سازی، اسراف است و اگر از ثروت بیت‌المال، خیانت است.»

۱- حُجرات، ۱۳



- ۱- چرا قرآن کریم مردم را به مطالعه سرگذشت ملت‌ها دعوت کرده است؟
- ۲- چه مسائلی زمینه را برای ورود جعل و تحریف به احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آماده کرد؟
- ۳- تفاوت‌های اساسی حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس با رهبری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چه بود؟



- با مطالعه یکی از کتاب‌های زیر عواملی را که سبب حاکمیت کسانی چون معاویه و یزید بر مسلمانان شد، استخراج کنید و در کلاس گزارش دهید.
- الف - حماسه حسینی، استاد شهید مطهری
 - ب - تاریخ سیاسی ائمه علیهم‌السلام، جواد محدثی
 - ج - تاریخ سیاسی اسلام، رسول جعفریان
 - د - سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی



درس ۸

احیای ارزش‌های راستین

در درس قبل با شرایط فرهنگی و سیاسی پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله آشنا شدیم. در این درس می‌خواهیم بدانیم که امامان بزرگوار ما در این شرایط سخت چگونه مسئولیت‌های مربوط به امامت را به انجام رساندند و اقدامات ایشان چه تأثیری در جامعه اسلامی داشت.



آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ

بگو، برای این [رسالت] از شما هیچ

مزدی نمی خواهم،

إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ

مگر کسی که بخواهد

إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

راهی به سوی خدا پیش گیرد.

فرقان، ۵۷

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ

.....

فَهُوَ لَكُمْ

.....

إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ

.....

وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

.....

سبأ، ۴۷

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا

.....

إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ

.....

وَمَنْ يَفْتَرِفْ حَسَنَةً

.....

نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا

.....

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ

.....

شوری، ۲۳

* معمولاً «مِنْ» در جمله های منفی یا سوالی «هیچ» معنا می شود.



به کمک توضیحات زیر، ترجمه آیات را تکمیل کنید.

مَا سَأَلْتُكُمْ : آنچه از شما خواسته‌ام

أَجْرِي : مزد من، پاداش من

إِنْ : نیست، نه

لَا أَسْأَلُكُمْ : از شما درخواست نمی‌کنم

يَقْتَرِفُ : کسب کند

نَزِدُ : می‌افزایم



با اندیشه در آیات ابتدای درس، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱- بنابر آیه ۵۷ سوره فرقان چه کسانی پاداش رسالت را خواهند داد؟

.....

۲- خداوند در آیه ۲۳ سوره شوری به پیامبر خود فرمان می‌دهد که چه چیزی را پاداش رسالت خود معرفی کند؟

.....

۳- در آیه ۴۷ سوره سبأ، خداوند از پیامبر اکرم می‌خواهد که به مردم بگوید که اگر از شما مزدی می‌خواهم، برای خودتان است. چگونه این مزد برای خود آن‌هاست؟

.....

با توجه به پیام آیات درمی یابیم که خداوند مقصود خاصی از این فرمان دارد. او می خواهد که مردم با محبت به اهل بیت پیامبر علیهم السلام و پیروی از آنها، در هنگام آزمون های سخت اجتماعی و بحران های اعتقادی و فکری راه مستقیم را گم نکنند و گمراه نشوند. پس دوستی و محبت کسانی مورد نظر است که چراغ هدایت مردم در تاریکی ها هستند. پس از نزول آیه ۲۳ سوره شوری از رسول خدا پرسیدند که این خویشان که خداوند، ما را به دوستی آنان فرمان داده، کیستند؟

فرمود: **علی و فاطمه و دو پسر ایشان، حسن و حسین^۱.**

اما همان طور که در درس قبل خواندیم، بسیاری از مسلمانان در تشخیص مسیر صحیح به خطا رفتند و حاکمان ستمگر بر آنان چیره شدند. امیرالمؤمنین که عاقبت رفتار آنان را پیش بینی می کرد، راه نجات را هم به آنان نشان می داد. در یکی از سخنرانی ها که قسمتی از آن در درس قبل آمد، آنان را این گونه راهنمایی می کند:

«آگاه باشید که وقتی می توانید در آن شرایط راه رستگاری را تشخیص دهید که ابتدا رهاکنندگان و پشت کنندگان به صراط مستقیم را شناسایی نمایید. و وقتی می توانید به عهد خود با قرآن وفا کنید که شکنندگان پیمان را تشخیص دهید. و آنگاه می توانید پیرو قرآن باشید که فراموش کنندگان قرآن را بشناسید.»

آنگاه امیر مؤمنان راه حل نهایی را بیان می کند و می فرماید:

«پس همه این ها را از اهلش طلب کنید. آنان هستند که نظر دادن و حکم کردنشان حکایتگر توانایی و دانش آنهاست، سکوتشان خیردهنده منطق و گفتارشان است و ظاهرشان نمودار باطنشان می باشد. هرگز با دین مخالفت نمی کنند و در دین اختلاف ندارند. دین در میان آنان شاهدهی صادق و در عین سکوت، گویاست.»^۲



۱- بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۲۲، الدر المنثور، جلال الدین سیوطی، ج ۶، ص ۷

۲- نهج البلاغه، قسمت های از خطبه ۱۴۷.



با دقت در سخنان امام، چهار محور از راهنمایی‌های آن حضرت را بنویسید:

- ۱-
- ۲-
- ۳-
- ۴-

وقتی خوب دقت می‌کنیم و میان آیات و روایات ارتباط برقرار می‌کنیم، می‌بینیم که اینان، همان اهل بیت رسول خدا علیهم‌السلام هستند که پس از رحلت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای انجام دادن مسئولیت‌های دوگانه مقام امامت، قیام کردند تا از مسخ و تحریف اسلام جلوگیری کنند و مردم را از تاریکی و ظلمتی که طاغوت‌های جدید پدید آورده بودند، به درآورند و به روشنایی و نور برسانند^۱. تلاش ائمه علیهم‌السلام سبب شد تا چهره اسلام راستین که براساس توحید، عدل و امامت استوار است و متناسب با شرایط زمان به نیازهای انسان‌ها پاسخ می‌دهد باقی بماند. تلاش و مجاهدت امامان را می‌توان در قالب مسئولیت‌های دوگانه مقام امامت بررسی کرد.

الف) اقدامات مربوط به مرجعیت دینی

۱- تعلیم و تفسیر قرآن کریم: در حالی که حاکمان زمان به افراد فاقد صلاحیت میدان می‌دادند که قرآن را مطابق با اندیشه‌های باطل خود تفسیر کنند، امامان بزرگوار در هر فرصتی که به دست می‌آوردند، معارف این کتاب آسمانی را بیان می‌کردند و رهنمودهای آن را آشکار می‌ساختند. در نتیجه این اقدام، مشتاقان معارف قرآنی، حتی آنان که تابع امامت امامان بزرگوار نیز نبودند توانستند از معارف قرآن بهره برده و به حقایق آن دست یابند.

۱- بقره، ۲۵۷.



۱- امامان بزرگوار مفسرانی را تربیت کردند که معارف قرآن را میان مردم بیان کنند. برخی از این مفسران عبارتند از: عبدالله بن عباس، عبدالله بن مسعود، جابر بن عبدالله انصاری، سعید بن جبیر، مجاهد بن جابر مکی، طاوس بن کیسان، رفیع بن مهران، جابر بن یزید جعفی، اسماعیل بن عبدالرحمن کوفی، ابوسعید حسن بصری، قتاده و ابوصالح باذان.^۱

۲- نمونه‌های فراوانی از تفسیرهای ناروای افراد فاقد صلاحیت و اقدامات روشنگرانه ائمه اطهار علیهم‌السلام در تاریخ نقل شده است که به یک مورد آن‌ها اشاره می‌کنیم. در زمان ائمه اطهار علیهم‌السلام گروهی پیدا شدند که فکر می‌کردند خداوند جسم دارد. آنان برای اثبات اندیشه خود از بعضی عبارات‌های قرآن نظیر «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ - دست خداوند بالای دست‌هایشان است»^۲ کمک می‌گرفتند.

امامان بزرگوار توضیح می‌دادند که آیات قرآن را با آیه‌های دیگر باید تفسیر کرد. قرآن کریم می‌فرماید:

«لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ - هیچ چیزی مانند او [خدا] نیست»^۳؛ پس، نمی‌توان دستی مانند دست انسان‌ها برای خدا تصور کرد. در عربی، ید، علاوه بر دست، به معنای قدرت هم به‌کار می‌رود. بنابراین، تفسیر آیه این است که قدرت خداوند از همه قدرت‌ها برتر است. به سبب همین روشن‌گری‌ها، افکار شرک‌آلود و کفرآمیز که معمولاً وارد تعالیم انبیای گذشته شده بود و برای مردم، عادی جلوه می‌کرد، نتوانست در میان مسلمانان جایگاهی پیدا کند.

۲- اقدام برای حفظ سخنان و سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: امام علی علیه‌السلام و فاطمه زهرا علیهما‌السلام سخنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آداب زندگی ایشان را به فرزندان خود آموزش می‌دادند و از آنان می‌خواستند که این آموزش‌ها را به امامان بزرگوار بعد از خود منتقل کنند، به‌علاوه، می‌کوشیدند نشان دهند که این

۱- تاریخ تفسیر و نحو، دکتر سیدمحمد باقرحجتی، بنیاد قرآن، ص ۲۵ تا ۶۶

۲- فتح، ۱۰

۳- شوری ۱۱

آموزش‌ها از پیامبر ﷺ است. هریک از امامان، علاوه بر این که این علوم را به امام بعد از خود می‌سپرد، می‌کوشید آن‌ها را در جامعه گسترش دهد و یاران خود را بر اساس آن‌ها تربیت کند. به نمونه‌ای در این مورد توجه کنید.

هنگامی که امام رضا علیه السلام به اجبار مأمون می‌خواست از مدینه به مرو - پایتخت حکومت مأمون - برود، در مسیر حرکت خود به نیشابور رسید. هزاران نفر از مردم به استقبال ایشان آمده بودند و گروه زیادی از آنان، قلم‌هایشان را آماده کرده بودند تا هرچه امام می‌گوید، بنویسند و برای خود و آیندگان نگه‌دارند. وقتی امام در جمع مردم قرار گرفت، آن‌ها به ایشان اصرار کردند که برایشان سخن بگوید. امام به آنان فرمود:

«من از پدرم، امام کاظم علیه السلام، شنیدم و ایشان از پدرش، امام صادق علیه السلام، و ایشان از پدرش امام باقر علیه السلام و ایشان از پدرش، امام سجاد علیه السلام و ایشان از پدرش، امام حسین علیه السلام و ایشان از پدرش، امام علی علیه السلام و ایشان از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود، خداوند می‌فرماید:

كَلِمَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي
كَلِمَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قَلْعَةٌ مُحْكَمٌ مِنْ أَسْتٍ وَ هَرَكْسٌ بِهَ إِين قَلْعَةٌ مُحْكَمٌ مِنْ وَارِدٍ شُود، از عذاب
من در امان می‌ماند.

پس از اندکی درنگ، امام فرمود:

بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا أَمَا بِهَ شُرُوطِهَا أَنْ وَ مِنْ أَشْرَاطِهَا أَنْ هَسْتَم

مقصود امام علیه السلام این بود که توحید تنها یک لفظ و شعار نیست. بلکه باید در زندگی اجتماعی ظاهر شود. و تجلی توحید در زندگی اجتماعی با ولایت امام که همان ولایت خداست، میسر است. نحوه بیان این حدیث نشان می‌دهد که چگونه احادیث، از امامی به امام دیگر منتقل می‌شده است. به جهت توالی اسامی امامان در این حدیث، به حدیث سلسله الذهب (یعنی زنجیره طلا) مشهور است.

۳- تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای نو: با گسترش سرزمین‌های اسلامی، سؤال‌های مختلفی در زمینه‌های احکام، اخلاق و افکار و نظام کشورداری پدید آمد. ائمه اطهار علیهم السلام با تکیه بر علم الهی خود، به دور از انزوا و گوشه‌گیری و با حضور سازنده و فعال، درباره همه این مسائل اظهار نظر کرده و مسلمانان را از معارف خود بهره‌مند می‌ساختند. ثمره این حضور سازنده، فراهم آمدن کتاب‌های بزرگ در حدیث و سیره ائمه اطهار علیهم السلام در کنار سیره پیامبر ﷺ و قرآن کریم است. در میان این کتاب‌ها می‌توان از کتاب «نهج البلاغه» که بخش‌هایی از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات حضرت علی علیه السلام است،

کتاب «عَزُّوَالْحِکْمُ وَ دُرُّوَالْکَلِمُ» شامل یازده هزار سخن کوتاه از آن حضرت و کتاب «صحیفه سجادیه» از امام سجاد علیه السلام، نام برد. علاوه بر این، دانشمندان اسلامی و راویان حدیث، سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام را در مجموعه‌هایی گرد آوردند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: «کافی» از مرحوم کلینی، «مَنْ لَا یَحْضُرُهُ الْفَقِیْه» از مرحوم صدوق، «التهدیب» و «الاستبصار» از مرحوم شیخ طوسی. به این چهار کتاب، «کتب اربعه» می‌گویند.

۴- تربیت شخصیت‌های اسلامی: از جمله وظایف انسان‌های بزرگوار و با کرامت آن است که اگر افرادی را مستعد و مشتاق فضیلت یافتند، به تربیت آنان همت گمارند و برای رسیدن به رشد و کمال یاریشان دهند و از زیبایی‌ها و فضایل وجود خود، به آنان بیخشند.

ائمه اطهار علیهم السلام در این راه کوشش فراوان کردند. از این رو، در اطراف هر یک از این بزرگواران، شخصیت‌های برجسته‌ای تربیت شدند که در علم، ایمان، تقوا و جهاد در راه خدا سرآمد انسان‌های زمان خویش بودند. آن‌ها اندیشه‌های اسلام راستین را در عالم گسترش دادند و آرمان‌های متعالی آن را حفظ کردند.



به نمونه‌های زیر در این باره توجه کنید:

۱- یاران برجسته رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مانند سلمان فارسی، عمار، ابوذر و مقداد پس از رحلت آن بزرگوار، گرد امام علی علیه السلام جمع شدند. آن حضرت علاوه بر توجه به آنان، گروه زیادی از انسان‌های دانشمند، مجاهد و صاحب فضیلت مانند اویس قرنی، کمیل بن زیاد، میثم تمار و رشید هجری (بیشروان عرفان و معنویت)، عبدالله بن عباس (مفسر قرآن کریم)، مالک اشتر و محمد بن ابی بکر (پیشتازان جهاد و مبارزه) که در پایه‌گذاری فرهنگ اسلامی نقش برجسته‌ای داشتند، تربیت کرد.

۲- امام سجاد علیه السلام در شرایط سخت بعد از قیام عاشورا با صبر و بردباری و هوشیاری، بار دیگر علاقه‌مندان به اهل بیت علیهم السلام را گردآورد و به تعلیم آنان پرداخت. اسامی یکصد و هفتاد نفر از شاگردان امام سجاد علیه السلام یا کسانی که از ایشان حدیث نقل کرده‌اند، در تاریخ ثبت شده است. در میان آنان، شخصیت‌های برجسته‌ای چون ابو حمزه ثمالی و سعید بن جبیر قرار داشتند که در دانش و تقوا و

بصیرت و جهاد نام آور بودند. سعید بن جبیر به خاطر پیروی از امام، به وسیله فرماندار بنی امیه به صورتی فجیع به شهادت رسید.

۳- عصر امام باقر علیه السلام به بعد عصر شکل گیری و حضور اندیشه های گوناگون و مذاهب مختلف در جامعه بود و حتی منکران خدا به ترویج افکار خود می پرداختند. همان گونه که در تاریخ نقل کرده اند، مأمون عباسی جلسات مناظره میان صاحبان مذاهب و ادیان تشکیل می داد و خود به تماشا و داوری می نشست. در این شرایط، ائمه اطهار علیهم السلام به تربیت افرادی متخصص در زمینه های اعتقادی، علمی و فقهی اقدام کردند که سرآمد دانشمندان زمان خود بودند. ابو حمزه ثمالی (عالم و محدث)، هشام بن حکم (متفکر و توانا در مناظره)، جابرین حیّان (شیمی دان نامی که او را پدر علم شیمی نامیده اند)، مؤمن طاق (متخصص در معارف اعتقادی)، هشام بن محمد (مورّخی که بیش از ۲۰۰ کتاب تألیف کرده)، فضل بن شاذان (فقیه، محدث و متکلم) و احمد بن محمد برقی (از شاگردان امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام که بیش از صد کتاب تألیف کرده) از جمله این دانشمندان هستند. در تاریخ، اسامی چهارصد تن از شاگردان امام صادق علیه السلام که دارای کتاب اند، درج شده است. همچنین از یکصد و ده تن از شاگردان و کسانی که از امام جواد علیه السلام حدیث نقل کرده اند، در کتاب های تاریخ نام برده شده که در میان آنان نام کسانی چون علی بن ابراهیم مهزباراهوازی را که بیش از سی جلد کتاب تألیف کرده است، می توان دید.

بهره مندی از محضر ائمه اطهار علیهم السلام به شیعیان اختصاص نداشت و هر طالب علمی با شرکت در جلسات درس آنان می توانست از دانش آن بزرگواران استفاده کند. ابوحنیفه، امام مذهب حنفی، محمد بن ادریس، امام مذهب شافعی، مالک بن انس، پیشوای مذهب مالکی و نیز سفیان ثوری، از جمله کسانی هستند که از محضر امامان بزرگوار، بهره علمی برده اند.

بررسی

در درس قبل با شرایط و مشکلات اجتماعی پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله آشنا

شدیم. اکنون توضیح دهید که این چهار اقدام ائمه اطهار علیهم السلام پاسخ گوی کدام یک

از مشکلات آن دوره بوده است.

ب) مجاهده در راستای ولایت ظاهری

امامان بزرگوار، از دو جهت با حاکمان زمان خود مبارزه می کردند: اول، از آن جهت که رهبری و اداره جامعه از جانب خداوند به آنان سپرده شده بود و لازم بود که برای انجام دادن این وظیفه به پاخیزند و در صورت وجود شرایط و امکانات، حاکمان غاصب را برکنار کنند.

دوم، از آن جهت که سکوت در مقابل ظلم و زیر پا گذاشتن قوانین اسلامی را گناه می دانستند و معتقد بودند که اگر حاکمی، حقوق مردم را زیر پا گذارد و به احکام اسلامی عمل نکند، براساس وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، باید با او مقابله و مبارزه کرد.

البته آنان در این مجاهده از اصولی تبعیت می کردند که در این جا برخی از آنها را مطرح می کنیم:

۱- عدم تأیید حاکمان: امامان هیچ یک از حاکمان غیر قانونی عصر خود را به عنوان جانشین

رسول خدا ﷺ تأیید نکردند و این امر را به شیوه های گوناگون به اطلاع مردم رساندند.

گرچه امامان تفاوت های اخلاقی و رفتاری حاکمان را در نظر می گرفتند و در مواردی که بر طبق دستورات اسلام رفتار می کردند، عملشان را تأیید می نمودند، اما آنان را در غضب خلافت و جانشینی رسول خدا ﷺ یکسان می دیدند و این مسئله را به مردم اعلام می کردند.

۲- معرفی خویش به عنوان امام برحق: آن بزرگواران همواره خود را به عنوان امام و جانشین

برحق پیامبر اکرم ﷺ معرفی می کردند؛ به گونه ای که مردم بدانند تنها آنها جانشین رسول خدا و امام برحق جامعه اند.

این دو اصل، همواره برای حاکمان زمان هم روشن بود، آنها می دانستند که امامان، حاکمان را به عنوان جانشین رسول خدا ﷺ به رسمیت نمی شناسند و مشروعیتی برای آنها قائل نیستند و خود را لایق این مسئولیت می دانند. به همین جهت همواره با امامان به بدی رفتار می کردند و نسبت به آنان و یارانشان انواع سختی ها و آزار و اذیت ها روا می داشتند تا آن جا که همه آن بزرگواران به شیوه های گوناگون توسط حاکمان وقت به شهادت رسیدند.

۳- آگاهی بخشی به مردم: ائمه اطهار علیهم السلام راه هایی مسلمانان از دست حاکمان طاغوتی

و مشکلات اجتماعی را آگاه شدن آنان می دانستند. از نظر آنها رشد و آگاهی مردم یک اصل اساسی بود و برای تحقق آن حتی از ایثار جان و مال خود دریغ نداشتند.

۴- انتخاب شیوه های درست مبارزه: امامان شیوه مبارزه با حاکمان را متناسب با شرایط

زمان برمی گزیدند؛ به گونه ای که هم تفکر اصیل اسلام راستین - یعنی تشیع - باقی بماند و هم به تدریج، بنای ظلم و جور بنی امیه و بنی عباس سست شود، در عین حال، روش زندگی امامان، به عنوان اسلام

حقیقی، به نسل‌های آینده معرفی گردد.

آنان می‌کوشیدند آن بخش از اقدامات و مبارزات خود را که دشمن به آن حساسیت دارد، در قالب «تقیه» به پیش ببرند. یعنی اقدامات خود را مخفی نگه دارند، به گونه‌ای که در عین ضربه زدن به دشمن، کمتر ضربه بخورند. از جمله این موارد، ارتباط میان امامان و یاران آن‌ها از نقاط مختلف سرزمین اسلامی بود. امامان ما با مخفی نگه داشتن این ارتباط نمی‌گذاشتند حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس، این یاران صمیمی، قابل اعتماد و فداکار را شناسایی کنند و به شهادت برسانند.

به نمونه‌هایی از این شیوه‌های مختلف مبارزه توجه کنید.

۱- حضرت علی علیه السلام پس از این که از حق مسلم خود در رهبری جامعه اسلامی محروم ماند، برای حفظ نظام نوپای اسلامی سکوت پیشه کرد. در عین حال گوشه‌گیری هم در پیش نگرفت؛ او هر جا که کاری خلاف موازین اسلام می‌دید، انتقاد می‌کرد و هر جا هم که از وی کمک می‌خواستند، آنان را یاری می‌نمود.

۲- امام حسن علیه السلام نیز مانند پدر بزرگوارشان دستور جهاد علیه معاویه را صادر کرد. معاویه با صرف هزینه‌های زیاد توانست بیشتر فرماندهان سپاه امام را از نبرد با خود منصرف کند و با حیل‌ها و نیرنگ‌های گوناگون مردم را با خود همراه سازد. امام با سنجیدن جوانب کار، سرانجام صلاح را بر آن دید که برخلاف میل خود، از جنگ دست بردارد و با معاویه قرارداد صلح امضا کند.

۳- امام حسین علیه السلام در زمان معاویه همان روش برادر بزرگوارش را بعد از صلح، پیش گرفت و علیه معاویه دست به جهاد نزد. اما وقتی یزید به حکومت رسید، امام روش خود را تغییر داد و متناسب با شرایط جدید، تصمیم گرفت زیر بار بیعت یزید نرود و علیه وی قیام کند.

۴- پس از شهادت امام حسین علیه السلام و سرکوبی شدید شیعیان، سازمان تشیع از هم پاشید. به همین جهت، امام سجاد علیه السلام در کنار گسترش معارف از طریق دعا، به تجدید بنای سازمان تشیع پرداخت. انسان‌هایی فرهیخته و دارای بینش عمیق را تربیت کرد و بار دیگر با علاقه‌مندان اهل بیت ارتباط برقرار نمود. به سبب همین اقدامات بار دیگر تشیع به‌عنوان یک جریان بزرگ فکری و سیاسی در جامعه حضور فعال پیدا کرد.

۵- در اثر فعالیت‌های امام سجاد علیه السلام، در دوران امام باقر علیه السلام زمان معرفی اسلام اصیل فرارسید.

امام اقدام علمی و فرهنگی مهمی را آغاز کرد و آن پایه‌گذاری یک مدرسه علمی بزرگ در مدینه بود، که با توجه به ظهور فرقه‌های گوناگون در جهان اسلام اقدامی ضروری بود. در این مدرسه علمی، معارف اصیل اسلامی تدریس می‌شد. امام پیوسته شایستگی حاکمان غاصب و جبار زمان را زیر

سؤال می‌برد و نظر اسلام را درباره امامت و خلافت بیان می‌کرد. اما هنوز زمان قیام علیه این حاکمان را مناسب نمی‌دید. به همین جهت، وقتی برادر آن حضرت، به نام زید، برای سازمان دادن یک قیام به ایشان مراجعه کرد، امام او را از این کار بازداشت و او نیز اطاعت کرد.

۶- در زمان امام صادق علیه السلام ناخشنودی نسبت به دستگاه بنی‌امیه به اوج رسیده بود. در این شرایط دو جناح علیه امویان فعالیت می‌کردند، یکی عباسیان و دیگری علویان. علویان، دوستان اهل بیت علیهم السلام بودند. به همین جهت امام صادق علیه السلام مبارزه خود را علنی‌تر کرد و در فرصت‌های مناسب از جمله در روز عرفه در مراسم حج، حق حکومت را از آن خود اعلام نمود و فرمود: «ای مردم! رسول خدا امام و رهبر بود، پس از او علی علیه السلام و سپس حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی علیهم السلام به ترتیب امام بودند و اکنون من امام هستم.»

حتی به زید بن علی، عموی خود اجازه قیام داد. البته بر اثر اشتباهات مسلمانان و روی آوردن آن‌ها به بنی‌عباس، با پیروز شدن بنی‌عباس بر بنی‌امیه، دوران اختناق و سخت‌گیری نسبت به علویان دوباره آغاز شد.

امام صادق علیه السلام در تمام دوران امامت خود، مدرسه علمی را که امام باقر علیه السلام پایه‌گذاری کرده بود، توسعه داد و هزاران شاگرد را در رشته‌های مختلف معارف اسلام تربیت کرد.

۷- دوره امام کاظم علیه السلام دوره شدت اختناق بود اما ایشان دست از مبارزه برنداشت و آن را به صورت مخفیانه و در قالب «تقیه» ادامه داد و به تربیت شیعیان پرداخت. آن حضرت سال‌های طولانی را نیز در زندان‌ها به‌سر برد.

۸- بعد از شهادت امام کاظم علیه السلام، امام رضا علیه السلام امامت و رهبری شیعیان را برعهده داشت. ده سال از امامت ایشان در دوره هارون عباسی بود که دوران بسیار سخت و مشکلی محسوب می‌شد. با روی کار آمدن مأمون زمینه فعالیت شیعیان بیشتر شد و بر تعداد علاقه‌مندان به امام افزوده شد. به طوری که مأمون برای جلب یاران امام و علویان به خود، به اجبار و زور امام را ولیعهد و جانشین خود معرفی کرد. اما بعدها به‌خاطر ناکامی در نقشه‌های خود امام را به شهادت رساند.

۹- با شهادت امام رضا علیه السلام مرحله بسیار سختی برای شیعیان و علویان پدید آمد، به طوری که حتی ارتباط معمولی و آمد و رفت به خانه امام جواد علیه السلام نیز مشکل شد. امام هادی علیه السلام را به اجبار به سامرا که مرکز خلافت بود، آوردند و در محلی که یک پادگان نظامی بود، منزل دادند و بالاخره در همین محل به شهادت رساندند. امام حسن عسکری علیه السلام نیز در همین محل و به همین ترتیب به شهادت رسید. با وجود همه این سختگیری‌ها، این سه امام بزرگوار معارف بازمانده از پدران گرامی خود را حفظ کردند و از طریق شاگردان به نسل‌های بعد رساندند و مانع نابودی مکتب اهل بیت علیهم السلام شدند.

ولایت معنوی امامان

پس از رسول خدا ﷺ، ائمه اطهار علیهم السلام واسطه خیر و برکت و رحمت در جهان هستی هستند و علاوه بر راهنمایی‌ها و یاری‌های ظاهری، به اذن خداوند، از طریق معنوی و غیبی نیز به نیازهای مؤمنان پاسخ می‌دهند و آنان را به مقصود می‌رسانند.

بسیاری از انسان‌های با فضیلت که روح خود را پاک کرده و آماده دریافت معرفت الهی بوده‌اند، مورد توجه معنوی ائمه اطهار علیهم السلام قرار گرفته‌اند و انوار حکمت و معرفت بر قلب‌های آنان تابیده است. این امدادهای معنوی که قطره‌ای از آن‌ها بر ما انسان‌های معمولی آشکار شده، آن‌چنان گسترده و عظیم است که همه ابعاد آن را نمی‌توان درک کرد. البته آن بزرگواران هرچه دارند، از خدا دارند و اگر خداوند عنایت خود را از کسی قطع کند، هیچ‌چیز برایش باقی نخواهد ماند.^۱ در واقع، مقام و منزلت انسان‌های با فضیلت ناشی از بندگی واقعی آنان در برابر خداست.



آیا ائمه اطهار علیهم السلام روش‌های یکسانی در مقابله با حاکمان زمان در پیش گرفتند؟

چرا؟



اگر بخواهیم ائمه اطهار علیهم السلام را اسوه‌های خود در زندگی سیاسی و اجتماعی قرار دهیم، مهم‌ترین درس‌های عملی این بزرگواران کدامند؟ با بررسی مجموعه درس و خواندن قسمت‌های «برای مطالعه» پاسخ را تنظیم کنید.

۱- برای آشنایی بیشتر با ابعاد ولایت معنوی پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام، به زیارت جامعه کبیره در کتاب مفاتیح‌الجنان

مراجعه کنید.

گام سوم

.....

خدایا تورا سپاس گزاریم که چراغ های فروزان هدایت را فراراه ما
برافروختی تا از ظلمات جهل و سرگردانی به روشنایی معرفت و ایمان
راه یابیم.

برای شکرگزاری از این نعمت بیکران، تلاش می کنیم؛
۱- برای افزایش معرفت به ائمه اطهار علیهم السلام اقدامات زیر را
انجام دهیم:

.....

.....

۲- برای گرمی بخشدن به زندگی از راه محبت به آن بزرگواران
برنامه های زیر را پیگیری کنیم.

.....

.....

۳- برای پیروی از رفتار آنان تصمیم های زیر را بگیریم:

.....

.....

درس ۹

خورشید پنهان

حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه - دوازدهمین امام ما، در سپیده دم جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در «سامرا» متولد شد و تا سال ۲۶۰ در کنار پدر زندگی کرد. امام عسکری علیه السلام در این مدت، ایشان را از گزند حاکمان عباسی که تصمیم بر قتل وی داشتند، حفظ نمود و با آن که در محاصره نیروها و جاسوسان حاکمان بود، ایشان را به یاران نزدیک و مورد اعتماد نشان می داد و به عنوان امام بعد از خود معرفی می کرد.^۱ پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰، امامت حضرت مهدی علیه السلام آغاز شد. دوره اول امامت ایشان که تا سال ۳۲۹ طول کشید، «غیبت صغری» نامیده می شود. امام در این دوره زندگی مخفی داشت اما از طریق چهار نفر از یاران صمیمی و مورد اعتماد پیروان خود راهبری می کرد. این چهار شخصیت بزرگوار به «نواب اربعه» و «نواب خاص» معروف اند.

شش روز مانده به درگذشت آخرین نایب، امام عصر (عج) برای ایشان نامه ای نوشت و فرمود پس از وی جانشینی نیست و مرحله دوم امامت در شکل «غیبت کبری» آغاز شده است.

درباره امامت امام مهدی علیه السلام موضوعات مهمی وجود دارد که در قالب سؤال، به برخی از آن ها می پردازیم.

۱- برای مطالعه بیشتر درباره زندگی امام زمان علیه السلام به این کتاب ها مراجعه کنید: پیدای پنهان، تألیف پورسید آقایی، صبح امید، تألیف جواد محدثی، امام زمان در گفتار دیگران، تألیف علی دوانی، دادگستر جهان، تألیف ابراهیم امینی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

این بدان سبب است که خداوند
تغییر نمی‌دهد نعمتی را که
بر قومی ارزانی داشته
مگر آن که آن‌ها تغییر دهند
وضع خویش را

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ
لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً
أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ
حَتَّى يُغَيِّرُوا
مَا بِأَنْفُسِهِمْ
وَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

انفال، ۵۳

.....
.....
.....

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ
حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ

رعد، ۱۱

ترجمه

به کمک توضیحات زیر، ترجمه آیات را تکمیل کنید.

بِأَنْفُسِهِمْ : خودشان را

لَا يُغَيِّرُ : تغییر نمی‌دهد

سوره/آیه	با تفکر در آیات ابتدای درس ، عبارتهای زیر را تکمیل کنید.
.....	۱- اگر مردم نعمتی را که خدا به آنان داده ضایع کنند،
.....	۲- عامل از دست دادن نعمت
.....	۳- زمینه‌ساز هلاکت و بدبختی یا عزت و سربلندی یک جامعه

۱- علت غیبت امام مهدی علیه السلام چیست؟

خداوند نعمت هدایت را با وجود انبیاء و اولیای خود کامل کرده و راه رسیدن به رستگاری را به انسان‌ها نشان داده است. آن‌ها نه تنها راه سعادت را به مردم معرفی کردند بلکه دل‌سوزتر از پدری مهربان برای نجات آنان کوشیدند و رنج کشیدند.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، خود و امام علی علیه السلام را پدران امت معرفی فرموده است^۱ و روشن است که دل‌سوزی پدر برای فرزندان خود قابل توصیف نیست. اما فرزندان ناسپاس، قدر پدران مهربان خود را نشناختند و چنان در مسیر غلط پیش رفتند که یازده تن از رهبران آسمانی خود را شهید کردند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمان حیات، درباره دوازده جانشین و امام بعد از خود با مردم سخن گفته بود و حضرت مهدی علیه السلام را معرفی کرده بود. امیرالمؤمنین و سایر امامان نیز درباره امام زمان علیه السلام و رسالتی که برعهده دارد، یاد کرده بودند. از این رو حاکمان بنی‌عباس درصدد بودند که مهدی موعود علیه السلام را به محض تولد از بین ببرند. آنان امام دهم علیه السلام و سپس امام یازدهم علیه السلام و خانواده ایشان را در محله‌ای نظامی در شهر سامرا منزل دادند و رفت‌وآمدهای آنان را زیر نظر گرفتند تا در صورت امکان، امام دوازدهم را در همان کودکی به شهادت برسانند.

به سبب این قدرناشناسی و ناسپاسی و در خطر بودن جان آن حضرت، خداوند آخرین ذخیره و حجت خود را از نظرها پنهان کرد تا امامت در شکلی جدید و از پس پرده غیبت ادامه یابد. ادامه یافتن این

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَنَا وَعَلِيٌّ أَبَوَاهُ هَذِهِ الْأُمَّةُ - من و علی پدران این امتیم.» علال الشراعی، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۱۲۷.

غیبت نیز بر اثر باقی ماندن همان شرایط و عدم آمادگی مردم برای ظهور می‌باشد. این غیبت آن قدر ادامه می‌یابد که نه تنها مسلمانان، بلکه جامعه انسانی شایستگی درک ظهور و بهره‌مندی کامل از وجود آخرین حجت الهی را پیدا کند. در آن زمان، بشریت عملی شدن وعده‌های الهی در مورد حکومت صالحان و برپایی عدالت جهانی را به چشم خواهد دید و همان‌طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده:

«خداوند زمین را پراز قسط و عدل خواهد کرد، بعد از این که پراز ظلم و جور شده باشد.»^۱

امام علی علیه السلام می‌فرماید: زمین از حجت خدا (امام) خالی نمی‌ماند. اما خداوند، به علت ستمگری انسان‌ها و زیاده‌روی‌شان در گناه، آنان را از وجود حجت در میان‌شان بی‌بهره می‌سازد.^۲

امام باقر علیه السلام نیز فرموده‌اند: قضای حتمی خداوند است که اگر به بنده خود نعمتی دهد، آن نعمت را از او نمی‌گیرد مگر آن‌که گناهی انجام دهد که شایستگی داشتن آن نعمت را از دست دهد و این مطلب، مطابق با این سخن خداوند است.^۳ سپس ایشان آیات ۵۳ سوره انفال و ۱۱ سوره رعد را قرائت کرد.

از این سخنان درمی‌یابیم که تغییر و تحول در امور مربوط به جامعه، قوانین و سنت‌های خاص خود را دارد که باید بدان‌ها توجه کرد؛ برای مثال، در جامعه‌ای که گرفتار بی‌عدالتی است، تصمیم یک فرد یا گروهی محدود برای برقراری عدالت، اگر از همراهی دیگر افراد برخوردار نباشد، به نتیجه نمی‌رسد. گسترش علم و فرهنگ نیز همین‌طور است. تنها زمانی دانش و فرهنگ یک ملت پیشرفت و ترقی می‌کند که عموم افراد جامعه مشتاق و خواهان این پیشرفت باشند.

به همین جهت قرآن کریم می‌فرماید که تا اقوام و ملت‌ها تغییر نکنند، خداوند نیز اوضاع و شرایط زندگی آنان را تغییر نخواهد داد.

۲- رهبری و امامت حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت چگونه انجام می‌شود؟

برای درک درست رهبری امام در عصر غیبت، ابتدا باید توجه کنیم که «غیبت» در این جا در مقابل «ظهور» است، نه «حضور». امام را «غایب» نامیده‌اند؛ زیرا ایشان از نظرها «غایب» است، نه این که در جامعه حضور ندارد. ایشان چون خورشید عالم تاب، انوار هدایت و رهبری خود را بر مسلمانان می‌تاباند. به عبارت دیگر، این انسان‌ها هستند که امام را نمی‌بینند، نه این که ایشان در بین مردم حضور نداشته باشد.

۱- غیبت طوسی، ص ۴۹

۲- غیبت نعمانی، ترجمه، ص ۲۰۲

۳- تفسیر نورالتقلین، ج ۲، ص ۴۸۸

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید :

حجت خداوند در میان مردم حضور دارد، از معابر و خیابان‌ها عبور می‌کند ... به نقاط مختلف جهان می‌رود، سخن مردم را می‌شنود و بر جماعت مردم سلام می‌کند. می‌بیند و دیده نمی‌شود؛ تا این که زمان ظهور و وعده الهی و ندای آسمانی فرامی‌رسد. هان! آن روز، روز شادی فرزندان علی علیه السلام و پیروان اوست^۱.

امام عصر علیه السلام، خود می‌فرماید : «بهره‌بردن از من در عصر غیبتم، مانند بهره بردن از آفتاب است هنگامی که پشت ابرها باشد.»^۲ این پنهان بودن در پشت ابر ناشی از عدم شایستگی انسان‌ها در بهره‌مندی از رهبری ظاهری ایشان است.

آری، بخش اصلی رهبری امام مربوط به ولایت معنوی است. ایشان که به اذن خداوند از احوال انسان‌ها آگاه است، به صورت‌های مختلف، افراد مستعد و به‌ویژه شیعیان و محبان خویش را از کمک‌ها و امدادهای معنوی برای رشد و تعالی پرخوردار می‌سازد. امام عصر علیه السلام در نامه‌ای به شیخ مفید^۳، از علمای بزرگ اسلام، می‌فرماید :

ما از اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نمی‌ماند. ایشان در ادامه همین نامه می‌فرماید :

ما در رسیدگی [به شما] و سرپرستی شما کوتاهی و سستی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نمی‌بریم که اگر جز این بود، دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌کردند.^۴

از این نامه درمی‌یابیم که لطف و محبت امام همواره وجود دارد تا جایی که اگر کمک و دستگیری ایشان نباشد، مشکلات و توطئه‌های دشمنان، ریشه مسلمانان و شیعیان را قطع خواهد کرد. در حقیقت، هم اکنون نیز امام عصر علیه السلام سرپرست، حافظ و یاور مسلمانان است. هدایت باطنی افراد، حل بعضی

۱- کتاب الغیبة، نعمانی، ص ۱۴۴.

۲- بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۵۳، ص ۱۸۱.

۳- شیخ مفید در سال ۳۸۱ هجری به مرجعیت شیعیان رسید و تا سال ۴۱۳ به مدت ۳۲ سال مرجعیت شیعیان را بر عهده داشت. شیخ مفید بالغ بر دوست عنوان کتاب و رساله تألیف کرد و شاگردان بزرگی چون سید مرتضی، سید رضی و شیخ طوسی تربیت کرد و در تحکیم جایگاه تشیع در جهان اسلام بسیار مؤثر بود.

۴- الاحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۶.

از مشکلات علمی علما، خبر دادن از پاره‌ای رویدادها، دستگیری از درماندگان، شفای بیماران و دعا برای مؤمنان، نمونه‌هایی از این دستگیری‌هاست. چه بسیارند افرادی که از یاری آن حضرت برخوردار می‌شوند؛ بدون آن که ایشان را بشناسند.

بنابراین، دوره غیبت، به معنای عدم رهبری امام عصر علیه السلام نیست بلکه رهبری حقیقی مسلمانان هم اکنون نیز با ایشان است. اما این رهبری را انسان‌های عادی حس نمی‌کنند؛ همان‌طور که برخی از انسان‌ها فواید خورشید پشت ابر را در نمی‌یابند. اگر شب عالم را فراگیرد و خورشید هیچ‌گاه طلوع نکند، آن زمان است که نعمت وجود خورشید پشت ابر نیز بر همگان روشن خواهد شد. همچنین بخش رهبری ظاهری را ایشان به عالمان دین واگذار کرده است که در دروس بعد به آن خواهیم پرداخت.

مقایسه

هر یک از حالت‌های زیر به کدام‌یک از حالت‌های خورشید شبیه است؟ آن‌ها را مشخص کنید و نتیجه هر یک از این شباهت‌ها را توضیح دهید.

۱- وجود امام همراه با ظاهر بودن در میان مردم

۲- وجود امام و غایب بودن از مردم

۳- نبود امام

خود ارزیابی

امام با مهر و محبت خود به یاد ماست. از دشواری‌های ما رنج می‌برد و از اعمال ما نگران است. آیا ما برنامه‌ای تدارک دیده‌ایم که همواره به یاد آن حضرت باشیم؟

این برنامه شامل چه قسمت‌هایی است؟

۳- دوران غیبت چه زمانی پایان می‌یابد؟

تعیین زمان ظهور در اختیار خداست و کسی جز او از آن آگاهی ندارد. آنچه برای ظهور لازم است، احساس نیاز جهانی به کمک الهی، ناامیدی از همهٔ مکتب‌های غیر الهی و آمادگی لازم پیروان و یاران امام برای همکاری با ایشان است و از این امور جز خداوند، کس دیگری آگاهی ندارد. بنابراین، کسانی که زمان ظهور را پیش‌گویی می‌کنند، دروغ‌گویند. وقتی از امام باقر علیه السلام پرسیدند که آیا برای ظهور وقتی معین شده است، سه بار فرمود:

كِدْبُ الْوَقَاتُونَ : تعیین کنندگان وقت، دروغ‌گویند.^۱

پیامبر اکرم فرمودند:

مَثَلُ ظَهْرٍ مَهْدَى الْمَهْدَى، مَثَلُ بَرِيءٍ قِيَامَتِ اسْت. مهدی علیه السلام نمی‌آید مگر ناگهانی.^۲

۴- امام عصر علیه السلام عمر بسیار طولانی دارد. آیا چنین عمری امکان‌پذیر است؟

در پاسخ می‌گوییم: برخی امور از نظر عقلی امکان‌پذیر نیستند و محال است در جهان خارج پیدا شوند؛ برای مثال، ممکن نیست که یک عدد هم زوج و هم فرد باشد. همچنین، ممکن نیست یک جسم در یک زمان، هم در مکان الف باشد و هم در مکان ب. اما برخی امور هستند که پیدایش آن‌ها از نظر عقلی امکان‌پذیر است اما شرایط و عوامل خارجی بسیار زیادی باید دست به دست هم دهند تا آن امور تحقق یابند. این‌ها امور غیرعادی‌اند، نه غیرعقلی. طولانی شدن عمر انسان‌ها از جملهٔ این امور است. از نظر عقلی، بدن انسان می‌تواند هزاران سال زنده بماند. اما تحقق این هدف، تحت تأثیر هزاران هزار عامل طبیعی و زیستی در بیرون و داخل بدن انسان است. امروزه دانشمندان تعداد اندکی از این عوامل را شناخته‌اند و تلاش می‌کنند که روز به روز آگاهی خود را بیش‌تر کنند تا بتوانند عمر انسان را طولانی‌تر نمایند. از آن‌جا که خداوند از تمام این شرایط آگاهی دارد به قدرت و ارادهٔ خود جسم مبارک امام عصر علیه السلام را جوان نگه می‌دارد تا آن حضرت به حیات خود ادامه دهد. پس، عمر طولانی امام امری غیرعادی است، نه غیرعقلی و محال. و چنین عمری با قدرت الهی عملی می‌شود.

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳.

۲- منتخب الاثر، ص ۱۲۴ و ۲۲۴.

پیش‌موضوعاتی



۱- با توجه به آیه ۱۱ سورة رعد، علت اصلی غیبت امام عصر(عج) را توضیح

دهید.

۲- چرا غیبت امام عصر علیه السلام به خورشید پشت ابر تشبیه شده است؟

۳- غیرعادی و غیرعقلی (محال) چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟ برای هر کدام سه

مثال ذکر کنید.

۴- قرآن کریم خبر می‌دهد که حضرت نوح علیه السلام ۹۵۰ سال قوم خود را به توحید

دعوت می‌کرد. از این خبر چه نتایجی می‌توان گرفت؟

پیشنهاد

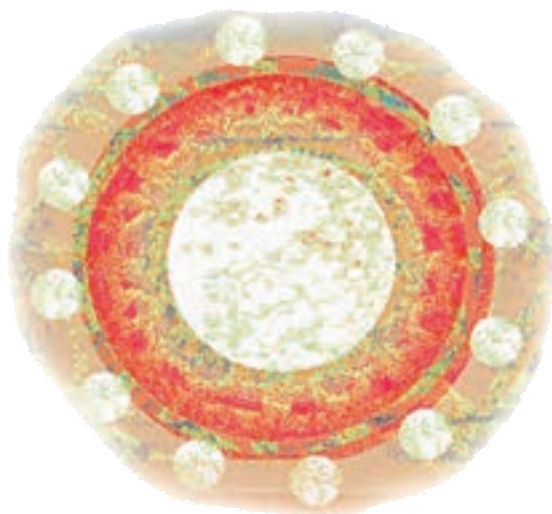


۱- اگر قطعه‌ای ادبی، شعر، خاطره یا داستانی جذاب درباره حضرت مهدی علیه السلام

سراغ دارید، آن را در قالب طرحی زیبا ارائه دهید یا در کلاس بخوانید.

۲- احساس لطیف خود درباره امام عصر علیه السلام را در گفت‌وگویی صمیمانه با ایشان

به قلم بیاورید.



درس ۱۰

در انتظار طلوع

بر آبی آفتاب صبح امید که در دام شب بجران ایرم

عقیده به «موعود» و «منجی» در اسلام و به خصوص در تشیع، اعتقادی عمیق و استوار است. این عقیده در میان ارادتمندان به عترت و اهل بیت علیهم السلام چنان ریشه دارد که آثار و جلوه‌های آن در زندگی روزانه‌شان مشاهده می‌شود. از بامداد تا شامگاه، بعد از هر نماز، یاد امام عصر علیه السلام، دعا برای سلامتی آن عزیز و درخواست تعجیل در ظهورشان، برنامه‌ای دائمی و پیوسته است. در این درس، می‌خواهیم دو مسئله را بررسی کنیم و به آن‌ها پاسخ دهیم:

- ۱- آیا اعتقاد به «موعود» و «منجی» اختصاص به مسلمانان دارد؟
- ۲- این اعتقاد چگونه زندگی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

خداوند وعده داده به کسانی از شما که ایمان دارند

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ

و عمل صالح انجام می دهند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

که آنان را جانشین در زمین قرار دهد

لَيَسْتَحْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ

همان طور که قبل از آنان کسانی را جانشین قرار داد

كَمَا اسْتَحْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

و برای آنان دینشان را مستقر سازد

وَلِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمْ

که برای آن‌ها پسندیده است

الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ

و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند

وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا

به گونه‌ای که مرا پرستند

يَعْبُدُونَنِي

و چیزی را شریک من نگیرند

لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا

نور، ۵۵

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ

.....

عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ

.....

وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً

.....

وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

.....

فَصَّص، ۵

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ
 مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ
 أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا
 عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

انبیاء، ۱۰۵

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ
 بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ
 لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ
 وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

توبه، ۳۳



به کمک توضیحات زیر، ترجمه را تکمیل کنید.

أَنْ نَمُنَّ : که منت نهیم	نُرِيدُ : می خواهیم
نَجْعَلُ : قرار دهیم	أَسْتَضْعِفُوا : ناتوانشان کردند
لِيُظْهِرَهُ : تا چهره گرداند آن را	ذِكْرُ : در اینجا کتاب تورات
يَرِثُهَا : آن را به ارث بَرَد	كَرِهَ : نخواهد، اگراه داشته باشد

آینده تاریخ

تاریخ زندگی انسان‌ها صحنه مبارزه دائمی حق و باطل بوده است. در جبهه حق، خداپرستانی حضور دارند که در راه عدالت، انسان‌دوستی، آزادگی، فضایل اخلاقی و دفاع از حقوق محرومان و مستضعفان تلاش کرده‌اند و صفحات تاریخ را با جهاد و ایثار خود زیبایی و شکوه بخشیده‌اند. در جبهه باطل، خودخواهان و خودپرستانی حضور دارند که شرک و کفر و ستمگری پیشه ساخته و برای رسیدن به خواسته‌های خود، به بهره‌کشی از انسان‌ها و دامن زدن به فساد و بی‌بند و باری پرداخته‌اند. نتیجه نهایی این مبارزه چیست و پیروزی از آن کدام جبهه خواهد بود؟ جبهه حق یا جبهه باطل؟ پاسخ به این سؤال با بیش انسان درباره جهان ارتباط دارد. آنان که از شناخت آفریننده جهان درمانده‌اند و اداره کننده‌ای مدبر و حکیم برای آن نمی‌شناسند، نمی‌توانند آینده‌ای روشن برای تاریخ انسان تصور کنند.

اما خداپرستان که معتقدند یکی از نام‌های خداوند حق است و اوست که با حکمت خود، جهان را اداره می‌کند، براساس وعده الهی، باور دارند که آینده نهایی جهان از آن حق خواهد بود و باطل، شکست خورده و مغلوب، صحنه را ترک خواهد کرد و حق طلبان جهان را اداره خواهند کرد و مردم یک زندگی خوب و رو به کمالی خواهند داشت.



سوره/آیه	در آیات ابتدای درس ببینید و ببینید که چه آینده‌ای برای تاریخ انسان پیش‌بینی شده است؟
.....
.....
.....
.....
.....
.....

مقایسه



دو بیش طرح شده درباره تاریخ انسان را مقایسه کنید و تأثیر هر کدام را بر روحیه ، رفتار و برنامه ریزی افراد نشان دهید.

.....
.....
.....

موعود و منجی در ادیان

پیامبران الهی، برای تحقق وعده های الهی، از طرح خاصی برای پایان تاریخ سخن گفته اند. آنان می گویند که در پایان تاریخ، درحالی که شرایط کاملاً آماده شده است، یک ولی الهی ظهور می کند و حکومت جهانی و عادلانه ای تشکیل می دهد که فقط براساس دین خدا اداره می شود. این عقیده اصلی پیامبران الهی است اما تعلیمات هر پیامبری، جز پیامبر اسلام پس از وی دستخوش دگرگونی شد. از جمله این دگرگونی ها، اعتقاد خاصی بود که پیروان هر پیامبری درباره ظهور موعود پیدا کردند. با وجود این اعتقادات مختلف، همه در اصل الهی بودن پایان تاریخ و ظهور ولی خدا برای برقراری حکومت جهانی اتفاق نظر دارند.

برای مطالعه



– یهودیان معتقدند که هنوز «مسیح» و منجی نیامده است، روزی مسیح خواهد آمد و دین حضرت موسی علیه السلام را در جهان گسترش خواهد داد و عدالت را برقرار خواهد کرد. مسیحیان بر این باورند که حضرت عیسی علیه السلام همان منجی و موعود آخرالزمان است. آنان در این باره عقیده یکی از یاران حضرت عیسی علیه السلام به نام پولس را پذیرفته اند که می گوید منجی نهایی جهان حضرت عیسی علیه السلام است. او معتقد بود که حضرت عیسی علیه السلام در شبی که مأموران حاکم به مخفیگاهش حمله کردند، دستگیر شد؛ روز بعد او را به صلیب کشیدند و کشتند اما سه روز پس از مرگ،

بر صلیب زنده شد و به آسمان رفت. او دوباره ظهور می‌کند و انسان‌ها را نجات می‌دهد^۱.
در آیین زرتشتی، اعتقاد به سُوشیانت که به معنای منجی و رهاننده است، اعتقاد رایجی است و در تمام متون زرتشتی به ظهور این موعود بشارت داده شده است^۲.
اعتقاد به منجی در بین پیروان پیامبران، فرصت ارزشمندی برای همکاری میان آن‌ها و تلاش برای تحقق آرمان‌های بزرگ همهٔ پیامبران الهی، مانند معنویت، خداپرستی، عدالت، اخلاق و نفی حاکمیت کفر و ستم بر جهان است. این همکاری سبب نزدیکی و همدلی حق‌طلبان و مانع توطئه‌های ستمگران می‌شود.

موعود در اسلام

ما مسلمانان بر این عقیده‌ایم که در آخرالزمان منجی بزرگ انسان‌ها حضرت مهدی علیه السلام از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ظهور خواهد کرد و حکومت واحد و عادلانهٔ جهانی را تشکیل خواهد داد.
ما معتقدیم که بنابر سخنان صریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمهٔ اطهار علیهم السلام، موعود و منجی انسان‌ها، دوازدهمین امام و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است. او هم‌نام پیامبر صلی الله علیه و آله و «مهدی» یکی از لقب‌های اوست. ایشان آخرین ذخیرهٔ الهی است، و با توجه خاص خداوند به حیات خود ادامه می‌دهد تا این که به اذن خداوند ظهور می‌کند و حکومت جهانی اسلام را تشکیل می‌دهد.
در کتاب‌های حدیث اهل سنت تأکید شده که حضرت «مهدی» از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیها السلام است، اما هنوز به دنیا نیامده است^۳.
زنده بودن امام زمان علیه السلام، مشخص بودن پدر و مادر آن حضرت و حضور ایشان در جامعه فواید زیر را داشته است:

اول این که هر ماجراجوی فریب‌کاری که بخواهد خود را مهدی موعود معرفی کند، به‌زودی شناخته می‌شود و مردم هوشیار فریب او را نمی‌خورند.
دوم این که پیروان آن حضرت، امام خود را حاضر و ناظر بر خود می‌یابند و می‌دانند که ایشان از حال مسلمانان آگاه‌اند و از فداکاری‌ها و مجاهدت مؤمنان اطلاع دارند.

۱- قرآن کریم کشتن و به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی علیه السلام را به صراحت رد می‌کند و می‌فرماید که آنان در این مسئله دچار اشتباه شدند (سورهٔ نساء آیه ۱۵۷).

۲- «سوشیانت» یا «سیر اندیشهٔ ایرانیان دربارهٔ موعود آخرالزمان» از علی اصغر مصطفوی.

۳- تاریخ بخاری، ج ۳، ص ۳۴۳، کتاب المهدی، ج ۴، ص ۱۰۷ و مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۷.

سوم این که هرگاه آنان احساس کنند، می‌توانند با امام حاضر و ناظر خود سخن بگویند، خواسته‌های خود را با ایشان در میان گذارند و برای به دست آوردن رضایت ایشان، با امید و نشاط و پویایی تلاش کنند.

چهارم این که جامعه به صورت‌های گوناگون از هدایت‌های امام و از ولایت معنوی ایشان برخوردار می‌گردد.

انتظار موعود

نگاه مثبت دین به آینده تاریخ و اعتقاد به حضرت مهدی (عج)، اصلی به نام «انتظار» را در دل‌ها زنده کرده است.

انسان منتظر، به معنای خاص کلمه، کسی است که هدف و آرمان خود را می‌شناسد و یقین دارد که روزی این هدف در جهان محقق می‌شود. از این رو همواره برای رسیدن جامعه به چنین هدفی تلاش می‌کند تا جامعه، هر چند یک قدم، به آن هدف نزدیک‌تر شود. و از آنجا که به خدا و جهان آخرت ایمان دارد، می‌داند که پاداش این تلاش خود را خواهد گرفت.

جامعه منتظر به واقعیت‌های ناهنجار موجود «نه» می‌گوید و به امید فردای درخشان تلاش می‌کند. جامعه منتظر، حکومت‌های غیرالهی و طاغوتی را نمی‌پذیرد و در مقابل آن‌ها می‌ایستد و مقاومت می‌کند. جامعه منتظر می‌کوشد در جهت همان نوع از جامعه‌ای که انتظارش را می‌کشد حرکت کند؛ برای مثال، اگر در انتظار عدالت جهانی است، در حد توان آن را تمرین می‌کند و برای تحقق آن پیش می‌رود؛ به گونه‌ای که جوامع دیگر با مشاهده جامعه منتظر، مشتاق آن جامعه و آرمان‌های آن شوند. همان‌طور که برخی از جامعه‌شناسان گفته‌اند، پویایی جامعه شیعه در طول تاریخ، به دو عامل وابسته بوده است:

الف - گذشته سرخ - اعتقاد به عاشورا و آمادگی برای ایثار و شهادت در راه عدالت خواهی، آرمانگرایی و حقیقت‌جویی.

ب - آینده سبز - باور به مهدویت و نپذیرفتن حکومت‌های طاغوتی و تلاش برای گسترش عدالت و انسانیت در سراسر جهان.

مسئولیت‌های منتظر

اکنون جا دارد که ببینیم در دوره غیبت چه مسئولیت‌هایی برعهده منتظران قرار دارد. در این‌جا



به مهم‌ترین این مسئولیت‌ها اشاره می‌کنیم.

۱- تقویت معرفت، ایمان و محبت به امام: افزایش معرفت به امام عصر(عج) و تقویت محبتی که به دنبال آن می‌آید، وظیفه هر مسلمانی است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سخنانی ضمن معرفی همه امامان، درباره امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

هرکس که دوست دارد خدا را در حال ایمان کامل و مسلمانی مورد رضایت او ملاقات کند، ولایت و محبت امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام را بپذیرد.^۱

عصر غیبت، عصر دودلی‌ها و شک و تردیدهاست. در این دوره، فتنه‌های گوناگون و اندیشه‌های رنگارنگ پیدا می‌شوند و بی‌ایمانی را تبلیغ می‌کنند. مؤمن حقیقی، به خود تردید راه نمی‌دهد و با یقین، برای فردای روشن آماده می‌شود. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

بزرگ‌ترین مردمان در ایمان و یقین، کسانی هستند که در روزگاران آینده زندگی می‌کنند، پیامبرشان را ندیده‌اند، امام آن‌ها در غیبت است و فقط به سبب خواندن قرآن کریم و احادیث معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام (و تفکر در آن‌ها) ایمان می‌آورند.^۲



چند نمونه از راه‌های تقویت معرفت و محبت پیشنهاد دهید.

.....

.....

.....

۲- پیروی از امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام: منتظر حقیقی تلاش می‌کند در عصر غیبت هم پیرو امام خود باشد و از ایشان تبعیت کند. پیروی از امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام پیروی از دستور آن حضرت مبنی بر مراجعه به عالمان دین و تبعیت از آن‌هاست. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

۱- بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۳۶، ص ۲۹۶.

۲- بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

خوشا به حال کسی که به حضور «فائم» برسد، در حالی که پیش از قیام او نیز پیرو او باشد.^۱
۳- ایجاد آمادگی در خود و جامعه: منتظر، عصر غیبت را عصر آماده‌باش برای یاری امام تلقی می‌کند. او هر لحظه منتظر است ندای امام عجله در جهان طنین‌انداز شود و مردم را برای پیوستن به حق فراخواند.

آنان که در زندگی خود با باطل مبارزه نکرده‌اند و با مستکبران مقابله ننموده‌اند، در روز ظهور، به علت عدم آمادگی، مانند قوم موسی عجله به حضرت مهدی (عج) خواهند گفت: «تو و پروردگارت بروید و بجنگید، ما این‌جا می‌نشینیم».^۲

البته این آمادگی ابعاد گوناگون علمی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی دارد و منحصر به یک تخصص نمی‌شود. زیرا امام زمان (عج) یارانی توانمند در همه ابعاد می‌خواهد؛ یارانی که بتوانند مسئولیت‌های بزرگ عصر ظهور را بر دوش گیرند.

امام صادق عجله در توصیف یاران امام عصر (عج) می‌فرماید:

یاران مهدی (عج) مردمانی مقاوم، سرشار از یقین به خدا و استوارتر از صخره‌ها هستند؛ اگر به کوه‌ها روی آورند، آن‌ها را متلاشی می‌کنند.^۳

امام علی عجله درباره کسانی که با امام پیمان می‌بندند و بیعت می‌کنند، می‌فرماید:

امام با این شرط با آنان بیعت می‌کند که در امانت خیانت نکنند، پاک‌دامن باشند، اهل دشنام و کلمات زشت نباشند، به ظلم و ستم خون‌ریزی نکنند، به خانه‌ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق آزار ندهند، ساده‌زیست باشند و بر مرکب‌های گران‌قیمت سوار نشوند، لباس‌های فاخر نپوشند، به حقوق مردم تجاوز نکنند، به تیمان ستم نکنند، دنبال شهوت‌رانی نباشند، شراب ننوشند، به پیمان خود عمل کنند، ثروت و مال را احتکار نکنند... و در راه خدا به شایستگی جهاد نمایند.^۴

چه کسانی می‌توانند در هنگام ظهور سرشار از یقین و استوارتر از صخره‌ها باشند؟ چه کسانی می‌توانند در هنگام بیعت با امام، اهل جهاد و پیکار باشند، پاک‌دامنی پیشه کنند و اهل زشتی و زشت کاری نباشند؟

۱- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

۲- اشاره به آیه ۲۴ سوره مائده.

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۴- الملاحم والفتن، سیدابن طاووس، ص ۱۴۹.

کسانی که قبل از ظهور آن حضرت، تمرین کرده و در صحنهٔ فعالیت‌های اجتماعی و نبرد دائمی حق و باطل، در جبههٔ حق حضوری فعال داشته باشند و ایستادگی و مقاومت در مقابل شیاطین درون و برون، ویژگی‌هایی چون شجاعت، عزت نفس، بلندهمتی و پاک‌دامنی را در خود پرورانده باشند.

کسی که در عصر غیبت تنها با گریه و دعا سر کند و در صحنهٔ نبرد حق‌طلبان علیه مستکبران حضور نداشته باشد، چنین کسی شجاعت و از جان‌گذشتگی لازم را به دست نخواهد آورد و در نبرد سهمگین سپاه امام علیه ستمکاران جهان، صحنه را ترک خواهد کرد.

یاران امام، پیش‌تازان تحول‌جهانی و سازندگان تمدن متعالی اسلامی‌اند. هستهٔ مرکزی این یاران، سیصد و سیزده نفر، به تعداد یاران پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جنگ بدر هستند که بنا به فرمودهٔ امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام پنجاه نفر از آنان از زنان‌اند.^۱ همچنین، در احادیث آمده که بیش‌تر یاران امام را جوانان تشکیل می‌دهند.^۲ با ایجاد آمادگی در خود، بکوشیم که از یاران نزدیک امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام باشیم.

۴- دعا برای ظهور امام: در انتظار ظهور بودن، خود از برترین اعمال عصر غیبت است. زیرا فرج و گشایش واقعی برای دینداران با ظهور آن حضرت حاصل می‌شود. امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

منتظر فرج الهی باشید و از لطف الهی مأیوس نشوید و بدانید که محبوب‌ترین کارها نزد خداوند،

انتظار فرج است.^۳

لازمهٔ این انتظار، دعا برای ظهور امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام است. بر این اساس، خواست خود را این‌گونه به درگاه خداوند عرضه می‌داریم:

«خدا یا! از تو آن دولت با کرامتی را طلب می‌کنیم که با آن، اسلام و اهلش را عزیز می‌گردانی و نفاق و اهلش را خوار می‌سازی. ما را در آن دولت از دعوت‌کنندگان به طاعت خود و رهبران به سوی راهت قرار ده و کرامت دنیا و آخرت را از برکت آن بر ما ارزانی دار.»^۴

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۳.

۲- الغیبة، نعمانی، ص ۱۰۷.

۳- الخصال، ج ۲، ص ۶۱۶، تحف العقول، ص ۱۰۴.

۴- بخشی از دعای افتتاح که معمولاً در شب‌های ماه مبارک رمضان خوانده می‌شود.



۱- رهبر معظم انقلاب اسلامی دربارهٔ ویژگی‌های منتظران می‌فرماید:

درس دیگر اعتقاد به مهدویت و جشن‌های نیمهٔ شعبان برای من و شما این است که هرچند اعتقاد به ظهور حضرت مهدی - ارواحنا فداه - یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست اما نباید مسئله را فقط به جنبهٔ آرمانی آن ختم کرد؛ یعنی، به‌عنوان یک آرزو در دل یا حداکثر در زبان، یا به‌صورت جشن، نه؛ این آرمانی است که باید عمل به دنبال آن بیاید. انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان علیه السلام آماده کنیم. سربازی امام زمان کار آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی، آگاهی و روشن‌بینی دارد. عده‌ای این اعتقاد را وسیله‌ای برای تخدیر خود یا دیگران قرار می‌دهند؛ این غلط است. ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم. نه، به عکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم. در گذشته کسانی که منتظر بودند، سلاح خود را همیشه همراه داشتند. این یک عمل نمادین است و معنایش این است که انسان از لحاظ علمی، فکری و عملی باید خود را بسازد و در میدان‌های فعالیت و مبارزه، آمادهٔ کار باشد.

مشتاق و منتظر امام زمان علیه السلام این گونه با ایشان نجوا می‌کند:

ای پادشاه خوبان، داد از غم تنهایی	دل بی توبه جان آمد، وقت است که باز آئی
دائم گل این بستان شاداب نمی ماند	دریاب ضعیفان را در وقت توانایی
مشتاقی و مجوری دور از تو چنانم کرد	کز دست بخواهد شد پایاب شکیبایی
ساقی چمن گل را بی روی تو رنگی نیست	شمشاد خرامان کن تا باغ بیاری

۱- سخنرانی به مناسبت نیمهٔ شعبان، در مصالای تهران، در تاریخ ۸۱/۷/۳۰.

ای در توام درمان در بستر ناکامی وی یاد توام مونس در کوششی تنهایی
حافظ، شب بهران شد، بوی خوش وصل آمد شادیت مبارک باد، ای عاشق شیدایی
و با بیانی صمیمی، انتظار خود را این گونه ترسیم می کند:

از نوشخت نرگس چشم انتظاری ام گل کرد خارِ شبِ بی قراری ام
تا شد بزار پاره دل از یک نگاه تو دیدم بزار چشم، در آئینه کاری ام
کرمی به شوق دیدت از خویش می روم از خویش می روم که تو با خود بیاری ام
بود و نبود من همه از دست رفته است باری، مگر تو دست بر آری به یاری ام
کاری به کار غیر ندارم که عاقبت مرهم نهاد نام تو بر زخم کاری ام
تا ساحل قرار تو چون موج بی قرار با رود، رو به سوی تو دارم که جاری ام
با ناختم به سنگ نوشتم: بیایا زان پیش تر که پاک شود یاد کاری ام؟

۲- امروزه، با واقعیتی به نام جهانی شدن (Globality) مواجهیم که باید رابطه آن را با موضوع مهدویت بررسی کنیم. جهانی شدن به معنای گسترش ارتباطات میان انسان‌ها و افزایش تأثیر متقابل اقوام، ملت‌ها و کشورها بر یکدیگر است؛ به گونه‌ای که کمتر اتفاقی در گوشه‌ای از عالم رخ می‌دهد که مردم دیگر سرزمین‌ها از آن بی‌خبر بمانند و حیات اجتماعی آنان از این اتفاق تأثیر نپذیرد. پیدایش ابزارهای ارتباطی صوتی و تصویری و متنی مانند تلفن ثابت و سیار، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت از یک طرف و وسایل نقلیه جدید مانند اتومبیل، قطار و هواپیما از طرف دیگر، ارتباط میان انسان‌ها را در نقاط مختلف کره زمین چنان توسعه داده است که گویی مانند مردم یک دهکده از اخبار هم خبر دارند. از همین جاست که مفهوم «دهکده جهانی» (Global village) شکل گرفته است.

این یک واقعیت اجتماعی است که رخ داده است و اکنون ما در چنین جهانی زندگی می‌کنیم. با پدیدار شدن این واقعیت، قدرت‌های بزرگ و سلطه‌گر برنامه‌ریزی می‌کنند که فرهنگ، اندیشه و آن شیوه زندگی را که خود می‌پسندند، جهانی کرده و بر سایر مردم تحمیل کنند. این طرح و برنامه جهانی‌سازی (Globalisation) نامیده می‌شود.

آن‌ها برای رسیدن به این منظور، از امکانات بسیار پیچیده آشکار و پنهان کمک می‌گیرند. شبکه‌های بزرگ تلویزیونی و رادیویی، ماهواره‌ها، سایت‌های متنوع اینترنتی، فیلم‌های سینمایی، کتاب‌ها و نشریات، سازمان‌های گسترده اطلاعاتی و جاسوسی ابزار گسترش فرهنگ قدرت‌های بزرگ و به‌خصوص آمریکا هستند. پشتوانه این ابزار، قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی آن قدرت‌هاست که با ایجاد رعب و ترس یا وابستگی و تسلیم‌طلبی یا طمع، زمینه را برای توسعه فرهنگ، اخلاق و آداب و رسوم سلطه‌گران آماده می‌کنند. برای مثال، آمریکا پس از این که افغانستان و عراق را تصرف کرد، چندین شبکه تلویزیونی به راه انداختن فرهنگ و اخلاق خود را بر مردم مسلمان این دو کشور تحمیل کند.

توجه به قدرت گسترده و پیچیده ارتباطات، شیوه‌های مدرن تبلیغ، مهم‌ترین ابزار یکسان‌سازی فرهنگی است. این شیوه‌ها از یک طرف به شکلی بسیار غیرمستقیم و از زبان ملت‌ها شکاف میان نسل‌ها را چنان بزرگ می‌کنند که نسل جدید احساس کند دیگر نمی‌تواند با فرهنگ خود ارتباط برقرار سازد و از طرف دیگر، عناصر فرهنگ خودشان مانند نوع پوشش، سبک معماری، نوع غذا، شیوه‌های معاشرت و حتی ایده‌آل‌ها و آرمان‌های زندگی و به‌طور کلی شیوه زندگی خود را در زیباترین قالب‌های تبلیغی عرضه می‌کنند تا ملت‌ها را دنباله‌رو خود سازند. در این جاست که ذکاوت و زیرکی ملت ما، به خصوص نسل جوان، باید به کمک بیاید تا به جای پیوستن به جهانی‌سازی تحمیلی، با تکیه بر کرامت و عزت خود و با قدرت ابتکار و خلاقیت و پیشه کردن بردباری و صبر، فرهنگ خود را تعالی بخشیم و در این رقابت جدی و سخت، موفق باشیم.

حال که جهانی شدن ارتباطات و تبدیل جهان به یک دهکده، این فرصت را ایجاد کرده است که افکار و عقاید در میدان جهانی به رقابت برخیزند، کدام عقیده و کدام روش زندگی لیاقت دارد به‌طور طبیعی مورد پذیرش ملت‌های مختلف قرار گیرد؟ چنین به نظر می‌رسد که عقیده‌ای با شاخصه‌های زیر می‌تواند جهانی شود:

الف - با فطرت انسان و ویژگی‌های فطری او سازگار باشد.

ب - مبتنی بر عقلانیت و قابل دفاع عقلی باشد.

ج - توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای اصلی دنیای امروز، مانند عدالت اجتماعی، را دارا باشد.

د - از پشتوانه و تأیید الهی برخوردار باشد.

هـ - یک رهبر معصوم و مورد اعتماد، مبلغ آن باشد.

با تأملی در عقاید اسلامی و دیدگاه تشیع درباره مهدویت، این پنج شاخصه را در آن می بینیم. جهانی شدن فرصت مناسبی برای جهانی سازی اندیشه اسلامی با استفاده از تبلیغ سازنده و مثبت است. معتقدان به مهدویت و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه باید با حضور فعال و مؤثر در صحنه های جهانی و نشان دادن نقاط ضعف اندیشه های دیگر، زمینه های ظهور را بیش تر فراهم کنند.

۳- دعای عهد، از دعا های مشهور و مربوط به امام عصر عجل الله تعالی فرجه است و مستحب است که هر روز صبح خوانده شود. در بخشی از این دعا، از خداوند کمک می طلبیم که بر عهد و پیمان خود با امام زمانمان ثابت قدم باشیم و از یاری آن حضرت دست برداریم. قسمتی از این دعا به شرح زیر است :

خدا یا من با او تجدید می کنم	اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَهٗ
در صبح این روز	فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا
و تا روزهایی که زندگی می کنم	وَمَا عَشْتُ مِنْ أَيَّامِي
عهد و پیمان و بیعتی را	عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً
که برعهده گرفته ام	لَهٗ فِي عُنُقِي
و از آن روی نمی گردانم	لَا أَحَوْلُ عَنْهَا
و هیچ گاه دست بر نمی دارم.	وَلَا أَزُولُ أَبَدًا
خدا یا مرا قرار بده	اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي
از یاران و مددکاران او	مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ
و دفاع کنندگان از او	وَ الدَّابِّينَ عَنْهُ
و شتابندگان به سوی او	وَ الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ
برای برآوردن خواسته هایش	فِي قَضَائِ حَوَائِجِي
و اطاعت کنندگان از دستورات او	وَ الْمُتَثَلِّينَ لِأَوْامِرِي
و مدافعان حضرتش	وَ الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ
و پیشی گیرندگان به سوی خواسته هایش	وَ السَّابِقِينَ إِلَيَّ إِرَادَتِي
و کشته شدگان در پیشگاهش.	وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ

گام چهارم

.....

معرفت، محبت و انتظار

سه کلمه زیبا که با نام «مسدی» (عج) در خاطر ما زنده می شود.

انتظار، بدون محبت و محبت، بدون معرفت بی معناست.

*

در نامه زندگی خود،

بهترین فرصت را به این سه کلمه زیبا اختصاص می دهیم و می گوئیم

بر معرفت خود به امام زمان (عج) بیفزاییم و عشق او را در دل شعله ورتر کنیم

تا از نظران و مشتاقان حقیقی دیدارش بایستیم.



- ۱- از دیدگاه قرآن کریم، آینده تاریخ از آن چه کسانی است؟
- ۲- معتقد بودن به انتظار، چه تأثیرهایی بر شخصیت فرد منتظر دارد؟
- ۳- این جمله را تحلیل کنید: «منتظران مصلح، خود باید صالح باشند.»



- ۱- یکی از دعا‌های مهمی که ارتباط ما را با امام عصر علیه السلام تقویت می‌کند، دعای عهد است. این دعا را در کتاب مفاتیح الجنان بیابید؛ آن را مطالعه کنید و ببینید که در این دعا چه عهدی مطرح شده است.
- ۲- بررسی کنید که پیشرفت تکنولوژی و جهانی شدن ارتباطات، فهم کدام یک از علائم ظهور حضرت مهدی علیه السلام را آسان کرده است.
- ۳- در آیه ۱۷ سوره رعد بیندیشید و توضیح دهید که:
الف - در این آیه، از چه مثالی برای نشان دادن تقابل حق و باطل استفاده شده است؟

- ب - چه شباهت‌هایی میان آن مثال و حق و باطل وجود دارد؟
- ۴- با توجه به سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی که در بخش «برای مطالعه» آمده، توضیح دهید که «انتظار مثبت» چه تفاوت‌هایی با «انتظار منفی» دارد؟



درس ۱۱

مرجعیت و ولایت فقیه

در درس‌های گذشته دیدیم که دو قلمرو از رسالت رسول خدا ﷺ، پس از ایشان به ائمه اطهار علیهم‌السلام منتقل شد و آنان به عنوان حجت‌های خدا در روی زمین، این مسئولیت‌ها را برعهده گرفتند و در همین چارچوب، جهاد و مبارزه کردند.

در این درس می‌خواهیم بدانیم:

مسئولیت‌های مربوط به امامت در

دوره غیبت کبری چگونه انجام می‌شود؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ

باطل در این کتاب راه نیابد

مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ

چه پیش از آن

وَلَا مِنْ خَلْفِهِ

و چه بعد از آن،

تَنْزِيلُ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ

که فرستاده‌ای است از سوی خدایی حکیم و ستوده

فُضِّلَتْ، ۴۲

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ

.....

بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ

.....

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ

.....

وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

.....

توبه، ۳۳

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً

و نمی‌شود که مؤمنان همگی اعزام شوند

فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ

پس چرا اعزام نشوند از هر گروهی،

مِنْهُمْ طَائِفَةٌ

جمعی از آن‌ها

لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ

تا دانش دین بیاموزند،

وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ

و مردم خویش را هشدار دهند

إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ

آن‌گاه که به سوی آن‌ها باز گردند؛

لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ

تا مواظبت و توجه کنند.

توبه، ۱۲۲



به کمک توضیحات زیر، ترجمه را تکمیل کنید.

لِيُظْهِرَهُرَ : تا پیروز گرداند او را کَرِهَ : بدش بیاید، نخواهد



سوره/آیه	با تفکر در آیات ابتدای درس، مشخص کنید که هر پیام از کدام آیه گرفته شده است.
.....	۱- هیچ‌گاه در قرآن باطل راه پیدا نخواهد کرد به همین جهت برای همیشه کتاب هدایت ما خواهد بود.
.....	۲- خداوند، مسیر هدایت و دین حق را با ارسال رسولان در اختیار ما قرار داده است.
.....	۳- چون همه مردم نمی‌توانند دانش دین را به‌طور عمیق و تخصصی فرا بگیرند، باید کسانی این مسئولیت را بپذیرند تا سایر مردم برای به‌دست آوردن احکام به آنان مراجعه کنند.

پیامبر اسلام آخرین پیامبر الهی و قرآن، کتاب جاودانه اوست. بی‌روی از دین اسلام و دستورات الهی اختصاص به زمان پیامبر و امامان ندارد و هر انسانی وظیفه دارد مطابق با راهنمایی‌های خداوند زندگی کند تا به رستگاری برسد.

اکنون، سؤال این است که در دوره غیبت کبری مسئولیت‌های مربوط به امامت، یعنی «مرجعیت دینی» و «ولایت ظاهری» چگونه ادامه می‌یابد؟ در این دوره، مسلمانان از چه راهی به احکام و قوانین اسلامی دسترسی پیدا می‌کنند و این قوانین چگونه در جامعه اسلامی پیاده می‌شود؟

پاسخ این سؤال را می‌توان از سیره امامان بزرگوار علیهم‌السلام به‌دست آورد. یکی از اقدامات آن بزرگواران تربیت دانشمندانی بود که بتوانند احکام اسلام را با مراجعه به قرآن کریم و سنت پیامبر و امامان به‌دست آورند. این دانشمندان، به شهرهای دوردست که امامان حضور نداشتند می‌رفتند و احکام اسلامی را به آنان می‌آموختند. این روش، برگرفته از قرآن کریم بود. قرآن کریم دستور می‌دهد

گروهی از مردم وقت و همت خود را صرف شناخت دقیق دین کنند و به «تفقه» در دین پردازند، تا پس از کسب علم به شهرهای خود بروند و قوانین اسلام را به مردم بیاموزند. تفقه، به معنای تفکر عمیق است. افرادی که به معرفت عمیق در دین می‌رسند، «فقیه» نامیده می‌شوند. ما مسلمانان وظیفه داریم در زمان غیبت امام و عدم امکان دسترسی به ایشان به این فقیهان مراجعه کنیم. به چند سخن از پیامبر اکرم و ائمه اطهار در این زمینه توجه کنید:

۱- پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

حال کسی که از امام خود دور افتاده و به او دسترسی ندارد، سخت‌تر از حال یتیمی است که پدر را از دست داده است. زیرا چنین شخصی، در مسائل زندگی حکم و نظر امام را نمی‌داند. البته اگر یکی از پیروان ما که به علوم و دانش ما آشناست، وجود داشته باشد، باید دیگری را که به احکام ما آشنا نیستند، راهنمایی کند و دستورات دین را به آن‌ها آموزش دهد. در این صورت، او در بهشت با ما خواهد بود.^۱

۲- امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ هر کس از فقیهان که

صَائِنًا لِنَفْسِهِ، نگهدارندهٔ نفس خود،

حَافِظًا لِدِينِهِ، نگهدارندهٔ دین خود،

مُخَالَفًا لِهَوَاهُ مخالفت‌کننده با هوی و هوس خود

مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فرمان‌بردار فرمان‌خداوند خود باشد

فَلِلْعَوَامِ أَنْ يَقْلِدُوهُ... پس، بر مردم است که از او پیروی کنند.^۲

۳- گروهی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام پرسیدند که برای قضاوت به چه کسی مراجعه کنیم. ایشان در

پاسخ فرمود:

از میان کسانی که در احکام دین تخصص دارند، یکی را برگزینید؛ که من چنین شخصی را

قاضی و حاکم قرار داده‌ام.^۳

۴- امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام دربارهٔ کسانی که برای قضاوت به سلاطین یا قاضی آنان مراجعه می‌کنند، فرمود:

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۱۷، ح ۲۱۴۵۸

۲- بحار الانوار، ج ۲، ص ۸۸

۳- التهذیب، شیخ طوسی، ج ۶، ص ۳۰۳، ح ۵۳

هر کس به حق یا ناحق به چنین کسانی مراجعه کند، به طاغوت مراجعه کرده و این مخالف کلام خداست که می فرماید «می خواهند برای داوری نزد طاغوت روند، درحالی که باید به طاغوت کافر باشند.»^۱
 برسیدند : پس چنین افرادی چه کنند؟

فرمود : اینان باید به یکی از شما که سخنان ما را روایت می کند و در احکام دین تفکر می کند و آن ها را می داند، مراجعه کنند و به حکم او عمل نمایند. من چنین کسی را حاکم و داور میان شما قرار داده ام.»^۲
 ۵ - امام عصر (عج) در پاسخ یکی از یاران خود به نام اسحاق بن یعقوب که درباره «رویدادهای جدید» عصر غیبت سؤال کرد و راه چاره را جست و جو نمود، فرمود :

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ و در مورد رویدادهای زمان
 فَأَرْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا به راویان حدیث ما رجوع کنید.
 فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ که آنان حجت من بر شمایند
 وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ و من حجت خدا بر آنها می باشم^۳

پیام احادیث

شماره حدیث	با تفکر در احادیث فوق، مشخص کنید که هر پیام با کدام حدیث ارتباط دارد.
.....	۱- فقیه کسی است که با مطالعه دقیق منابع اسلامی به مرحله ای از تخصص در دین رسیده که می تواند احکام اسلامی را به دست آورد و حلال و حرام دین را تشخیص دهد.
.....	۲- فقیه باید بتواند احکام مسائل و رویدادهای جدید را نیز که در زمان پیامبر اکرم و امامان اتفاق نیفتاده به دست آورد.
.....	۳- مردمی که می خواهند براساس قوانین اسلام زندگی کنند، اما به پیامبر و امام دسترسی ندارند، باید به فقیهی که دارای شرایط ویژه ای هستند، مراجعه نمایند.
.....	۴- مردم نباید برای مجموعه احکام فردی و اجتماعی خود به حاکمان طاغوت مراجعه کنند. اینان اگر از فقیه دارای شرایط پیروی نکنند، عملاً حکومت طاغوت را پذیرفته اند و مخالف فرمان قرآن کریم رفتار کرده اند.

۱- سورة نساء، آیه ۶۰ ۲- اصول کافی، چاپ اسلامی، ج ۱، ص ۱۱۳ ۳- کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، باب ۴۵، ص ۴۸۳

بنابراین :

در دوره غیبت، بنابه فرمان امام زمان(عج) و به نیابت از ایشان، «فقیه» واجد شرایط، دو مسئولیت «مرجعیت دینی» و «رهبری و ولایت» را برعهده دارد و در حد توان، جامعه اسلامی را در مسیر اهداف الهی هدایت و رهبری می‌کند. فقیهان، با تفکر در آیات و روایات و با کمک گرفتن از موازین دقیق، احکام را به دست می‌آورند و در اختیار مردم قرار می‌دهند. مردم هم که خود در احکام دینی متخصص نیستند، به این متخصصان مراجعه می‌کنند و مطابق با راهنمایی آنان عمل می‌نمایند. به این مراجعه، پیروی یا «تقلید» می‌گویند. پس، تقلید در احکام، به معنای رجوع به متخصص است. چنین فقهی را نیز مرجع تقلید می‌نامند.

از میان فقیهان دارای شرایط، آن کس که توانایی لازم برای برپایی و اداره حکومت را دارد، رهبری جامعه را به دست می‌گیرد و به پیاده کردن قوانین الهی در جامعه اقدام می‌کند. فقهی که این مسئولیت را برعهده دارد، ولی فقیه نامیده می‌شود.

بدین ترتیب، در عصر غیبت :

- ۱- مرجعیت دینی در شکل مرجعیت فقیه ادامه می‌یابد.
- ۲- حکومت اسلامی در چهارچوب ولایت فقیه استمرار پیدا می‌کند.

شرایط مرجع تقلید و ولی فقیه

مرجع تقلید، علاوه بر تخصص در فقه، باید شرایط زیر را نیز دارا باشد :

- ۱- باتقوا باشد.
 - ۲- عادل باشد.
 - ۳- زمان شناس باشد و بتواند احکام دینی را متناسب با نیازهای روز به دست آورد.
- ولی فقیه که مسئولیت رهبری جامعه را برعهده دارد، علاوه بر سه شرط فوق، باید دو شرط دیگر را نیز داشته باشد :
- ۴- با تدبیر و با کفایت باشد و بتواند جامعه را در شرایط پیچیده جهانی رهبری کند و با درایت و بینش قوی، نقشه‌های دشمنان دین را خنثی سازد.
 - ۵- شجاعت و قدرت روحی داشته باشد و بدون ترس و وا همه، با دشمنان دین مبارزه کند.
- در اجرای احکام دین از کسی نترسد و با قدرت، در مقابل تهدیدها بایستد و پایداری کند. پس، آن فقهی که این پنج شرط را داشته باشد، حکومت و رهبری او مورد پذیرش دین

است. یعنی از نظر دین «مشروعیت» دارد که مردم را رهبری کند. در غیر این صورت، پیروی از دستورات وی حرام است.^۱

راه‌های شناخت مرجع تقلید

شناخت متخصص در احکام دین، مانند شناخت هر متخصص دیگر است. ما همان‌طور که برای یافتن بهترین پزشک یا معمار یا مهندس، تحقیق و جست‌وجو می‌کنیم، برای شناخت فقیه اعلم و داناتر نیز باید تحقیق نماییم و یکی از راه‌های زیر را پیش بگیریم:

۱- خود ما به اندازه‌ای از علم فقه اطلاع داشته باشیم که بتوانیم فقیه دارای شرایط را بشناسیم و تشخیص دهیم.

۲- از دو نفر عادل و مورد اعتماد که بتوانند فقیه واجد شرایط را تشخیص دهند، بپرسیم.

۳- یکی از فقیهان، در میان اهل علم آن‌چنان مشهور باشد که انسان مطمئن شود و بداند که این فقیه، واجد شرایط است.



۱- اگر مسلمانی که خود متخصص در احکام نیست، فقیه واجد شرایط را انتخاب نکند

و به وی مراجعه ننماید، اعمال دینی او چگونه خواهد بود؟

۲- آیا شما مرجع تقلید خود را تعیین کرده‌اید؟ از چه طریقی؟

چگونگی انتخاب ولی فقیه

از آن‌جا که ولی فقیه بیان‌کننده قوانین و مقررات اجتماعی اسلام است، انتخاب وی نمی‌تواند مانند انتخاب مرجع تقلید باشد. یعنی نمی‌شود که هر کس به‌طور جداگانه برای خود ولی فقیه انتخاب کند. زیرا اداره جامعه تنها با یک مجموعه قوانین و یک رهبری امکان‌پذیر است در غیر این صورت هرج و مرج و تفرقه و پراکندگی پیش می‌آید و این، یک امر روشن و بدیهی در تمام نظام‌های سیاسی دنیاست. پس، مردم در انتخاب ولی فقیه باید به‌صورت دسته‌جمعی اقدام کنند و فقیهی را که دارای شرایط رهبری

۱- صحیفه نور، مجموعه آثار امام خمینی، ج ۹، ص ۲۵۳

است، با آگاهی و شناخت بپذیرند، به وی اعتماد و اطمینان کنند و رهبری جامعه را به او بسپارند. مردم کشور ما در زمان انقلاب اسلامی به شیوه‌ای مستقیم و با حضور در اجتماعات و راه‌پیمایی‌های سراسری ولایت امام خمینی - رحمة الله علیه - را پذیرفتند و با ایشان پیمان یاری بستند. اکنون نیز بنا بر قانون اساسی، مردم ابتدا نمایندگان خبره خود را انتخاب می‌کنند و آن خبرگان نیز از میان فقها آن کس را که شایسته‌تر برای رهبری تشخیص دهند، به جامعه اعلام می‌کنند. بر این مبنا بود که پس از رحلت امام خمینی - رحمة الله علیه - حضرت آیت الله خامنه‌ای مسئولیت رهبری جامعه را عهده‌دار شدند.

بنابراین فقیهی می‌تواند رهبری جامعه اسلامی را بر عهده بگیرد و کشور را اداره کند و به پیش‌برد که هم شرایط تعیین شده در دین را دارا باشد (مشروعیت) و هم مورد پذیرش مردم باشد (مقبولیت). طبیعی است که چنین فقیهی تا وقتی رهبر جامعه است که شرایط پنج‌گانه ذکر شده برای ولی فقیه را دارا باشد. تشخیص این امر نیز بر عهده مجلس خبرگان است.



 اصل ۱۰۷ قانون اساسی را که مربوط به انتخاب رهبر است، مطالعه کنید و چگونگی انتخاب ولی فقیه را توضیح دهید.

.....

.....

.....

ولایت فقیه، زمینه‌ساز حکومت جهانی امام عصر علیه السلام

برقراری حکومت اسلامی در عصر غیبت، علاوه بر این که یک ضرورت اساسی در اجرای احکام اسلامی است، به مؤمنان و منتظران حضرت مهدی علیه السلام فرصت می‌دهد که آنچه را برای آمادگی ظهور لازم است، فراهم سازند.

مرجعیت و ولایت فقیه در عصر غیبت، همان چراغ هدایتی است که در یرتوان می‌توان راه را از بی‌راهه شناخت و در میان هزاران راهی که به بن‌بست می‌انجامد، راه درست را برگزید و آن را به

سلامت پیمود. همچنین، حکومت اسلامی قلعه و حصار محکمی است که منتظران در آن، به آماده‌سازی و تشکّل خود می‌پردازند. بنابراین:

تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت به معنای ارائه یک الگو از حاکمیت دینداران است که با الهام از تعالیم انبیاء، برای خوشبختی و سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها تلاش می‌کنند. در این حکومت، زمینه عبودیت، معنویت‌خواهی، برابری و عدالت، به همراه توسعه و سازندگی کشور و رفاه و آسایش عمومی به‌طور نسبی فراهم می‌آید دینداران و حق‌طلبان جهان امیدوار به تجدید حیات فضائل اخلاقی و کرامت‌های انسانی می‌شوند و جهانیان آماده ظهور موعود جهانی خواهند شد.

وجود حکومت اسلامی می‌تواند امکان مقابله با توطئه‌ها و تهاجم‌ها را فراهم آورد و برنامه‌های وسیعی را برای پایداری و استقامت مسلمانان در مقابل مستکبرین تدارک ببیند.

گرچه حمایت از محرومان و مستضعفان جهان، دشمنی ستمکاران را به دنبال دارد، اما سبب تقویت جبهه حق در دنیا می‌شود و ما را به حکومت عدل جهانی نزدیک‌تر می‌سازد.



چرا در برخی از موضوعات، نظرات فقیهان متفاوت می‌شود؟

فقه یک رشته تخصصی است که فقیه پس از طی مدارج علمی در علوم و موضوعاتی مانند ادبیات عرب، منطق، حدیث، تفسیر، علم اصول، علم رجال، درایة الحدیث و آشنایی با برخی رشته‌های دیگر مانند تاریخ اسلام و علم کلام وارد آن می‌شود و پس از سال‌ها تحصیل به این توانایی دست می‌یابد که بتواند با مراجعه به قرآن و سنت و سیره معصومین و با به‌کارگرفتن قواعد و اصول خاص، مسائل فقهی را پاسخ دهد. از آن‌جا که فقیهان، معصوم نیستند، ممکن است اشتباه کنند و میان یک فقیه با فقیه دیگر درباره یک مسأله اختلاف نظر پیش آید. این اختلاف نظر، شبیه به اختلاف نظر میان پزشکان است که ممکن است یک پزشک با معاینه بیمار و بر مبنای مطالعات علمی خود به تشخیصی برسد و پزشک دوم به تشخیصی دیگر. البته به میزانی که مسأله، پیچیده‌تر و دقیق‌تر می‌شود، احتمال اختلاف نظر افزایش می‌یابد. به همین جهت است که مردم باید تلاش کنند آن فقیهی را که از دیگران داناتر است، شناسایی کرده و از او پیروی نمایند تا احتمال خطا کاهش یابد.



- ۱- پیام‌های اصلی این درس کدام‌اند؟
- ۲- مقصود از «تقلید» در احکام دینی چیست؟
- ۳- تقلید برای چه کسانی لازم است و شامل چه زمینه‌هایی می‌شود؟
- ۴- چرا باید مرجع «عادل» و «زمان‌شناس» باشد؟
- ۵- انتخاب ولی فقیه در کشور ما چگونه انجام می‌گیرد و مردم از چه طریقی در انتخاب ایشان دخالت دارند؟
- ۶- چگونه ولایت فقیه می‌تواند زمینه‌ساز حکومت حضرت مهدی (عج) باشد؟



به اولین بخش کتاب «توضیح المسائل» مراجعه کنید. احکام مربوط به تقلید را مطالعه کنید و سه مورد را که مهم تشخیص می‌دهید، انتخاب کنید و در کلاس بگویید.



درس ۱۲

ویژگی های حکومت اسلامی

خواندیم که ولایت و رهبری جامعه در عصر غیبت، به نیابت از امام عصر علیه السلام بر عهده فقیه واجد شرایط است. اکنون می خواهیم به مسائل مربوط به حکومت اسلامی و ویژگی های آن پردازیم.

وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ
فَاتَّبِعُونِي
وَاطِيعُوا أَمْرِي

طه، ۹۰



به کمک توضیحات زیر، ترجمه آیات را تکمیل کنید.

حِكْمَةٌ : علم محکم و براساس استدلال

عَزَمْتُ : تصمیم گرفتی

شاورٌ : مشورت کن

أَدْعُ : دعوت کن

جَادِلُهُمْ : با آنان به بحث و مجادله بپرداز

أَحْسَنُ : بهترین، پسندیده ترین

تَوَكَّلْ : توکل کن

۱- رابطه رهبر با مردم

ولایت و رهبری در جامعه اسلامی، به جانشینی و نیابت از رسول خدا ﷺ و امامان علیهم السلام انجام می شود و رهبر با پیروی از آن بزرگواران، قوانین اسلامی را در جامعه به اجرا درمی آورد و پیاده می کند. از این رو، ولی فقیه به عنوان رهبر جامعه اسلامی، از راهنمایی قرآن کریم بهره می برد و رسول خدا و اهل بیت ایشان علیهم السلام را اسوه و سرمشق قرار می دهد و می کوشد که به شیوه آنان عمل نماید. پس لازم است برای شناخت رفتار و رابطه رهبر با مردم ابتدا به سراغ قرآن کریم برویم و از آیات ابتدای درس برخی از این رفتارها را استخراج کنیم:

۱- رهبر نسبت به مردم جامعه خود دلسوز و مهربان است. از کوتاهی های مردم می گذرد و برای

آنان از خداوند آموزش می خواهد. سوره...../آیه.....

۲- با مردم جامعه خود مشورت می کند و تصمیم گیری های خود را پس از مشورت انجام می دهد. با توجه به توسعه جوامع، لازمه مشورت، وجود گروه ها و نهادهای مشورتی است که امروزه در جمهوری اسلامی ایران به شکل های گوناگونی مانند..... وجود دارد. سوره...../آیه.....

۳- ولی فقیه در تصمیم گیری قاطع و استوار است و با توکل بر خداوند برنامه ها را به پیش می برد و مانع خلل و سستی در نظام اسلامی می شود. سوره...../آیه.....

۴- با روش های درست و منطقی به روشنگری مردم می پردازد و تلاش می کند که آنان به روشن بینی و بصیرت لازم برسند و راه حق را از باطل تشخیص دهند و در دام دشمنان خدا و مردم نیفتند. سوره...../آیه.....

همچنین با مطالعه و تحقیق در سیره پیامبر گرامی و امامان بزرگوار علیهم السلام، به ویژگی های دیگری برای رهبری می رسیم که در ادامه ویژگی های قبل می آوریم:

۵- رهبر جامعه اسلامی نسبت به سرنوشت جامعه و اصول اسلامی استوار و قاطع است و اجازه نمی دهد قوانین اسلامی مورد بی توجهی قرار گیرد.^۱

۶- رهبر جامعه اسلامی نگاه برابر و مطابق قانون به آحاد جامعه دارد و با مردم مناطق مختلف کشور و اقوام گوناگون به مساوات رفتار می کند.^۲

۷- تربیت و هدایت مردم به دین خدا و سعادت حقیقی را مهم ترین حق مردم می داند و تلاش می کند که این مسئولیت را به خوبی انجام دهد.^۳

۸- رهبر، در برابر مردم و به خصوص مستمندان و مستضعفان، متواضع و فروتن و در برابر ستمکاران و مستکبران، با عزت، نفوذناپذیر و مقتدر عمل می کند.^۴

۱- سیره نبوی، استاد شهید مطهری، ص ۲۳۶

۲- همان، ص

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۸ و ۳۴ و نامه ۶۷

۴- سیره نبوی، استاد شهید مطهری، ص ۹۶ تا ۱۰۱



وقتی که امیرالمؤمنین علی (ع) مالک اشتر را به فرمانداری مصر منصوب کرد، نامه‌ای به وی نوشت و در آن نامه سیمایی از یک حاکم اسلامی را ترسیم کرد و مسئولیت‌های او را بیان فرمود. این نامه به «عهدنامه مالک اشتر» مشهور است. قسمت‌هایی از این نامه را در اینجا می‌خوانید. امام، در هر فرمانی که به مالک می‌دهد، علت آن را هم بیان می‌کند. این قسمت‌ها را مطالعه نمایید و هر فرمان را از علت آن تفکیک کنید تا بدانید که چرا امام آن دستور را به مالک داده است.

۱- دل خویش را نسبت به مردم تحت حکومت مهربان قرار بده و با همه دوست و مهربان باش؛ چرا که مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو و دسته‌ای دیگر در آفرینش همانند تواند.

۲- اگر با مقام و قدرتی که داری دچار تکبر یا خود بزرگ‌بینی شدی به بزرگی حکومت خداوند که برتر از توست، بنگر. این کار تو را از آن سرکشی نجات می‌دهد، تندروری تو را فرو می‌نشاند و عقلت را به جایگاه اصلی بازمی‌گرداند.

۳- دوست‌داشتنی‌ترین چیزها نزد تو، آن چیزی باشد که در حق میانه‌ترین، در عدل شامل‌ترین و در جلب خشنودی مردم فراگیرترین است؛ زیرا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص و نزدیکان را از بین می‌برد و رضایت عمومی؛ خشم خواص را بی‌اثر می‌کند.

۴- کسانی را که اهل عیب‌جویی از دیگران‌اند، از خود دور کن؛ زیرا مردم عیب‌هایی دارند که مدیر و رهبر جامعه باید بیش‌تر از همه در پنهان کردن آن‌ها بکوشد.

۵- در قبول و تصدیق سخن چین شتاب مکن؛ زیرا سخن‌چین در لباس نصیحت ظاهر می‌شود، اما خیانتکار است.

۶- با ترسو مشورت نکن که در انجام‌دادن کارها روحیه تو را سست می‌کند.

۷- هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشد؛ زیرا در این صورت، نیکوکاران

به کار خیر بی‌رغبت و بدکاران به کار بد تشویق می‌شوند.

۸- خدا را خدا را! در خصوص طبقات محروم ... برای خدا پاسدار حقی باش که خدا برای آنان معین فرموده است ... مبدا دل مشغولی‌های حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد که هرگز کارهای فراوان و مهم، عذری برای ترک مسئولیت‌های دیگر نخواهد بود ... برای این گروه، عده‌ای از افراد مورد اطمینان و خدا ترس و متواضع را انتخاب کن تا درباره‌ی وضع آن‌ها تحقیق کنند و به تو گزارش دهند. سپس، برای رفع مشکلات آن‌ها به گونه‌ای عمل کن که در پیشگاه خدا معذور باشی؛ زیرا این گروه بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند.

۲- وظیفه‌ی مردم نسبت به رهبر و حکومت اسلامی

همان‌طور که رهبر جامعه نسبت به مردم مسئولیت‌هایی دارد، مردم نیز در برابر رهبری وظایفی دارند که باید به انجام آن‌ها قیام کنند. برای شناخت آن‌ها، بار دیگر به سراغ آیات قرآن کریم می‌رویم تا برخی از این وظایف را به دست آوریم:

۱- مردم مسئولیت دارند از رهبر جامعه تبعیت کنند و پایبند قوانین و مقررات حکومت اسلامی باشند.

سوره...../آیه.....

۲- برای اجرای قوانین اسلام، پیشرفت جامعه و ناکام گذاشتن دشمنان خدا و مردم، از خود استقامت و پایداری نشان دهند. زیرا با تشکیل حکومت اسلامی، منافع ظالمان و مستکبران به خطر می‌افتد و آنان با تمام امکانات و ابزارهایی که دارند، می‌کوشند که مردم را دچار سختی و مشکلات کنند تا بالاخره دست از حق‌طلبی خود بردارند.

سوره...../آیه.....

۳- وحدت و همبستگی اجتماعی خود را بر محور رهبری جامعه حفظ کنند تا قدرت‌های ستمگر نتوانند در کشور اسلامی نفوذ کنند و عزت و استقلال جامعه را به خطر اندازند.^۱

۴- خود را برای مقابله با ظالمان و مستکبران آماده کنند به طوری که آنان فکر تهاجم به سرزمین اسلامی را در سر نپروراندند.^۲

همچنین برخی دیگر از وظایف مردم را که از سخنان پیشوایان دین به دست آمده، ذکر می‌کنیم:

۵- آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی خود را افزایش دهند تا بتوانند در شرایط پیچیده‌ای که

۲- انفال، ۶۰

۱- آل عمران، ۱۰۳ و انفال، ۴۶

قدرت‌های ظالم در دنیا ایجاد می‌کنند، تصمیمات صحیح بگیرند و درست عمل کنند.

۶- خیرخواه و نصیحت‌گر و یاری‌دهنده رهبر باشند.

۷- وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را با روش‌های درست و تأثیرگذار انجام دهند و مانع

گسترش بدی‌ها و زشتی‌ها و کم‌رنگ شدن خوبی‌ها و نیکی‌ها گردند.^۱

۸- در جهت آبادانی کشور بکوشند.

۹- در حفظ اموال عمومی تلاش کنند.

۱۰- منافع کل جامعه و نظام اسلامی را بر منافع فردی خود ترجیح دهند.^۲

به علت اهمیت مسئولیت‌های رهبر نسبت به جامعه و جامعه نسبت به رهبر، امیرالمؤمنین علیه السلام

می‌فرماید:

«... و بزرگ‌ترین حقی که خدا واجب کرده است، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است،

حقوقی که خداوند بر هریک از این دو نسبت به هم واجب کرده و آن را سبب دوستی و الفت آنان و

ارجمندی دینشان قرار داده است، مردم جز به صلاح حاکمان، اصلاح نپذیرند و حاکمان جز به پایداری

مردم، نیکو نگردند، پس هنگامی که مردم، وظیفه خود را نسبت به حاکم انجام دادند و حاکم نیز حق

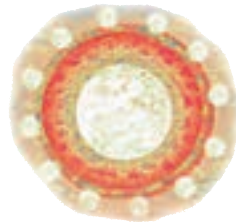
آنان را ادا کرد، حق در میان جامعه ارزشمند می‌شود.»



۱- با گفت‌وگو و هم‌اندیشی، نمونه‌هایی از مسئولیت مردم نسبت به حکومت

اسلامی را بیان کنید.

۲- به نظر شما این مسئولیت‌ها تا چه میزان مورد توجه مردم جامعه است؟



۱- درباره وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، در کتاب دین و زندگی (۲) بحث شده است.

۲- بندهای ۵ تا ۱۰ از نامه امام علی (ع) به مالک اشتر و خطبه‌های ۳۴ و ۲۰۷ نهج البلاغه استخراج شده است.

۳- نظام اسلامی و مردم‌سالاری

نظام جمهوری یا مردم‌سالار، حکومتی است که براساس نظر و رأی اکثریت مردم پدید آمده است. یعنی اکثریت مردم، نوع حکومت خود را تعیین کرده‌اند، نه فرد یا گروهی خاص. در این نوع حکومت، مردم همواره در تعیین سرنوشت خود دخالت دارند و از راه‌های تعیین شده در قانون آن را دنبال می‌کنند.

این ویژگی در نظام اسلامی کاملاً وجود دارد و لفظ «جمهوری» در کنار «اسلامی» بیانگر آن است. مردم ایران با قیام و انقلاب خود، جمهوری اسلامی را برپا کردند و به قانون اساسی که شکل حکومت و خطوط کلی آن را تعیین می‌کند، رأی دادند و با شرکت دائم در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری و شوراهای شهر و روستا، هم در امور کشور دخالت می‌کنند و هم پایبندی خود را به اصل نظام اسلامی و قانون اساسی نشان می‌دهند.

البته این تفاوت اساسی میان نظام‌های جمهوری دمکراتیک رایج در جهان و جمهوری اسلامی هست که اولاً حکومت اسلامی بر مبنای قوانین اسلامی تشکیل می‌شود و قانون‌گذاران نمی‌توانند برخلاف دستورات الهی قانون تنظیم کنند. و به همین جهت این نظام، «مردم‌سالاری دینی» نامیده شده است. ثانیاً دمکراسی رایج در جهان، هدف خود را صرفاً تأمین خواسته‌های دنیوی مردم قرار داده است و نسبت به ارزش‌های الهی بی‌اعتناست. اما هدف اصلی از نظام اسلامی سعادت اخروی و برقراری عدالت اجتماعی است و آسایش و رفاه مردم را در این چهارچوب برقرار می‌کند. زیرا تا انسان‌ها در آن دو جهت حرکت نکنند، آسایش و رفاه عمومی را به دست نخواهند آورد؛ بلکه فقط گروه‌های خاصی به ثروت‌های عظیم خواهند رسید و اکثریت مردم محروم خواهند ماند. و همین وضعیت اکنون در جهان وجود دارد.^۱

۱- متأسفانه اکثر حکومت‌هایی که امروزه به نام حکومت‌های دمکراتیک شهرت دارند، حکومت اقلیت ثروتمندان و سرمایه‌داران بر اکثریت مردم است؛ برای مثال، دو حزب جمهوری خواه و دمکرات در آمریکا در اختیار دو بخش از ثروتمندترین سرمایه‌داران آمریکایی است که عظیم‌ترین رسانه‌های تبلیغاتی را در اختیار دارند. همین حکومت، مستبدترین کشورهای پادشاهی را که کمتر انتخابات عمومی برگزار می‌کنند، حمایت می‌کند؛ اما با کشور ما که در این سی سال به‌طور متوسط یک انتخابات برگزار کرده و میزان مشارکت مردم از کشور آمریکا هم بیش‌تر بوده، دشمنی می‌ورزد. برای کسب اطلاعات بیشتر در این مورد به کتاب «نظم‌های کهنه و نوین جهانی» اثر نوام چاسکی از انتشارات اطلاعات مراجعه کنید.



مردم سالاری دینی از اصطلاحاتی است که در سال‌های اخیر، رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، برای تبیین حکومت اسلامی مورد استفاده قرار داده و در مناسبت‌های مختلف، به توضیح درباره آن پرداخته‌اند؛ به قسمت‌هایی از این توضیحات توجه کنید :

... این مردم سالاری به ریشه‌های دموکراسی غربی مطلقاً ارتباط ندارد؛ این یک چیز دیگر است. اولاً مردم سالاری دینی دو چیز نیست؛ این طور نیست که ما دموکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاق کنیم تا بتوانیم یک مجموعه کامل داشته باشیم؛ نه؛ خود این مردم سالاری هم متعلق به دین است... مردم سالاری عبارت است از این که تشکیل نظام به وسیله اراده و رأی مردم صورت بگیرد؛ یعنی، مردم نظام را انتخاب می‌کنند، دولت را انتخاب می‌کنند، نمایندگان را انتخاب می‌کنند، مسئولان اصلی را به واسطه یا بی‌واسطه انتخاب می‌کنند. این، همان چیزی است که غرب ادعای آن را می‌کند و این فقط ادعاست.^۱



۱- تفاوت‌های اصلی جمهوری اسلامی با سایر حکومت‌های جمهوری را

برشمرید.

۲- کلمه «جمهوری» و «کلمه اسلامی» بیانگر چه ویژگی‌هایی از حکومت کشور

ماست؟

۳- بنابر عهدنامه امیرالمؤمنین، چرا حاکم اسلامی باید نسبت به همه افراد جامعه

اسلامی، چه مسلمان و چه غیر مسلمان مهربان باشد؟

۴- بنابر عهدنامه امیرالمؤمنین، چرا حاکم اسلامی باید عیب‌جویان را از اطراف

خود دور کند؟

۱- در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۲/۹/۱۳۷۹

گام پنجم

..... و

برای این که زندگی فردی و اجتماعی ما مطابق با قوانین الهی و دستورهای

او باشد. دو اقدام زیر را در برنامه‌ی خود جای می‌دهیم:

۱- مرجعی را که واجد شرایطی دانیم، انتخاب می‌کنیم تا احکام دینی

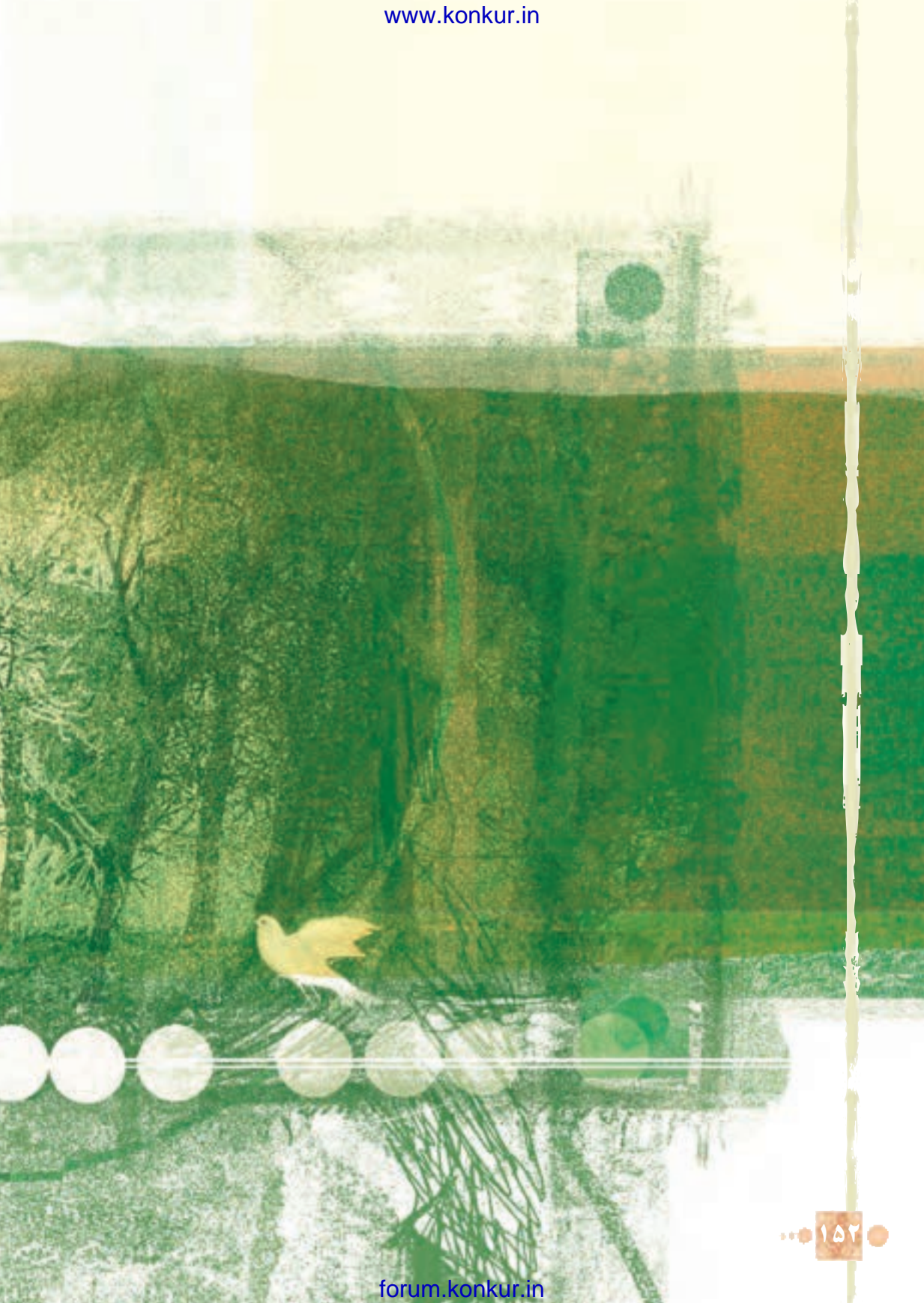
خود را مطابق نظری که متخصص این موضوع است، انجام دهیم.

۲- مسئولیت خود را به عنوان عضوی از نظام اسلامی می‌پذیریم و در

انتخاب مسئولان و کترش مردم سالاری دینی، از حق خود استفاده می‌کنیم.

کاری را که عمده دار شده ایم، به دست می‌انجام می‌دهیم و دیگران را نیز به

انجام دادن مسئولیت ایشان تشویق می‌کنیم.



مرحله دوم

پایداری در عزم



در سال اول، در مرحله عزم، دانستیم که محتوای هر عزمی عهد و پیمان با خداست و سه مرحله دارد:

۱- عهدی برای قدم در راه زندگی (عهد کلی با خداوند)

۲- تجدید آن عهد

۳- تکمیل عهد

کسی که خداوند را به عنوان محبوب زندگی برمی‌گزیند، عهد می‌کند در مسیری قدم بردارد که به محبوب و مقصود خود نزدیک شود و این همان عهد کلی است. چنین انسانی براساس این عهد تصمیم می‌گیرد و برنامه‌های خود را عملی می‌کند. در این سال، همچنین آشنا شدیم که چگونه تصمیم خود را تقویت کنیم تا در آن، پایدار و ثابت قدم بمانیم.

در سال دوم، پس از یادآوری معاد و آینده‌ی خظیر انسان در سرای دیگر، آن عهد کلی را تجدید کردیم و بر تصمیم خود پایداری ورزیدیم. همچنین با توکل بر خدا به عنوان عاملی برای پایداری بر عزم آشنا شدیم.



درس ۱۳

عزت نفس

اکنون که خداوند با فرستادن پیامبران و راهنمایی پیشوایان، ما را به پیروی از دین خود دعوت کرده و رسیدن به سعادت را در گرو پیمودن این راه قرار داده است، بار دیگر عهد و پیمان خود با خدا را به خاطر می‌آوریم و با اعلام سپاس به پیشگاه او، پیمان گذشته را تجدید می‌کنیم و با تصمیمی محکم‌تر به راه ادامه می‌دهیم.

اکنون جای طرح این سؤال است: تأثیر عزت نفس بر عهد و عزم و تصمیم چگونه است؟ آیا با تقویت عزت نفس می‌توانیم عزم خود را برای دوری از گناه محکم‌تر کنیم؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ
وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ
وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ
وَفَضَّلْنَاهُمْ
عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا

اسراء، ۷۰

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا
الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ
وَلَا يَرَهُمْ فِيهَا
أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ
هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

یونس، ۲۶

وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ
جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا
وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ...

یونس، ۲۷

وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ

.....

وَلِرَسُولِهِ، وَلِلْمُؤْمِنِينَ

.....

وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ

.....

منافقون، ۸

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ

.....

فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا

.....

فاطر، ۱۰



به کمک معنای این کلمات ترجمه آیات را تکمیل کنید.

كَسَبُوا : مرتکب شدند سَيِّئَات : بدیها تَرَهَّقُفُهُمْ : می پوشاند آنها را

عزّت نفس

عزّت به معنی شکست ناپذیری است. انسان عزیز کسی است که در مقابل دیگران تسلیم نمی شود و شکست نمی خورد. بنابراین، وقتی می گوئیم فلان شخص دارای عزّت نفس است، منظورمان این است که او نفسی شکست ناپذیر دارد و تسلیم نمی شود.

در مقابل عزّت، «ذلت» قرار دارد که به معنی شکست پذیری و تسلیم شدن است. شخص ذلیل کسی است که خود را تسلیم دیگری می کند.

در اینجا سؤال‌هایی مطرح است که باید به آن‌ها پاسخ دهیم تا بهتر به حقیقت «عزت نفس» پی ببریم و آن را با برخی خصلت‌ها که گاهی هم منفی هستند، اشتباه نگیریم.

در مقابل چه چیزهایی باید عزت نفس داشته باشیم؟

آیا جایی هست که ذلت بهتر از عزت باشد؟

به کمک آیاتی که در ابتدای درس آمده و با مطالعه سخنان و سیره پیشوایان دین به سؤال‌های فوق پاسخ می‌دهیم.

..... /

خداوند به انسان کرامت و بزرگی بخشیده

..... /

و بر بسیاری از مخلوقات برتری داده

و خطاب به وی فرموده :

«ای فرزند آدم، این موجودات و مخلوقات را برای تو آفریدم و تو را برای خودم»^۱

یعنی خداوند مخلوقات دیگر را آفرید تا بشر از آن‌ها بهره بگیرد و انسان را آفرید تا به جایگاه قرب الهی نایل شود^۲ و به دیدار او برسد و در بهشتی که خدا برایش آماده کرده، میهمان ابدی او گردد^۳ و آنچه از زیبایی و خوبی و لذت که می‌شناسد و تمنا می‌کند یا نمی‌شناسد و خدا می‌داند، از دست با کرامت الهی بگیرد.^۴

آیا می‌توان بهایی از این باارزش‌تر و گرانقدرتر برای انسان یافت؟

راستی، چگونه می‌توان این کرامت را حفظ کرد و به چنان جایگاهی رسید؟

قرآن کریم، یکی از راه‌های اصلی رسیدن به چنین هدفی را کسب «عزت نفس» می‌داند.

انکون این سؤال مطرح است که انسان باید در برابر چه چیزی و چه کسی عزیز و شکست‌ناپذیر

باشد؟ در پاسخ می‌گوییم که عزت و شکست‌ناپذیری در دو مورد ضروری است :

۱- در برابر خواسته‌های نامشروع درونی که سبب روی آوردن ما به گناه می‌شوند.

۲- در برابر دشمنان ظالم و ستمگر بیرونی که می‌خواهند در مقابل ظلم آنان تسلیم باشیم و ذلت

را بپذیریم.

قرآن کریم به ما می‌آموزد که هر کس در برابر تمایلات نامشروع بایستد و به نیکی‌ها روی آورد و

۱- بَابُ آدَمَ خَلَقْتُ الْأَنْبِيَاءَ لِأَجْلِكَ وَ خَلَقْتُكَ لِأَجْلِي (الجواهر السنّية في الاحاديث القدسية، شيخ حر عاملی، ص ۳۶۱)

۲- فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ (قمر، ۵۵)

۳- يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ... (فجر، ۲۷ تا ۳۰)

۴- زخرف، ۷۱

از گناه دوری کند، گرد ذلت بر چهره او نمی‌نشیند، یعنی عزیز می‌شود، عزیز در برابر گناه. و هرکس از این قبیل تمایلات دنباله‌روی کند به گناه و زشتی روی آورد، خواری و ذلت چهره او را می‌پوشاند، ذلت در برابر گناه.

انسانی که نفس خود را عزیز و شکست‌ناپذیر کرده، توانایی کنترل هوس‌ها و تمایلات نابجای خود را دارد و در مقابل تحریک و تشویق دیگران به گناه، ایستادگی می‌کند و به آن‌ها پاسخ «نه» می‌دهد. برخی از افراد در توجیه خطا و گناه خود عوامل تحریک‌کننده بیرونی را مقصر جلوه می‌دهند و خطای خود را بر دوش آن عوامل می‌گذارند. اما این‌گونه افراد باید توجه کنند که عوامل بیرونی فقط زمینه‌ساز هستند، نه بیشتر. آن کس که تصمیم می‌گیرد و مرتکب گناه می‌شود و کرامت خدادادی خود را لکه‌دار می‌کند، خود انسان است. چه بسیار انسان‌هایی که همان زمینه‌ها را می‌بینند اما با قدرت روحی و اراده قوی در مقابل گناه می‌ایستند و آن را شکست می‌دهند.



برخی از عوامل بیرونی را که زمینه‌ساز گناه هستند، مثال بزنید و راه‌های حفظ خود در برابر آن‌ها را نشان دهید.

.....
.....

عزت نفس و بندگی خداوند

چگونه می‌توانیم ایستادگی و عزت در برابر هوس و گناه را در خود تقویت کنیم؟

قرآن کریم راه آن را به ما نشان داده است؛ با روی آوردن به خدا. /

خداوند که خالق تمام جهانیان است، حقیقت شکست‌ناپذیری است که همه مخلوقات تسلیم اویند. ^۱ سرچشمه تمام عزت‌ها خداست و هرکس که دنبال عزت است، باید خود را به این سرچشمه پیوند دهد.

به همین جهت است که قرآن کریم ابتدا عزت را برای خدا دانسته، سپس برای رسول خدا ﷺ که

۱- در قرآن کریم بیش از ۹۵ بار صفت «عزت» و اسم «عزیز» برای خداوند به کار رفته است.

بندهٔ خالص اوست و پس از آن برای مؤمنین که با پیروی از رسول خدا ﷺ، بندگی خدا را پذیرفته‌اند و تسلیم او شده‌اند. /

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در وصف انسان‌هایی که عزت خود را در بندگی خدا یافته و بر گناه و هوس پیروز شده‌اند، می‌فرماید:

عَظَمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ
خدا در نفس آنان بزرگ است

فَصَغَّرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ
پس غیر خدا در چشم آنان کوچک^۱

همچنین برای تسلیم نشدن در برابر ظالمان و حفظ عزت نفس خود در مقابل آنان می‌فرماید:

لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ
بندهٔ دیگری (مثل خودت) نباش

وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا
چرا که خدا تو را آزاده آفریده است.^۲



آیا تاکنون خود را بر دو راهی عزت و گناه یافته‌اید؟ تصمیم‌هایی را که به یادتان می‌آید، مرور کنید و از خود حساب بکشید. با خود یکرنگ باشید و از آسان‌گیری بپرهیزید.

پیشوایان ما چون بندهٔ حقیقی خدا بودند، در سخت‌ترین شرایط زندگی، عزت‌مندانه زیستند و هرگز تن به خواری ندادند.

پیامبر اکرم، هنگامی که در محاصرهٔ طاقت‌فرسای مشرکان مکه بود و جز ابوطالب رضی الله عنه و یاران اندک، پشتوانهٔ ظاهری دیگری نداشت، به بزرگان مکه که وعدهٔ ثروت و قدرت به او می‌دادند، فرمود: اگر خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم بگذارید، از راه حق دست برنمی‌دارم.^۳

۱- نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۹۳

۲- همان، نامهٔ ۳۱ (وصیت‌نامهٔ آن حضرت به فرزند گرامی‌اش امام حسن رضی الله عنه)

۳- سیرهٔ ابن هشام، ج ۱، ص ۲۶۵

امام حسین علیه السلام، آن‌گاه که یزیدیان از او می‌خواستند تسلیم شود تا جانش محفوظ بماند، می‌فرمود: «مرگ با عزّت از زندگی با ذلّت برتر است»^۱

و می‌فرمود: «به خدا سوگند من دست ذلّت به شما نمی‌دهم و همچون بردگان فرار نمی‌کنم»^۲
حضرت زینت علیها السلام، پس از تحمّل انبوه مصائب و سختی‌ها، که هر کدام از آن‌ها روح یک انسان معمولی را می‌شکند، در پاسخ به جمله عبیدالله بن زیاد، حاکم کوفه، که می‌خواست سیدالشهداء و ایشان را تحقیر کند، فرمود:

«در این واقعه‌ای که برای ما پیش آمد، جز زیبایی از خدا ندیدم»^۳

کسی که بنده حقیقی خدا شد، عزیز می‌شود و تن به ذلّت و خواری در برابر گناه و گناهکاران نمی‌دهد و تسلیم آنان نمی‌شود. او خود را همواره در پیشگاه خدا می‌بیند و می‌داند که اگرچه او خدا را نمی‌بیند اما خدا او را می‌نگرد.

حضرت یوسف علیه السلام در خلوت‌ترین مکانی که زلیخا ترتیب داده بود، در برابر هوس سرکش او ایستاد، در حالی که برده و غلام زلیخا محسوب می‌شد و می‌توانست بگوید من باید از او اطاعت کنم. اما هنگامی که زلیخا خواست نامشروع خود را با اصرار و تهدید مطرح کرد، یوسف، با این که در اوج جوانی و زیبایی بود، خدا را به یاد آورد و گفت: خدایا به تو پناه می‌برم! و از دست زلیخا به سوی درهای بسته فرار کرد.

آری، گرچه حضرت یوسف علیه السلام به زندان افتاد، اما عزّت حقیقی را به دست آورد و بعدها به عزّت ظاهری هم رسید و عزیز سرزمین مصر شد.



جوانی خدمت امام حسین علیه السلام رسید و گفت: من فردی گناهکارم و نمی‌توانم خود را از انجام گناهان بازدارم؛ مرا نصیحتی فرما. امام حسین علیه السلام به او فرمود: پنج کار انجام بده آنگاه هر چه می‌خواهی گناه کن!

۳- لهوف، سیدابن طاووس، ص ۲۰۸

۲- ارشاد شیخ مفید، ص ۲۳۵

۱- لهوف سیدابن طاووس، ص ۱۵۷

- ۱- روزی خدا را مخور و آنگاه هرچه می خواهی گناه کن!
- ۲- از حکومت خدا بیرون رو و آنگاه هرچه می خواهی گناه کن!
- ۳- جایی را انتخاب کن تا خدا تو را نبیند و آنگاه هرچه می خواهی گناه کن!
- ۴- وقتی عزرائیل برای گرفتن جانت آمد، او را از خود بران و آنگاه هرچه می خواهی گناه کن!
- ۵- زمانی که مالک دوزخ تو را به سوی آتش می برد، در آتش وارد نشو و آنگاه هرچه می خواهی گناه کن!

خودِ عالی و خودِ دانی^۲

ممکن است بپرسید ریشهٔ عزّت و ذلّت در وجود انسان چیست؟

این یک سؤال مناسب و راه گشاست. زیرا شناخت ریشه ها سبب می شود که انسان بهتر بتواند به سوی عزّت حرکت کند و از ذلّت دوری نماید. لذا در ریشه یابی این موضوع می گوئیم: انسان دارای دو دسته از تمایلات است:

۱- تمایلات عالی که مربوط به بُعد روحی و معنوی اوست؛ مانند تمایل به دانایی، احسان، شجاعت، ایثار، حُسن خلق، عدالت، عفاف، حیا و گذشت.

۲- تمایلات دانی که مربوط به بُعد حیوانی و دنیایی اوست؛ مانند تمایل به ثروت، شهوت، غذاهای لذیذ و متنوع، زیور و زینت و رفاه.

تمایلات عالی مربوط به خودِ عالی انسان که همان بعد روحی و معنوی اوست، می باشد و تمایلات دانی مربوط است به خودِ دانی که همان بُعد حیوانی و دنیایی می باشد. انسان باید به گونه ای زندگی خود را تنظیم کند که توجه به تمایلات دانی مانع رشد و شکوفایی تمایلات عالی نگردد. در حقیقت تمایلات دانی، تمایلات بدی نیستند، بلکه برای زندگی در دنیا لازم هستند، اما نباید از حدّ تجاوز کنند و مانع رشد تمایلات عالی شوند. حدّ و مرز این نیاز را خدا می داند و خداوند چگونگی بهره مندی از شهوت، ثروت و سایر امور دنیایی را مشخص کرده تا انسان بتواند تمایلات عالی را در خود رشد دهد و به کمال رساند.

۲- دانی: پست، پایین

۱- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۶

عقل و وجدان، انسان را به تمایلات عالی فرامی‌خواند، چون به دنبال خوشبختی همیشگی اوست. اما هوی و هوس (نفس اماره) از انسان می‌خواهد که فقط به غرایز و تمایلات دانی مشغول باشد و توجهی به تمایلات عالی نداشته باشد.

انسان عزیز همواره به ندای عقل و وجدان و نفس لوامه گوش فرامی‌دهد و تسلیم نفس اماره نمی‌شود. اما انسان ذلیل، در درون شکست می‌خورد و تسلیم نفس اماره می‌شود. بنابراین، انسان گناهکار پیش از آن که در مقابل عوامل بیرونی تسلیم شود، ابتدا در خود می‌شکند و حقارت را پذیرا می‌شود. کسی که در مقابل دیگران تن به ذلت می‌دهد، ابتدا در مقابل تمایلات پست درون خود شکست خورده و ذلیل شده است. او عزت خود را از دست داده و به دنائت و پستی دچار شده است. تحقیقات نیز نشان می‌دهد اکثر گناهکاران و مجرمان افرادی هستند که عزت نفس خود را از دست داده و تحقیر شده‌اند. بنابراین یکی از راه‌های مبارزه با کژی‌ها و زشتی‌ها در جامعه افزایش عزت نفس انسان‌ها و حفظ کرامت آن‌هاست.

نتیجه‌گیری

با توجه به آیات و احادیث درس و نکاتی که در پیرامون آن‌ها مطرح شد،

نمودار زیر را تکمیل کنید.

تسلیم و بندگی خداوند ←

احساس حضور در پیشگاه خداوند ← و

غفلت از خداوند ← و

عزت نفس ← حفظ پیمان با خدا و

ذلت نفس ← و سستی در عزم و تصمیم

فقیری که دارای عزت نفس باشد نمی‌کند. گدا، ابتدا و

سپس گدایی می‌کند. جوانی که عزت نفس دارد، در برابر نمی‌شکند.

انسان عزیز در برابر شکست‌ناپذیر و در برابر مردم

است.



- ۱- میان عزّت نفس و گناه چه رابطه‌ای وجود دارد؟ چرا؟
- ۲- آیا می‌توان مسئولیت انجام گناه را از دوش خود برداشت و به عوامل بیرونی منتقل کرد؟
- ۳- با توجه به این که آیه ۱۰ سورة فاطر خداوند را صاحب عزّت معرفی می‌کند، راه بهره‌مندی از عزّت الهی چیست؟
- ۴- آیا انسانی که دارای عزّت نفس است به پیمان‌شکنی دست می‌زند؟



یکی از سخنان معصومین علیهم‌السلام را که در این درس آمده و تأثیر بیش‌تری بر شما داشته است، انتخاب کنید و با خط زیبا بنویسید. آن‌گاه پس از تزئین، آن را در یک قاب جای دهید.

گام هشتم

تقویت عزت نفس

خدایا! توبه ماکرامت بخشیدی و بر سایر مخلوقات برتری دادی.

این جایگاه رفیع به خاطر آن کوهری است که در وجود ما قرار

دادی بهمان روحی که در ما میدی، «روح خودت» را.

خدایا تلاش می‌کنم بهواره این کوهر وجودم را عزیز بدارم.

به آسانی ما فرمانی تو را در پیش نمی‌گیرم و ذلیلانه در برابر کنه‌ها و

کنایه‌کاران زانو نمی‌زنم.

خداوند! ایاریم کن تا باندگی تو که سزاوار عبادت هستی از بندگی

هر چه غیر تو هست دوری‌کنم و در برابر آنان که مرا به پستی ما فرامی‌خوانند

بایستم و «نه» بگویم تا بر عهدی که با تو بسته‌ام وفادار بمانم.

مرحله سوم در مسير



یادآوری

در سال‌های اول و دوم، در مرحله «قدم در راه» و «در مسیر»، دانستیم که انسان براساس تصمیم خود، برنامه‌ریزی می‌کند و آن را به اجرا درمی‌آورد تا به هدف برسد. برنامه‌های پیشنهادی دو سال گذشته عبارت بودند از:

بخش‌ها	برنامه‌ها	ردیف	سال
ارتباط با خدا - ارتباط با خود	قرائت قرآن و تفکر در آن	۱	سال اول
ارتباط با خدا - ارتباط با خود	انتخاب مقصد و هدف زندگی	۲	
ارتباط با خدا	تلاش برای معرفت بیش‌تر به خداوند	۳	
ارتباط با خدا	تقویت ایمان به کمک راه‌های پیشنهاد شده	۴	
ارتباط با خدا - ارتباط با خود	عهد بستن با خدا برای قدم گذاشتن در راه	۵	
ارتباط با خود	تصمیم‌گیری و عزم برای اجرا کردن برنامه	۶	
ارتباط با خود	مراقبت و محاسبه از تصمیم‌ها و پیمان‌ها	۷	
ارتباط با خود	داشتن دفتر برنامه‌ریزی	۸	
ارتباط با خدا	انجام صحیح و به موقع نماز و حفظ کردن احکام آن	۹	
ارتباط با خود	برنامه‌ریزی برای ورزش و مطالعه	۱۰	
ارتباط با جامعه	انتخاب دوست شایسته	۱۱	
ارتباط با خود - ارتباط با جامعه	پرداختن به کار و تلاش برای رساندن سود به خود و جامعه	۱۲	

ارتباط با خدا	تقویت دوستی و محبت به خداوند	۱۳
ارتباط با خدا - ارتباط با جامعه	تقویت دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا	۱۴
ارتباط با خدا	توکل و اعتماد بر خداوند در تصمیم‌گیری‌ها	۱۵
ارتباط با خدا - ارتباط با خود	تقویت پیمان با خداوند و مراقبت و محاسبه از تصمیم‌ها	۱۶
ارتباط با خود - ارتباط با جامعه	داشتن ظاهر و لباس آراسته، همراه با حجاب و عفاف	۱۷
ارتباط با خود	همه‌هنگ کردن ظاهر خود با باطن نیکو و خوب	۱۸
ارتباط با جامعه	رعایت احکام محرمیت و نامحرمی	۱۹
ارتباط با جامعه	دعوت دیگران به رعایت احکام الهی	۲۰
ارتباط با جامعه	انجام وظیفه‌ امر به معروف و نهی از منکر در موارد ضروری	۲۱
ارتباط با جامعه	مشارکت و همکاری در رفع نیازهای جامعه	۲۲
ارتباط با جامعه	تمرین انفاق و پرداخت خمس در صورت ضرورت	۲۳
ارتباط با خود - ارتباط با جامعه	آشنایی با احکام مالی اسلام	۲۴
ارتباط با خود - ارتباط با خدا	تقویت تقوا به کمک انجام درست نماز و روزه	۲۵
ارتباط با خدا	حفظ کردن برخی احکام نماز و روزه	۲۶

درس ۱۴

زمینه‌های پیوند

خانواده ارزشمندترین بنیاد و بنیان نزد خداست که با پیوند زن و مرد به وجود می‌آید و با آمدن فرزندان، کامل می‌شود. با تولد فرزندان، زن و مرد، مادر و پدر بودن را می‌پذیرند و فرزندان خود را در دامن مهربان خود تربیت می‌کنند.

در این درس به بررسی این مسئله می‌پردازیم که

۱- نگاه دین به زن و مرد به عنوان انسان چیست؟

۲- عوامل و زمینه‌های جذب زن و مرد به یکدیگر برای تشکیل

خانواده کدام‌اند؟

۳- چه اهدافی برای تشکیل خانواده مناسب‌اند؟

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

.....
إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ

.....
وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

.....
وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ

.....
وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ

.....
وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ

.....
وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ

.....
وَالْمُتَّصِدِّقِينَ وَالْمُتَّصِدِّقَاتِ

.....
وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ

.....
وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ

.....
وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ

.....
أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ

.....
مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

احزاب ۳۵

.....
وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ

همسرانی از جنس خودتان

.....
مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا

تا با ایشان آرامش یابید

.....
لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا

.....
وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً

..... إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

روم ۲۱

..... وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ

..... مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا

..... وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ

..... بَنِينَ وَحَفَدَةً

..... وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ

..... أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ

..... وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ

نحل ۷۲



به کمک عبارت‌های زیر، ترجمهٔ آیات را تکمیل کنید.

خاشِعَات : زنان فروتن	قَانِتِينَ : مردان فرمانبردار
صَائِمَات : زنان روزه‌دار	مُتَّصِدِّقِينَ : مردان صدقه دهنده
أَعَدَّ : آماده کرده است	الْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ : مردان پاکدامن
حَفَدًا : نوادگان	بَنِينَ : فرزندان

شخصیت انسانی زن و مرد

کلمه «انس»، «انسان» و «بنی آدم» در قرآن کریم اختصاص به جنس خاصی ندارد و هر پیامی که با این کلمات همراه شده، به زن و مرد، هر دو، مربوط می‌شود. زیرا زنان و مردان به عنوان افراد نوع انسان، ویژگی‌های فطری یکسان و هدف مشترکی دارند که با استفاده از سرمایه‌های ذاتی خود می‌توانند به آن هدف برسند و در بهشت جاوید خداوند منزل‌گزینند.

بنابراین:

– کرامتی که خداوند به انسان بخشیده و بر سایر مخلوقات برتری داده، اختصاص به زن یا مرد، به تنهایی، ندارد.^۱

– هرکدام از زن و مرد به میزان تقوا، عفاف و دوری از گناه، نزد خداوند گرامی‌تر است.^۲

– پاداش اخروی و قرب به پروردگار، به جنسیت انسان مربوط نیست.^۳

– گرفتار شدن به عذاب اخروی و دوری از خداوند نیز ارتباطی با زن یا مرد بودن ندارد.^۴

پیام آیات (۱)

– در آیه‌های ابتدای درس بیندیشید و پیام‌هایی را که نشان‌دهنده یکسانی مقام و منزلت

انسانی زن و مرد است، استخراج کنید.

سوره/آیه	
.....	۱-
.....	۲-
.....	۳-

۱- اسراء، ۷۰

۲- نحل، ۹۷

۳- یونس، ۲۷

۴- احزاب، ۳۵



در دوره‌ای که قرآن کریم بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد، بیشتر مردم مرد را در خلقت برتر از زن می‌شمردند این موضوع، به‌خصوص در داستان خلقت آدم و حوّا و زندگی آن‌ها در بهشت اولیه و بیرون شدنشان از آنجا نمود بیشتری داشت.

به‌طور مثال، در تورات آمده که حوّا از دندهٔ آدم خلق شده و او بود که آدم را اغوا کرد و به خوردن میوهٔ ممنوع تشویق نمود؛ به این صورت که شیطان به شکل مار درآمد و به سراغ حوّا رفت و به تحریک او پرداخت. وقتی شیطان حوّا را فریب داد، حوّا به نزد آدم رفت و آن قدر اصرار کرد تا او را راضی نمود که با هم به درخت ممنوع نزدیک شوند و از میوهٔ آن بخورند.^۱ این کتاب که هم‌اکنون نیز کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان است، چنین نگاهی به زن را به پیروان خود منتقل می‌کند و در مورد خروج از بهشت، زن را مقصر نشان می‌دهد و او را به گناه نزدیک‌تر می‌داند.

اما قرآن کریم، با این که در میان عرب‌های بدون فرهنگی نازل شد که بدترین نظرها را نسبت به زن داشتند و برخی از آن‌ها دختران خود را زنده به گور می‌کردند، اما در بیان داستان خلقت، مرد را برتر از زن قرار نمی‌دهد. اولاً قرآن می‌فرماید که زن از همان جنس مرد آفریده شده است.^۲ و در داستان بیرون رفتن آن‌ها از بهشت هم بدون اینکه نامی از مار بیاورد، می‌فرماید که شیطان هر دو را با هم فریب داد.^۳ همچنین می‌فرماید خداوند انسان‌ها را از یک مرد و یک زن آفریده و هیچ‌کدام در پیشگاه خدا بر دیگری برتری ندارند، مگر به تقوا.^۴

نقش‌های مکمل

خداوند، زن و مرد را به‌گونه‌ای آفریده که زوج یکدیگر باشند.^۵ زوجیت میان زن و مرد آن‌گاه معنی دارد که هر دو تکمیل‌کنندهٔ یکدیگر باشند. بنابراین، زن و مرد گرچه در ویژگی‌های انسانی با

۱- تورات، سفر پیدایش، اصحاح ۲، ۲۳-۲۵ و اصحاح ۳، ۱-۷

۲- نساء، ۱

۳- اعراف، ۲۰

۴- حجرات، ۱۳

۵- نبأ، ۸

هم مشترک هستند و خداوند برای هر دو هدف واحدی معین کرده است، اما از جهت «زن بودن» و «مرد بودن» تفاوت‌هایی دارند. این تفاوت‌ها نیز به گونه‌ای است که هر دو را به هم نیازمند کرده، بدون این که یکی بر دیگری برتری ذاتی پیدا کند. زیرا برتری هرکس نزد خداوند به تقواست که باید آن را در وجود خود پرورش دهد. پس هم مرد برای زن است و هم زن برای مرد.^۱

برخی تفاوت‌های زیستی و روان‌شناختی سبب شده که هر کدام از مرد و زن بتوانند در زندگی مشترک و خانوادگی نقش‌های متفاوتی را برعهده بگیرند و یک خانواده متعادل را پدیدآورند، مقصود از آفرینش انسان‌ها به صورت زوج، همین است. به طور مثال توانمندی عاطفی بالای زنان و قدرت جسمی بیشتر مردان برای آن است که زن و مرد دو نقش تکمیلی در کنار هم ایفا نمایند. زن، با محبت مادری، فرزندان را رشد دهد و مرد با کارکردن خود نان‌آور خانواده باشد.

متأسفانه گاهی به علت باورهای غلط فرهنگی و اجتماعی، رفتارهای نامناسبی نسبت به زنان روا داشته می‌شود که به هیچ وجه مورد تأیید دین اسلام نیست. اگر امروزه برخی افراد ارج و منزلت لازم را برای نقش مادری قائل نیستند و بر کار اقتصادی بیش از نقش مادری تأکید می‌کنند، ناشی از این اشتباه بنیادی است که می‌پندارند فضیلت و قدر و منزلت آدم‌ها به قدرت اقتصادی آنهاست.

مهم‌ترین عامل پایداری خانواده، پس از ازدواج، درک درست زوجیت و مکمل هم بودن زن و مرد و عمل به این درک می‌باشد. اگر همسران از این موضوع غافل باشند. به سرعت در محیط خانه از هم بیگانه می‌شوند و با پیش آمدن کوچک‌ترین تنش از هم جدا می‌شوند. اما اگر درک متقابل از نیازها وجود داشته باشد، به تعبیر قرآن کریم، لباس یکدیگر می‌شوند و کاستی‌ها و نقص‌های یکدیگر را می‌پوشانند.^۲

از این رو، هر جوانی باید قبل از ازدواج، برای خود برنامه‌ای تنظیم کند و با آموزش نزد معلمان تعلیم و تربیت و مطالعه کتاب‌های مناسب، به درک درستی از ازدواج و زندگی خانوادگی برسد، تا بتواند یک خانواده موفق را تشکیل دهد.

۱- بقره، ۱۸۷

۲- نظام حقوق زن در اسلام، استاد شهید مطهری، ص ۱۱۹

۳- بقره، ۱۸۷

● با نگاهی به ازدواج‌هایی که پیرامون شما اتفاق افتاده، نظر دهید که آیا دختران و پسران با آگاهی وارد زندگی مشترک می‌شوند؟ هر پاسخی که به این سؤال دادید، عوامل آن را هم ذکر کنید.

پاسخ:

.....

.....

.....

.....

آماده شدن برای ازدواج

انسان، با رسیدن به بلوغ و دوره جوانی وارد مرحله مسئولیت‌پذیری می‌شود و شایستگی آن را به دست می‌آورد که مخاطب خداوند قرار گیرد و برای سعادت خود و خانواده‌ای که در آینده نزدیک تشکیل خواهد داد، برنامه‌ریزی نماید. مهم‌ترین این برنامه‌ها عبارتند از:

- ۱- تقویت عفاف و پاکدامنی در خود از آغاز بلوغ
- ۲- مشخص کردن هدف‌های خود از تشکیل خانواده
- ۳- شناخت معیارها و شاخص‌های همسر مناسب
- ۴- شناخت ویژگی‌های روحی زن و مرد
- ۵- آشنایی با نقش خود در خانواده به‌عنوان زن یا شوهر، مادر یا پدر
- ۶- کسب آمادگی پذیرش مسئولیت در خانواده

از میان این شش برنامه، به تبیین دو مورد آن‌ها در این درس می‌پردازیم:

۱- **تقویت عفاف و پاکدامنی**: دوره بلوغ تا ازدواج حساس‌ترین و ارزشمندترین دوره عمر انسان است. دوره گذر از کودکی و ورود به بزرگسالی و پذیرش مسئولیت‌های زندگی است. اگر جوان، این دوره را با پاکی و پاکدامنی بگذراند و در حالی به زندگی مشترک با همسرش وارد شود که آلوده به گناه و فحشاء نشده باشد، راه رسیدن به بهشت را برای خود و فرزندان خود بسیار هموار کرده است.

قرآن کریم از دختران و پسران می‌خواهد که قبل از ازدواج نیز، حتماً عفاف پیشه کنند تا خداوند به بهترین صورت زندگی آنان را سامان دهد.^۱ همچنین می‌خواهد که به هیچ‌وجه در پی رابطه پنهان و آشکار با جنس مخالف برنیایند^۲ که زیان آن تا قیامت دامنگیر آنان خواهد شد و در نسل‌های آنان تأثیر بد خواهد گذاشت.

هر جوانی به‌طور فطری و طبیعی خواستار ازدواج با کسی است که قبل از ازدواج پاکدامنی خود را حفظ کرده و به گناه آلوده نشده است. کسی که چنین خواستی دارد، باید خودش نیز اینگونه باشد. همچنین هرکس خواستار آن است که دیگران به اعضای خانواده او نظر سوء نداشته باشند، خودش هم باید چنین باشد. نظام هستی بر عدالت است.^۳ عمل هر کس، عکس‌العملی دارد که قسمتی از آن در این جهان ظاهر می‌شود و قسمتی دیگر در آخرت.

در این مسیر، پیشگیری بهتر از درمان است. برای پیشگیری از گرفتاری به بیماری فساد و گناه باید کاری کنیم که در آستانه انجام گناه قرار نگیریم. در عصری که گسترش دهندگان فساد و فحشاء از آخرین دستاوردهای علمی برای رسیدن به مقاصد شوم خود بهره‌می‌برند، باید با زیرکی، شجاعت روحی و توکل بر خداوند، راه‌های نزدیکی به گناه را ببندیم و بینی شیطان را بر خاک بمالیم. با توجه به این شرایط پیچیده، اقدامات زیر برای حفظ پاکدامنی مؤثر است:

- ۱- شناخت سیره و روش زندگی پیامبر اکرم، فاطمه زهرا و امامان بزرگوار علیهم‌السلام
- ۲- انجام درست و به موقع نماز، به‌خصوص به صورت جماعت و با حضور در مسجد
- ۳- مشغول بودن به کارهای ضروری مانند درس خواندن، انجام کارهای منزل، یا اشتغالات مثبت، مثل کارهای فنی، هنری، همکاری در بسیج، کانون‌های فرهنگی و بنیادهای خیریه
- ۴- نگاه نکردن به فیلم‌ها، سایت‌ها و تصویرهای شهوت‌انگیز
- ۵- استقامت در برابر تحریک دیگران برای دیدن یک فیلم یا یک پیام نامناسب و توانایی «نه» گفتن به آن‌ها

- ۶- انتخاب دوست دیندار و نماز خوان و معاشرت نکردن با افرادی‌بند و بار
- ۷- استفاده از لباس مناسب با شأن و منزلت انسان مسلمان
- ۸- شرکت در جلسات و مراسم مذهبی، مانند مجالس دعای کمیل و دعای ندبه، اعیاد و

۱- نور، ۳۳

۲- مائده، ۵ و نساء، ۲۵

۳- بالعدل قامت السموات والارض، عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۱۰۳

عزاداری‌ها و سخنرانی‌های پر محتوا

- ۹- دوری از مجالس تشویق‌کننده و تحریک‌کننده به گناه
- ۱۰- انجام ورزش، به صورت مرتب، با دوستان همفکر و مناسب
- ۱۱- توجه به نصیحت‌ها و خیرخواهی‌های پدر و مادر
- ۱۲- کنترل نگاه به نامحرم
- ۱۳- برنامه‌ریزی برای افزایش معرفت دینی و مطالعه کتاب‌های علمی، تاریخی، ادبیات و شعر
- ۱۴- معاشرت بیشتر با خویشان و نزدیکانی که معنویت را در انسان تقویت می‌کنند.
- ۱۵- عاقبت اندیشی در کارها و تصمیم‌گیری براساس فکر و اندیشه

خودارزیابی



در میان پیشنهادهای بالا، پنج پیشنهاد را که از نظر شما مؤثرتر است، انتخاب کنید.

- ۱-
- ۲-
- ۳-
- ۴-
- ۵-

۲- اهداف ازدواج : یکی از مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌های زندگی هر انسانی، تصمیم‌گیری برای

ازدواج است. این تصمیم‌گیری نباید بدون فکر و برنامه‌ریزی قبلی باشد. پس شایسته است که به تدریج درباره هدف خود از ازدواج فکر کنیم و هوشمندانه وارد این مرحله زندگی شویم. خداوند چهار هدف برای تشکیل خانواده قرار داده است.

اول : پاسخ به نیاز جنسی : ابتدایی‌ترین زمینه شکل‌گیری نهاد خانواده، نیاز جنسی مرد و زن به یکدیگر است. این نیاز که احساس آن از دوران بلوغ آغاز می‌شود، اولین کشش و جاذبه را میان زن و مرد ایجاد می‌کند و آنان را به سوی تشکیل خانواده می‌کشاند. بر اثر ازدواج و پاسخ صحیح به این نیاز، هر کدام از مرد و زن به یک آرامش روانی می‌رسند.

دوم : انس با همسر : هر یک از زن و مرد، نیازمند به زندگی با دیگری هستند و این نیاز پس از بلوغ آشکار می شود. این نیاز به گونه ای است که اگر فردی از راه های نامشروع نیاز جنسی خود را برطرف کند و غرق در آلودگی های جنسی باشد، اما مجرد و بدون همسر زندگی کند، باز هم یک بی قراری و ناآرامی او را آزار می دهد که فقط با ازدواج و بودن در کنار همسر برطرف می شود.

برخی از ازدواج های ناموفق هم ریشه در همین موضوع دارند که زن یا مرد به این نیاز همسر خود توجهی ندارد و رفتاری آرامش بخش از خود نشان نمی دهد. تجربه های روان شناختی گویای آن است که توانایی زن نسبت به مرد در ایجاد سکونت و آرامش بیش تر است و مبدأ آرامش در خانواده، اوست.

پیام آیات (۲)

- ۱- با تدبیر در آیات درس مشخص کنید که کدام آیه آرامشی را که ناشی از این دو نیاز است، بیان می کند؟ عبارت مربوط به این آرامش را بنویسید.
- آیه..... :
- ۲- برای این که آرامش ناشی از انس و هم صحبتی میان همسران پدید آید، قرآن کریم به دو ویژگی که باید میان زن و مرد باشد، اشاره می کند، آن دو ویژگی کدامند؟
- و

سوم : رشد و پرورش فرزندان : خانواده بستر رشد و بالندگی فرزندان است و هیچ نهاد دیگری نمی تواند جایگزین آن شود. فرزند، ثمره پیوند زن و مرد و تحکیم بخش وحدت روحی آنهاست. آنان دوام وجود خود را در فرزند می بینند و رشد و بالندگی او را پایداری وجود خود می یابند.

مسئولیتی که با آمدن فرزندان بر دوش پدر و مادر قرار می گیرد، بسیار سنگین و غیر قابل چشم پوشی است. زن و مردی که ازدواج می کنند و خداوند به آنها فرزندان می بخشد، در حقیقت با خداوند پیمان بسته اند که این هدیه های الهی را شکوفا کنند و به ثمر رسانند.

بنابراین، تمام فعالیت های بعدی پدر و مادر باید به گونه ای تنظیم شود که به رشد این نهال ها و بالندگی آنها کمک کند. هر یک از استعداد های فرزندان که به خاطر بی تدبیری پدر و مادر،

خودخواهی‌ها، چشم و هم‌چشمی‌ها و تسلیم در برابر آداب و رسوم ساختگی، سرکوب شود، در پیشگاه خداوند مجازاتی به همراه دارد. بهداشت روانی و جسمی کودک و تعادل رفتاری و تعالی اخلاقی وی یک خواست الهی است که از همان ابتدای ازدواج باید مورد توجه قرار گیرد.

پیام آیات (۳)

با تدبیر در آیات درس، مشخص کنید که کدام آیه، به این هدف اشاره دارد؟
عبارت مربوط به آن را بنویسید.
آیه..... :

چهارم: رشد اخلاقی و معنوی: عالی‌ترین هدف تشکیل خانواده، رشد اخلاقی و معنوی هر یک از اعضای خانواده است.

پسر و دختر جوان با تشکیل خانواده زمینه‌های فساد را از خود دور می‌کنند، مسئولیت‌پذیری را تجربه می‌نمایند، مهر و عشق به همسر و فرزندان را در خود پرورش می‌دهند، ایثار و از خودگذشتگی برای دیگری را تمرین می‌کنند، وفاداری، حُسن خلق، مدارا، تحمل رنج‌ها و سختی‌ها و بسیاری از صفات اخلاقی دیگر را در خود پدید می‌آورند.

علاوه بر این، خانواده تنها محیط مناسب برای تربیت صحیح کودکان و رشد همین فضائل اخلاقی در آن‌هاست. البته، این در صورتی است که پدر و مادر با مسئولیت خود آشنا باشند و آن را انجام دهند.

پیام آیات (۴)

با تدبیر در آیات درس، مشخص کنید که کدام آیه، به این هدف اشاره دارد؟
عبارت مربوط به آن را بنویسید.
آیه..... :

نکته مهم

برای اینکه یک ازدواج موفق داشته باشیم که هم به جدایی منجر نشود و هم سبب خوشبختی ابدی ما گردد، لازم است که هر چهار هدف را در تشکیل خانواده در نظر بگیریم و هدف چهارم را در اولویت قرار دهیم. اگر پس از تشکیل خانواده، به طور مثال، فقط هدف اول را دنبال کنیم و برای سه هدف دیگر تلاش نکنیم، پس از مدتی، اختلافات ظاهر می‌شوند و دوری روحی و روانی از یکدیگر زندگی را خسته کننده می‌کند. اما اگر پس از تشکیل خانواده هر یک از زن و شوهر تلاش کنند که در کنار دیگری اخلاق حسنه را تمرین نمایند، به زودی محیطی آرامش بخش و سرشار از نشاط و لذت شکل خواهد گرفت و اعضای خانواده تا آخر عمر با احساس رضایت و موفقیت در کنار هم زندگی خواهند کرد.^۱



۱- پس از تشکیل خانواده، تصمیم های پدر و مادر تابعی از توجه به خانواده و اصل قرار دادن آن است. پدری که درآمد مناسبی دارد و می تواند وقت بیش تری را با خانواده و فرزندان بگذراند اما چنان به شغل خود وابسته است که بودن با خانواده را فراموش می کند، نمی تواند بگوید شغلم ایجاب می کند که دیر وقت به خانه بیایم. مادری که شوهرش از درآمد کافی برخوردار است، نمی تواند بگوید شغلم ایجاب می کند که کودکم را هر روز به مهدکودک بسپارم و به این ترتیب، کودکش را از مهر و محبت مداوم خود محروم کند. به همین جهت، رهبر معظم انقلاب اسلامی می گویند:

«بهترین روش تربیت فرزند، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. یکی از وظایف مهم زن عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، با دل دادن و رعایت دقت، آن چنان بار بیاورد که این موجود انسانی، چه دختر چه پسر، وقتی که بزرگ شد، از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدبختی ها و فلاکت ها و

۱- دختران زودتر از پسران از سطح نیاز اول می گذرند و به هدف های بالاتر توجه دارند. یعنی معمولاً نیازهایی بیش از نیاز جنسی آن ها را به سوی پسران می کشاند. برخی از پسران که معمولاً برای نیاز سطح اول به سوی دختران می روند، به ارتباطی موقت بسنده می کنند و پس از مدت کوتاهی ارتباط خود را قطع می کنند و کمتر به ارتباطی پایدار برای تشکیل خانواده می اندیشند. به همین جهت، گفته اند که برای تشکیل خانواده، علاوه بر نیاز اول، آگاهی از نیازهای دیگر که مدتی پس از بلوغ جنسی برای پسران حاصل می شود، ضرورت دارد. از فواید مهم مشورت دختران با پدران و مادران تشخیص موضوعاتی از این قبیل است (رجوع کنید به یادداشت های استاد مطهری، ج ۵، ص ۳۰).

بلایایی که امروز نسل‌های جوان و نوجوان غربی در اروپا و آمریکا به آن گرفتارند، بار آمده باشد. زنانی که فرزند خود را از چنین موهبت الهی محروم می‌کنند، اشتباه می‌کنند؛ هم به ضرر فرزندشان، هم به ضرر خودشان و هم به ضرر جامعه اقدام کرده‌اند. اسلام، این را اجازه نمی‌دهد.»

۲- همان‌طور که پایداری بنیاد خانواده سبب کم شدن فساد در جامعه می‌شود، ازدیاد فساد نیز سبب سست شدن این بنیان می‌گردد. از این‌رو، هر یک از ما که آرزومند داشتن خانواده سالم و فرزندان سالم است، باید در کاهش فساد اجتماعی مشارکت کند. کسی که در سنین جوانی، مرتکب برخی فسادها شده، نباید انتظار داشته باشد که پس از تشکیل خانواده، محیط سالمی داشته باشد. البته در هر زمانی امکان توبه حقیقی هست، اما بحث ما مربوط به شرایط عادی است. شیطان، با فریبکاری تمام به برخی جوانان چنین القاء می‌کند که بی‌بند و باری دوره جوانی امری عادی است و پس از ازدواج می‌توانی از این بی‌بند و باری دور شوی.

قرآن کریم مسأله فساد را خطرناک‌ترین توطئه شیطان و بدترین پرتگاه سقوط انسان می‌داند و فرزندان آدم را به شدت از آن بیم می‌دهد. قرآن کریم به ما اعلام می‌کند که شیطان و پیروان او، انسان‌ها را به پوشش‌های نامناسب و برهنگی وسوسه می‌کنند و از راه‌های مختلفی وارد می‌شوند تا ما را فریب دهند و به گناه بکشانند و پس از آلوده شدن به گناه ناامیدی از بخشش خداوند و بازگشت و توبه را به ما تلقین می‌کنند. قرآن کریم به ما می‌آموزد که خداوند لباس و پوشش را بدان جهت قرار داده تا هم اندام‌های تحریک‌کننده را بپوشاند و در برابر نگاه‌های شهوت‌راناان حفظ کند و هم سبب آراستگی و زیبایی و وقار گردد. قرآن کریم از روش تأسف‌بار کسانی خبر می‌دهد که وقتی فریب شیطان را می‌خورند و به لباس بدن نما و فساد روی می‌آورند، به توجیه کار خود برمی‌خیزند و می‌گویند دیگران هم چنین می‌کنند و خدا هم با این کارها مخالف نیست. قرآن کریم با تعجب می‌پرسد: «آیا چیزی به خدا می‌بندید که اصلاً بدان علم ندارد!؟» سپس با تأکید کامل می‌فرماید: ای پیامبر به مردم بگو خداوند هر فساد و فحشایی را، چه پنهان و چه آشکار، حرام کرده و گناه شمرده است.^۱

بی‌حجابی، پوشش نامناسب و روابط نامشروع و خارج از محیط خانواده که در همین دهه‌های جدید و برای اولین بار در میان کشورهای غربی پدیدار شده، چنان ضربه بزرگی به بنیان خانواده و فضائل اخلاقی و کرامت انسانی وارد کرده که مانند آن در تاریخ بشر مشاهده نشده است.

۱- مجموعه مطالب ذکر شده از قرآن از آیات ۲۶ تا ۳۳ سوره اعراف، استخراج شده است.



۱- چگونه می توان خانواده را به عامل گسترش مهربانی و دوستی در جامعه تبدیل کرد؟

۲- وقتی می گوئیم باید خانواده را اصل قرار داد و سایر تصمیم ها را با آن تنظیم کرد، منظور چیست؟ چند نمونه ذکر کنید.



برای حفظ پاکی و سلامت اعضای خانواده و تقویت این نهاد مقدس چه راه‌هایی پیشنهاد می‌کنید؟ هر کدام از پدر، مادر، دختر و پسر چه کارهایی را باید برعهده بگیرند.

با تعدادی از دوستان خود یک گروه مشورتی تشکیل دهید و نتیجه هم فکری خود را در این زمینه، به کلاس گزارش کنید.



پیوند مقدس

رسول خدا ﷺ

در اسلام، هیچ بنایی نزد خدا محبوب‌تر از ازدواج نیست.^۱

از زیباترین و حساس‌ترین تصمیم‌های زندگی، انتخاب همسر و آغاز زندگی مشترک است. به‌خاطر اهمیت و حساسیت این تصمیم، شایسته است به مطالعه در این باره پردازیم و آگاهی خود را در این زمینه افزایش دهیم تا در آینده با آمادگی لازم و به درستی تصمیم بگیریم. معمولاً برای همه جوانان در زمینه انتخاب همسر سؤال‌هایی پیش می‌آید که در این جا بعضی از آن‌ها را مطرح می‌کنیم.

همسر مناسب و دل‌خواه، چه کسی است؟

همسر شایسته چه مسئولیت‌هایی را بر دوش می‌گیرد؟

چه موانعی در مسیر ازدواج وجود دارد و چگونه می‌توان از آن‌ها عبور کرد؟



۱- ما بُنِیَ بِنَاءٍ فِی الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ التَّرْوِیجِ - من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ص ۴۰۹.

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

.....
 وَلَا تُنْكِرُوا الْمُشْرِكَاتِ
 حَتَّى يُؤْمِنَ ...

 وَلَا تُنْكِرُوا الْمُشْرِكِينَ
 حَتَّى يُؤْمِنُوا

 أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ
 وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ

 وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ

 وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ

 لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

بقره، ۲۲۱

پروردگارا مرا بر پادارنده نماز قرار ده
 و از فرزندانم نیز
 پروردگارا دعای مرا بپذیر

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ
 وَمِنْ ذُرِّيَّتِي
 رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ

.....

 رَبَّنَا اغْفِرْ لِي

 وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ

 يَوْمَ يَقَوْمُ الْحِسَابُ

ابراهیم، ۴۱



به کمک توضیحات زیر، ترجمه‌ها را تکمیل کنید.

لا تَنْكِحُوا : ازدواج نکنید يُؤْمِنُونَ : ایمان آورند يَدْعُونَ : دعوت می‌کنند

پیام آیات

سوره/ آیه	با تفکر در آیات درس، پیام‌های زیر را تکمیل کنید.
.....	۱- شرط اصلی و اولی در انتخاب همسر ، بودن اوست.
.....	۲- همسری که ، اعضای خانواده را به نافرمانی از خدا و بدبختی ابدی سوق می‌دهد.
.....	۳- پدر و مادر با ایمان تلاش می‌کنند فرزندانشان مؤمن باشند و
.....	۴- فرزند با ایمان، همواره به پدر و مادر خود محبت می‌ورزد و

پیامی که از آیات شریفهٔ درس به دست می‌آید، نشان دهندهٔ مسئولیت زن و مرد در انتخاب همسر آینده و به دوش گرفتن رشد و تربیت فرزندان صالح و شایسته است. خانوادهٔ مورد قبول خداوند، خانواده‌ای است که بر محور ایمان پایه‌گذاری شده و اعضای خانواده، در سایهٔ این کانون می‌توانند مسیر رشد و تعالی را پیمایند و به سعادت برسند. از این رو، پیشوایان بزرگ ما، هر یک از دختر و پسر را راهنمایی کرده‌اند که چگونه قدم در امر ازدواج گذارند و چگونه برای زندگی مشترک آینده برنامه‌ریزی کنند. در این درس، به راهنمایی آن بزرگواران توجه می‌کنیم تا بتوانیم در آینده زندگی مشترک سالم و تعالی‌بخش تشکیل دهیم.

انتخاب همسر و مسئولیت آینده

پس از تعیین هدف ازدواج، انتخاب زوج مناسب مطرح می‌شود. طبق مقررات اسلامی، رضایت کامل زن و مرد برای ازدواج ضروری است و اگر عقدی به زور انجام گیرد، باطل است و مشروعیت ندارد.

داشتن قدرت انتخاب، ارزشمند و در عین حال، مسئولیت‌زاست. برای موفق شدن در این مسئولیت، باید با چشم باز عمل کرد و به انتخابی شایسته دست زد. لازمه چنین انتخابی، تسلط کامل بر شور و احساس جوانی است. همواره دیده‌ایم که علاقه و محبت اولیه، چشم و گوش را می‌بندد و عقل را به حاشیه می‌راند، به گونه‌ای که فریادهای خیرخواهانه او را نمی‌شنوند. این سخن زیبای امام علی علیه السلام مربوط به مواردی از همین قبیل است:

حُبُّ الشَّيْءِ يَعْمي وَ يُصِمُّ **علاقة شديدة به چیزی آدمی را کور و کر می‌کند.**^۱

از این رو، پیشوایان دین از ما خواسته‌اند که در مورد همسر آینده با پدر و مادر خود مشورت کنیم تا به انتخابی درست برسیم. پدر و مادر به علت علاقه و محبت به فرزند، معمولاً مصلحت و خوش‌بختی او را در نظر می‌گیرند و به علت تجربه و پختگی‌شان، بهتر می‌توانند خصوصیات افراد را دریابند و عاقبت ازدواج را پیش‌بینی کنند.

البته پدران و مادران نباید نظر خود را بر فرزندانشان تحمیل کنند و آن‌ها را به ازدواجی ناخواسته بکشانند. شایسته است محیط خانواده، محیط هم‌دلی، اعتماد به بزرگ‌ترها، شنیدن نظریات یکدیگر و به خصوص، محیط محبت و ایثار باشد تا بهترین تصمیم‌ها گرفته شود و حسرت و پشیمانی کمتر پیش بیاید.

از همین منظر است که ضروری بودن اجازه پدر برای دختران روشن می‌شود.

لطافت‌های روحی و ظرافت‌های عاطفی دختر، آن‌گاه که در فضای محبت و علاقه جنس مخالف قرار می‌گیرد، احتمال نادیده گرفتن برخی واقعیت‌ها و کاستی‌ها را به دنبال دارد؛ علاوه بر این، چون دختران به خاطر حیا و عزت نفس قوی خود، در ازدواج پیش قدم نمی‌شوند و طلب و درخواست از طرف پسر صورت می‌گیرد، ممکن است حیا مانع از آن بشود که دختر همه ویژگی‌های پسر و سابقه او را بشناسد و با آگاهی کامل تصمیم‌گیری کند. در چنین مواقعی، پدر که بر احساسات خود غلبه

۱- خاتمة المستدرک، میرزای نوری، ج ۱، ص ۲۰۱.

دارد و نیز دارای تجارب فراوان و شناخت کامل از جنس مرد است، می‌تواند به سان باغبانی دلسوز و کاردان از گل لطیف و ظریف خویش مراقبت کند و به راهنمایی او بپردازد.^۱

معیارهای همسر شایسته

اولین قدم برای تشکیل خانواده، انتخاب همسر خوب است. هرگونه سهل‌انگاری و تصمیم‌گیری عجولانه که بیش‌تر تحت تأثیر احساسات یا اجبار و تحمیل بستگان و دوستان صورت می‌گیرد، پشیمانی بعدی را به دنبال دارد.

از نظر قرآن کریم، مهم‌ترین معیار همسر شایسته، با ایمان بودن اوست. اگر این معیار در فردی وجود نداشته باشد، ازدواج با او حرام می‌شود. هر قدر ایمان یک فرد قوی‌تر باشد، شایستگی او برای همسری بیش‌تر است. معیارهای دیگری که باید مورد توجه قرار گیرند، عبارت‌اند از^۲:

معیارها	ردیف	معیارها	ردیف
عاقل و فهیم بودن	۷	اصالت خانوادگی	۱
اخلاق خوب و خوش‌رویی	۸	پوشش مناسب اسلامی	۲
قناعت در زندگی	۹	عدم ارتباط قبلی با جنس مخالف	۳
کسب و کار حلال	۱۰	صداقت با همسر	۴
زیبایی و مورد پسند بودن	۱۱	سلامت جسمی	۵
داشتن دوستان درستکار و سالم	۱۲	انجام عبادات، به‌خصوص نماز	۶

۱- طبعاً تأکید بر اجازه پدر برای آن است که گاه، ممکن است دختری علی‌رغم توصیه‌های پدر، علت خیرخواهی و راهنمایی او را درک نکند. در این صورت، التزام به اجازه پدر او را از افتادن در دام زندگی ناپایدار و نامطلوب باز خواهد داشت؛ بنابراین، اجازه پدر نه تنها محدودیتی برای دختران نیست بلکه لطفی از جانب خداوند برای آنان است؛ زیرا در بیش‌تر موارد نظر پدر و دختر یکی می‌شود. تنها در صورت عدم توافق است که ازدواج منتهی می‌شود. البته در این صورت هم با به صلاح دختر و یا خلاف مصلحت اوست. اگر تصمیم پدر خلاف مصلحت باشد، دختر می‌تواند با کمک بستگان پدر را قانع کند و اگر پدر استبداد ورزد و به مصلحت فرزند توجه نکند (که البته بسیار استثنایی و نادر است)، مراجع قانونی حق دختر را به وی باز خواهند گرداند.

۲- برای کسب اطلاع بیشتر، به کتاب «خانواده در قرآن» از دکتر احمد بهشتی و «همسرداری» از آیت الله ابراهیم امینی مراجعه کنید.

● اگر بخواهیم این دوازده مورد را از نظر اهمیت، در سه طبقه قرار دهیم، به نظر شما چه شماره‌هایی در طبقه اول که مهم‌ترین است قرار می‌گیرند و چه شماره‌هایی در طبقه دوم و سوم؟

طبقه سوم	طبقه دوم	طبقه اول

راه‌های شناخت همسر

تحقیق درباره همسر آینده، به اندازه‌ای که به کمک آن بتوان به اطمینان در تصمیم‌گیری رسید، ضروری است. تحقیق باید نتیجه بخش باشد و در چهارچوب ضوابط و معیارهای الهی صورت گیرد؛ بنابراین، تحقیق درباره همسر آینده را نباید با معاشرت‌هایی که منشأ آن تنها هوس‌های زودگذر است، اشتباه کرد. این گونه معاشرت‌ها، هر چند با عنوان‌هایی مانند شناخت روحیه همسر و امتحان او باشد، نتیجه بخش نیست و آثار زیان بار دیگری دارد که به خاطر همان آثار، خداوند اجازه این گونه معاشرت‌ها را نداده است. در این معاشرت‌ها که معمولاً احساسات بر هر دو نفر حاکم می‌شود و هرطرف اصرار دارد خود را بهتر از آن چه هست نشان دهد تا محبوب دیگری واقع شود. معمولاً هم بیش‌تر این معاشرت‌ها به سستی رابطه و جدایی می‌انجامند. متناسب با فرهنگ اسلامی، راه‌های زیر برای شناخت کسی که تصمیم به ازدواج با او را داریم، پیشنهاد می‌شود:

- ۱- تحقیق درباره خانواده همسر و موقعیت اعضای خانواده در محل زندگی و محل کار.
- ۲- شناخت دوستان همسر و کسانی که او با آن‌ها معاشرت بیش‌تری دارد.
- ۳- تحقیق درباره روحیات و خُلقیات همسر در محیط کار یا محل تحصیل.
- ۴- معاشرت خانواده‌های دوطرف با یک دیگر و بهره بردن از تجارب پدر و مادر در این معاشرت‌ها.
- ۵- مشورت با افراد قابل اعتماد و کاردان.
- ۶- گفت‌وگو با یکدیگر در جلسات حضوری و طرح نظریات و دیدگاه‌ها درباره موضوعات مختلف.

هریک از این راه‌ها را بررسی کنید و بگویید که هر کدام از این راه‌ها چگونه در تشخیص

همسر آینده به ما کمک می‌کند.

زمان ازدواج

اکنون جا دارد این سؤال را بررسی کنیم که سن مناسب ازدواج کدام است. در این میان، دختران و پسران با پیشنهاد های گوناگونی روبه‌رو هستند که هر یک از آن‌ها بر محوری خاص، تأکید می‌کند. نباید از یاد ببریم که ازدواج، برای رفع نیازهای طبیعی و پاسخ‌گویی به قانون خلقت انجام می‌شود. اگر به این نیازهای طبیعی در زمان و موقعیت مناسب پاسخ داده نشود، مانند سایر نیازها، اختلالات و مشکلات خاص خود را به دنبال دارد و آسیب‌های جبران‌ناپذیر روانی، اخلاقی و اجتماعی وارد می‌کند. شادایی، نشاط، سلامت جسمی و روحی، رشد طبیعی، احساس رضایت درونی، تعادل در حالات و رفتار، خوش‌رویی و خوش‌خلقی، کاهش فشار جنسی، و سلامت اخلاقی جامعه از فواید ازدواج به موقع است. تأخیر در ازدواج سبب افزایش فشارهای روحی و روانی، روابط نامشروع و آسیب‌های اجتماعی می‌گردد. کاهش روابط نامشروع و آسیب‌های اجتماعی و روانی از فواید ازدواج به موقع است. زندگی یک جوان در کنار کسی که همسر او محسوب می‌شود، چنان برکتی برای جسم و روح او دارد و چنان لذتی را به ارمغان می‌آورد که هیچ چیز دیگری جای آن را نمی‌گیرد.

اما اگر فردی بخواهد در قالبی غیر از ازدواج به نیاز جنسی خود پاسخ دهد، در آن صورت، لذت آنی برخاسته از گناه، پس از چندی روح و روان فرد را پژمرده می‌کند و شخصیت او را می‌شکند. این گونه اشخاص، به جای بازگشت به مسیر درست، برای فرار از این پژمردگی به افراط در گناه کشیده می‌شوند اما نمی‌دانند که روحشان مانند تشنه‌ای است که هرچه بیش‌تر از آب دریا می‌نوشد، بر تشنگی‌اش افزوده می‌شود و بی‌قراری‌اش شدت می‌یابد.

آمادگی برای ازدواج نیازمند دو بلوغ است: یکی بلوغ جنسی و دیگری بلوغ عقلی و فکری که مدتی پس از بلوغ جنسی فرا می‌رسد. با رسیدن بلوغ عقلی، جوان درمی‌یابد که باید زندگی را بسیار جدی گرفت و برای آینده برنامه‌ریزی کرد. توجه به داشتن شغل و پیدا کردن کار، فکر کردن درباره‌ی ویژگی‌های همسر، تنظیم خرج و هزینه‌ی خود و دوری از بی‌برنامه بودن از نشانه‌های بلوغ عقلی است. نباید فاصله‌ی میان بلوغ جنسی و عقلی با زمان ازدواج زیاد شود و تشکیل خانواده به تأخیر افتد. به همین علت پیشوایان

ما همواره دختران و پسران را به ازدواج تشویق و ترغیب کرده و از پدران و مادران خواسته‌اند که با کنار گذاشتن رسوم غلط شرایط لازم برای ازدواج آنان را فراهم کنند و به خاطر برخی پندارهای باطل فرزندان خود را به گناه نکشاند و جامعه را گرفتار آسیب‌ها نسازند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

کسی که ازدواج کند، نصف دین خود را حفظ کرده است؛ پس، باید برای نصف دیگر از خدا پروا داشته باشد.^۱

این جمله کوتاه اهمیت ازدواج را به خوبی می‌رساند و نشان می‌دهد که چگونه نیمی از دینداری انسان با ازدواج حفظ و نگه‌داری می‌شود.

ایشان هم چنین می‌فرماید: برای دختران و پسران خود امکان ازدواج فراهم کنید تا خداوند اخلاقشان را نیکو کند و در رزق و روزی آن‌ها توسعه دهد و عفاف و غیرت آن‌ها را زیاد گرداند.^۲

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

دو رکعت نماز شخص متأهل، برتر از هفتاد رکعت نمازی است که شخص مجرد می‌خواند.^۳

مشکلات پیش رو

وقتی به واقعیت‌ها نگاه می‌کنیم و شرایط جامعه و خانواده‌ها را از نظر می‌گذرانیم، می‌بینیم که ازدواج به موقع با مشکلاتی روبه‌روست و اولین سؤالی که به ذهن جوان‌ها خطور می‌کند این است که با وجود مشکلات اقتصادی فراوان، چگونه می‌تواند ازدواج کند. چاره‌اندیشی در این مورد به بخش‌های مختلفی از جامعه مربوط می‌شود. آن‌ها باید با برنامه‌ریزی صحیح، به تدریج از شمار مشکلات بکاهند و امکان ازدواج به موقع را فراهم آورند. برخی از این مشکلات عبارت‌اند از:

- ۱- نیاز به مسکن
- ۲- هزینه‌های ازدواج و تأمین خانواده
- ۳- طولانی شدن زمان تحصیلات دانشگاهی
- ۴- توقعات غیرضروری که بر اثر برخی آداب و رسوم غلط بر خانواده تحمیل می‌شود.
- ۵- رقابت‌های نابجای خانوادگی

۱- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۰، ص ۲۱۹.

۲- نوادر راوندی، ص ۳۶.

۳- رساله نونین، امام خمینی (ره)، با توضیحات عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، ص ۶۶.

۶- الگو قرار ندادن روش پیشوایان دین و بی‌توجهی به راهنمایی‌های آنان.
 البته مدیریت و تدبیر پدران و مادران می‌تواند بسیاری از مشکلات را از میان بردارد و شرایط ازدواج آسان را فراهم کند. دختران و پسران جوانی که حفظ عفاف و پاکدامنی را اصل قرار داده‌اند، می‌توانند با کاستن از توقعات خود، یک زندگی مشترک ساده و صمیمی را با همکاری سایر اعضای خانواده آغاز کنند.



● با توجه به مشکلات یاد شده، برای این که ازدواج در زمان مناسب خود انجام شود و تأخیر آن به حداقل برسد، راه‌حل‌های پیشنهادی شما برای گروه‌های زیر چیست؟
 ۱- مسئولان جامعه ۲- پدرها و مادرها ۳- دختران و پسران



خواستگاری

معمولاً خواستگاری از طرف پسر اعلام و قبول و رضایت از طرف دختر صورت می‌گیرد. این سنت پسندیده بیانگر کرامت، عزت نفس و حیای دختر و نیز نشانه آن است که پسر است که باید سؤال و درخواست کند و دختر است که می‌تواند بپذیرد یا رد کند. به تعبیر دیگر، این پسر است که باید ابتدا محبت خود را اعلام کند و به دنبال دختر بیاید تا دختر این اعلام محبت را بررسی کند و پاسخ دهد. این به اقتضای احترام و برای حفظ عظمت و شخصیت دختر است. دختر به‌طور طبیعی و فطری، مردی را برای همسری می‌پسندد که به دنبال او بیاید و اعلام محبت و وفاداری کند.

البته، طرح خواستگاری از سوی مرد بدین معنا نیست که دختران همسر مناسب خود را انتخاب نکنند و مستقیم یا غیرمستقیم خود را به وی معرفی نمایند. این کار می‌تواند صورت گیرد اما باید شرایطی فراهم کرد که مرد درخواست ازدواج را به خانواده دختر بدهد تا در صورتی که امکان ازدواج فراهم نشد، کرامت و عزت نفس دختر حفظ شود.

نمونهٔ زیبای چنین موردی، ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با حضرت خدیجه پیش از نبوت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مکه به درست کاری و امانت داری مشهور بود و حضرت خدیجه این را می دانست اما پس از این که مال التجارهٔ زیادی در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار داد و ایشان را برای یک سفر تجاری به شام فرستاد و امانت داری و درست کاری ایشان را در عمل دید و اخلاق کریمانهٔ ایشان را مشاهده کرد، شیفتهٔ رفتار و اخلاق پیامبر شد. اما پیامبر به این موضوع توجهی نداشت تا این که حضرت خدیجه علاقه و محبت خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با کسانی از خویشان خود که با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز دوستی داشتند، در میان نهاد و آنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را مطلع کردند و دربارهٔ شخصیت ممتاز حضرت خدیجه با ایشان سخن گفتند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که حضرت خدیجه را همسری مناسب برای خود دید، به خواستگاری ایشان رفت و ازدواج این دو بزرگوار صورت گرفت.^۱

آیا دختران و پسران می توانند قبل از ازدواج دوستی خصوصی داشته باشند؟

در بسیاری از موارد دیده شده آنان که به تعبیر قرآن کریم، دارای قلبی مریض هستند^۲ و فقط به دنبال هوسرانی خود و سوء استفاده از طرف مقابل می باشند، به بهانهٔ ازدواج در آینده، از در دوستی وارد می شوند و پس از مدتی، بدون دلیل قانع کننده جدا می گردند و دوستی با دیگری را آغاز می کنند. شور و احساسات جوانی، گاهی آنقدر قوی است که فرصت رفتار عاقلانه را از انسان می گیرد و وقتی متوجه می شود که زمان را از دست داده و زیان تصمیم عجولانهٔ خود را دیده است. بهترین راه عبور سالم و بی خطر از دورهٔ تجرد و ورود به زندگی خانوادگی، اعتماد به راهنمایی خداوند و رعایت دستوراتی است که او به ما داده است. بنابراین شایسته است به نکات زیر توجه کنیم:

۱- هر انسانی، چه زن و چه مرد، کسی را برای همسری می پسندد که قبل از ازدواج عقیفانه زندگی کرده و با جنس مخالف رابطه نداشته باشد. زیرا می داند چنین کسی در طول زندگی مشترک هم به او خیانت نخواهد کرد.

۲- هر کس عفاف و پاکدامنی قبل از ازدواج را رعایت نکند و هوسرانی پیشه کند و عامل انحراف دیگری شود، کار او در جهان بی پاسخ نخواهد ماند و مکافات آن در همین دنیا به صورتی به خودش باز خواهد گشت و از جایی ضربه خواهد خورد که پیش بینی آن را نمی کند. این مکافات، علاوه بر مجازات سنگین اخروی است.

۱- یادداشت های استاد مطهری، ج ۵، ص ۱۱۰؛ سلام بر خورشید، سیدعلی اکبر حسینی، ج ۱، ص ۱۱ به بعد؛ زندگی حضرت

محمد صلی الله علیه و آله و سلم، سیدهاشم رسولی محلاتی، ص ۹۱.

۲- احزاب، ۳۲.

۳- پسران غیور، دختران دیگر را در جای خواهر خود قرار می‌دهند و همان‌طور که اگر نامحرمی از روی هوس قصد تعرض به خواهرشان را داشته باشد، غیرتشان به جوش می‌آید، همین حالت را نسبت به دختران دیگر دارند و به خودشان اجازه بی‌حرمتی به او را نمی‌دهند. زیرا در همان لحظه، خانواده خود را جلو چشم خود مشاهده می‌کنند.

۴- دختران باحیا و عقیف، همواره به فکر آنند که با همین حالت عفاف با همسر آینده خود روبه‌رو شوند و پاک وارد خانه همسر گردند. از این‌رو نمی‌گذارند هوسرانان متوجه آن‌ها شوند. این دختران به‌گونه‌ای در خیابان، مدرسه، دانشگاه و سایر مراکز عمومی رفت و آمد می‌کنند که کمتر کسی به خود اجازه می‌دهد به آنان بی‌حرمتی کند.

آنان که این اصل را رعایت نمی‌کنند، خودشان سبب تحریک حس شهوت دیگران می‌شوند و زمینه بی‌حرمتی به شخصیت خود را برای مردان هوسران فراهم می‌کنند. آیا شخصیت باکرامت و عفاف ما آن قدر ارزش ندارد که مقداری سختی را تحمل کنیم اما مانع بی‌حرمتی به خود شویم؟

۵- هر دختر و پسری در دوران تجرد باید همان‌گونه زندگی کند که آرزو دارد فرزندانش در آینده همان‌طور باشند و نیز انتظار دارد خواهر و برادرش همان‌گونه باشند. همان‌طور که گفته شد، نظام حاکم بر جهان خلقت، عکس‌العمل ضروری را در لحظه مناسب نسبت به کسی که خیانت می‌ورزد، نشان خواهد داد و این سنت خداست. این جمله که «خیلی‌ها هوسرانی کردند و ضربه‌ای ندیدند» برای فریب دادن افراد دیگر و پهن کردن دام‌های بعدی است. چوب خداوند صدا ندارد، اما ضربه آن قاطع و محکم در زمانی که گناهکار فکرش را هم نمی‌کند، وارد می‌شود.

۶- لذت واقعی زندگی را کسی می‌چشد که مطابق دستور خداوند، با عفت و حیا و با غیرت وارد زندگی مشترک شود. همه آنان که با فریب فریبکاران وارد فضای هوس‌آلود می‌شوند، پس از مدت کوتاهی دچار یک زندگی تلخ می‌گردند که تا پایان عمر گریبانشان را رها نمی‌کند.

۷- قرآن کریم به صورت قاطع مردان و زنان را از دوستی پنهانی با یکدیگر که باقی‌مانده دوران جاهلیت بود، منع می‌کند^۱ و از مرد و زن می‌خواهد که فقط طریق ازدواج را پیش بگیرند. زیرا عاقبت این‌گونه روابط زیان روحی و عاطفی برای هر کدام از زن و مرد و گسترش بی‌بندوباری در جامعه می‌شود.

۸- توبه بهترین راه رهایی از دام فریبکاران است. اگر یک بار احساس بر عقل غلبه کرد و گناهی از ما سرزد، نباید فریب دوم را هم خورد و نباید گفت «آب که از سرگذشت، چه یک و چه ده وجب» نه، توبه واقعی کاری می‌کند که انسان دوباره به پاکی اولی برسد. زیرا «نیکی‌ها از بین برنده بدی‌ها هستند.» (هود، ۱۱۴)

۱- مائده، ۵ و نساء، ۲۵.

۹- پس وظیفه جوانی که به بلوغ جنسی و عقلی رسیده، اما هنوز امکان ازدواج پیدا نکرده چیست؟
قرآن کریم درباره چنین جوانی می فرماید :

وَلَيْسَتَعَفِيفِ الَّذِينَ
راه عفاف را پیش گیرند کسانی که

لا يَجِدُونَ نِكَاحًا
امکان ازدواج برایشان نیست

حَتَّى يُعْزِنَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ تا خداوند نیاز آنان را برطرف سازد، از فضل خود.

نور، ۳۳

قرآن کریم هیچ راهی جز عفاف و پاکدامنی و مهار نفس را نمی پذیرد. زیرا خدایی که غریزه جنسی را به انسان داده، هم او به انسان نیروی ایمان و اراده ای بخشیده که بتواند خویشتن داری کند و مانع گناه شود. برای این که عفاف و مهار نفس آسان تر شود، می توان از اقدامات ۱۵ گانه ای که در درس قبل پیشنهاد شد، استفاده کرد.



۱- چهار مورد از مهم ترین معیارهای همسر شایسته را مشخص کنید.

۲- اگر فاصله ی بین بلوغ و ازدواج طولانی شود، چه مشکلاتی پیش می آید؟



مراسم عروسی، آغاز زندگی زن و مرد است. امروزه این مراسم با برنامه های مثبت و منفی و صرف هزینه های گوناگون برگزار می شود.

از آن جا که احتمالاً تاکنون در چند مراسم عروسی شرکت کرده اید، این موضوع را بررسی کنید.

۱- کدام یک از برنامه های این مراسم با احکام و دستورات الهی هماهنگ بوده است؟

۲- کدام یک از برنامه های آن با احکام و دستورات الهی هماهنگ نبوده است؟

درس ۱۶

کانون مهر

با انتخاب همسر ، زن و مرد گام اصلی را به سوی تشکیل خانواده برمی دارند و احساسی جدید در آن‌ها پدید می‌آید. بستگان و نزدیکان تلاش خود را برای برگزاری مراسم ازدواج آغاز می‌کنند و در سامان دادن به خانه و زندگی جدید آن‌ها را یاری می‌دهند. در همین حال، مسأله‌ای جدید این دو زوج را در اندیشه‌ای عمیق فرو برده است:

— چگونه می‌توانیم یک خانوادهٔ سعادتمند و خوشبخت را به وجود آوریم؟



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

وَالَّذِينَ آمَنُوا	وَالَّذِينَ آمَنُوا
وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ	وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ
أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ	أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ
وَمَا أَلْتَنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ	وَمَا أَلْتَنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ
كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ	كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ

طور، ۲۱

.....	وَقَضَىٰ رَبُّكَ
.....	أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ
.....	وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا
.....	إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ
.....	أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا
.....	فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ
.....	وَلَا تَنْهَرَهُمَا
.....	وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا

وَاحْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَبِهِ أَنْ دُو فَرَوْتَنِ كُن، از روی مهربانی؛
 وَقُلْ رَبِّ ارْحَمَّهُمَا و بگو: پروردگارا آن دو را ببخشای
 كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا آن گونه که مرا در کودکی پرورش دادند

اسراء، ۲۳ و ۲۴



به کمک عبارات زیر، ترجمه آیات را تکمیل کنید.

قَضَى: حکم کرد، فرمان داد يَبْلُغَنَّ: برسند كِبَر: پیری
كِلَاهُمَا: هر دوی آنها لَا تَنْهَرُهُمَا: ایشان را از خود مران

پیمان ازدواج

پیمان ازدواج که عقد نام دارد، تعهد رسمی و شرعی دختر و پسر برای تشکیل خانواده است. این پیمان چند شرط اصلی دارد که عبارت‌اند از:

- ۱- اعلام رضایت دختر و پسر و اجباری نبودن ازدواج برای هیچ کدام.
- ۲- اذن پدر برای ازدواج دختر.
- ۳- صدق یا مهریه زن.

در پیمان زناشویی، مرد به نشانه ارزشی که برای زن قائل است و اعلام صداقت خود در محبت به همسر، متعهد می‌شود که هدیه‌ای را به عنوان «مهر» به زن تقدیم کند. قرآن کریم از دو کلمه «نِحْلَةً» و «صِدْقًا» برای مهر استفاده کرده است.^۱ نحلّه به معنای هدیه و پیشکش و صدق به معنای نشانه صداقت و راستی است.

بنابراین، مهر و محبت پشتوانه اصلی تحکیم خانواده است نه مهریه که جنبه اقتصادی و مالی دارد. افزایش میزان مهریه‌ها نه تنها مانع جدایی نشده، بلکه آمارها نشان می‌دهد که طلاق در این گونه خانواده‌ها بیش تر است. به همین جهت، پیشوایان ما زنانی را که فقط با تعیین مهریه‌های زیاد و شرایط مالی سنگین حاضر به ازدواج می‌شوند، بی‌برکت دانسته‌اند.^۲

نقش همسران در زندگی مشترک

وقتی که یک دختر و پسر پیمان ازدواج می‌بندند و زندگی مشترک را آغاز می‌کنند، به معنای این

۱- نساء، ۴.

۲- من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، ص ۴۱۰.

است که نقش جدیدی را پذیرفته و به اجرای آن نقش متعهد شده‌اند. آنان می‌دانند که هر برنامه دیگری، نباید مسئولیت آن‌ها را نسبت به خانواده تحت الشعاع قرار دهد و بدان آسیب رساند. هم‌چنین، می‌دانند که زن و شوهر مکمل یک‌دیگرند و هریک باید نقش خود را انجام دهند. زن و مرد، در احساسات و عواطف و برخی دیگر از خصوصیات روحی و جسمی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. عدم آشنایی با این تفاوت‌ها سبب اختلاف سلیقه و انتظارات نابجا از یکدیگر می‌شود و زمینه رنجش را در همان آغاز ازدواج فراهم می‌کند. نقش‌ها و مسئولیت‌های زن و مرد باید متناسب با ویژگی‌های هر کدام باشد. مرد، برای زن خود همسر و برای فرزندانش پدر است و زن برای شوهر خود همسر و برای فرزندانش مادر است. بر این مبنا، مرد و زن دارای نقش‌های مشترک و اختصاصی‌اند.

یادآوری این نکته ضروری است که وقتی از نقش‌ها سخن می‌گوییم، منظورمان این نیست که هرکس فقط نقش خود را ایفا کند و به کمک دیگری برنخیزد. خانواده جایگاه همدلی و همیاری است و زن و مرد یار و مددکار یک‌دیگرند، در کارها با هم و با فرزندان مشورت می‌کنند، با پشتیبانی و همیاری یک‌دیگر کارها را به پیش می‌برند و در صورت ضرورت، یکی بار دیگری را هم بردوش می‌کشد. حضرت علی علیه السلام با این که مسئولیت‌های سنگین اجتماعی فراوانی داشت، هرگاه که به خانه می‌آمد، به کمک حضرت فاطمه علیها السلام می‌شتافت و کارهای داخل منزل را انجام می‌داد.

نقش مرد

۱- تأمین هزینه زندگی خانواده: در زندگی زناشویی، تأمین هزینه‌های لازم از جهت خوراک، پوشاک، مسکن و آنچه برای آسایش و رفاه شایسته همسر ضرورت دارد، بر عهده شوهر است. این وظیفه مالی که بر عهده مرد قرار می‌گیرد، از نظر شرعی و حقوقی، به پرداخت نفقه تعبیر شده است. در این‌جا باید توجه داشته باشیم که:

— شرط پرداخت نفقه، نیازمند بودن زن نیست، بلکه انجام وظایف همسری است. اگر زن ثروتمند هم باشد، باز هم این تکلیف بر عهده مرد است و اگر زن درآمد خود را در هزینه خانواده مصرف می‌کند، به همسر خود کمک کرده است که کمکی بسیار ارزشمند محسوب می‌شود و دارای پاداش اخروی است.

— در صورتی که مرد با وجود توانایی، نفقه را نپردازد و نیازهای همسرش را تأمین نکند، دادگاه اسلامی وظیفه دارد حق زن را بگیرد و به او باز دهد.

تأمین هزینه زندگی فرزندان نیز بر عهده مرد است. مرد وظیفه دارد از راه کار و کسب حلال، خوراک، پوشاک و مسکن فرزندان و سایر ابزار و وسایل زندگی آنان را فراهم کند. در هیچ کدام از این

موارد وظیفه و تکلیفی بر عهده زن نیست. این امر سبب می‌شود که زن بدون نگرانی و دغدغه کسب و کار به تربیت فرزندان بپردازد و برای آن برنامه‌ریزی کند و فرزندان سالم، درستکار، باتقوا و مفید برای جامعه تربیت نماید و این، ارزشمندترین کارهاست.

البته، اگر زن درآمد اقتصادی داشت، مالک آن است و تأمین هزینه‌های زندگی بر عهده او نیست.

۲- مدیریت و نگاهبانی از حریم خانواده: هر اجتماعی، هر چند کوچک، نیاز به مدیر و مسئول دارد. اگر مدیریت نباشد، تقسیم کار به خوبی صورت نمی‌گیرد و در هنگام بروز مشکلات، افراد آن اجتماع نقش خود را به خوبی ایفا نمی‌کنند. از این رو، خانواده نیز نیازمند مدیریتی است که مسئولیت را بپذیرد. نقش دیگر مرد، مدیریت خانواده و حفظ آن از خطرها و آسیب‌های درونی و بیرونی است. انجام درست این مسئولیت نیازمند برنامه‌ریزی، مشورت با سایر اعضای خانواده و استقامت در برابر ناملایمات است. مرد جوانی که تصمیم به ازدواج می‌گیرد، باید خود را برای اداره خانواده آماده کند و از انجام کارهایی که به مصلحت خانواده نیست و کانون گرم خانواده را خراب می‌کند، خودداری نماید. بنابراین، مرد باید زمینه رشد و تحصیل فرزندان را مهیا کند، لوازم آرامش روحی و آسایش همسر را برای ایفای نقش مادری به وجود آورد و در مقابل همه مشکلات بیرونی، از خانواده خود حفاظت کند.

۳- رابطه محبت آمیز با همسر: مرد باید محبت درونی خود را به همسر ابراز کند و از مخفی کردن آن بپرهیزد. همسر با شنیدن ابراز محبت مرد، اعتماد به نفس فوق‌العاده‌ای می‌یابد و توجه او به زندگی چند برابر می‌شود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

این گفته مرد به زن که «تو را دوست دارم» هیچ‌گاه از قلب او بیرون نمی‌رود.^۱

نیز می‌فرماید:

نشستن مرد در کنار همسر خود، پیش خداوند دوست‌داشتنی‌تر از اعتکاف و شب‌زنده‌داری

است.^۲

۴- محبت و نظارت پدری: پدر فقط نان‌آور خانواده نیست، بلکه باید با برقراری ارتباط درست با فرزندان، عواطف پدری را به آن‌ها منتقل کند، برای آینده آنان برنامه‌ریزی نماید، وقتی به نوجوانی و جوانی رسیدند، با آن‌ها مشورت کند، برای زندگی آینده، آن‌ها را آماده سازد، درد دل‌های آنان را بشنود و از هر جهت مراقب سرنوشت و آینده آن‌ها باشد.

۱- کافی، ج ۵، ص ۵۶۹.

۲- تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۱۲۲.

نقش زن

نقش زن در خانه، نقشی محوری است و اگر زن بتواند این نقش را به خوبی ایفا کند، بنای خانواده مستحکم و روابط اعضای خانواده ناگسستنی می‌شود. اکنون ببینیم که در خانواده چه نقش‌هایی برعهده زن است.

۱- همسر داری: زن، آرامش بخش زندگی مرد است. زن با گرمای وجود خویش به محیط خانه شادی و نشاط می‌بخشد، مرارت‌ها و خستگی‌ها را از همسر خود دور می‌کند و در سختی‌های روزگار در کنار او می‌ایستد. در چارچوب این رابطه سرشار از محبت، تمایلات جنسی زن و مرد ارضاء و نیازهای زندگی زناشویی برطرف می‌شود. با ارضای این تمایلات و نیازها، توجه به خارج از خانه از بین می‌رود و فساد اجتماعی کاهش می‌یابد.

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

جهاد زن، شوهرداری در بهترین شکل آن است.^۱

زیرا، همان‌طور که جهاد در جبهه، کشور را از هجوم بیگانه حفظ می‌کند، شوهرداری نیز کانون خانواده را از هجوم گناهان و ناملایمات نگه می‌دارد و جامعه را در مقابل فساد، آسیب‌ناپذیر می‌نماید.

۲- تدبیر امور خانه: با توجه به نقش مرد در تأمین هزینه خانواده و حراست کلی از آن، مدیریت داخلی خانه با زن است. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

مرد، مدیریت خانواده را برعهده دارد و زن، مدیریت داخل خانه را.^۲

این سخن بیانگر یک تقسیم کار طبیعی و اهمیت مدیریت داخل خانه و بیان‌کننده ارزش خانه‌داری است. متأسفانه، امروزه برخی از جایگاه این مدیریت، آگاهی ندارند و نمی‌دانند که این مدیریت داخلی، جمع‌کننده و پیوند دهنده پدر، مادر و فرزندان و نگه‌دارنده آن‌ها در زیر یک سقف است. زمانی که با دوراندیشی خود امور خانه را سامان می‌دهند محیطی برای رشد و بالندگی فرزندان و آرامش و نشاط همسر به وجود می‌آورند. آیا این نقش کوچک و بی‌اهمیت است؟

۳- مادری: مادر از زیباترین کلمات در همه فرهنگ‌هاست. مفهوم مادری، مجموعه‌ای از بهترین معانی را تداعی می‌کند: محبت، ایثار، شکیبایی، عفاف، پایداری، آرامش، قدردانی، احترام و بسیاری معانی زیبای دیگر.

هیچ کار دیگری را نمی‌توان با این نقش مقدس برابر دانست. دلیل آن هم روشن است. رشد

۱- نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۱۳۶ (جهاد المرء حُسْنُ التَّبَؤْلِ).

۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۳۹.

و بالندگی فرزند از ابتدای انعقاد نطفه در رحم تا مدت‌ها پس از تولد برعهدهٔ مادر است که با محبت، شکیبایی، فداکاری، خردمندی، عفاف و تقوای خود فرزند را به رشد متعادل و طبیعی می‌رساند. البته فداکاری و محبت مادر به فرزند، به خود او هم تعالی می‌بخشد و نشاط می‌دهد. بوسه‌ای که مادر بر گونهٔ فرزند می‌زند، نه تنها تزریق محبت به فرزند است، بلکه نوشیدن شربت گوارا برای مادر نیز هست. بیش‌تر شخصیت فرزند به دست مادر ساخته می‌شود و سرمایه‌های بزرگ روحی و نبوغ علمی و اجتماعی میوه‌های بذرهایی هستند که مادران مسئولیت‌شناس کاشته‌اند و با مراقبت شبانه‌روزی خود، آن‌ها را پرورده و رشد داده‌اند.

اکنون به عظمت این جملهٔ کوتاه، رسا و جاویدان پیامبر عزیز تریبی می‌بریم که فرمود:

الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ؛ بهشت زیر پای مادران است.^۱

به همین جهت هم هست که اسلام، وظیفهٔ تأمین معاش را از دوش مادران برداشته تا آنان بدون درگیری شغلی و مالی و با خیالی آسوده، مهر و محبت خود را تقدیم فرزندانشان کنند.

بررسی

● با توجه به این که دامان مادر مهد اصلی تربیت فرزند است، بررسی کنید:

۱- در چه مواردی می‌توان از مراکز عمومی تربیت کودک استفاده کرد؟

.....
.....

۲- چه تفاوتی میان تربیت این گونه مراکز و تربیت مادر وجود دارد؟

.....
.....

نقش مشترک: برنامه‌ریزی برای رشد و تعالی خود و فرزندان

همان‌طور که در درس‌های قبل آمد، مهم‌ترین هدف ازدواج، رشد اخلاقی و تعالی تمام اعضای

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۰.



خانواده است. نقش‌ها و مسئولیت‌های قبلی هریک از زن و شوهر برای رسیدن به این هدف است. از این رو، پدر و مادر باید با همکاری یکدیگر برای انجام این وظیفه بزرگ اقدام کنند و برای آن برنامه‌ریزی نمایند. یادآوری می‌کنیم که بدون مطالعه و آگاهی‌های قبلی و برنامه‌ریزی درست نمی‌توان به موفقیت چندانی رسید. در این برنامه باید به موارد زیر توجه شود:

- ۱- بهداشت جسمی و روحی فرزندان
- ۲- امکان دانش‌اندوزی، به‌خصوص برای فرزندان
- ۳- شکل‌گیری پایه‌های معنویت و اخلاق پسندیده و صفات شایسته در فرزندان
- ۴- تمرین آداب معاشرت و توانایی حضور شایسته و فعال در جامعه برای فرزندان
- ۵- ایجاد فرصت و فراغت برای رشد و تعالی زن و شوهر



موقعیت کنونی خانواده‌ها در جوامع امروزی را بررسی کنید و عواملی را که سبب دوری یا نزدیکی آن‌ها به اهداف بالا می‌شوند، برشمردید.

۱- عوامل مربوط به درون خانواده

.....

.....

۲- عوامل مربوط به بیرون خانواده

.....

.....

نقش فرزندان

هریک از ما در ذهن خود از پدر و مادر تصویری داریم که ممکن است با تصویر دیگران متفاوت باشد. این تصویر برگرفته از تجربه ما از زندگی با پدر و مادر است و می‌تواند در بردارنده افتخار و سربلندی، قدردانی و احترام، رضایت و خرسندی، یا ترحم و دل‌سوزی، یا سردی و بی‌اعتنایی و نارضایتی و انتقاد باشد.

در عین حال همه ما می‌کوشیم رضایت پدر و مادر را جلب کنیم، همان‌طور که خداوند به ما فرمان داده است حرمت آن‌ها را نگه داریم و دستوراتشان را تا آن‌جا که مخالف فرمان او نباشد، اطاعت کنیم. به تجربه دیده شده است که آن‌هایی که پدر و مادر خود را می‌رنجانند، در زندگی خوش‌بخت و کامروا نمی‌شوند و آنان که بدون چشم‌داشت، به پدر و مادر خدمت می‌کنند، زندگی موفق‌تری دارند. حفظ حرمت پدر و دستورات وی به قانون‌مند کردن فرزندان کمک می‌کند و محبت و احترام به مادر حس قدردانی و شکرگزاری را در آنان قوی‌تر می‌سازد.



پس از مطالعه آیات ابتدای درس وظایفی را که برای فرزندان بیان شده است، استخراج کنید.

.....

.....





چرا اسلام تأمین هزینه زندگی را فقط بر عهده مردان نهاده و زن را از این کار معاف دانسته است؟

موضوع نفقه، در کشورهای گوناگون شکل‌های پیچیده‌ای به خود گرفته است. از میان کشورهای که پرداخت نفقه را بر عهده مردان گذاشته‌اند، برخی استقلال اقتصادی زن را سلب کرده‌اند. در برخی کشورها این مسئله را به توافق زن و شوهر واگذار کرده و در بیش‌تر موارد، این هزینه را مشترک تعریف کرده‌اند. در این میان، به علت محبت شدید مادر نسبت به فرزند، به‌خصوص در مواردی که اختلاف یا جدایی پیش می‌آید، بار بیش‌تری بر عهده زن قرار می‌گیرد.

در مقررات اسلامی به‌طور روشن بیان شده است که هزینه زندگی زن و فرزند بر عهده مرد است؛ گرچه زن ثروت هنگفتی داشته باشد. این حکم اسلامی متناسب با همان نقش طبیعی پدر و مادر در خانواده و روحیات هر کدام است.

از آن‌جا که زن، به‌طور طبیعی صاحب دستگاہ حمل و شیر دادن فرزندان است، از آغاز بارداری و در تمام دوران کودکی، درگیر حمل، شیردهی و نگهداری کودک است. بدیهی است که کودک پس از این مدت هم به مراقبت و تربیت جسمی و روحی نیاز دارد و رشد جسمی، عاطفی و فکری او در دامن پر مهر مادر امکان‌پذیر است. این مهر و عاطفه سرشار و این مراقبت توأم با گذشت و فداکاری است که آن رشد را ایجاد می‌کند. حال، اگر قرار باشد مادر مسئولیت‌های سخت دیگری که خود هزاران دغدغه روحی و روانی به‌دنبال دارند بر عهده داشته باشد، عملاً از تمرکز بر وظیفه مادری بازمی‌ماند و دیگر نباید توقع داشت که در انجام وظیفه مادری موفق و سربلند باشد. البته از آن‌جا که گذاشتن تأمین هزینه زندگی بر عهده مردان از یک تقسیم کار طبیعی و عادلانه ریشه می‌گیرد، در صورت عدم توانایی مرد بر تأمین معاش، عواطف همسری ایجاب می‌کند که زن به کمک مرد بیاید و او را یاری دهد. این کار، هر چند وظیفه زن نیست اما اگر در حد توانایی او باشد و در عین حال، باعث غفلت از وظیفه اصلی یعنی نقش مادری و گرم نگه‌داشتن کانون خانواده نشود، پسندیده است. همچنین شایسته است در این موارد فرزندان نیز، در صورت توانایی به پدر خود کمک نمایند و او را در تأمین هزینه خانواده یاری دهند.

گام هفتم

.....

از کارهای مهمی که در آینده در پیش دارم انتخاب بمرکزگیل خانواده است.
برای این کار مهم از هم اکنون برنامه ریزی می کنم و اقدامات زیر را انجام
می دهم.

۱- می گویشم که امروز به عنوان فرزند خانواده وظیفه خودم را نسبت به
پدر و مادر و سایر اعضاء خانواده به خوبی بشناسم و انجام دهم.
۲- از هم اکنون به گونه ای رفتار کنم که در آینده نزد بمرکز خود به عنوان انسانی
عنیف و فادار و صادق شناخته شوم.

۳- تلاش می کنم در مدت باقی مانده تا ازدواج و تشکیل خانواده آگاهی های لازم
را برای یک زندگی متعالی و سعادتمند به دست آورم. و با بصیرت و
روشن بینی مسئولیت مهم همسری را بر عهده بگیرم.

۴- از خدای خواهم که مرا یاری دهد تا در آینده در انتخاب بمرکز، مراسم
ازدواج و زندگی مشترک به گونه ای عمل کنم که مطابق با رضایت او باشد.



مهر و ماه

ورود این جوان رشید، رسول خدا را خشنود کرد، دیدن علی بن ابیطالب، همیشه برای حضرت رسول الله دوست داشتنی و نشاط انگیز بود، اما این بار به شکل بارزتری چهره اش از شادمانی برافروخت و به علی علیه السلام خوش آمد گفت و بر روی او لبخند زد و گفت: ای ابوالحسن! برای چه کار آمده ای؟!

علی بن ابیطالب مقصود خویش را در هاله ای از حرمت و شرمندگی، با کلماتی کوتاه و احترام آمیز با رسول خدا در میان نهاد. رسول خدا که این جوان را به خوبی و کرامت می شناخت و راز آفرینش او را می دانست، به او گفت: ای علی! می دانی که پیش از تو کسان بسیاری از فاطمه خواستگاری کرده اند، اما من و او نپذیرفته ایم، اکنون بگذار ببینم او چه می گوید؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاست و به اتاق دیگر رفت و با آهنگی که خشنودی و پذیرش از آن شنیده می شد، موضوع را با دخترش فاطمه زهرا به مشورت نهاد: دخترم! علی را می شناسی، پیوند او را با من می دانی، از فضیلت و سبقت او در اسلام آگاهی، اکنون در پاسخ خواستگاری او چه می گویی؟

فاطمه - در یک درخشش روحی - به گذشته نگریست و همه جا علی را با پدرش رسول خدا، یار و یاور و همراه دید. در این نگاه به گذشته تابلوهای زیبا و درخشانی از فداکاری‌ها، فضیلت‌ها، شجاعت‌ها و کرامت‌های او را مشاهده کرد. با مرور گذشته و زنده شدن آن خاطره‌های زیبا، چهره‌اش نورانی‌تر و شاداب‌تر از گذشته شد و جلوه آن درخشش روحی بر چهره زیبای فاطمه فزونی گرفت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که به چهره نورانی و با حیای دخترش چشم دوخته بود، نشانی از رضایت و قبول را در نیم‌رخ چهره او دید.

- الله اکبر، الله اکبر! رضایت او در سکوت و حیای او پیداست.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از پیش دخترش بازگشت، چشمانش از اشک شوق لبریز بود، روشنایی، رضایت و خشنودی در نگاه متین و آرامش نمایان بود، و اگر علی سر برمی‌داشت و به چهره و چشمان رسول خدا می‌نگریست، این همه را با یک نگاه می‌دید. امام علی از شرم و حیا و از حرمت و حشمت حضرت رسول الله سر فروافکنده بود و در اندیشه خویش نعمت‌های خدا را برمی‌شمرد و شکر می‌گفت و اکنون خدا نعمت عظیم دیگری بر او می‌بخشید، ازدواج با فاطمه، دختر رسول خدا موهبتی عظیم و آسمانی بود که خدا برای او مقدر کرده بود.

- ای علی! می‌خواهی بشارتی به تو بدهم و رازی را بر تو آشکار سازم؟

- پدر و مادرم فدای شما یا رسول‌الله! شما همیشه نیکخوی و خوش‌خبر بوده‌اید.

- پیش از آن که به نزد من بیایی، جبرئیل فرود آمد و فرمان خدا را در مورد ازدواج تو با فاطمه آورد و مژده داد که مجلس جشن این ازدواج در آسمان برپا می‌شود... خوب! علی جان! بگو ببینم چه چیزی را مهریه دخترم قرار می‌دهی؟ علی سرش را بالا آورد، ابروانش را اندکی به هم فشرد، چشم‌هایش چون دو گوهر نمایان شد، در هاله‌ای منور از آرم، گفت: یا رسول‌الله! آن‌چه دارم بر شما پنهان نیست، زرهی از غنایم جنگ بدر دارم، شمشیری و شتری، از مال دنیا فعلاً چیز دیگری ندارم.

- علی جان! شمشیر را برای دفاع و جهاد می‌خواهی و شتر را برای آبیاری خرما بستان

احتیاج داری، زره را مهریه فاطمه قرار بده.

علی بن ابیطالب علیه السلام زره را به فروش رساند و قیمتش را به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورد و پول‌ها را در دامن رسول خدا ریخت.

رسول خدا بی آن که بپرسد یا بشمارد، کفی از آن را برداشت و به بلال داد و فرمود: «برای دخترم فاطمه، عطر و بوی خوش خریداری کن.» و مقدار بیش‌تری را با دو کف دست برداشت و به چند صحابی دیگر داد که برای زهرا علیها السلام وسایل زندگی و جهیزیه خریداری کنند و بقیه را هم برای فاطمه ذخیره کرد.

چند روزی گذشت و جشن ازدواج فاطمه و علی برگزار شد. رسول خدا در حضور مهاجران و انصار با تبسم و شادی خطبه عقد را آغاز کرد. پس از سپاس و ستایش خداوند و بیان نعمت‌های الهی و وجوب پیوند زناشویی فرمود: «هان ای مردم! خدا مرا امر فرموده که فاطمه را به ازدواج علی درآورم و من او را به مهریه معین به عقد علی درآوردم. ای علی! راضی هستی!» علی بن ابیطالب که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بود، و سرش را اندکی به جلو خم کرده و چشمان سیاهش را به زمین دوخته بود، به آرامی رو به رسول خدا کرد و گفت: آری! یا رسول‌الله! راضی هستم. همگی ابراز شادمانی کردند.



فاطمه – دختر جوان و عفیف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم – خود را برای یک زندگی نمونه و سرافراز در خانه پسرعمویش آماده می‌کرد. علی بن ابیطالب نیز خانه‌ای را در نزدیکی‌های قبا برای مراسم عروسی و زندگی مشترک آماده کرده بود.

پس از گذشت یک ماه از مراسم عقد فاطمه علیها السلام، ام‌سلمه شوق علی بن ابیطالب را به رسول خدا اعلام کرد و گفت:

– یا رسول‌الله! علی بن ابیطالب برادر و پسرعموی شما، دوست دارد همسرش فاطمه را به خانه خود ببرد.

– پس چرا خود سخنی نگفته است؟

– یا رسول‌الله، آزر و حیا او را از این تمنا باز داشته است.

پس از این گفتگو انتظار علی بن ابیطالب به سر آمد و رسول خدا به او فرمود: ای علی! خدا چه همسر نیکویی نصیب کرده است، بهترین زنان عالم را به همسری تو در آوردم، خدا مبارک گرداند. دوست داری همسرت را با خود به خانه ببری؟
علی بن ابیطالب گفت: آری! یا رسول الله!

— پس به زودی مراسم عروسی و زفاف را فراهم می کنیم. اما علی جان! می دانی عروسی، بی ولیمه و اطعام مؤمنان نمی شود. من دوست دارم امتم نیز در مراسم عروسی به مردم غذا بدهند و میهمانی و پذیرایی کنند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به زنان فرمود که فاطمه را در شب عروسی بیارند و عطر و بوی خوش به کار برند و پیراهن نو و زیبایی برای او بدوزند و بر او بپوشانند. وقتی فاطمه لباس زیبای عروسی را پوشید، زنان گفتند: ای کاش خدیجه بانو بود و فاطمه اش را در لباس عروسی می دید.

پذیرایی از میهمانان به پایان خود نزدیک شد، علی و فاطمه آمدند و در دو طرف رسول خدا نشستند، حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم با چشمان پاک و مهربانش، نگاهی به لباس نو و زیبا، به صورت و چشمان فاطمه افکند. نگاه دیگری به چهره رشید و مصفا و قیافه روشن و شکوهمند علی کرد و آن گاه هر دو بازویش را چون دو بال پرنده ای سبکبال و بلند پرواز گشود، دست در گردن عروس و داماد افکند، آن دو را در آغوش گرفت و به آرامی نزدیک آورد و سرهاشان را به سینه خویش فشرد و در همین حال بر پیشانی هر دو بوسه زد:

خدایا! تو خود گواه باش که من اینان را دوست می دارم و با دوستانشان دوست هستم و با دشمنانشان دشمنم، سپس دست خویش را گشود و پایین آورد. با دست راست دست علی را گرفت و با دست چپ دست فاطمه را و به این ترتیب با کمال شوق و مهربانی، دست نوعروس را در دست داماد نهاد و فاطمه را به علی و علی را به فاطمه و هر دو را به خدا سپرد. سکوتی برقرار شد، چهره فاطمه و علی با نیمه لبخندی شکفت، فاطمه سر فرو افکند و چشمانش را فروهسته داشت. رسول خدا با این رفتار به اسرار بسیاری اشاره کرد، که راز خلقت در این وصلت آسمانی نهفته بود.



خورشید غروب کرد، وقت نماز فرا رسید. پس از اقامه نماز، عروس را بر استری سوار کردند و شادی کنان و سرودخوانان به سوی خانه علی بن ابیطالب روان شدند. آن شب مانند بامداد بهاران، خرم و درخشان بود.

زمام استر را سلمان به دوش می کشید و پیشاپیش کاروان به آرامی قدم برمی داشت، بسیار آهسته پیش می رفت، چنان که گویی قایقی را بر امواج دریاچه ای آرام هدایت می کند. پرندگان که گویا در این شب دیرتر به آشیانه می رفتند، گهگاه نغمه شادمانه ای می سرودند و بر بالای کاروان پرواز می کردند.

زن ها با هم اشعاری را زمزمه می کردند :
ای همراهان من، بروید به یاری خدای متعال،
و سپاس گوید خدا را در هر حال،
به یاد آورید که خدای بزرگ بر ما منت نهاد،
و از بلاها و آفت ها نجات داد.
کافر بودیم، راهنماییمان کرد.
فرسوده بودیم، توانامان فرمود.
بروید همراه بهترین زنان
که فدای او باد همه خویشاوندان.
ای دختر کسی که خدای جهان، او را بر دیگران برتری داد
به نبوت و رسالت و وحی آسمان.



به خانه داماد رسیدند. رسول خدا ﷺ وارد حجله شد و فاطمه را در کمال زیبایی و متانت دید، جز این که پیراهنش کهنه و شاید وصله دار هم بود.

— شگفتا! چرا پیراهن نو و زیبای عروسی را که برای تو دوخته بودند، نوشیده ای؟!
— پدر جان! آن را قبل از حرکت به زن فقیر و مستمندی که تمنای لباس می کرد، بخشیدم، ابتدا می خواستم پیراهن کهنه را به او ببخشم، ولی گویی آهنگ خوش تلاوت قرآن

شما را شنیدم که این آیه را قرائت می‌کردید :

«هرگز به نیکی نرسید، مگر آن که از آنچه دوست می‌دارید انفاق کنید.»^۱

چشمان رسول خدا ﷺ غرق اشک شد، در چشم فاطمه زهرا نیز برق اشک درخشید. فاطمه نگاهش را به آرامی بالا آورد، پدر به چشم پر اشک زهرا نگاه کرد. نگاهش درهم آمیخت و قطرات اشک از چشم‌ها فروچکید.

این اشک شوق و ایمان بود.

در این هنگام جبرئیل فرود آمد و به محضر رسول خدا ﷺ مشرف شد و گفت : یا رسول‌الله! پروردگارت سلام می‌رساند و مرا نیز فرمان داده که به فاطمه سلام برسانم و این هدیه را تقدیم او کنم. و آن‌گاه پارچهٔ بسته‌ای را گشود و جامه‌ای از دیبای سبز بهشتی که با خود از آسمان آورده بود، تقدیم فاطمه نمود...





ردیف	نام کتاب	نویسنده	مترجم	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۱	آخرین راز شاد زیستن	اندرو متیوس	وحید افضلی راد	نیریز	خانواده	۱۶ تا ۱۴	معلم
۲	آفتاب اندیشه (راهنما ج ۲ و ۳)	حسین سوزنجی	-	انتشارات مدرسه	نبوت	۵ تا ۱	معلم/دانش آموز
۳	آیین شوهرداری	دکتر لورا شلزینگر	مهدی قراچه داغی	انتشارات البرز	خانواده	۱۶ تا ۱۴	معلم/دانش آموز
۴	آیینة موعود	علی دژاکام		بزهشکده فرهنگ و معارف	امام زمان (عج)	۱۰ و ۹	معلم/دانش آموز
۵	اخلاق در خانواده	سیدعلی اکبر حسینی		انتشارات اسلامی	خانواده	۱۶ تا ۱۴	معلم
۶	از همدلی تا همراهی (۴ جلد)	جواد محدثی		کیهان	خانواده - دوستی	۱۶ تا ۱۴	دانش آموز
۷	اسلام و فمینیسم	مجموعه مقالات		بزهشکده فرهنگ و معارف	خانواده	۱۶ تا ۱۴	معلم
۸	اسلام و کثرت گرایی دینی	محمد لگن هاوزن	زرگس جواندل	مؤسسه فرهنگی طه	نبوت	۵ تا ۱	دانش آموز
۹	اصول اعتقادی و دستورات دینی	علامه طباطبایی		مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن	نبوت و امامت	۱۰ تا ۱	دانش آموز
۱۰	اصول عقاید	محسن قرائتی		بوستان کتاب	اخلاق خانواده	۱۶ تا ۱۴	دانش آموز
۱۱	الفبای زندگی	جواد محدثی		سازمان تبلیغات اسلامی	خانواده	۱۶ تا ۱۴	معلم/دانش آموز
۱۲	انتخاب همسر	ابراهیم امینی		نشر نیایش	نبوت	۴	معلم
۱۳	انجیل بزبان	علامه سید محمد حسین	حیدرقلی سردار کابلی	حکمت	امامت	۱۱ تا ۶	معلم
۱۴	امام‌شناسی (تمام مجلدات)	حسینی طهرانی		بوستان کتاب قم	خانواده	۱۶ تا ۱۴	دانش آموز
۱۵	این گونه بانسیم	جواد محدثی		صدرا	امامت	۱۱ تا ۶	معلم
۱۶	امامت و رهبری	استاد مطهری		مرکز نشر اسراء	نبوت	۵ تا ۱	معلم
۱۷	انتظار بشر از دین	آیت‌الله جوادی آملی		انتشارات یمین	نبوت	۵ تا ۱	معلم
۱۸	پلورالیزم دینی و استبداد روحانیت	محسن غرویان		انتشارات حضور	امام زمان	۱۰ و ۹	دانش آموز
۱۹	پیدای بنهان	پورسیدآقایی		مؤسسه فرهنگی موعود	امام زمان	۱۰ و ۹	معلم/دانش آموز
۲۰	پیشگویی‌ها و آخرالزمان	اسماعیل شفیع سروستانی		کانون اندیشه جوان	حکومت اسلامی	۱۲ و ۱۱	معلم
۲۱	پیشینه تاریخی ولایت فقیه	احد جان‌بزرگی		انتشارات مدرسه	امامت	۱۱ تا ۶	معلم/دانش آموز
۲۲	تاریخ سیاسی ائمه (ع)	جواد محدثی		نشر الهادی	امامت	۱۱ تا ۶	معلم
۲۳	تاریخ سیاسی اسلام	رسول جعفریان		انتشارات کیهان	تمدن غرب	۱۶ تا ۱۴	معلم/دانش آموز
۲۴	تجارت شیطانی	ایرج تبریزی		اسراء	امامت	۶	معلم
۲۵	تجلی ولایت در آیه تطهیر	جوادی آملی		مؤسسه فرهنگی طه	قرآن	۴	معلم
۲۶	تدوین قرآن	علی کورانی		انتشارات نبوغ	نبوت	۵ تا ۱	معلم
۲۷	تنزیه انبیاء	آیت‌الله معرفت					

ردیف	نام کتاب	نویسنده	مترجم	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۲۸	تقویم عبادی	مهدی مهریزی		سازمان تبلیغات اسلامی	برنامه زندگی	۱۳	معلم/دانش آموز
۲۹	جوانان و انتخاب همسر	علی اکبر مظاهری		سازمان تبلیغات اسلامی	خانواده	۱۴ تا ۱۶	معلم/دانش آموز
۳۰	چشم دل	جواد محدثی		سازمان تبلیغات اسلامی	برنامه زندگی	۱۳	دانش آموز
۳۱	حقوق زن	حمید کریمی		کانون اندیشه جوان	خانواده	۱۴ تا ۱۶	معلم/دانش آموز
۳۲	حکومت و مشروعیت	سجاد ایزدی		کانون اندیشه جوان	حکومت اسلامی	۱۴ تا ۱۶	معلم/دانش آموز
۳۳	حماسه حسینی	شهید مطهری		صدرا	امامت	۷ و ۸	معلم/دانش آموز
۳۴	خانواده متعادل	محمد رضا شرفی		انجمن اولیاء و مربیان	خانواده	۱۴ تا ۱۶	معلم/دانش آموز
۳۵	خانه پریان	تورج زاهدی		نیستان	عرفان، هدف زندگی، برنامه ریزی	۱۳	دانش آموز
۳۶	خورشید مغرب	محمد رضا حکیمی		دفتر نشر فرهنگ اسلامی	امام زمان	۹ و ۱۰	معلم/دانش آموز
۳۷	داستان پیامبران	موسوی گرمارودی		قدیانی	نبوت	۱ تا ۴	دانش آموز
۳۸	دختران آفتاب	امیر حسین بانکی و ...		انتشارات سروش	خانواده	۱۴ تا ۱۶	دانش آموز
۳۹	در برتو ولایت	مصباح یزدی		مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی	ولایت فقیه	۱۱ و ۱۲	معلم
۴۰	در کوچه باغ آسمان	علی اصغر حسینی تهرانی		گنج معرفت	تقویت اراده و نفس	۱۳	معلم/دانش آموز
۴۱	دین و دولت	علی ربانی گلپایگانی		پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی	ولایت فقیه	۱۱ و ۱۲	معلم
۴۲	رابطه دوستی و محبت	احمد مطهری		دفتر انتشارات اسلامی قم	برنامه زندگی	۱۳	دانش آموز
۴۳	رهبری امت	جعفر سبحانی		انتشارات مؤسسه امام صادق (ع)	ولایت فقیه	۱۱ و ۱۲	معلم
۴۴	رمز پیروزی مردان بزرگ	جعفر سبحانی		نسل جوان	برنامه زندگی	۱۳	معلم/دانش آموز
۴۵	روابط انسان	محمد اصف محسنی		حرکت اسلامی	برنامه زندگی	۱۳	معلم
۴۶	روح زن	جینا لمبروزو	بری حسام شهرتیس	دانش	خانواده	۱۴ تا ۱۶	معلم/دانش آموز
۴۷	روش‌ها	جواد محدثی		معروف	برنامه زندگی	۱۳	دانش آموز
۴۸	حق و باطل	استاد مطهری		انتشارات اسلامی	آینده جهان	۱۰	معلم/دانش آموز
۴۹	زن از نگاه روشنفکران	زهرا تنشکری		مرکز مطالعات زنان	خانواده	۱۴ تا ۱۶	معلم/دانش آموز
۵۰	زن در آینه جلال و جمال	جوادی آملی		اسراء	خانواده	۱۴ تا ۱۶	معلم

ردیف	نام کتاب	نویسنده	مترجم	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۵۱	زندگانی حضرت محمد(ص)	سیدهاشم رسولی محلاتی		دفتر نشر فرهنگ اسلامی	نبوت	۴ و ۵	معلم/دانش آموز
۵۲	زن کامل	مارابل مورگان		دفتر نشر فرهنگ اسلامی	خانواده	۱۴ تا ۱۶	دانش آموز
۵۳	سلام بر خورشید(۴ جلد)	سیدعلی اکبر حسینی		سازمان تبلیغات اسلامی	خانواده	۱۴ تا ۱۶	دانش آموز
۵۴	«سندس» دختری در جست‌وجوی حقیقت	بنت‌الهدی صدر	محسن عابدی				
۵۵	اهمال کاری	مرضی آقانهزانی		موسسه آموزشی امام خمینی (ره)	خانواده		معلم/دانش آموز
۵۶	سیاست‌نامه امام علی(ع)	محمد مهدی ری‌شهری	مهدی مهریزی	دارالحدیث	امامت	۶ تا ۸	معلم/دانش آموز
۵۷	سیره پیشوایان	مهدی پیشوایی		انتشارات مؤسسه امام صادق(ع)	امامت	۶ تا ۱۰	معلم/دانش آموز
۵۸	سیره رسول اکرم در قرآن ج ۸ و ۹ تفسیر موضوعی	جوادی آملی		اسراء	نبوت	۱ تا ۶	دانش آموز
۵۹	سیری در سیره ائمه اطهار	استاد مطهری		صدر	امامت	۶ تا ۱۰	معلم/دانش آموز
۶۰	شیعه در اسلام	علامه طباطبایی		بوستان کتاب	امامت	۶ تا ۱۰	معلم
۶۱	شیطان پرستی	جواد امین خندقی		آفتاب توس	انسان‌شناسی	۱	معلم/دانش آموز
۶۲	صحیفه عصمت	حسن یوسفیان		کانون اندیشه جوان	نبوت	۳	معلم/دانش آموز
۶۳	صبح امید	جواد محدثی		بوستان کتاب	امام زمان	۹ و ۱۰	دانش آموز
۶۴	صلح امام حسن(ع)	شیخ راضی آل‌یاسین	آیت‌الله خامنه‌ای	بوستان کتاب	امامت	۶ تا ۸	معلم/دانش آموز
۶۵	عصارة خلقت	جوادی آملی		مرکز نشر اسراء	امام زمان	۹ و ۱۰	معلم/دانش آموز
۶۶	فروع ابدیت	جعفر سبحانی		بوستان کتاب	امامت	۶ تا ۱۰	معلم/دانش آموز
۶۷	قبسات (مجله) شماره ۳۳			بزرهوشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی	امام زمان	۹ و ۱۰	معلم/دانش آموز
۶۸	قرآن از دیدگاه ۱۱۴ دانشمند جهان	محمد مهدی علیقلی		نشر سینا	قرآن	۴	معلم/دانش آموز
۶۹	قرآن و آخرین پدیده‌های علمی	جعفر رضایی فر		انتشارات فوزان	قرآن	۴	معلم/دانش آموز
۷۰	قرآن و آخرین پیامبر	آیت‌الله مکارم شیرازی		دارالکتب الاسلامیه	قرآن	۴	معلم/دانش آموز
۷۱	قلمرو پیامبران	احد فرامرز قراقلی		کانون اندیشه جوان	نبوت	۱ تا ۵	معلم/دانش آموز
۷۲	قیام و انقلاب مهدی (عج)	استاد مطهری		انتشارات صدر	امام زمان	۹ و ۱۰	معلم/دانش آموز

ردیف	نام کتاب	نویسنده	مترجم	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۷۳	کشتی پهلو گرفته	سید مهدی شجاعی			خانواده	۱۴ تا ۱۶	دانش آموز
۷۴	کتاب زنان (همه مجلات)			شورای فرهنگی اجتماعی زنان	خانواده	۱۴ تا ۱۶	معلم
۷۵	کتاب نقد، مجله شماره ۱۲، حقوق خانواده			مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر	خانواده	۱۴ تا ۱۶	معلم
۷۶	کتاب نقد، مجله شماره ۱۷، فمینیسم			مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر	خانواده	۱۴ تا ۱۶	معلم
۷۷	گفتمان حکومت دینی	عباس یزدانی		مؤسسه فرهنگی طه	حکومت اسلامی	۱۱ و ۱۲	معلم
۷۸	گل‌ها همه آفتابگرداند	قیصر امین پور		نشر مروارید	شعر	بیشتر درس‌ها	دانش آموز
۷۹	ماه مهر پرور	مصطفی دلشاد تهرانی		نشر دریا	امامت	۶ تا ۱۱	دانش آموز
۸۰	مجموعه آثار، ج ۲	استاد مطهری		انتشارات صدرا	امامت	۶ تا ۱۱	معلم/دانش آموز
۸۱	مردم سالاری دینی			مؤسسه فرهنگی قدر ولایت	حکومت اسلامی	۱۱ و ۱۲	معلم/دانش آموز
۸۲	مسیح یهودی و فرجام جهان	رضا هلال	قبس زعفرانی	هلال	امام زمان	۹ و ۱۰	معلم/دانش آموز
۸۳	مصلح جهانی	سیدهادی خسروشاهی		انتشارات اطلاعات	امام زمان	۹ و ۱۰	معلم/دانش آموز
۸۴	معجزه اراده	وینسنت پیل	وجیهه آزرمی	برنامه زندگی		۱۳	دانش آموز
۸۵	نامه‌ای به خواهرم	مهدی عدالتیان		نشر شاملو - مؤسسه فرهنگی موعود	خانواده	۱۴ تا ۱۶	معلم/دانش آموز
۸۶	نشانه‌های پایان	علی فاطمیان		سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	امام زمان	۹ و ۱۰	معلم/دانش آموز
۸۷	نظام حقوق زن در اسلام	استاد مطهری		انتشارات صدرا	خانواده	۱۴ تا ۱۶	معلم
۸۸	نقش ائمه در احیاء دین	علامه مرتضی عسکری	تنظیم: محمدعلی جاودان	واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت	امامت	۶ تا ۱۱	معلم/دانش آموز
۸۹	نگاه تا نگاه	جواد محدثی		رشد	خانواده	۱۴ تا ۱۶	دانش آموز
۹۰	نهج البلاغه	علی شیروانی				۷ و ۸	معلم/دانش آموز
۹۱	هدف زندگی	شهید مطهری		انتشارات صدرا	برنامه زندگی	۱۳	معلم/دانش آموز
۹۲	هفت عادت خوب خانواده	استفان کاری	سوسن ملکی	نشر مادر	خانواده	۱۴ تا ۱۶	معلم/دانش آموز
۹۳	همگام با رسول	جواد محدثی		ام ایها	پیامبر	۳ تا ۵	دانش آموز
۹۴	همسر اگر این گونه می بود	راضیه محمدزاده		مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر	خانواده	۱۴ تا ۱۶	معلم/دانش آموز

ردیف	نام کتاب	نویسنده	مترجم	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۹۵	ولایت در قرآن	جوادی آملی		اسراء	امامت و حکومت اسلامی	۶ تا ۱۲	معلم
۹۶	ولایت فقیه	جوادی آملی		مؤسسه فرهنگی قدر ولایت	حکومت اسلامی	۱۱ و ۱۲	معلم/دانش آموز
۹۷	ولایت از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی						
۹۸	ولایت فقیه (حکومت اسلامی)	امام خمینی (ره)		مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)	حکومت اسلامی	۱۱ و ۱۲	معلم/دانش آموز
۹۹	ولایت فقیه	محسن شیخ الاسلامی		کانون اندیشه جوان	حکومت اسلامی	۱۱ و ۱۲	معلم/دانش آموز
۱۰۰	ولایت فقیه	مهدی هادوی تهرانی		کانون اندیشه جوان	حکومت اسلامی	۱۱ و ۱۲	معلم/دانش آموز
۱۰۱	نسیم اندیشه (پرسش و پاسخ‌ها)	جوادی آملی		مرکز نشر اسراء	مجموعه موضوعات	تمام درس‌ها	معلم/دانش آموز



معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را در باره مطالب
این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۴۸۷۴/۱۵۸۷۵ - گروه درسی مربوط و یا پیام نگار (Email)
talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفترتالیف کتاب های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

اصلاحیه قرآن و تعلیمات دینی (۳) دین و زندگی - سال سوم دبیرستان - کد ۲۵۱

۱- ص ۱۲، در بند ۳ با عنوان «کشف راه درست زندگی»، از خط سوم به بعد اینگونه تغییر می یابد :

انسان می داند که اگر راه درست زندگی را انتخاب نکند، به آن هدف برتری که خداوند در خلقت او قرار داده، نخواهد رسید و در آخرت دچار خسران خواهد شد، بلکه نخواهد توانست زندگی فردی خود در دنیا را نیز به خوبی تنظیم نماید و یک جامعه عادلانه به وجود آورد. اما راه درست زندگی کدام است؟ چگونه می توان آن را به دست آورد؟

۲- ص ۲۳ ترجمه آیه ۱۲۴ سوره انعام به این صورت تغییر یافته است : خدا داناتر است که رسالت خود را برعهده چه کسی بگذارد.

۳- ص ۳۳ در قسمت سوم با عنوان «اختیارات حاکم و نظام اسلامی» از خط دوم به بعد اینگونه تغییر یافته است : تحولات و مسائل اجتماعی گاهی شرایط خاصی را در جامعه اسلامی پدید می آورد که نیازمند قوانین و مقررات ویژه آن شرایط است. به طور مثال صنعت بیمه و بانکداری از نیازهای زندگی امروزه است که حاکم اسلامی در چارچوب قوانین اسلام آنها را به اجرا درمی آورد.

۴- ص ۵۰ در ترجمه آیه ۶۰ سوره نساء، عبارت «گمراهی دور» به «گمراهی سخت» تغییر یابد.

۵- ص ۵۵ در قسمت «ولایت معنوی، برترین مقام پیامبر» خط پنجم به بعد به این شکل تغییر می یابد :

رسول خدا (ص) با انجام وظایف عبودیت و بندگی و در مسیر قرب الهی به مرتبه ای از کمال نائل شد که می توانست عالم غیب و ماورای طبیعت را مشاهده کند و واسطه فیض خالق به مخلوق شود و به اذن الهی در عالم طبیعت تصرف نماید. به طور مثال،.....

۶- در درس ۵، آیه ۵۵ سوره مائده (ص ۵۹)، آیه ۳۳ سوره احزاب (ص ۶۰)، حدیث «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ...» ص ۶۱ و حدیث ثقلین (ص ۶۷) ستاره دار هستند و باید حفظ گردند.

۷- ص ۷۲ در بخش اندیشه و تحقیق سؤال زیر اضافه می گردد :

چرا کلمه «مَوْلَى» در حدیث غدیر به معنای سرپرست است، نه دوست؟

۸- ص ۸۵ ترجمه آیه ۱۴۴ آل عمران (خط چهارم) به این صورت تغییر یابد : آیا شما به دین گذشتگان خود برخواید گشت؟

۹- ص ۹۶ در قسمت ترجمه، کلمه «إن : نیست، نه» اضافه شود.

۱۰- ص ۱۰۵ خط چهارم بند ۹ به این صورت تغییر یابد : امام حسن عسکری (ع) نیز در همین محل و به همین ترتیب به شهادت رسید. با وجود همه این سخت گیری ها، این سه امام بزرگوار معارف بازمانده از پدران گرامی خود را حفظ کردند و از طریق شاگردان به نسل های بعد رساندند و مانع نابودی مکتب اهل بیت شدند.

۱۱- ص ۱۳۳ ترجمه آیه ۱۲۲ سوره توبه به صورت زیر اصلاح شود :

و نمی شود مؤمنان که همگی اعزام شوند

پس چرا اعزام نشوند از هر گروهی،

جمعی از آنها

تا دانش دین بیاموزند،

و مردم خویش را هشدار دهند،

آنگاه که به سوی آنها بازگردند؛

تا مواظبت و توجه کنند.

۱۲- ص ۱۴۱ در بخش «اندیشه و تحقیق» این دو سؤال اضافه شود :

۵- انتخاب ولی فقیه در کشور ما چگونه انجام می گیرد و مردم از چه طریقی در انتخاب ایشان

دخالت دارند؟

۶- چگونه ولایت فقیه می تواند زمینه ساز حکومت حضرت مهدی (عج) باشد؟

۱۳- ص ۱۴۳، آیه ۱۵۹ سوره آل عمران، آیه به شکل زیر اصلاح شود :

..... و لو كنتَ فظًّا غليظَ القلب.....

۱۴- ص ۱۷۵ ترجمه آیه ۲۱ سوره روم به این صورت اصلاح شود :

همسرانی از جنس خودتان

۱۵- ص ۲۰۱، ترجمه آیات ۲۳ و ۲۴ سوره اسراء به شکل زیر تغییر یابد :

و به آن دو فروتنی کن،

از روی مهربانی؛

و بگو : پروردگارا آن دو را بیخشی

آنگونه که مرا در کودکی پرورش دادند.